

**پژوهش‌های جامعه‌شناختی**

**سال هجدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳**

**صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار**

**مدیر مسئول: دکتر سهیلا علی‌رضا نژاد**

**سر دبیر: دکتر سید محمد صادق مهدوی**

**مدیر داخلی: دکتر سروش فتحی**

**نظارت: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار**

**اعضای هیأت تحریریه:**

|                           |   |
|---------------------------|---|
| دکتر باقر ساروخانی        | استاد دانشگاه تهران                           |
| دکتر علی اکبر فرهنگی      | استاد دانشگاه تهران                           |
| دکتر مهر داد نوابخش       | استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات |
| دکتر علیرضا کلدی          | استاد دانشگاه توانبخشی و بهزیستی              |
| دکتر خدیجه سفیری          | استاد دانشگاه الزهرا                          |
| دکتر سیده محمد صادق مهدوی | استاد دانشگاه شهید بهشتی                      |
| دکتر منصور وثوقی          | استاد دانشگاه تهران                           |
| دکتر علیرضا محسنی تبریزی  | استاد دانشگاه تهران                           |
| دکتر طاهره میرساردو       | دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار       |
| دکتر سهیلا علی‌رضا نژاد   | دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار       |
| دکتر سروش فتحی            | دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب    |

**همکاران علمی این شماره به ترتیب حروف الفبا:**

دکتر فرح ترکمان، دکتر منوچهر ثابتی، دکتر فروزنده جعفرزاده پور، دکتر بیتا شاه‌منصوری، دکتر منصور شریفی، دکتر حبیب‌الله کریمیان، دکتر مهدی مختارپور، دکتر سعید معدنی، دکتر هوشنگ ظهیری، دکتر فاطمه پاکرو، دکتر الهام رحمت‌آبادی  
**نشانی دفتر مجله و مرکز پخش:** گرمسار- صندوق پستی ۳۵۸۱۵-۱۴۴ تلفن: ۰۲۳۲-۴۲۲۵۰۰۹-۱۲-۲۵۱ داخلی  
**ناشر:** سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

پژوهش نامه علوم اجتماعی گرمسار به استناد شانزدهمین جلسه کمیسیون بررسی و تایید نشریات علمی دانشگاه آزاد اسلامی به شماره مجوز ۸۷/۱۶۲۳۴۲ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱ سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به صورت فصلنامه منتشر و بر اساس رای پنجاه و نهمین جلسه کمیسیون مذکور مورخ ۱۳۸۸/۸/۴ از درجه علمی\_ پژوهشی برخوردار است. و بر اساس نامه وزارت علوم تحقیقات و فن آوری به شماره ۳/۱۸/۲۲۵۷۸۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ عنوان مجله به پژوهش‌های جامعه‌شناختی تغییر یافت.

Website: [journals.iau-garmsar.ac.ir](http://journals.iau-garmsar.ac.ir)

E-mail: [sociological-research@iau-garmsar.ac.ir](mailto:sociological-research@iau-garmsar.ac.ir)

**مقالات این مجله به پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC وارد می شود.**

**مقالات این مجله در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود.**

### الف) شرایط پذیرش مقاله

- ✓ مقاله ارسالی برای چاپ در فصلنامه دارای محتوای علمی بوده، فقط جنبه پژوهشی داشته باشد و حاصل تحقیقات نویسنده/نویسندگان باشد.
- ✓ فصلنامه، مقالاتی را در دستور کار برای بررسی و نشر قرار خواهد داد که قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و تحت بررسی برای چاپ نیز نباشد. چنانچه نویسنده به هر دلیلی نسبت به چاپ مقاله ارسالی در دوشنریه اقدام نماید مسئولیت و عواقب ناشی از آن به عهده نویسنده بوده و هیچ گونه مسئولیتی در این باره بر عهده مجله نخواهد بود.
- ✓ این مجله مقالات در موضوعات تخصصی علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و مسائل اجتماعی و فرهنگی را به چاپ می‌رساند. لازم است مقالات ارائه شده در عین علمی و تحقیقی بودن، ساده و روان بوده و قواعد نگارشی فصلنامه نیز در آن رعایت شده و فاقد غلط نوشتاری باشند.
- ✓ مقاله‌هایی در اولویت چاپ قرار خواهند گرفت که در آنها به مقاله‌های چاپ شده در شمارگان قبلی فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی استناد شده باشد.
- ✓ مسئولیت محتوای مقالات بر عهده نویسنده/نویسندگان است.
- ✓ آراء و نظرات مندرج در مقالات لزوماً مبین نظرات و آراء مجله نیست.
- ✓ هیأت تحریریه حق قبول یا رد، ویرایش، تلخیص و تنظیم مقالات را دارد.
- ✓ ترتیب تقدم و تأخر چاپ مقالات به ارزش علمی و یا شخصیت نویسندگان ارتباطی ندارد.
- ✓ محتوای مقاله باید با اهداف مجله متناسب باشد. تشخیص این مورد با هیأت تحریریه است.
- ✓ با توجه به سیاست‌های هیأت تحریریه، مجله از بررسی و چاپ مقالات ترجمه شده معذور است.

### ج) راهنمای نگارش مقاله

- ✓ مقاله در ابعاد A4 فراهم شود. هر مقاله لازم است در حدود ۸۰۰۰ کلمه فراهم شود. مقاله باید با فونت ۱۲ B و فونت 10 Time New Roman برای متن انگلیسی در نرم افزار ورد ۲۰۰۳ تایپ شود و از طریق سایت مجله ارسال گردد.
- ✓ در تایپ متن مقالات فاصله بین کلمات «ها»، «می» و ضمائر از فعل و غیره از هم جدا شوند (مثل: می‌شود، شماره‌ها و رفته‌ایم) و هم‌چنین کلماتی که از دو قسمت تشکیل شده‌اند (مثل: صاحب نظران و...) رعایت شود. لازم است نویسندگان محترم به آیین نگارش فارسی توجه کافی داشته باشند. تمامی زیرنویس‌ها به ترتیب شماره درج شود. شماره زیرنویس باید در هر صفحه از ۱ شروع شود. همچنین منابع ارجاع داده شده در داخل متن (استناد درون متنی) منابع در آخر مقاله و بر اساس APA به صورت الفبایی و بدون شماره گذاری

یا علامت در کنار منبع با فونت B zar 10 درج شود. منابع انگلیسی با فونت Times New Roman 10 نوشته شود.

✓ صفحه عنوان: در صفحه اول، عنوان کامل مقاله؛ نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، مرتبه علمی و گروه آموزشی دانشگاه هم به فارسی و هم به انگلیسی زیر عنوان آورده شود. مسئولیت صحت اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی به عهده نویسنده / نویسندگان است. چنانچه نویسندگان بیش از دو نفر باشند فرد پاسخ گوی مکاتبات مقاله (نویسنده مسئول) و پست الکترونیک وی باید در زیر نویس مشخص گردد. اعلام رشته تحصیلی نویسنده یا نویسندگان و سمتهای آکادمیک آنها در قسمت نویسندگان در سامانه فصلنامه الزامی است. لازم است کد ORCID نویسندگان در صفحه مشخصات و همچنین در فایل های ارسالی به ویژه چکیده تفصیلی انگلیسی درج شود.

✓ برای دریافت کد ORCID لطفاً به آدرس <https://orcid.org> مراجعه فرمایید.

✓ چکیده مقاله: چکیده مقاله باید حداکثر در ۳۰۰ کلمه به دو زبان انگلیسی و فارسی تهیه شود. چکیده لازم است معرف مناسبی برای مقاله بوده و همچنین واژه گان کلیدی در پایان آن درج شود.

✓ چکیده گسترده یا تفصیلی انگلیسی باید بین ۱۲۰۰-۱۰۰۰ کلمه فراهم شود. توصیه می شود بخش های مختلف در آن به طور جداگانه تیتراژ داشته باشد. این چکیده باید دارای عنوان مقاله، نام و مشخصات نویسندگان از جمله کد ORCID بوده و واژگان کلیدی در پایان آن درج شود.

✓ متن: چارچوب مقاله باید شامل چکیده (در صفحه اول مقاله)، مقدمه شامل طرح مساله، اهداف و ضرورت مساله باشد. همچنین لازم است پیشینه پژوهش، مفاهیم و نظریات و چارچوب نظری، در صورت نیاز، روش شناسی، یافته ها، بحث و نتیجه گیری و منابع به طور جداگانه در مقاله درج شود.

✓ لازم است عنوان جدول در بالا و عنوان شکل در زیر آن نوشته شود. از عنوان هایی مثل نمودار، عکس و نقشه استفاده نشود و فقط از کلمه شکل استفاده نمایید. همه اعداد، واحدها و مقیاس ها در تمام قسمت های مقاله باید به فارسی باشد.

✓ فایل هر شکل، علاوه بر آمدن در متن به صورت جداگانه و با پسوند JPG و با کیفیت حداقل 300 dpi به همراه مقاله در سامانه فصلنامه بارگذاری شوند. برای چاپ ممکن است شکل ها کوچکتر شوند، لذا نوشته ها و اعداد روی شکل ها درشت و کاملاً خوانا باشند.

✓ نحوه ترتیب و ویرایش منابع طبق دستور زیر اعمال گردد:

• الف) ارجاعات داخل متن با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار: شماره صفحه و در داخل پرانتز آورده شوند. به طور مثال: (ووثوقی، ۱۳۸۴: ۳۵) و (Giddens, 2003: 143).

• ب) اطلاعات کتاب شناسی به ترتیب حروف الفبا و با رعایت نکات زیر به فارسی یا زبان دیگر آورده می شوند.

- کتاب با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان، محل نشر: ناشر.
- کتاب با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار، عنوان، محل نشر: ناشر.
- ترجمه کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام، سال انتشار، عنوان، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر: ناشر.
- مقاله با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، "عنوان"، نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.
- مقاله با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار، "عنوان"، نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.
- مقاله در مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، "عنوان مقاله"، صفحه شروع و پایان مقاله در نام مجموعه مقالات، نام و نام خانوادگی گردآورنده(گان). محل نشر: ناشر.
- چکیده مقاله: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، "عنوان"، نام نشریه، محل نشر: ناشر.
- گزارش: نام مؤسسه، سال انتشار، عنوان، نام تهیه کننده، محل نشر: ناشر.
- پایان نامه: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان، پایان نامه دکتری / کارشناسی ارشد، نام دانشگاه.
- روزنامه، خبرنامه: نام خانوادگی، نام، سال، ماه و روز انتشار، "عنوان"، نام روزنامه / خبرنامه، محل نشر.
- پایگاه اطلاعاتی اینترنت: نام خانوادگی، نام، سال، ماه، عنوان، آدرس پایگاه اطلاعاتی اینترنت.
- منابع بدون شماره یا علامت و بدون بلد شدن به ترتیب حروف الفبا آورده شوند.

سایر شرایط ساختاری نگارش مقاله در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای جامعه شناختی

| توضیحات | شرایط     |                      | عناوین                                     |
|---------|-----------|----------------------|--|
|         | Font Size | Font                 |  |
|         | ۱۲        | B Zar                | اندازه و فونت متن                          |
|         | ۹         | B Zar                | اندازه و فونت ارجاعات(رفرنس) داخل متن      |
|         | ۱۲        | B Zar Bold           | اندازه و فونت تیتر عنوان مقاله             |
|         | ۱۰        | Bkoodak              | نام و نام خانوادگی و سمت آکادمیک نویسندگان |
|         | ۱۲        | B Zar Bold           | اندازه و فونت سر تیتر های مقاله            |
|         | ۱۰        | B Zar Bold           | اندازه و فونت متن چکیده                    |
|         | ۹         | B Zar                | عناوین جداول                               |
|         | ۸         | B Zar                | متن و داده های داخل جداول بصورت فارسی باشد |
|         | ۱۰        | B Zar                | منابع                                      |
|         | ۱۰        | Times New Roman      | کلیه اصطلاحات و متن انگلیسی                |
|         | ۱۰        | Times New Roman Bold | عنوان مقاله به انگلیسی                     |
|         | ۱۰        | Times New Roman      | متن چکیده انگلیسی                          |

## فهرست مطالب

- ۱ بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول  
مهدی جلالی\*
- ۳۹ بررسی عوامل موثر بر ازدواج گریزی جوانان  
محسن نیازی، شاهو رستگاری\*، علی فرهادیان
- ۸۱ تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
«مورد مطالعه: زنان مناطق ۱ و ۱۷ تهران»  
مریم وهاب، مهرداد نوابخش\*، سروش فتحی
- ۱۰۱ شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی  
سعید درویشی، ابتسام رضوی دینانی\*، حوریه دهقان شاد
- ۱۲۹ بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان  
علیرضا صنعت خواه\*
- ۱۶۱ مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه  
تهران  
مژگان بلوری\*

DOI: [10.71854/soc.2024-1126826](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126826)

**Investigating social factors affecting labor conflicts in the first Pahlavi period**

*Mahdi Jalali<sup>1</sup>*

*PhD Candidate of Sociology of Iranian Social Issues, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran*

[0000-0002-2823-0890](https://orcid.org/0000-0002-2823-0890) 

**Abstract**

Industrial relations and labor conflicts are essential phenomena of community administration in the contemporary era, to which the authorities and officials of every society's affair should pay deep attention. Since labor is one of the most important actors in the industrial sector of the economy, paying attention to their relationships with other industrial actors can play a significant role in understanding macro changes in society. Considering that during the period of Reza Shah, the industrial relations system was gradually being formed, this research tried to reduce the existing research deficiencies by identifying the factors affecting labor conflicts in this period and helping the researchers and policymakers in this field. The method used in this research is a historical study. The work process was such that among the 120 specified sources, 27 first-hand scientific sources with detailed documentation were selected. Finally, according to the theoretical foundations of the research, an effort is made to provide a model for this course. This research uses the library method to collect information and data. The findings of the research indicated that during this period, the number of industrial workers is gradually increasing, the wages of labor are low, labor do not have a good welfare state, and labor unions and labor movements are severely suppressed. The research showed that normative, relational, symbolic, and distributional disorders have affected industrial relations in this period. Despite reaching collective agreements, most conflict resolution processes have failed.

**Keywords:** Labor conflicts, First Pahlavi period, social disorders, employer, labor

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [Mahdi\\_jalali\\_aze@yahoo.com](mailto:Mahdi_jalali_aze@yahoo.com)

## 2.... بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

### بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

مهدی جلالی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳۰

#### چکیده

روابط صنعتی و تضادهای کارگری، از پدیده‌های مهم اداره اجتماعات دوره معاصر است که باید مورد توجه عمیق برنامه‌ریزان و مسئولان اداره امور هر جامعه قرار گیرد. از آنجایی که کارگران، از مهمترین کنشگران بخش صنعت اقتصاد هستند، توجه به روابط آن‌ها با سایر کنشگران صنعتی، می‌تواند نقش بسزایی در درک تغییرات کلان جامعه داشته باشد. با توجه به این که در دوره رضاشاه، به تدریج نظام روابط صنعتی در حال شکل‌گیری بود، این تحقیق تلاش داشت با شناسایی عوامل مؤثر بر تضادهای کارگری در این دوره، از نواقص پژوهشی موجود بکاهد و به محققین و سیاست‌گذاران این حوزه، یاری رساند. روش مورد استفاده در این تحقیق، مطالعه تاریخی می‌باشد. روند کار بدین صورت بود که از بین 120 منبع مشخص شده، 27 منبع دست‌اول، علمی و با مستندات دقیق انتخاب شدند. ابتدا توصیفی دقیق از بازه زمانی مورد بررسی ارائه شد و سپس وقایع مهم مرتبط تاریخی در رابطه با روابط صنعتی و تضادهای کارگری به صورت زنجیره‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت با توجه به مبانی نظری تحقیق، تلاش شد تا مدلی برای این دوره ارائه گردد. همچنین، از روش اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که در این دوره، به تدریج تعداد کارگران صنعتی در حال افزایش است، دستمزد کارگران صنعتی اندک است، کارگران وضعیت رفاهی مناسبی ندارند و اتحادیه‌های کارگری و حرکت‌های کارگری به شدت سرکوب می‌شوند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن بود که اختلالات هنجاری، رابطه‌ای، نمادی و توزیعی بر روابط صنعتی این دوره اثرگذار بوده است و علی‌رغم دستیابی به برخی توافقات و پیمان‌های جمعی، بیشتر فرآیندهای حل تضاد با شکست مواجه شده است.

**کلیدواژگان:** تضادهای کارگری، دوره پهلوی اول، اختلالات اجتماعی، کارفرما، کارگر

<sup>2</sup>. نویسنده مسئول: [Mahdi\\_jalali\\_aze@yahoo.com](mailto:Mahdi_jalali_aze@yahoo.com)

### مقدمه

دوره رضاشاه پهلوی، دوره تأثیرگذاری در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. این تأثیرات را در حوزه‌های مختلفی می‌توان مشاهده کرد. یکی از این حوزه‌ها، حوزه صنعت و نظام روابط صنعتی است. در این دوره، به تدریج نظام روابط صنعتی در حال شکل‌گیری بود و این نظام که از دوره قاجاریه در ایران پا به عرصه ظهور گذاشته بود، شکل جدیدی به خود می‌گرفت. روابط صنعتی، دربرگیرنده بازیگران و مسائل متعددی در درون خود است. تولید صنعتی علاوه بر این که فنی‌سازی، تخصصی کردن و بروکراتیزه‌سازی جریان تولید را به همراه می‌آورد، سبب تغییر اساسی و عمیق در احوال و طرز فکر مردم می‌شود و تغییر بنیادی نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال دارد (صدرنوبی، 1385: 83). بازیگران روابط صنعتی (کارگران، کارفرمایان و دولت) نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه دارند. کارفرمایان چرخانندگان اقتصاد کشورند و تولید صنعتی وابسته به سرمایه‌های آنها است؛ تولید صنعتی نیز وابسته نیروی کار کارگران هست.

روابط صنعتی و تضادهای کارگری، از پدیده‌های مهم اداره جوامع معاصر است که باید مورد توجه عمیق برنامه‌ریزان و مسئولان اداره امور هر جامعه قرار گیرد. بررسی نظریه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی روابط کار نشان می‌دهد که یک علت مهم مشکلات، عدم شناخت دقیق و همه‌جانبه مصادیق و محتوای پدیده مذکور می‌باشد که این خود، به دلیل نبود یک چارچوب نظری دقیق برای تحقیق و شناخت این پدیده ایجاد شده است. با کنکاش در اندک تحقیقات صورت گرفته درباره تضادهای کارگری و روابط صنعتی در ایران نیز می‌توان دریافت که این مطالعات یا با دیدی ایدئولوژیک به مسئله نگرسته‌اند



#### 4.... بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

و یا دقیق و سازمان یافته نبوده‌اند؛ حال آن که تضادهای کارگری و روابط صنعتی به‌عنوان روح حاکم بر حوزه اقتصادی، می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه ایفا نماید. از آنجایی که کارگران، از مهمترین کنشگران بخش صنعت اقتصاد هستند، توجه به روابط آن‌ها با سایر کنشگران صنعتی، می‌تواند نقش به‌سزایی در درک تغییرات کلان جامعه داشته باشد.

تضادهای کارگری را می‌توان موضوعی بین‌رشته‌ای قلمداد کرد که در حوزه جامعه‌شناسی صنعتی قرار داد. تضادهای کارگری در دوره‌های مختلف ایران می‌طلبد که تحقیقات گسترده‌ای درباره آن صورت گیرد. تحقیق حاضر، سعی در مطالعه تضادهای کارگری در روابط صنعتی دوره پهلوی اول دارد. به کارگیری نتایج این تحقیق می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی-اقتصادی مورد توجه برنامه‌ریزان این حوزه قرار گیرد. محقق، امیدوار است با شناسایی عوامل مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره رضاشاه، نواقص پژوهشی موجود در حوزه را بکاهد و به محققین و سیاست‌گذاران حوزه کار، در شناخت دقیق زمینه و محتوای تضادهای کارگری و روابط صنعتی و کشف راه‌حل‌های عملی و مؤثر یاری رساند. با توجه به مباحث مطرح شده، سوال تحقیق را می‌توان بدین گونه مطرح کرد: عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره رضاشاه کدام عوامل بودند؟

#### پیشینه تحقیق

در ایران، در زمینه روابط صنعتی، مطالعات اندکی یافت می‌شود (زاهدی، 1390؛ بهشتی، 1386؛ دادخواه، 1389). نویسندگان این کتاب‌ها، تنها به تعریف روابط صنعتی و بیان چند مفهوم نزدیک به روابط صنعتی بسنده کرده‌اند و از ارائه روابط تحلیلی بین متغیرها غافل بوده‌اند. احمد اشرف در بخش‌هایی از کتاب خود با عنوان "موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه"، به بررسی تاریخی پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اصناف و انجمن‌های صنفی در ایران می‌پردازد. وی بیان می‌کند که برخی

## 5.....

از شرق‌شناسان، مانند پیگولوسکایا، سرآغاز اصناف در ایران را به دوران ساسانیان می‌رسانند و خود وی اعتقاد دارد که منشا اصناف اسلامی به قرن سوم هجری برمی‌گردد. اشرف معتقد است که در ابتدا اصناف در برابر حکومت، خودفرمان و مستقل بودند که این وضعیت از زمان صفویه به این سو تغییر یافت و نظارت حکومت بر عملکردها و تصمیمات اصناف بیشتر شد. از نظر حکومت این انجمن‌های صنفی وسیله مناسبی بود تا بتوان از طریق آن‌ها، از صاحبان حرف مالیات دریافت کرد. بدین ترتیب کم‌کم انجمن‌های صنفی تبدیل به سازمان‌هایی شدند که حکومت از طریق آن‌ها می‌توانست مالیات بگیرد (اشرف، 1359: 28 – 33).

در مورد اعتصابات کارگری قبل از انقلاب، تحقیقی که از منظر روابط صنعتی به موضوع بنگرد، صورت نگرفته است و تحقیقات مرتبط با اعتصاب، بیشتر از جنبه تاریخی و بعضاً سیاسی به مسئله نگریسته‌اند. نمونه‌هایی از این تحقیقات، تحقیق منوچهری و همکاران درباره اعتصابات کارگری در دوره نخست‌وزیری مصدق است که با دیدی تاریخی تنها به توصیف این اعتصابات پرداخته‌اند (منوچهری و همکاران، 1388).

حبیب لاجوردی (1369) در کتاب خود با عنوان "اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران" به بررسی تاریخچه پیدایش اتحادیه‌های کارگری در ایران پرداخته است. وی کتاب خود را بر پایه بحث جورج لاج مطرح کرده که این اندیشمند می‌گوید که در کشورهای روبه‌توسعه، میدان دادن به اتحادیه‌های کارگری مستقل، تدبیری مؤثر برای مبارزه با نفوذ کمونیسم است. وی در ادامه مطرح می‌کند که چرا در کشورهایی چون ایران که برای مبارزه با نفوذ کمونیسم تلاش می‌کنند، چرا چنین اجازه‌ای به اتحادیه‌های کارگری نمی‌دهند؟ در ادامه کتاب، نویسنده در پی پاسخگویی به این سوال است.

## 6.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

هرچند مطالعات اندکی در زمینه روابط صنعتی علی‌الخصوص تضادهای کارگری در ایران صورت گرفته، اما با توجه به همین تحقیقات اندک، که از جنبه‌های گوناگون به بررسی روابط بین کارگر، کارفرما و دولت پرداخته‌اند، می‌توان دریافت که روابط صنعتی در ایران در دوره‌های مختلف دچار اختلال بوده‌است و تضادهای کارگری متعددی وجود دارد. اندک بودن مطالعات قبلی از یک سو و کم بودن بررسی‌های جامعه‌شناختی روابط صنعتی در ایران از سوی دیگر، اولاً سبب می‌شود که تحقیق حاضر، از دستیابی به تحقیقات قبلی و یافته‌ها و نتایجی که آن‌ها می‌توانستند داشته باشند، محروم بماند؛ ثانیاً، این تحقیق می‌تواند به‌عنوان پیشرو در زمینه مطالعه جامعه‌شناختی روابط صنعتی در ایران، راه را برای مطالعات بعدی هموار سازد.

### مروری بر مفاهیم و نظریات

نظریه‌های مختلفی در باب روابط صنعتی و تضادهای کارگری وجود دارد. نظریه‌های وفاق، تضادی را بین کنشگران نمی‌بینند و اعتقاد دارند که صاحبان سرمایه و کار، شریکانی برای هدف مشترک، یعنی تولید مؤثر، پُرمفعت و همچنین حقوق خوب هستند. نظریه پردازان تضاد، به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست آن‌هایی که معتقدند باید تضاد سیاسی و تضاد صنعتی را دو مقوله جدا از هم در نظر گرفت و باور داشت که تضاد صنعتی را می‌توان از طریق اتحادیه‌ها و سازمان‌های کارفرمایی تنظیم کرد؛ دوم نظریه تکثرگرایی که در مقابل نظریه وفاق قرار می‌گیرد و بر این باور است که روابط صنعتی، دربرگیرنده تعدادی از گروه‌های مورد نظر می‌باشد که بایبوندی ضعیف در کنار یکدیگر نگه داشته شده‌اند و سازمان کار نیز از همین طریق با مدیریت درحالت تعادل نگه‌داشته می‌شود و بر اهمیت اتحادیه‌های کارگری تأکید می‌کنند. نظریه پردازان مارکسیست، برخلاف طرفداران نظریه‌های تکثرگرایی و وفاق، تضاد سیاسی و تضاد صنعتی را بایکدیگر مترادف می‌دانند و از نظر آن‌ها، ستیز طبقاتی بین سرمایه و نیروی کار در جامعه

امری مستمر تلقی می‌شود، حتی جایی که اتحادیه‌های کارگری وجود ندارند. براساس نظریه سیستمی، هر مجموعه، از اجزای وابسته به هم که در ارتباط متقابل بوده و در عین حال بر محیط تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند، تشکیل شده‌است؛ دانلوپ که از مهمترین نظریه پردازان این تئوری است، سیستم روابط صنعتی را شامل کنشگران، قوانین، تصمیم‌گیری‌ها، زمینه‌ها و ایدئولوژی می‌داند که هر کدام از این متغیرها، نقش بسزایی در چرخه روابط صنعتی ایفا می‌کنند.

براساس نگرش سیستمی، هر مجموعه از اجزای وابسته به هم که در ارتباط متقابل بوده و در عین حال بر محیط تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند، تشکیل شده‌است. سیستم روابط صنعتی سیستمی باز است که با محیط خود و سایر سیستم‌ها رابطه دارد. دانلوپ مدل خود از سیستم روابط صنعتی را از تعریف سیستم اجتماعی پارسونز اخذ کرده‌است (Hyman, 2001: 121). طبق نظر دانلوپ، یک سیستم روابط صنعتی در هر مرحله‌ای از تأسیس آن شامل کنشگران مشخص، زمینه مشخص و ایدئولوژی‌ای که سیستم روابط صنعتی را به هم پیوند می‌دهد و پیکره‌ای از قوانین برای هدایت کنشگران در کارشان و جامعه کاری است. این شبکه با بافت قوانین، که شامل روش‌های تدوین قوانین و روش‌های تصمیم‌گیری در کاربرد آن‌ها در وضعیت‌های بخصوص است، محصول سیستم هستند. تدوین و اجرای این قوانین نتیجه عمده سیستم روابط صنعتی از جامعه صنعتی می‌باشد. این قوانین انواع مختلفی به گونه‌های مکتوب، شفاهی، سنتی و تجربی دارد که شامل تصمیمات مدیریت، مقررات اتحادیه‌های کارگری، قوانین محلی، مقررات سازمان‌های وابسته به دولت، قراردادهای اجتماعی و قوانین کار می‌شوند. این قوانین روابط صنعتی باید به وسیله متغیرهای مستقلی از یک سیستم روابط صنعتی توضیح داده شوند (Dunlop, 1958: v, ix, viii). دانلوپ به مسئله تضادهای کارگری، براساس دیدگاه سیستمی نگاه کرده و به اعتقاد وی تضاد بین کارگر و کارفرما، در مرحله فرآیند قرار دارد و این تضاد، در داخل سیستم روابط صنعتی قابل حل است. فاینمور،

## 8.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

از جمله نظریه پردازان نظریه سیستمی می باشد که با الگو گیری از دانلوپ به ارائه مدل روابط صنعتی پرداخته است. سیستم روابط صنعتی فاینمور، مبتنی بر یک مدل سیستم باز است که پیوندهای بین عوامل محیطی را که بر بازیگران روابط کار و اهداف و پایه های قدرت آنها تأثیر می گذارد و نیز ساختارها و رویه هایی که برای نهادینه سازی و کنترل تعارض ایجاد شده اند را ردیابی می کند. نتایج احتمالی این فرآیندها نیز در مدل گنجانده شده است که به محیط بازمی گردند و یک سیستم پویا پیوسته ایجاد می کنند.

چلبی، از اختلال های اجتماعی نام می برد که نظم اجتماعی را به خطر می اندازند. به وجود آمدن اختلال اجتماعی، بر سایر بخش های جامعه اثر می گذارد. نظم / اختلال اجتماعی، نقش مهمی می تواند در روابط صنعتی بازی کند. با تلفیق مدل روابط صنعتی فاینمور و مدل اختلال های اجتماعی چلبی می توان به مدلی دست یافت که تبیین کننده تضادهای کارگری در دوره رضاشاه باشد.

با توجه به چارچوب نظری، می توان فرضیه اصلی تحقیق را بدین صورت بیان کرد: به نظر می رسد انواع اختلالات اجتماعی در جامعه، تضادهای کارگری را تشدید می کند.

### روش شناسی تحقیق

برای شناخت زمینه های تاریخی تضادهای کارگری و روند به وجود آمدن آنها در طول زمان، از روش مطالعه تاریخی، استفاده می شود. هدف مطالعه تاریخی، بازسازی گذشته در زمینه موضوعی خاص است که در زمان حال تدوین می شود. دستیابی به این هدف، مستلزم جمع آوری اطلاعات به صورتی منظم، عینی، ارزش یابی و تلفیق اسناد و مدارک و رسیدن به نتایج قابل دفاع است. تحقیق تاریخی با استفاده از اسناد و مدارک انجام می شود تا از این طریق بتوان ویژگی های عمومی و مشترک پدیده ها و حوادث تاریخی و دلایل بروز آنها را تبیین کرد (حافظنیا، 1386). تحقیق تاریخی به دلیل عدم حضور محقق در صحنه واقعه، مبتنی بر اسناد و مدارک است (گال و همکاران، 1386). در تحقیق

تاریخی بر خلاف سایر روش‌های تحقیق، به یافتن داده‌ها پرداخته می‌شود نه تولید داده‌ها (سرمد و همکاران، 1376). بر همین اساس، نکته اساسی در تحقیقات تاریخی، اعتبار اسناد و مدارک مورد بررسی است. در این روش، ابتدا توصیفی دقیق از بازه زمانی مورد بررسی ارائه می‌شود و سپس وقایع مهم مرتبط تاریخی در رابطه با روابط صنعتی و تضادهای کارگری به صورت زنجیره‌های تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت با توجه به مبانی نظری تحقیق، تلاش می‌شود تا مدلی برای این دوره ارائه گردد. در این تحقیق، از روش اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شد. اسناد و مدارک تاریخی مورد مطالعه قرار گرفت و تلاش شد که با مطالعه اسناد تاریخی و مدارک موجود در حوزه تضادهای کارگری، انواع این تعارضات در دوره مذکور، مورد مطالعه قرار گیرد. کتاب‌های موجود در این زمینه، کتاب‌های ترجمه شده، اسناد آرشیوی در کتابخانه‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات از جمله منابعی بودند که مورد استفاده قرار گرفتند. روند کار بدین صورت بود که ابتدا حدود 120 منبع مرتبط با تحقیق، جمع‌آوری شدند. با توجه به این که برخی از منابع، منبعی دست اول بودند، سویه علمی داشتند و مستندات دقیقی به کار برده بودند، 27 کتاب و مقاله از میان سایر منابع انتخاب گردیده و مورد استفاده قرار گرفتند.

#### یافته‌ها

مهمترین یافته‌های تحقیق در دو بخش ارائه می‌شود: شرایط ساختاری کشور که نشان‌دهنده وضعیت اختلالات اجتماعی در دوره پهلوی اول است و تضادهای کارگری که وضعیت تعارضات کارگری را در روابط صنعتی این دوره مورد بررسی قرار می‌دهد.

#### شرایط ساختاری

پس از جمع‌آوری داده‌های مرتبط، کدگذاری اولیه صورت گرفت که 59 مورد اصلی شناسایی شدند. با توجه به موارد شناسایی شده کدگذاری ثانویه انجام شد که در نهایت 4 مقوله وضعیت سیاسی، وضعیت

## 10.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

اجتماعی، وضعیت فرهنگی و وضعیت اقتصادی مورد شناسایی قرار گرفت. در ادامه، به بررسی هر کدام از مقولات پرداخته می‌شود.

### 1. وضعیت سیاسی کشور

مهمترین جوانب وضعیت سیاسی کشور در دوره رضاشاه شامل جنبه‌هایی چون تمرکزگرایی، نظامی‌گری، دخالت شاه در امور مجلس و عدم رابطه حکومت با طبقات و نیروهای اجتماعی بود. در دوره قاجاریه، ایران، تحولات و اتفاقاتی بسیار مهمی را شاهد بود که تا این زمان سابقه نداشت. از جمله این که اولاً ایران برای اولین بار تحت سلطه استعمارگران به‌ویژه انگلیس و روسیه قرار گرفت و ثانیاً در نیمه دوم حکومت شاهان قاجار، برای نخستین بار مجلس و احزابی شکل گرفت ولی به دلایل مختلفی نتوانستند به درستی رسالت خویش یعنی کنترل شاهان و استبداد را در ایران بنیان نهند و همچنان ایران با بحران دموکراسی و نبود قانون مواجه بود. با دخالت بیگانگان و شروع جنگ جهانی اول، ایران با مشکل تجزیه و چندپارگی مواجه شد و در این مقطع زمانی بسیار حساس، احمد شاه قاجار به عنوان آخرین شاه قاجار با توجه به شخصیت ضعیفش، توان مقابله و حل مشکلات داخلی و خارجی را از طریق نهادهایی همچون قشون و مجلس نداشت.

در اواخر حکومت قاجار وضعیت سیاسی کشور آشفته بود. در سیستان و بلوچستان، بالاخص در بیرون شهرها، اثر چندانی از حکومت و دولت مرکزی وجود نداشت. در بیرجند نیز وضعیت مشابهی وجود داشت و خوانین محلی از جمله خاندان "خزیمه عَلم" (جد پدری امیر اسدالله عَلم)، بر آنجا حکم می‌راندند. در مشهد و شهرهای اطراف آن، "کلنل محمدتقی پسیان"، فرمانده ژاندارمری، قدرت را در دست داشت و به دنبال بروز اختلافاتی با تهران، عملاً متمرّد شده و اعلام استقلال کرده بود. در استرآباد (گرگان)، یکی از خوانین محلی به اسم "احمدخان حکیمی" حکومت می‌کرد. هر چند وی اعلام استقلال

نموده بود ولی خود سیستم حکومتی برپا کرده بود. طایفه بزرگ سواد کوهی‌ها به سرکردگی "اسماعیل خان امیر مؤید سواد کوهی" در شرق مازندران و طایفه تنکابنی‌ها به سرکردگی "محمدولی خان تنکابی" در غرب آن حکم می‌راندند. "میرزا کوچک خان جنگلی"، رئیس جنبش جنگلی‌ها در رشت، رسماً و عملاً پرچم حاکمیت مستقل از تهران را بالا برده بود و نام حکومتش را نیز "جمهوری سوسیالیستی سوویت گیلان" انتخاب کرده بود. در آذربایجان نیز، حکام مختلفی به صورت خودمختار و مستقل از دولت مرکزی وجود داشتند. در شمال آذربایجان، قدرت در اختیار "مرتضی قلی خان اقبال‌السلطنه ماکویی"، بزرگ ایل بیات بود که در عین حال، رهبر تعدادی از عشایر شمال آذربایجان نیز به شمار می‌رفت. در تبریز و برخی شهرهای بزرگ‌تر، فرقه دموکرات به رهبری "شیخ محمد خیابانی"، از مدت‌ها پیش ارتباط خود را با پایتخت قطع کرده بود. در آذربایجان غربی نیز "اسماعیل خان سیمیتقو"، بر مناطق وسیعی به صورت مستقل از حکومت مرکزی حکومت می‌کرد. مجموعه عشایر و قبایل خوزستان به رهبری "شیخ خزعل"، اعلام استقلال نموده بودند و در خرمشهر امارت برقرار کرده بودند (زیباکلام، 1398: 31 - 33).

در این برهه از زمان، رضاخان ظهور کرد که برخلاف آخرین شاه قاجار، دارای جسارت و ذکاوت فراوانی بود و از تمام امکانات برای رسیدن به قدرت استفاده کرد. رضاخان از بزنگاه‌هایی مانند عدم کارایی مجالس و کابینه‌های پیشین، جنگ جهانی اول و دخالت عوامل بیگانه که باعث مشکلات و حوادثی در ایران شده بود، به نفع خویش استفاده نمود. وی با طی کردن مسیری با باز خورد مثبت و عقلانی بدون وقفه و با تمام امکانات از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ با کارآمد ساختن نهادها، برای به‌چنگ آوردن قدرت استفاده کرد. رضاشاه پس از کودتای ۱۲۹۹ با بهره‌گیری از نهاد قشون که تا قبل از وی به دلیل نداشتن ساختار درست و قوی، کارایی قابل‌قبولی نداشت، توانست به همراه نهاد مجلس و با پشتیبانی جریان‌های



## 12.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

فکری، نظام سیاسی را کاملاً تحت سلطه مستقیم خویش درآورد. بنابراین، اگرچه سرچشمه قدرت رضاخان اساساً نهاد نظامی بود ولی به واسطه ائتلاف هدفمند با گروه‌های مختلف درون و بیرون مجلس چهارم و پنجم شورای ملی، به‌منظور مشروعیت بخشیدن به اقدامات و برنامه‌هایش توانست حکومت قاجاری را منقرض کند و به قدرت مطلق تبدیل گردد.

رضاشاه به ارتش به‌عنوان پایه اصلی نظام خود تکیه می‌کرد. در زمان وی، بودجه دفاعی سالانه از سال 1304 تا 1320 بیش از پنج برابر شد و قانون سربازگیری موجب افزایش امکان دسترسی به جمعیت شد. شمار افراد مسلح از 40000 نفر به 127000 نفر افزایش یافت (آبراهامیان، 1384: 169). در مورد ایلات و عشایر نیز اقدامات نظامی دنبال شد. رضاشاه با شکست دادن قبائل، تلاش می‌کرد تا با توسعه پاسگاه‌ها در آن نواحی، خلع سلاح افراد مسلح، به سربازی فرستادن جوانان قبائل، تضعیف روسا، محدود کردن کوچ‌های سالیانه، قدرت خود را تضمین نماید (فوران، 1392: 176).

رضاشاه همچنین نظام جدید خود را با بوروکراسی نوین دولتی تقویت کرد. وی کم‌کم تجمع گاه‌به‌گاه مستوفیان سنتی، میرزاهای موروئی و وزرای بدون ادارات ایالتی را به حکومتی با حدود 90000 کارمند تمام وقت مستقر در 10 وزارت‌خانه داخله، امور خارجه، عدلیه، مالیه، آموزش، تجارت، پُست و تلگراف، کشاورزی و راه‌وسنعت تبدیل کرد. تقسیمات کشوری قدیمی که عبارت بود از چند ایالت بزرگ و ولایت‌های کوچک بی‌شمار، منسوخ شد و به‌جای آن، وزارتخانه داخله، اداره 11 استان، 49 شهرستان و تعداد زیادی بخش و دهستان را برعهده گرفت (آبراهامیان، 1384: 169-170).

رضاشاه امتیازات سده نوزدهم را که به اروپاییان مصونیت قضائی فراسرزمینی داده بود، لغو کرد و میلسپو را از سمت خزانه‌داری کل برکنار کرد و معتقد بود که در یک سرزمین نمی‌تواند دو شاه وجود

داشته باشد. حق چاپ اسکناس از بانک شاهی انگلیس گرفت و به بانک مرکزی ایران داد (فوران، 1392: 178).

آبراهامیان (آبراهامیان، 1384: 171-172) معتقد است از مجلس ششم تا سیزدهم، شخص شاه نتایج انتخابات و ترکیب هر مجلس را تعیین می‌کرد. همچنین رضاشاه، برای افزایش قدرت خود، روزنامه‌های مستقل را تعطیل کرد، مصونیت پارلمانی نمایندگان را سلب کرد و احزاب سیاسی را از بین برد. این امر باعث شد که بسیاری از نخبگان و اعضای احزاب، ناراضی باشند و کمتر از وی پشتیبانی کنند. بشیریه (بشیریه، 1389: 68-69) اعتقاد دارد که به‌طور خلاصه، متمرکز ساختن منابع و ابزارهای قدرت، ایجاد وحدت ملی، تأسیس ارتش مدرن، تضعیف قدرت پراکنده، ایجاد دستگاه بوروکراسی جدید و اصطلاحات مالی و متمرکز منابع اداری، مبانی دولت مطلقه مدرن، از مهمترین اقدامات رضاخان و هم‌فکرانش بود اما بزرگ‌ترین ضعف این دولت نداشتن رابطه با طبقات و نیروهای اجتماعی بود.

## 2. وضعیت اجتماعی کشور

وضعیت اجتماعی کشور در این دوره، دربرگیرنده جنبه‌هایی چون رشد جمعیت، دگرگونی ساخت جمعیتی کشور برحسب محل سکونت (شهری، روستایی و عشایری) و انجام بسیاری اصلاحات اجتماعی می‌باشد. شرایط عمومی جمعیتی در دوره نخست پهلوی گویای آن است که در این دوره ساختار جمعیتی کشور رشد مداوم و توأم با جابجایی‌های داخلی داشته است. کل جمعیت ایران از حدود 10 میلیون نفر اواخر دهه 1290 شمسی به 14.6 میلیون نفر در سال 1319 رسید و رشدی حدوداً 50 درصدی پیدا کرد (فوران، 1392: 342). بر اثر سیاست‌های جمعیتی رضاشاه، به‌ویژه اسکان عشایر، ساخت ایلی و عشایری جمعیتی دگرگون شد. در حالی که جمعیت عشایر ایران در اوایل قرن بیستم

#### 14.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

حدود 2.4 میلیون نفر برابر یک چهارم جمعیت کشور بود، تنها یک پنجم جمعیت شهرنشین بودند و مابقی در روستاها زندگی می کردند (باریر، 1363: 22). اما در سال 1319، ایران دارای 3.2 میلیون نفر جمعیت شهرنشین (22 درصد)، یک میلیون نفر جمعیت ایلی و عشایری (6.9 درصد) و 10.35 میلیون نفر جمعیت روستایی (71.7 درصد) شد. بدین ترتیب جمعیت ایران تا اندازه‌ای در پایان این دوره بیشتر شهری و صنعتی بوده اگرچه باز هم بخش بزرگی از جمعیت بر روی زمین کار می کرده است (فوران، 1392: 343).

رضاشاه سعی داشت به اصلاحات اجتماعی نیز دست زند؛ هرچند طرح و برنامه جامعی برای نوسازی ارائه نداد. از یک سو وی تلاش داشت دور از نفوذ روحانیون و نیروهای مذهبی، دسیسه‌های خارجی، شورش‌های قبیله‌ای و اختلافات قومی کشور را به پیش برد و از سوی دیگر نهادهای آموزشی غربی، ساختار اقتصادی نوین، شبکه‌های ارتباطی، بانک‌های سرمایه‌گذاری و فروشگاه‌های بزرگ را گسترش دهد (فوران، 1392، 174). از سال 1304 تا 1320، میزان ثبت‌نام سالانه آموزش و پرورش 12 برابر افزایش یافت. توسعه اقتصادی دوره رضاشاه نیز با پیشرفت‌هایی در حوزه ارتباطات مخصوصاً خط آهن آغاز شد.

فوران (فوران، 1392، 186) اعتقاد دارد رضاشاه از جهت داشتن وسایل اجبار و زورگویی قدرتمند بود ولی از این لحاظ که نتوانست وسایل و نهادهای قهری را بر ساختار طبقاتی و پایگاه اجتماعی مبتنی کند، ضعیف بود.

### 3. وضعیت فرهنگی کشور

در مقوله وضعیت فرهنگی، می توان به جنبه‌های مختلفی چون یکپارچه‌سازی فرهنگی، کشف حجاب، تاکید بر ناسیونالیسم و تاسیس سازمان‌های فرهنگی اشاره کرد. به لحاظ فرهنگی، دولت رضاشاه درصدد

بود با اعمال سیاست یکپارچه‌سازی فرهنگی، تمرکزگرایی قدرت را محقق سازد؛ چرا که دیگر سیاست‌های دولت رضاشاه همچون ایجاد ارتشی واحد، اسکان عشایر و مواردی از این قبیل به‌تنهایی نمی‌توانست موجب بقای تمرکز قدرت وی شوند. تنوع قومی و فرهنگی جامعه ایران به‌همراه تنوع اقلیمی، خود مانع عمده‌ای بر سر این راه بود. بنابراین دولت رضاشاه تلاش داشت با از بین بردن اختلافات فرهنگی جامعه ایرانی و تبدیل آن به جامعه‌ای با زبان و فرهنگ و آداب و رسوم و معتقدات و آرمان‌های مشترک به‌وجود آورد و سیاست تمرکزگرایی را نهادینه سازد. در این راستا، قوانین مختلفی تدوین و اجرا شد و مراکز و سازمان‌هایی تاسیس گردید. کشف حجاب، تشکیل فرهنگستان زبان فارسی، ترویج ناسیونالیسم، تاسیس سازمان پرورش افکار و تغییر تقویم هجری از جمله تلاش‌ها برای رسیدن به این اهداف بود.

کشف حجاب و تشویق به بی‌حجابی از جمله اقداماتی بود که در زمان رضاشاه صورت گرفت. در مهر سال 1313، دولت با صدور اعلامیه‌ای، مردم را برای پذیرش آموزگاران بی‌حجاب زن در مدارس دخترانه آماده کرد. ماموران نیروی انتظامی، دستور ویژه‌ای دریافت کردند مبنی بر این که از زنان بی‌حجاب در خیابان‌ها و معابر حمایت کنند. بازرسان زن نیز از سوی وزارت فرهنگ ماموریت یافتند که به مدارس دخترانه رفته و به تدریج شاگردان را آماده ترک حجاب کنند (بامداد، 1347: 91). تغییر لباس و رواج کلاه پهلوی و سپس کلاه شاپو، گام دیگری بود که رضاشاه برای همسان‌سازی انجام داد.

ناسیونالیسم نیز از مهمترین ابعاد قدرت دولت رضاشاه بود که به‌عنوان یک ابزار مهم برای تشکیل دولت متمرکز و مقتدر در اختیار رضاشاه قرار گرفت. رضاشاه، از ترویج ناسیونالیسم دو هدف عمده داشت که لازم و ملزوم یکدیگر بودند؛ اول این که جامعه ایران را در قالب یک ملت مدرن انسجام بخشد و دوم این که از این طریق قدرت مطلقه خویش را در چارچوب ایران نو تنظیم کند. همچنین، در زمان رضاشاه، چاپ و نشر کتب به زبان‌های ترکی، کردی و غیره ممنوع شد (کاتوزیان، 1380: 436). افراط

## 16... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

رضاشاه در ناسیونالیسم، سبب شد که بسیاری از اقوام ایرانی، سیاست‌های وی را تبعیض‌آمیز قلمداد کنند و در برابر یکسان‌سازی فرهنگی مقاومت کنند و حتی فرهنگ خود را جدای از فرهنگ ایرانی بدانند. با تاسیس فرهنگستان زبان فارسی، تلاش شد تا این زبان را از لغات و واژه‌های بیگانه، تهی سازند. ثمره این اقدام، پیشنهاد واژه‌های جدیدی بود که برای بسیاری از مردم، بسیار نامأنوس می‌نمود. بر همین اساس، اسامی بسیاری از شهرها و روستاهای کشور که به زبان بومی مناطق بودند، تغییر یافت که نتیجه‌ای جز نارضایتی مردم آن مناطق نداشت. دستگاه‌های اداری، براساس دستورالعمل‌های دولتی، وظیفه داشتند در مکاتبات رسمی از این واژه‌ها استفاده کنند.

سازمان پرورش افکار نیز از جمله سازمان‌های فرهنگی دوره رضاشاه بود که در سال 1317 تأسیس شد. در صورت لزوم از صاحب‌نظران دعوت می‌شد تا در جلسات کمیسیون‌ها شرکت کنند و نظرات خود را ابراز دارند. این سازمان دارای شش کمیسیون بود. کمیسیون کتب کلاسیک، وظیفه داشت کتب درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها را اصلاح کند و افکار میهن‌دوستی و شاه‌پرستی را در مندرجات آن‌ها بگنجاند. کمیسیون مطبوعات، بر شیوه نامه‌نگاری در ادارات و مؤسسات دولتی و همچنین مطبوعات نظارت می‌کرد. کمیسیون سخنرانی، دستورالعمل‌ها و عناوین موردنظر سازمان پرورش افکار را که در سخنرانی‌ها باید موردتوجه قرار گیرند، تهیه می‌کرد و در اختیار سخنرانان قرار می‌داد. کمیسیون موسیقی نیز با هدف اصلاح موسیقی کشور و ترویج موسیقی ملی ایجاد شده بود. کمیسیون نمایش نیز وظیفه نظارت بر سینما و تربیت هنرجویان را برعهده داشت. کمیسیون رادیو نیز وظیفه داشت تا برنامه جامعی تنظیم کند و به تصویب دولت برساند که براساس آن، نطق‌ها، اخبار، موسیقی و برنامه‌های آموزشی از رادیو پخش شود (همراز، 1376: 56-63). سعید نفیسی درباره وظایف سازمان پرورش افکار و هدف از تاسیس آن می‌نویسد که وظیفه مهم سازمان این بود که افکار، آمال و آرزوهای افراد را چنان یکسان

کنند که اتحاد و اتفاق کلمه واقعی در میان ایشان فراهم نشود تا در میان افراد تحصیل کرده به هیچ وجه اندک اختلاف و دوگانگی از این حیث پیش نیاید (نفیسی، 1345: 18)

اصلاحاتی که رضاشاه سعی داشت در حوزه فرهنگ انجام دهد، بیشتر در جهت حفظ قدرت وی بود تا این که ریشه در فرهنگ ایرانی داشته باشد. به همین جهت بود که بسیاری از این اصلاحات پایدار نماند.

#### 4. وضعیت اقتصادی کشور

در دوره رضاشاه، در شیوه مالیات‌گیری اصلاحاتی صورت گرفت و تلاش بر آن شد که با این شیوه‌های نوین، درآمد دولت افزایش پیدا کند. وی ابتدا نظام تیول‌داری را از میان برد و تلاش‌هایی را برای اصلاح مالکیت زمین که در زمان انقلاب مشروطه پیشنهاد شده بود، انجام داد اما این تلاش‌ها را بعداً متوقف کرد. شیوه مالیات‌گیری جدید، اگرچه دولت را ثروتمندتر کرد اما از یک سو این ثروت در مسیر توسعه کشور به کار گرفته نشد و بیشتر سبب ثروتمند شدن خود او و طبقه جدیدی از سرمایه‌داران، تجار و انحصارگران شد و از سوی دیگر تورم، مالیات‌ها و سایر درآمدها، سطح زندگی مردم را پایین آورد (مبارکی، 1391: 356؛ کاتوزیان، 1374: 179).

به نظر می‌رسد تا قبل از سال‌های دهه 1310 شمسی، سیاستی برای صنعتی‌کردن کشور وجود نداشت، با تغییر اوضاع سیاسی در سال 1304، سیاست صنعتی کردن کشور و توسعه ارتباطات، مهمترین کارهای عمرانی را تشکیل می‌داد. تا سال 1311 نیز دولت نقش فعالی در امور اقتصادی نداشت؛ ولی از آن به بعد با تنظیم برنامه‌های مختلف، عملاً نقش عمده و رهبری‌کننده را در اقتصاد کشور به دست آورد و اعتبارات و بودجه وسیعی را به صنعت و معدن و ارتباطات اختصاص داد (سوداگر، 1357: 240). همگام با سایر تحولات در دوره رضاشاه، در حوزه صنعت نیز قدم‌های اساسی

## 18.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

برداشته شد و کشور رشد چشمگیری پیدا کرد، به نحوی که تعداد کارخانه‌ها که در سال 1304 کمتر از 20 واحد بود به 300 واحد در سال 1319 رسید. طبق آمار کوربی، از 105 شرکت فعال این دوره، 21 درصد متعلق به دولت، 55 درصد متعلق به بخش خصوصی، 23 درصد تحت مدیریت مشترک دولتی و خصوصی و 1 درصد هم متعلق به خارجی‌ان بود (فوران، 1392: 354). آبراهامیان نیز بیان می‌کند که در دوران رضاشاه، شمار کارخانه‌های صنعتی مدرن، بدون احتساب تاسیسات صنعت نفت، 17 برابر افزایش یافت. وی نیز آماری مشابه فوران ارائه می‌دهد و بیان می‌کند که در سال 1304، کمتر از 20 کارخانه صنعتی جدید در کشور وجود داشت که تعداد این کارخانه‌ها در سال 1320 به 346 رسید (آبراهامیان، 1384: 183).

باتوجه به ساختار اجتماعی موجود و قدرت خرید پایین اکثر ایرانیان، منطقی بود که دولت برنامه توسعه اقتصادی را شروع کند. سرمایه‌های خصوصی هنوز پیشرفت چندانی نکرده بود و بیشتر جذب کارهایی نظیر معاملات زمین می‌شد تا کارهای صنعتی که غالباً سرمایه‌گذاری اولیه سنگین می‌خواست و بازدهی آن نیز اندک بود. دولت نوسازی از بالا را شروع کرد (کدی، 1387: 167). رضاشاه، به صنعت بیشتر از کشاورزی توجه کرد. در زمینه کشاورزی، پیشرفت اصلی در گسترش و بهبود محصولات صنعتی نظیر ابریشم، چغندر قند، تنباکو، چای و پنبه بود که صنایع جدیدالتأسیس را تغذیه می‌کرد و نیز تدارک سیلو و کارخانه‌هایی برای پاک کردن پنبه، شالی کوبی و خشک کردن و سایر کارها نیازمند یک چنین محصولاتی بود (عیسوی، 1362: 598). در دوره رضاشاه، تأکید نخست بر زیربنا بود؛ به همین دلیل توجه شایانی به حمل و نقل صورت گرفت. حمل و نقل ضعیف، مانع بسیار بزرگی در مقابل تحول و پیشرفت بود. لذا تلاش‌های گسترده‌ای در راه‌سازی صورت گرفت. یکی دیگر از پروژه‌های بلندپروازانه رضاشاه، ایجاد راه آهن سراسری در ایران بود. در سال 1930، خطوط پروازی منظم بین

تهران- بغداد آغاز شد و از سال 1935، خطوط تلفنی به میزان 10000 کیلومتر و 6000 مشترک، شهرهای بزرگ کشور را به هم متصل کرد. همچنین به کمک یک هیئت مالی آمریکایی، نظم‌وترتیبی در سیستم آشفته مالی ایران برقرار گردید و هزینه‌های دولتی کنترل شد (عیسوی، 1362: 595-596). دولت به‌خاطر ایجاد یک ساخت و نظام محکم مالی و مالیاتی و تدارک حمل‌ونقل و قدرت در زمینه فعالیت‌های مستقیم تولیدی، خصوصاً صنایع دخالت کرد. در سال 1924، ورود ماشین‌آلات کشاورزی و صنعتی برای مدت 10 سال از حقوق گمرکی معاف گردید و سپس در سال 1934، برای مدت 10 سال دیگر این دستور تمدید گردید. در سال 1932، این ماشین‌آلات از مالیات راهداری جدید نیز معاف شدند. در کرایه تولیدات ملی که به‌وسیله راه‌آهن حمل می‌شد، تخفیفی حاصل شد و کالاهای صنعتی دارای حق بیمه شدند و برای دولت در خرید این کالاها ارجحیتی حاصل گشت و دولت تا حدی هم بر تأسیسات صنعتی نظارت پیدا کرد. بانک کشاورزی و صنعتی که در سال 1933 ایجاد شدند، وام‌هایی به چندین مؤسسه اهدا کردند. علاوه بر این‌ها، صنایع، از سال 1928 از موازین پشتیبانی چندی که دولت ایجاد کرده بود (تعرفه، سهمیه‌ها، کنترل ارز) سود برد. مدارس صنعتی و کارگاه‌ها، تأسیس یافت و کارگران ماهر تحویل جامعه داد. در نتیجه تعداد زیادی از کارخانه‌های کوچک و متوسط، خصوصاً در زمینه منسوجات و مواد غذایی در سال 1930 توسط مؤسسات خصوصی راه افتاد. علاوه بر این‌ها، خود دولت هم کارخانه‌های متعددی در زمینه تصفیه شکر، سیمان، منسوجات و سایر صنایع تأسیس کرد (عیسوی، 1362: 597).

دوره رضاشاه را می‌توان آغاز نقش‌آفرینی صنعت نفت در اقتصاد کشور دانست (عیسوی، 1362: 593). رضاشاه، بخش اعظمی از درآمدهای کل دولت را صرف ارتش می‌کرد. ارقام رسمی بودجه نشان می‌دهد که به‌طور متوسط 33.5 درصد (یک‌سوم) کل درآمد دولت در فاصله سال‌های 1926 تا



## 20... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

1941 میلادی، صرف ارتش شده است. همچنین بخش بزرگی از درآمد نفت، صرف خرید تجهیزات گران قیمت تسلیحاتی و ایجاد صنایع کوچک مهمات سازی در تهران و شهرهای دیگر می شد (فوران، 1392: 333 - 334). توجه بیش از حد رضاشاه به ارتش و قوای نظامی، فرصتی برای ظهور بخش های دیگر صنعت باقی نمی گذاشت.

فوران در تحلیل فرآیند صنعتی شدن دوره پهلوی اول بر این باور است که نخست، صنایع ایجاد شده بسیار تخصصی بودند و تنها در چند شهر بزرگ تهران، تبریز و اصفهان متمرکز بود؛ دوم، فرآیند صنعتی شدن مبتنی بر یک برنامه مشخص صورت نگرفت؛ سوم، تخصیص نامناسب بودجه به طرح های صنعتی موجب شد تا بودجه هنگفت طرح های ناموفقی چون ایجاد راه آهن شمال-جنوب به ضرر دیگر بخش های صنعتی تمام شود؛ چهارم، بخش دولتی به سبب هزینه های بالا و سود اندک، بخشی ضررده به شمار می رفت (فوران، 1392: 355).

رضاشاه علی رغم همراه نمودن بخشی از طبقه بالای قدیمی با خود، در جلب حمایت طبقه متوسط سنتی موفقیت ناچیزی داشت. ایجاد انحصارات دولتی و کارخانه هایی که دولت آن ها را تأمین مالی می کرد، هر چند موجب پیدایش محدود بازرگانان و صاحبان صنایع مرتبط با دربار شد، اما موجبات نارضایتی گسترده جامعه تجاری قدیمی را نیز فراهم ساخت. همچنان که کنسول های انگلیسی اغلب گزارش می دادند، کنترل تجارت خارجی توسط دولت، به زیان تجار خصوصی بود و حتی ورشکستگی هایی به بار می آورد. مالیات های وضع شده بر درآمد و کالاهای مصرفی باعث می شد تا تجار به صورت پنهانی شکایت کنند که هزینه ارتش جدید و پروژه خط آهن بسیار زیاد است. بنابراین، تمرکز اقتصادی، مخالفت بازاریان دیگر استان ها را برانگیخت (آبراهامیان، 1384: 188). با مقایسه

وضعیت ایران با کشورهای منطقه، می‌توان به وضعیت کلی اقتصاد ایران در این دوره پی برد. جدول زیر، برخی از شاخص‌های اقتصادی را در سال 1938 در ایران، مصر و ترکیه نشان می‌دهد:

جدول 1: مقایسه برخی از شاخص‌ها در ایران، مصر و ترکیه در سال 1938  
(سازمان ملل، کتاب سال بین‌المللی آمار، سال 1939 و 1940؛ به نقل از عیسوی، 1362: 599)

| شاخص                       | ایران  | مصر     | ترکیه  |
|----------------------------|--------|---------|--------|
| جمعیت (میلیون)             | 15     | 16/4    | 17/1   |
| واردات (میلیون دلار)       | 55     | 184     | 119    |
| راه‌آهن (کیلومتر)          | 1700   | 56/6    | 7324   |
| اتومبیل                    | 15000  | 33700   | 11300  |
| محصولات سیمانی (تن)        | 65000  | 375000  | 287000 |
| محصولات شکر تصفیه شده (تن) | 22000  | 238000  | 247000 |
| محصول حبوبات               | 3/09   | 3/63    | 6/46   |
| محصول پنبه (تن)            | 34000  | 400000  | 52000  |
| مصرف انرژی                 | 1/55   | 2/05    | 2/18   |
| محصّلین مدارس              | 234000 | 1309000 | 810000 |

ایران، هرچند در بسیاری از شاخص‌ها هنوز از مصر و ترکیه عقب‌مانده‌تر است اما نسبت به اوایل دوره رضاشاه، پیشرفت چشمگیری داشته است.

### تضادهای کارگری در دوره رضاشاه

در این قسمت به بررسی وضعیت کارگران و همچنین تضادهای کارگری این دوره، پرداخته می‌شود. در این قسمت نیز، با توجه به کدگذاری‌های صورت گرفته، مقولات اصلی شناسایی شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند.

### الف) کارگران صنعتی در این دوره

## 22.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

کامبخش (کامبخش، بی تا، 34 - 3؛ به نقل از نعمتی فیروزآباد، 1396: 134) اعتقاد دارد تا سال 1306، به جز کارگران نفت جنوب، کارگر صنعتی به معنای واقعی آن در ایران به وجود نیامده بود و کارگران ایران عبارت بودند از کارگران چاپخانه‌ها، کارگران قالیباف، باربران بنادر و کارگران شیلات، کارگران انواع صنایع دستی و بازار. از اواخر حکومت قاجار و سال‌های نخست به قدرت رسیدن رضاخان، صنایع جدید در ایران رو به گسترش نهاد. در سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه، بر پایه آمار بانک ملی ایران در کشور 680 کارخانه ماشینی (قند، پنبه، نوشابه‌سازی، نساجی، جوراب‌بافی، روغن‌کشی، کبریت‌سازی، چرم‌سازی، نجاری، صنایع فلزی و غیره) وجود داشت که 44316 کارگر در آن مشغول به کار بودند (پورشافعی، 1385: 220). در اوایل دهه 1300، اغلب کارگران ایرانی هنوز در صنایع دستی و دیگر صنایع کوچک سنتی مشغول به کار بودند. برای مثال در سال 1306 در تهران در حالی که 5000 پیشه‌ور و 7000 کارآموز در حرفه‌های گوناگون، به کار مشغول بودند، تنها چندصد تن در کارخانه‌های کوچک و جدیدی همچون کارخانه‌های اسلحه‌سازی، نساجی، چاپخانه و کارخانه برق کار می‌کردند. در دهه 1310، اندازه و قابلیت حرفه‌ای کارخانه‌ها افزایش یافت. تا اواخر این دهه بیش از 260000 کارگر در بخش‌های گوناگون صنعت و معدن، ساختمان، حمل‌ونقل وجود داشتند که به بیش از دو برابر تعداد کارگران در قبل از جنگ جهانی اول بالغ می‌شد (اشرف و همکاران، 1386: 96). تاسیس چند کارخانه بزرگ، از جمله کارخانه اسلحه‌سازی دولتی (با 2300 کارگر)، کارخانه دخانیات (با 3300 کارگر) و چند کارخانه نساجی بزرگ هر یک با 500 تا 1000 کارگر در اصفهان و تبریز، نسبت کارگران شاغل را در کارخانه‌های بزرگ افزایش داد. در ابتدای دهه 1320، تعداد 29930 کارگر که تقریباً یک سوم از نیروی کار صنعتی را تشکیل می‌دادند در کارخانه‌هایی با بیش از 500 کارگر مشغول به کار بودند. در همین دوره، نسبت کارگران فصلی از 15 درصد به 6.5 درصد

## 23.....

کاهش یافت (اشرف و همکاران، 1386: 97). در سال 1320 بودجه صنایع تقریباً 50 برابر رقم مربوط به 1313 بود و در نتیجه آن، درصد سهم صنایع و بازرگانی از 3.1 درصد در سال 1313 به 24.1 درصد کل بودجه سال 1320 رسید؛ اما افزایش نیروی کار صنعتی به اندازه افزایش عمومی در ظرفیت تولید آشکار نبود و این ناشی از [هجوم] سرمایه برای کارخانه‌های بزرگ‌تر بود؛ در سال 1320، نیروی کار صنعتی به جز بخش نفت، تقریباً سه برابر ده سال پیش از آن بود (کاتوزیان، 1374: 177). آمارهای مختلف نشان از افزایش تعداد کارگران صنعتی در دوره رضاشاه دارد. در این دوره، قشر کارگر، اندک اندک گسترش می‌یافت و مباحث بیشتری پیرامون آن مطرح می‌شد.

### ب) دستمزد

اقدامات رضاشاه، برای پیشبرد صنعت، تأثیرات متفاوتی بر وضعیت قشرهای مختلف جامعه بر جای گذاشت؛ از جمله بر کارگرانی که در بخش زیرساخت‌ها و کارخانه‌های تازه تأسیس فعالیت داشتند. سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی دولت بر جایگاه اجتماعی و اوضاع معیشتی این طبقه تأثیرگذار بود. کشور ایران، تازه در مدار صنعتی شدن قرار گرفته بود و توجه به عوامل زیربنایی و نادیده گرفتن شرایط کار کارگران و وضع مالیات بر کالاهای معیشتی آنان مانند قند و شکر، باعث می‌شد که کارگران نیز مانند اقشار پایین جامعه در وضعیت نابسامان به سر برند. با این‌که دستمزدها بسیار پایین بود اما همین دستمزد کم، به‌موقع به کارگران پرداخت نمی‌شد. مهمترین عاملی که باعث می‌شد اعضای حزب کمونیست به‌راحتی بین کارگران نفوذ کنند و باعث اعتصابات و حتی تعطیلی کارخانه‌ها و شرکت‌ها شوند، همین عامل اقتصادی، یعنی به‌موقع پرداخت نشدن حقوق کارگران و محروم بودن کارگران از کوچک‌ترین حقوق خود بود (نعمتی فیروزآبادی: 1396: 135).

## 24... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

باید توجه داشت که دستمزد کارگران بر طبق محل کار، فصل، کارخانه، جنسیت کارگر، سن و توانایی کارگر متفاوت بود. مثلاً در سیستان و بلوچستان و قائنات، دستمزد کارگران، به مراتب پایین تر از کارگران شهرهای بزرگ کشور بود. دستمزد کارگر در اوایل سلطنت رضاشاه در ولایات، ماهانه 5 تومان بود؛ در حالی که در شهرهای بزرگ، این میزان در حدود 10 تا 12 تومان بود. صنعتگران، دستمزد بیشتری نسبت به بقیه می گرفتند؛ یعنی روزانه 5 تا 10 قران، کارگر بزرگسال چاپخانه، ماهانه بین 12 تا 15 تومان مزد می گرفت و حروف چین، ماهانه 35 تا 40 تومان. کارگران صنعت شیلات هم حقوق ماهانه 15 تا 20 تومان دریافت می کردند؛ این در حالی بود که کارگران ساختمانی، ماهانه کمتر از 10 تومان مزد دریافت می کردند. کارگران صنعت قالبیافی، با کار 16 ساعت در روز، از یک تا 3 قران مزد دریافت می کردند. کارگران صنعتی مرد در کارخانه های مدرن، ماهانه 15 تومان مزد می گرفتند. کارگران زن، در همان کارخانه روزانه 2 قران دریافت می کردند که ماهانه به 6 تومان می رسید. مفهوم این دستمزدها زمانی روشن می شود که آن ها با هزینه های زندگی مقایسه شوند. برای سال 1310، هزینه روزانه یک خانواده 4 نفره که شامل شکر، نان، گوشت، تنباکو، نفت، کرایه خانه، پوشاک و غیره می شود، حدود 2.5 قران برآورد شده است (فلور، 1371: 134 - 141). بین کارگران ایرانی و کارگران سایر کشورهای حاضر در ایران نیز تفاوت وجود داشت. فلور اشاره می کند که در حوالی سال 1307، کارگر ماهر ایرانی، 14 تا 20 تومان ماهانه دستمزد می گرفت؛ اما در این سال، مدیران و کارمندان انگلیسی، از پانصد تا هزار و پانصد تومان دریافتی داشتند؛ در این موقع، کارگران و کارمندان هندی به طور قطع، مبلغی بیشتر از کارگران ایرانی دریافتی داشتند (فلور، 1371: 136). اشرف (اشرف و همکاران، 1386: 97) نیز اشاره می کند که تغییرات صورت گرفته در بخش های مختلف اقتصاد، با افزایش حقوق در بخش صنایع جدید طی دهه 1300 و 1310 همراه نبود. بدین سان برای مثال در صنایعی همچون

پنبه‌پاک‌کنی، نساجی و ساخت راه‌آهن، میانگین دستمزد روزانه هنوز برای کارگران 3 قران و کارگران ماهر 7 تا 8 قران بود که نسبت به دستمزدها در دو یا سه دهه پیش از آن صرفاً افزایش اندکی یافته بود. زنان، در کارهای غیرحرفه‌ای با کاری مشابه مردان، مزدی معادل 2.5 قران در روز می‌گرفتند و کودکان حتی کمتر از این مقدار و حدود یک قران مزد روزانه می‌گرفتند.

### پ) وضعیت رفاهی کارگران

ایوانف اعتقاد دارد که در اوایل دوره پهلوی، وضعیت کارگران ایران بسیار بد بود. ارتش بیکاران همواره وجود داشت و دهقانان بر میزان آن می‌افزودند. ساعات کار روزانه در حدود 10 الی 14 ساعت بود. در تأسیسات و کارخانه‌های مختلف، به طور وسیع از نیروی کار زنان و کودکان استفاده می‌شد. کارگران مزد ناچیزی در حدود چند ریال در روز دریافت می‌کردند. زنان دو برابر و کودکان چهار برابر کمتر از مردان بزرگسال حقوق می‌گرفتند. قانون کار و بیمه‌های اجتماعی نیز وجود نداشت (ایوانف، 1356: 80).

کنسول انگلیس در تبریز، وضعیت عمومی کارگران را چنین بیان می‌کند: ما در یک مرحله انتقالی میان قدیم و جدید هستیم، روابط شخصی کارگر با کارفرما از میان می‌رود و کارگر هرچه بیشتر با محصول کار خود بیگانه می‌شود. هنوز قوانین مناسبی برای زمان مصدومیت و بیکاری وجود ندارد که جانشین مسئولیت‌های اخلاقی کارفرماهای قدیمی شود. حکومت، ساختاری را ویران کرده‌است بدون آن که چیزی به جای گذاشته‌باشد. (آبراهامیان، 1384: 200).

بر اثر بحران اقتصادی بین‌المللی سال‌های 1929 - 1932، وضع زندگی کارگران ایرانی بدتر شد. افزایش ساعات کار روزانه، بدتر شدن شرایط کار، کاهش دستمزدها، افزایش بیکاری و فقر، وجود سیستم جریمه کار و مانند آن، موجب ناراحتی کارگران و بالاتر رفتن تضادهای کارگری شد (ایوانف،

## 26.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

1356: 81). در دهه 1310 که کارخانه‌های دولتی و خصوصی بیشتری احداث شد، دولت تصمیم گرفت لایحه جامعی درباره مقررات واحدهای صنعتی تنظیم کند و سازمان بین‌المللی کار، کارشناسی را برای کمک به تهیه پیش‌نویس این مقررات به ایران فرستاد. این لایحه که نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی نامیده شد، در 19 مرداد 1315 به تصویب هیئت وزیران رسید. لایحه مجموعه‌ای از مقررات مربوط به احداث کارخانه‌هایی بود با رعایت حداقل معیار ایمنی و بهداشت و رفاه کارگران. این لایحه ملحقاتی هم داشت: به زنان باردار می‌بایست مرخصی با حقوق بدهند، کارفرمایان موظف بودند سوابق استخدامی کارگران را حفظ کنند و خلاصه‌ای از آن را در اختیار اداره کل پیشه و هنر قرار دهند. در موارد بیماری یا آسیب‌دیدگی کارگران، با توجه به وضع آنان، کارفرما می‌بایست از ساعات کار روزانه آنان بکاهد. (لاجوردی، 1369: 42).

### ت) حرکت‌های کارگری، اتحادیه‌ها و حزب کمونیست

رضاشاه از یک طرف پیشرفت کشور در زمینه برقراری امنیت و ایجاد نظم نوین اداری، توسعه زیرساخت‌های صنعتی از جمله حمل‌ونقل و جاده‌سازی، راه‌آهن، ساخت کارخانه‌های صنعتی و حمایت از صنعت داخلی را فراهم کرده بود و از طرف دیگر حاضر نبود که انتقادات اجتماعی را تحمل کند. ترس از گذشته ناآرام کشور و تمایل به تمرکزگرایی، هرگونه اعتراضی را سرکوب می‌کرد که کارگران هم از آن مستثنی نبودند (نعمتی فیروزآباد، 1396: 149). در تابستان 1302، در حین انتخابات مجلس پنجم، رضاخان به اقدام‌های ناگهانی و غیرمنتظره علیه اتحادیه‌های کارگری دست زد. او می‌خواست جای نخست‌وزیر را بگیرد و اتحادیه‌های کارگری را در راه حصول خواسته‌اش مانع بزرگی می‌دانست. وی به دست فرماندهان نظامی خود، همه اتحادیه‌های کارگری را در سراسر کشور توقیف کرد (فلور، 1371: 35). به رغم اندک بودن تعداد کارگران و بالا بودن فشارها، قشر کارگر در

دهه 1300 در فعالیت‌های شدید و حتی رادیکال سیاسی و تشکیل اتحادیه‌های کارگری درگیر شد. بیشتر این فعالیت‌ها به تحریک تلاش‌های سازمان‌یافته حزب کمونیست ایران بود (اشرف، 1386: 101).

زمانی که رضاخان در سال 1304 به سلطنت رسید، به آزادی نهادهای مستقل مانند مجلس، مطبوعات و اتحادیه‌های کارگری ضربه زیان‌باری وارد کرد. در واپسین سال‌های حکومت قاجاریان، دولت رضاخان، مخالفان خود را به خاطر اقداماتشان، یعنی اعتصاب‌ها به باد حمله گرفته بود. در پاییز سال 1304، رضاشاه حملات پی‌درپی به بازمانده‌های اتحادیه عمومی کارگران مرکزی آغاز کرد و همین امر سبب گردید که فعالین کارگری به طور مخفیانه به فعالیت‌های خود ادامه دهند (لاجوردی، 1369: 30).

تا سال 1304 شمسی، مراسم بزرگداشت اول ماه می (روز جهانی کارگر) به طور علنی برپا می‌شد اما از زمانی که رضاخان به شاهی رسید، جشن کارگران، نوعی جنایت به شمار می‌آمد و اداره نظمیّه برای جلوگیری از آن سخت‌گیری و پافشاری می‌نمود. (مانی، 1358: 21). با وجود فشارهای نظامی علیه کارگران، مراسم اول ماه می در سال‌های 1305 و 1306 برگزار شد. چند روز بعد از مراسم، حکومت تعدادی از کارگران را دستگیر می‌کند. بعد از سال 1308، اعضای شناخته شده اتحادیه‌ها تحت مراقبت شدید پلیسی قرار گرفتند، به نحوی که از دیدار آن‌ها حتی در کافه‌ها یا قهوه‌خانه‌ها نیز جلوگیری می‌شد (مانی، 1358: 21 – 24).

در دومین کنگره فرقه کمونیست ایران (سال 1306)، مطالباتی مطرح شد که برخی از مهمترین آن‌ها به قرار زیر بود:

1. آزادی کامل تشکیلات سیاسی و اتحادیه‌ها و اشکال دیگر تشکیلات صنعتی کارگران. 2. به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری توسط حکومت و صاحبان کارخانه‌ها. 3. آزادی اجتماعات و محافل، آزادی اعتصاب. 4. آزادی کامل برای مطبوعات کارگری. 5. هشت ساعت شدن مدت کار روزانه



## 28.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

کارگران. 6. دو برابر شدن دستمزد کار شبانه. 7. منع کار شبانه زنان و کودکان. 8. منع کار برای کودکان کمتر از چهارده سال. 9. آزادی تشکیلات کمیته‌های کارخانه‌ای با داشتن حق مداخله در تنظیم روابط میان کارگران و صاحبان کارخانجات و تفتیش استحصالات. 10. تعیین 42 ساعت کار در هفته و مانند آن (برنامه عملیات حزب کمونیست ایران، به نقل از محمودی و همکاران، 1381: 196؛ لاجوردی، 1369: 32). بعد از دومین کنگره فرقه، اعضای آن کوشیدند ارتباطات خود را با کارگران گسترش دهند و درصدد بازسازی اتحادیه‌ها یا تأسیس تشکل‌های جدیدی برآمدند. تشکل‌هایی که از سوی فرقه ایجاد شدند، معمولاً اتحادیه کارگری به مفهوم واقعی کلمه نبودند، بلکه بیشتر شبیه حوزه‌های حزبی بودند. حزب، برخی از کارگران فعال را در حوزه‌های ویژه خود به نام اتحادیه سازمان می‌داد. تلاش‌های فرقه، قالباً ناکام ماند و این حوزه‌ها در اندک زمانی توسط نیروهای امنیتی و سرکوب‌گر رضاشاه کشف و در هم کوبیده شدند (محمودی و همکاران، 1381: 200).

بین سال‌های 1308 تا 1311 موج اعتصابات کارگری به رهبری اتحادیه‌های مخفی کارگری و حزب کمونیست ایران جریان داشت و به بیشتر نواحی ایران سرایت کرد. از مهمترین حرکت‌های کارگران در دوره رضاشاه، می‌توان به اعتصاب کارگران شرکت نفت جنوب که از 13 اردیبهشت سال 1308 آغاز شده بود، اشاره کرد. بسیاری از کارگران معترض، دستگیر و سپس تبعید شدند و تا سال 1320، همچنان در تبعید ماندند. اعتصاب‌ها اگر چه به شدت سرکوب شد ولی دستاوردهایی نیز برای کارگران داشت: به حقوق کارگران افزوده شد؛ مساکنی برای کارگران با سابقه بنا گردید و عده‌ای از مهندسین و مامورین انگلیسی که مورد تنفر کارگران بودند، از کار برکنار شدند (محمودی و همکاران، 1381: 209). نظرات مختلفی درباره اعتصاب کارگران آبادان وجود دارد. فلور (فلور، 1371: 65 - 66) معتقد است که رهبران شبکه با روس‌ها در ارتباط بوده‌اند و از آن‌ها خط‌مشی می‌گرفتند. وی

سازمان‌دهندگان اعتصاب را رهبران فتنه‌جویان می‌خواند. لاجوردی (لاجوردی، 1369: 35) نیز اعتقاد دارد که بعضی حرف‌وحدیث‌ها حاکی از آن است که این اعتصاب به تحریک اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته‌است. حکومت رضاشاه، همه اتحادیه‌های کارگری، به‌ویژه شورای متحده کارگران را از فعالیت محروم کرد و از سال 1306 تا 1312، 156 تن از سازمان‌دهندگان نیروهای کارگری را دستگیر کرد. بیشتر این افراد به شهرهای دور از زادگاه خود تبعید شدند (فوران، 1392: 174). در خرداد 1310، حکومت رضاشاه برای قانونی کردن سرکوب‌ها، لایحه‌ای از تصویب مجلس گذراند که دارای 7 ماده بود. در لایحه ذکر شده بود که هر کس به هر اسم، جمعیتی تشکیل دهد که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و یا حمایت از مرام اشتراکی باشد یا به آن پیوندد، به سه تا ده سال زندان محکوم خواهد شد (محمودی و همکاران، 1381: 219). بر همین اساس، ابزاری برای سرکوب هرچه بیشتر فعالیت‌های کارگری به‌دست آمد. در بین سال‌های 1310 تا 1320 شمسی، فعالیت‌ها و اعتصابات کارگران، به‌صورت جسته و گریخته صورت می‌گرفت. از مهمترین این اعتصاب‌ها می‌توان به اعتصاب کارگران کارخانه وطن اصفهان اشاره کرد که طی آن، کارگران به موفقیت‌هایی دست یافتند مانند: کاهش ساعات کار از 12 ساعت به 9 ساعت، لغو تفتیش بدنی کارگران، افزایش 20 درصدی دستمزد کارگران و بهبود شرایط محیط کار (محمودی و همکاران، 1381: 218). در آیین‌نامه‌ای که در سال 1315 تحت عنوان حفظ نظم در کارخانه‌ها به تصویب رسید، هرگونه اعتصاب کارگری ممنوع شد اما کارگران با این وجود به فعالیت خود ادامه دادند (نعمتی فیروزآباد، 1396: 149).

در سال‌های پادشاهی رضاشاه، یک طبقه صنعتی ناراضی شکل گرفت. مزدهای پایین، ساعات کاری زیاد، وضع مالیات‌های گزاف بر کالاهای مصرفی، انتقال اجباری کارگران به منطقه مالاریاخیز مازندران و شرایط نامساعد کاری که به بردگی شباهت داشت، همگی موجب نارضایتی کارگران صنعتی شد. از

### 30.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

آنجا که در سال 1305، اتحادیه‌های کارگری، ممنوع شده بود، نارضایتی‌ها به شکل فعالیت‌های زیرزمینی و اعتصابات غیرمجاز درآمد. در روز کارگر سال 1308، یازده هزار کارگر پالایشگاه نفت برای دستمزدهای بالاتر، 8 ساعت کار روزانه، پرداخت حقوق تعطیلات سالانه، خانه‌های سازمانی و به رسمیت شناخته شدن اتحادیه‌ها، دست به اعتصاب زدند. گرچه شرکت نفت دستمزدها را افزایش داد ولی بریتانیا، یکی از قایق‌های توپ‌دار خود را به بصره فرستاد و مقامات ایرانی نیز بیش از 500 کارگر را دستگیر کردند. پنج تن از رهبران اعتصاب هم تا سال 1320 در بازداشت باقی ماندند. در سال‌های بعدی، اعتصاب‌های پراکنده‌ای در گوشه و کنار کارخانه‌های کشور رخ داد که با ترتیب‌دهندگان اعتصاب برخورد شد و به زندان فرستاده شدند (آبراهامیان، 1384: 200).

می‌توان خلاصه‌وار چنین بیان کرد که سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رضاشاه به‌عنوان مهمترین عامل رو به افول گذاردن فعالیت‌های اتحادیه‌ای است. وقتی قدرت مرکزی رو به ثبات گذاشت، مخالفین اتحادیه‌ها متمرکز شدند و عقب راندن اتحادیه‌ها ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. صنایع ایران در آن زمان بسیار عقب‌مانده بودند و موانع ساختاری، کارگران را از فعالیت اتحادیه‌ای باز می‌داشت. درصد زیادی از نیروی کار صنعتی ایران، از پیشه‌های سنتی کشاورزی و روستایی خود نگهسته بودند و تعداد زیادی از نیروی کار را کارگران فصلی تشکیل می‌دادند. علاوه بر آن، کارگاه‌های ایران، کوچک و پراکنده بودند و کمتر کارگری می‌توانست در یک کارگاه واحد، مدت زمان طولانی کار کند. علت دیگر فقدان علاقه به اتحادیه‌های کارگری را می‌توان به امکان‌های بیشتر استخدام ارتباط داد که پس از سال 1310 در اثر موج صنعتی شدن در ایران پدید آمده بود. همچنین در ایران، اتحادیه‌گرایی نه تنها مورد تهاجم حکومت‌ها بود، بلکه با مخالفت بسیاری از نهادهای قدرتمند اجتماعی هم روبرو بود. اگر حمایت نهادهای قدرتمندی مثل روحانیت و احزاب معتدل از کارگران صورت می‌گرفت، به حکومت اجازه

داده نمی‌شد که کارگران و اتحادیه‌های آنها را قلع و قمع سازند. اگر کارگران می‌کوشیدند که این برداشت را تقویت کنند که همکاری و توافق بین کارگران و کارفرمایان بیش از تعارض و اختلاف برای هر دو طرف نتیجه‌بخش و سودمند است، احتمالاً راحت‌تر می‌توانستند به اهداف خود دست یابند.

### نتیجه‌گیری

روابط صنعتی و تضادهای کارگری، از پدیده‌های مهم اداره اجتماعات دوره معاصر است که باید مورد توجه عمیق برنامه‌ریزان و مسئولان اداره امور هر جامعه قرار گیرد. از آنجایی که کارگران، از مهمترین کنشگران بخش صنعت اقتصاد هستند، توجه به روابط آنها با سایر کنشگران صنعتی، می‌تواند نقش به‌سزایی در درک تغییرات کلان جامعه داشته‌باشد. با توجه به این که در دوره رضاشاه، به تدریج نظام روابط صنعتی در حال شکل‌گیری بود، این تحقیق تلاش داشت با شناسایی عوامل مؤثر بر تضادهای کارگری در این دوره، از نواقص پژوهشی موجود بکاهد و به محققین و سیاست‌گذاران این حوزه، یاری رساند. فرضیه تحقیق اینگونه بود که انواع اختلالات اجتماعی در جامعه، تضادهای کارگری را تشدید می‌کند. یافته‌های تحقیق، این فرضیه را تأیید می‌کند. با توجه به چارچوب نظری تحقیق، تضادهای کارگری دوره رضاشاه پهلوی را می‌توان در قالب نمودار (شکل 1) نشان داد.

دوره رضاشاه را نسبت به اواخر دوره قاجار، باید دوره تمرکزگرایی دانست. در این دوره، تمرکزگرایی در حوزه‌های مختلف شکل گرفت. رضاشاه که قدرت خود را از طریق کودتای نظامی به دست آورده بود، بنیان قدرت خود را بر نظامی‌گری استوار کرد و منابع و ابزارهای قدرت را در اختیار خود گرفت. او احزاب سیاسی را از بین برد و اعتقاد داشت که باید صدای یک‌دستی در کشور وجود داشته باشد. وی بر انتخابات مجلس نظارت شدید داشت و بر آن اعمال نفوذ می‌نمود. همین عوامل باعث نارضایتی بسیاری از نخبگان سیاسی و اجتماعی جامعه شده بود. البته نباید از این نکته غافل شد که در این دوره بود که

### 32.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

دولت مدرن، به عنوان انحصار کاربرد مشروع قدرت در یک سرزمین شکل گرفت. سیاست تمرکزگرایی رضاشاه، به حوزه فرهنگی نیز گسترش یافت. وی برای جامعه متکثر ایرانی، سیاست یکسانسازی را برگزید. هرچند رضاشاه توانست شورشها و نافرمانیهای مختلف در گوشه و کنار کشور را از بین ببرد ولی این کار وی به سرکوب اقوام منتهی شد. برخی از شعائر دینی، مورد حمله دولت قرار گرفت، آزادیهای فردی، بسیار محدود شد و تلاشهای بسیاری نیز برای یکسانسازی افکار و اندیشهها صورت گرفت.

باتوجه به تغییراتی که در حوزههای بهداشتی و آموزشی انجام شد، جمعیت کشور نیز افزایش یافت. همین امر موجب گسترش شهرنشینی گردید که اصولاً ضابطه مند نبود. ساختار ایلی و عشایری دگرگون شد و از قدرت عشایر در عرصه سیاسی کشور کاسته شد. در راستای سیاستهای تمرکزگرایانه رضاشاه، مطبوعاتی که صدایی غیر از صدای حکومت داشتند، تعطیل شدند. به سبب همین سیاستها، رابطه حکومت با نیروهای اجتماعی ضعیف شد و حکومت نتوانست حمایت قشر متوسط را جلب کند. در این دوره، تلاشهایی برای توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی صورت گرفت اما در این راستا، برنامه‌ای مشخص و جامع وجود نداشت. قسمت زیادی از درآمدهای دولت، صرف نوسازی ارتش شد و بودجه نیز به صورت نامتوازن توزیع شد. دولت نوسازی از بالا را در پیش گرفت ولی علی‌رغم آن، بخش اقتصاد دولتی زیان‌ده بود. بسیاری از صنایع عقب مانده بودند و آنها نیز در شهرهای بزرگ متمرکز شده بودند. همین امر نیز سبب شد درآمدها به صورت نامتوازن در کشور توزیع شوند و نابرابریهایی بین مناطق به وجود آید. گسترش کارخانه‌ها سبب افزایش تعداد کارگران صنعتی شد. علی‌رغم افزایش تعداد آنها، وضع کارگران در دوره رضاشاه، هم از بُعد قدرت خرید و میزان دستمزدها، هم بهبود شرایط کار و هم رعایت حرمت انسانی آنان، تغییر محسوسی پیدا نکرد. کماکان میزان دستمزد کارگران پایین بود، امنیت

شغلی پایینی داشتند، ساعات کار روزانه زیاد بود، بیمه تامین اجتماعی نداشتند و دستمزد آن‌ها با توجه به جنس، سن و شهر محل کار متفاوت بود. کارفرمایان نیز سبک و سیاق قدیمی خود را ادامه می‌دادند و مسئولیت‌های اخلاقی در قبال کارگر احساس نمی‌کردند. دولت نیز به سرکوب کارگران می‌پرداخت و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رضاشاه سبب شده بود که فعالیت کارگران ایرانی تا حدودی از میان برود. در چنین وضعیتی، اتحادیه‌های کارگری که می‌توانستند واسطه بین کارگر با کارفرمایان و دولت بوده و بازویی برای حل مسالمت‌آمیز تعارضات کارگری باشند، حذف شدند و بسیاری از اتحادیه‌های مستقل توقیف گردیدند.

### 34.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول



شکل 1: مدل روابط صنعتی و تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

در این دوره، کارگران خواسته‌های خود را به طُرُق مختلف از جمله برگزاری اعتراضات و ایجاد اعتصاب ابراز کردند. برخی از مهمترین خواسته‌های کارگران عبارت بود از به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری از سوی دولت و صاحبان صنایع، حق اعتصابات و آزادی نشریات کارگران، برقراری هشت ساعت کار روزانه، مشارکت شوراهای کارخانه در تنظیم روابط کارگران و مدیریت کارخانه‌ها، پذیرفتن اصل مذاکره جمعی کارگران و کارفرمایان، تعیین حداقل دستمزد توسط اتحادیه‌های کارگری، برقراری دو هفته مرخصی سالانه برای کارگرانی که حداقل شش ماه سابقه کار دارند. تلاش‌های کارگران برای رسیدن به این خواسته‌ها تنها در برخی از کارخانه‌ها جواب داد. در بعضی از کارخانه‌ها دستمزدها افزایش یافت، از ساعات کار کاسته شد و برخی جنبه‌های رفاهی کارگران بهبود یافت. باید توجه داشت که در اکثر کارخانه‌ها، این پیشرفت‌ها حاصل نشد. نتیجه وضعیتی که از یک سو اقتدار دولت و از سوی دیگر اقتدار کارفرما را دربرداشت، این شد که قانون کار تصویب نگردید، کارگران علاقه‌ای برای بازسازی اتحادیه‌ها و عضویت در آن‌ها نداشته باشند، امنیت شغلی کارگران کماکان پایین باشد و اعتراضات و اعتصابات کاهش یابد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در این دوره، اکثر فرآیندهای حل تضاد کارگری با شکست مواجه شد. نتیجه چنین امری نیز این شد که کارفرمایان بسیاری از پیشنهادات کارگران را رد کنند، جریمه مالی کارگران را افزایش دهند، در برخی موارد دستمزد کارگر را به بهانه‌هایی چون عدم رضایت از کار کاهش دهند و کارگران معترض را اخراج کنند. دولت نیز به شکل‌های مختلف به تضادهای کارگری پاسخ داد. از جمله این پاسخ‌ها عبارت بود از سرکوب اعتراضات، دستگیری و زندانی کردن رهبران کارگران، برهم زدن تجمعات کارگران، ارائه لایحه مجازات کارگران حامی مرام اشتراکی توسط دولت به مجلس، حمایت از کارفرمایان در مقابل کارگران، راه‌اندازی اتحادیه‌های تحت کنترل خود. در نتیجه، کارگران



### 36.... بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

یا به صورت مخفی و زیرزمینی به فعالیت‌های خود ادامه دادند و یا برکنار از سیاست‌های کارخانه‌ای شدند و از محصول کار خود بیگانه گشتند.

بخشی از نتایج تحقیق با یافته‌های برخی تحقیقات پیشین همچون لاجوردی که بیان می‌کند میدان دادن به اتحادیه‌های کارگری مستقل، تدبیری مؤثر برای مبارزه با نفوذ کمونیسیم در برخی جوامع از جمله ایران بوده است، همخوانی دارد.

#### منابع

- آبراهامیان، پرواند (1384) *ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نشر نی.
- اشرف، احمد (1359) *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران، نشر زمینه.
- اشرف، احمد، بنوعزیزی، علی (1386) *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر نیلوفر.
- ایوانف، میخائیل سرگیویچ (1356) *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران، نشر اسلوج.
- باربر، جولیان (1363) *اقتصاد سیاسی ایران (1900 – 1970)*، تهران، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران.
- بامداد، بدرالملوک (1347) *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران، نشر ابن سینا.
- بشیری، حسین (1389) *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران، نشر گام نو.
- بهشتی، جعفر (1389) *روابط صنعتی و روابط کار*، تهران، نشر نگاه دانش.
- پورشافی، مجید (1385) *اقتصاد کوچک، گزارش پول ملی ایران، هزینه‌های زندگی و دستمزدها در دو سده گذشته (1157 – 1357)*، تهران، نشر گام نو.
- جلبی، مسعود (1375) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران، نشر نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (1386) *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، انتشارات سمت.
- دادخواه، محمد رضا (1389) *روابط کار و روابط صنعتی (اصول و مبانی)*، تهران، نشر شهرآشوب.

- زاهدی، شمس‌السادات (1390) *روابط صنعتی: نظام روابط کار (با تأکید بر حوادث ناشی از کار)*، تهران، مرکز نشر دانشگاه.
- زیباکلام، صادق (1398) *رضاشاه*، تهران، نشر روزنه.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (1376) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، نشر آگه.
- سوداگر، محمد (1357) *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی 1304 - 1340)*، تهران، نشر پازند.
- صدرنوبی، رامپور (1385) *جامعه‌شناسی صنعتی*، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال 3.
- عیسوی، چارلز (1362) *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار 1215 - 1332 ه.ق. / 1800 - 1914 میلادی)*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، شرکت افست (سهامی عام).
- فلور، ویلم (1371) *اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران 1900 - 1941*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس.
- فوران، جان، (1392) *تاریخ تحولات اجتماعی ایران (مقاومت شکننده)*، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (همايون) (1374) *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- کدی، نیکی آر (1387) *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (1386) *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لاجوردی، حبیب (1369) *اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران*، ترجمه ضیاء صدقی تهران، نشر نو.
- مانی، شکرالله (1358) *تاریخچه نهضت کارگری در ایران*، تهران، بی‌نا.
- مبارکی، محمد (1391) *مطالعه تطبیقی - تاریخی عوامل و موانع صنعتی شدن در سه دوره تاریخی با تأکید بر ایران*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

### 38.... بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول

- محمودی، جلیل؛ سعیدی، ناصر (1381) *شوق یک خیز بلند (نخستین اتحادیه‌های کارگری در ایران؛ 1285 - 1320)*، تهران، نشر قطره.
- منوچهری، علی؛ احمدی، مهدی (1388) *اعتصابات کارگری دوره نخست‌وزیری مصدق*، نشریه پیام بهارستان، سال 2، شماره 5.
- نعمتی فیروزآباد، ابوذر (1396) *نقش حزب کمونیست در سازمان دادن به تشکلهای و اعتصابات کارگری و نحوه برخورد دولت رضاشاه با این فعالیتها (مطالعه موردی: اعتصاب کارگران نفت جنوب و کارخانه وطن اصفهان*، فصلنامه تاریخ نو، سال 7، شماره 19.
- نفیسی، سعید (1345) *تاریخ معاصر ایران از کودتای سوم اسفندماه 1299 تا بیست و چهارم شهریورماه 1320*، تهران، نشر فروغی.
- همراز، ویدا (1376) *نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه*، تاریخ معاصر ایران، سال 1، شماره 1.
- Abdullaev, Z. Z. (1968) *Formirovanie rabocheho klassa Irana (Formation of the working class of Iran)*, Baku, Izd. AN AzSSR.
- Bharier, Julian (1971) *Economic development in Iran 1900 – 1970*, London, Oxford University Press.
- Finnemore, Martheanne; Van der Merwe, Roux (1989) *Introduction to Industrial Relations in South Africa*, Lexicon Publishers, Johannesburg, GAU, South Africa.
- Hyman, R. (2001) *Understanding European Trade Unionism: Between Market, Class and Society*, Sage, London.
- Dunlop, J. T. (1958) *Industrial relations systems*, Henry Holt Ltd.

DOI: [10.71854/soc.2024-1130164](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1130164)

### Investigating factors affecting the marriage avoidance of youth


Mohsen Niazi

Professor of the Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran.

[0000-0001-7544-1028](https://orcid.org/0000-0001-7544-1028) 

Shaho Rastegari<sup>1</sup>

PhD of sociology, Kashan University, Kashan, Iran

[0009-0008-4982-9414](https://orcid.org/0009-0008-4982-9414) 

Ali Farhadyan

Assistant Professor, Department of Management and Economics, Kashan University, Kashan, Iran.

[0000-0001-7407-2662](https://orcid.org/0000-0001-7407-2662) 

#### Abstract

In recent years; Official statistics and numerous experimental evidences confirm the change in the attitude of young people regarding the issue of marriage and lack of interest in starting a family. There have been various researches on the issue of marriage avoidance among the country's researchers, each of them looking at the issue from their own perspective. The main question of this research is the design of the model and model of the factors affecting the marriage avoidance of young people. In this research, using meta-composite method, we investigated the causes and factors affecting the tendency of young people to live a single life. In this research, after searching in various sites and extracting 123 articles based on the keywords of research on the subject of youth celibacy; Based on the existing standards in the meta-synthesis method, 31 articles were finally focused. Then by analyzing the effective factors and counting the key categories that govern in these articles; We reached 5 fundamental concepts including increasing individualism, value changes, social changes, risk society and economic problems. As the level of education increases, the expectation of people to enter the labor market increases, and this issue, i.e. finding a suitable job, can delay marriage. Literacy and education cause personal changes and transformations in ideas, attitudes and personal values, and by expanding people's horizons beyond the traditional boundaries of society, it forces them to reevaluate the values of family and marriage.

**Keywords: Single life, modernity, society, meta-synthesis, individualism**

---

<sup>1</sup>, Corresponding Author: SHAHORASTEGARI@GMAIL.COM

## بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

محسن نیازی

استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

شاهو رستگاری<sup>2</sup>

دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

علی فرهادیان

استادیار گروه مدیریت و اقتصاد، دانشکده حقوق و علوم اقتصادی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱

### چکیده

در سالیان اخیر، آمار رسمی و شواهد تجربی متعددی مؤید تغییر نگرش جوانان در خصوص مسأله ازدواج و عدم علاقه به تشکیل خانواده است. پژوهش‌های گوناگونی در خصوص موضوع ازدواج گریزی جوانان در بین محققان و پژوهشگران کشور صورت گرفته که هر کدام از چشم‌انداز خاص خود به موضوع نگریسته‌اند. سؤال اصلی این پژوهش طراحی مدل و الگوی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان است. در این پژوهش، با استفاده از روش فراترکیب به بررسی علل و عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به زندگی مجردی پرداخته‌ایم. در این تحقیق پس از جستجو در سایت‌های مختلف و استخراج ۱۲۳ مقاله بر اساس کلیدواژه‌های تحقیق با موضوع مجرد جوانان، بر اساس استانداردهای موجود در روش متاستز در نهایت به ۳۱ مقاله تمرکز گردید. سپس با تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر و احصاء مقولات کلیدی حاکم بر در این مقالات، به ۵ مفهوم بنیادی شامل افزایش فردگرایی، تحولات ارزشی، تحولات اجتماعی، جامعه ریسکی و معضلات اقتصادی رسیدیم. با بالا رفتن سطح تحصیلات، انتظار افراد برای ورود به بازار کار بیشتر می‌شود و این موضوع یعنی پیدا کردن شغل مناسب می‌تواند باعث تأخیر در ازدواج گردد. سواد و تحصیلات باعث تحولات فردی و دگرگونی در ایده‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌های شخصی می‌شود و با گسترش افق دید افراد به ماورای مرزهای سنتی جامعه، آن‌ها را به ارزیابی مجدد از ارزش‌های خانواده و ازدواج وادار می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** زندگی مجردی، مدرنیته، جامعه ریسکی، متاستز، فردگرایی

---

<sup>2</sup> نویسنده مسئول: SHAHORASTEGARI@GMAIL.COM

### مقدمه و ضرورت مسئله

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است که در تجربه زیسته و زندگی روزمره انسان‌ها، نقشی اساسی دارد. آنچه موضوع خانواده را مساله‌مند می‌کند، تغییراتی است که در حیطه تداوم ازدواج صورت گرفته است. با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، الگوی سنتی خانواده به تدریج دچار تغییر شده‌است، به نحوی که امروزه با چالش بسیار مهمی مانند ازدواج‌گزیزی روبه‌رو هستیم. سیر صعودی افزایش سن ازدواج و همچنین کاهش سرعت ازدواج نسبت به طلاق طی سال‌های اخیر حکایت از این دارد که نهاد خانواده در ایران یکی از نهادهایی است که هم در ساختار و هم در کارکردهای خود از این تغییرات تأثیر شگرفی پذیرفته‌است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد در ایران، انتقال جمعیتی در ابعاد مختلف آن در دهه‌های اخیر با سرعت چشمگیری در حال تجربه بوده و حتی در برخی ابعاد نظیر باروری، این گذار در حال کامل شدن است و نشانه‌هایی از گذار دوم جمعیتی نیز مشاهده می‌شود. (کاوه فیروز، ۱۳۹۳).

امروزه تغییرات ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، شرایط و ضرورت‌های جدید را برای ازدواج رقم زده و موجب بروز تمایزات آشکاری میان شیوه‌ها و ساختارهای ازدواج در جامعه سنتی و جدید شده است. از مهم‌ترین این تحولات، ازدواج‌گزیزی جوانان است. این پدیده تحت تأثیر تغییرات ساختاری و ارزشی جامعه از یک سو و شرایط بی‌سازمانی و ناهماهنگی خرده نظام‌های اجتماعی از سوی دیگر، به عنوان یک مسئله اجتماعی نمود یافته است. ازدواج‌گزیزی پدیده‌ای است که هم دغدغه متولیان رسمی جامعه است و هم دلمشغولی بسیاری از خانواده‌ها، با این که حساسیت خانواده‌ها به این موضوع، در سال‌های اخیر، اندکی کاهش یافته‌است، بدون تردید، ازدواج‌گزیزی همواره محل بحث بوده‌است و از منظر

#### 42.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

بسیاری از افراد جامعه پدیده‌ای آسیب‌زا تلقی می‌شود. گذشته از نگرانی یادشده، سن ازدواج معمولاً یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه محسوب می‌شود (مورایاما، ۲۰۰۱: ۳۰۷) و این مهم در جامعه‌ای که هنوز پای در سنت دارد اهمیت بیشتری می‌یابد. در جوامع توسعه‌یافته غربی، توسعه فرصت‌های شغلی و اقتصادی، با گسترش انواع سبک‌های شریک‌گزینی و معاشرت با جنس مخالف همراه بوده است (گافان ۲۰۰۱). معاشرت‌ها و روابط جنسی قبل از ازدواج در ایران نیز از تنوع برخوردار بوده و مطالعه‌ای توسط آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰) شش سنخ روابط جنسی قبل از ازدواج در ایران را معرفی کرد. این سنخ‌ها شامل: روابط آزاد، صیغه‌ای، دوست دختر و پسر، هم‌خانگی، روابط ضدعاشقانه و روابط مبتنی بر عشق سیال می‌شود (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰).

رواج فناوری‌های نوین در زندگی روزمره افراد، ازدیاد شیوه‌های جدید در دسترس برای کنش و شیوه‌های برقراری ارتباط و دستیابی به اطلاعات، طیف ابزاری را که افراد از طریق آن‌ها فرهنگ، سبک زندگی و هویت‌های روزمره خود را می‌سازند گسترش داده است. در میان فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزار مناسبی برای تحلیل فرایند دگرگونی‌ای تلقی کرد که به‌طور همزمان شامل افراد (زندگی روزمره، فرهنگ سبک زندگی و هویت) اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی است (رسول‌زاده اقدم و دیگران، ۱۳۹۴). تحولات ساختاری مؤثر در شیوه فهم کنشگران و مخاطبان از جهان معاصر نظیر تحول در سبک زندگی، هویت‌یابی بازاندیشانه، تغییر شیوه ارضاء نیازهای انسانی، افزایش مشارکت زنان در جامعه و گسترش فردگرایی و احترام به حوزه خصوصی بر نحوه کنش‌ورزی و پنداشت آن‌ها از مقوله به‌زیستن از جمله این نوع تغییرات است. ما (هاردی) وارد عصری از روابط ناب شده‌ایم که از هرگونه مهار محدودیت‌های بیرونی آزاد است (هاردی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴: ۲۰۷). در این میان رسانه-

---

<sup>3</sup> Hardey

های جمعی به‌مثابه کاتالیزوری در تشدید و تقویت وضع موجود عمل می‌کنند که می‌توانند در بازسازی ساخت اجتماعی مربوط به همسرگزینی و ازدواج تأثیرگذار باشند.

کشور ما با تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی روبه‌رواست. این تغییرات موجب شده‌است که مردان و زنان نگرش نوینی به پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند. زمان ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن به زمان‌های دورتر را موجب شده‌است. فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی واجتماعی خارج از خانه، عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (محمودیان، ۱۳۸۴: ۴۸).

در سال‌های اخیر؛ ازدواج‌گریزی در ایران شدت یافته و به یکی از مسائل مهم اجتماعی - جمعیت - شناختی کشور تبدیل شده‌است، چه از این نظر که ازدواج جوانان در سن باروری و هرم و ساختار جمعیتی کشور تأثیر می‌گذارد و چه از این نظر که کاهش گرایش به ازدواج به دنبال خود پیامدها و آسیب‌های اجتماعی و روانشناختی به همراه می‌آورد. در جامعه سنتی ایران دختران تا سن ۱۸ سال و پسران در سنین کمتر از ۲۵ سال ازدواج می‌کردند اما باگذشت زمان و افزایش ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی، شغلی، تحصیلی و پذیرش مسئولیت اجتماعی و تغییر نگاه کلیشه‌ای به این موضوع، شاهد تغییرات در حوزه ازدواج بودیم.

طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد دختران مجرد ۱۵ سال به بالا در کشور ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر، مجردهای ۲۰ سال به بالا، ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، مجردهای ۴۰ سال به بالا، ۴۲۶ هزار و مجردهای سن



#### 44.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

۴۵ سال به بالا، ۲۴۲ هزار نفر بوده است. تعداد مردان مجرد ۱۵ سال به بالا، در سال ۱۳۹۵ برابر با پنج میلیون و ۹۰۰ هزار نفر، مجردهای ۲۰ سال به بالا، سه میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، مجردهای ۴۰ سال به بالا، ۱۴۸ هزار نفر و مجردهای ۴۵ سال به بالا، ۸۱ هزار نفر اعلام شده است. به این ترتیب، می توان گفت تعداد مردان مجرد بالای ۴۰ سال یک سوم زنان مجرد بوده است. همچنین موسسه تحقیقات جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ وجود حدود ۱۲ میلیون مجرد در ایران را تأیید کرد که از این تعداد ۶ میلیون پسر ۲۰ تا ۴۵ ساله و ۵.۶ میلیون دختر ۱۵ تا ۴۰ ساله هستند. براساس آمارها ۳۶ درصد جمعیت زنان ۱۵ تا ۳۴ سال را دخترانی که هرگز ازدواج نکرده اند، تشکیل می دهد و حدود ۲.۳ درصد از زنان ۴۵ ساله و بیشتر در بازه سنی مجرد قرار دارند.

فراوانی رو به رشد ازدواج گریزی اهمیت زیادی برای نظام اجتماعی دارد. با توجه به اهمیت نقش زن، در حفظ و ارتقای سلامت جامعه، پژوهش در زمینه رفتارهای پرخطر زنان مجرد علاوه بر آگاه کردن برنامه ریزان و پژوهشگران آسیب های اجتماعی برای پیشگیری و درمان در جهت مساله مورد نظر اهمیت دارد. امروزه، زندگی مجردی در شهرهای کلان کشور رو به افزایش است. دلایل متفاوتی برای ازدواج گریزی وجود دارد. دخترانی هستند که اوضاع نامناسب محیط خانوادگی و اجتماعی یا برخی خواسته هایشان آنان را به تحصیل یا اشتغال به زندگی مجردی در شهر دیگر علاقه مند کرده است. دسته دیگر افرادی هستند که به سبب کمبود امکان اشتغال یا تحصیل در شهر محل زندگی خود ناگزیرند بخشی از ماه یا سال را دور از همسر و خانواده خود به زندگی مجردی در شهر دیگر به صورت مستقل روی آورند. انتخاب سبک زندگی مجردی بین زنان نابسامانی هایی را برای آنان و جامعه به همراه دارد و آثار آن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور نمایان می شود (افضلی، ۱۳۹۴: ۲۵). اهمیت این واقعه اجتماعی بیشتر از آن جا ریشه می گیرد که مبنای تشکیل مهم ترین

نهاد اجتماعی، یعنی خانواده است. با وجود این، در جریان گذار جمعیتی دوم، که از آن با عنوان گذار ازدواج و خانواده نیز یاد می‌شود، شاهد تحول ابعاد مختلف ازدواج در بسیاری از کشورهای جهان هستیم. از جمله این تحولات، افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، افزایش تعداد افراد مجرد، کاهش ازدواج‌های تربیت‌یافته، افزایش رابطه خارج از ازدواج و مانند این را می‌توان نام برد که در میان جوامع مختلف در حال همگرایی است. سؤال اصلی این مقاله درک علل گرایش جوانان به ازدواج‌گریزی توسط تحلیل یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته پیشین است.

### پیشینه پژوهش

تاجبخش و محمدی در تحقیقی با عنوان «واکاوی دلیل گرایش جوانان به زندگی مجردی و رویگردانی از ازدواج» با استفاده از پیمایش از ۳۸۰ نفر از جوانان مجرد ۲۷ الی ۳۵ سال شهرستان خرم‌آباد به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های میزان اعتقادات دینی، سطح انتظارات، لذت بردن از مجرد، وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی و شکاف نسلی در گرایش به زندگی مجردی جوانان تأثیر دارند (تاجبخش و محمدی، ۱۳۹۹).

زارع و همکاران با رویکرد تحلیلی و جامعه‌شناسانه، به تحلیل مسئله زیست‌محیطی جوانان بر اساس نظریه‌های ژان بودریار و ریچارد سنت پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که نوعی از زندگی در جامعه نوین شکل گرفته است که در پی محبوبیت فردگرایی، جوان معاصر را با به حداکثر رساندن لذت جنسی و مصرف‌گرایی، اغوا نموده و پدیده‌های خیالی-مجازی را برایش تبدیل به واقعیتی تام کرده است. این تراژدی ارزش زدا و به دنبال آن اشاعه فرهنگ نوین جهانی، زندگی مجردان را بیش‌ازپیش ازهم گسیخته کرده و در جهت انزوای هدایت نموده است؛ انزوایی از نوع گسیختگی همبستگی‌های جمعی و جذابیت جهان فردگرایانه. با تأمل در نظریه‌های ریچارد سنت و ژان بودریار می‌توان گفت فرم زندگی

#### 46.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

زیست‌محیطی، زنگ خطر را در روابط سرد اجتماعی، تشکیل خانواده، ناشناختگی، انزوا و بیداد فردگرایی به صدا درآورده است (زارع و همکاران، ۱۳۹۹).

شهانواز و اعظم آزاده (۱۳۹۸) پیشران‌های مؤثر بر مجرد در ایران را با استفاده از روش دلفی شناسایی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که عواملی نظیر تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان، پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده، ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای ذی‌ربط بیشترین میزان تأثیرگذاری بر تسهیل ازدواج را داشته‌اند.

سفیری و دیگران (۱۳۹۷) با بررسی «تأثیر مصرف کالاهای فرهنگی بر تغییر ارزش ازدواج بین دانشجویان شهر تبریز» نشان دادند که میزان تغییر ارزش ازدواج در بین دانشجویان در سطح متوسط به بالاست و با افزایش مصرف کالاهای فرهنگی، تغییر ارزش‌های ازدواج نظیر مجردگرایی، آزادی انتخاب، تغییر روابط مبتنی بر عشق، تغییر نوع انتخاب همسر، تغییر مفهوم ازدواج و نحوه روابط تشدید می‌شود. نعمتی و خطیبی مهر (۱۳۹۶) به بررسی «عوامل مؤثر بر گرایش به زندگی مجردی» پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد عواملی نظیر شبکه‌های اجتماعی، محدودیت‌های ضداستقلال طلبانه، سخت‌الوصول بودن شرایط ازدواج، سبک تربیتی والدین، عدم مسئولیت‌پذیری و شکاف نسلی بر زندگی مجردی جوانان تأثیرگذار است.

رازقی و دیگران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی به بررسی نگرش جوانان شهرستان ساری به ازدواج در فضای مجازی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان دادند متغیرهای دین‌داری، وابستگی به خانواده و پایگاه اجتماعی و اقتصادی به ترتیب مهم‌ترین پیش‌بینی کننده در نگرش منفی به ازدواج در فضای مجازی و متغیرهای ارتباط با دوستان، میزان استفاده از اینترنت و سن مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در نگرش مثبت به ازدواج در فضای مجازی بوده‌اند.

خیری و حاجی آقا (۱۳۹۵) به آسیب‌شناسی اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه آزاد پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل تأثیرگذار بر بالا رفتن سن ازدواج به ترتیب عامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و متغیرهای سطح تحصیلات والدین و وضعیت اشتغال دانشجویان با مجموع عوامل سه‌گانه ارتباط معناداری ندارد.

بروجردی علوی و شمسی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقش ماهواره در تغییر تصور ذهنی جوانان تهرانی از ازدواج با استفاده از روش تلفیقی» به این نتیجه رسیدند که ماهواره توانسته بر تغییر انگاره‌های ذهنی جوانان از ازدواج مؤثر باشد و تماشای ماهواره بر الگوی انتخاب همسر در بین جوانان تهرانی تأثیرگذار بوده و میان الگوی همسرگزینی آن‌ها نوعی هم‌نویی ایجاد کرده‌است.

فتحی و مختارپور (۱۳۹۳) در پژوهشی نقش رسانه‌های نوین در تغییر سبک زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران را مورد بررسی قرار دادند و نتایج نشان داد که استفاده از رسانه‌های نوین به علت ایجاد نظام ارزشی متفاوت به افراد، تأثیر مستقیمی بر روی سایر حوزه‌های زندگی از جمله اوقات فراغت، رفتارهای دینی و نگرش به ازدواج (شیوه‌های همسرگزینی) دارد. پورکتابی و غفاری نیز در پژوهشی با استفاده از روش پیمایش به این نتیجه رسیدند که دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست‌رفته بیش از فرصت ازدواج است (پورکتابی و غفاری، ۱۳۹۰).

هیماوان و دیگران (2021) نیز در پژوهشی با عنوان «مجرد بودن زمانی که ازدواج معمول است: استفاده از اینترنت و رفاه بزرگسالانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند در اندونزی» نشان دادند که میزان مصرف اینترنت در افراد مجرد، به‌طور قابل توجهی بیشتر از افراد متأهل بوده‌است. همچنین نتایج نشان داد که در

#### 48.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

بین کسانی که مجرد قطعی را تجربه می‌کنند، بین احساس خوشبختی و میزان استفاده از اینترنت و حمایت‌های اجتماعی ادراک شده در فضای مجازی، رابطه‌ای وجود ندارد و از این رو میزان تعاملات چهره به چهره تأثیر مهم‌تری در ایجاد احساس خوشبختی دارد (Himavan & et all, 2021).

تانگ و همکاران (2021) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه بین استفاده از اینترنت در ساعات غیر کاری و موفقیت در ازدواج پرداختند. نتایج نشان داد که استفاده از اینترنت تأثیر منفی بر رضایت کلی از ازدواج، رضایت از مشارکت همسر در کارهای خانه و ثبات زناشویی دارد و کاربران فعال اینترنت می‌توانند از اینترنت برای چت با غریبه‌ها استفاده کنند و به راحتی به شرکای عاشقانه بالقوه دسترسی پیدا کنند که به کاهش رضایت زناشویی از شریک زندگی منجر می‌شود (Tong & et all, 2021).

لاروخه و دیگران (2020) در پژوهشی با عنوان «استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌ای اجتماعی برای ترویج سبک زندگی سالم کارکنان و پیشگیری از سلامت و ایمنی شغلی» به این نتیجه رسیدند که استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط یک سازمان برای ترویج سبک زندگی سالم در بین کارکنان خود، می‌تواند یک مداخله نوآورانه و امیدوارکننده باشد (Laroche, 2020).

روزنفیلد (2016) به بررسی «تأثیر اینترنت و فناوری رسانه‌های اجتماعی بر زندگی عاشقانه متأهلان آمریکا» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که علاوه بر تأثیرات مثبت اینترنت بر ازدواج و روابط زن و مرد، این ابزار باعث آزادی عمل بیش از حد و انتخاب شرکای متعدد شده است که این به منبعی برای بی‌ثباتی رابطه بین زوجین تبدیل می‌شود (Rosenfeld, 2016).

در مطالعه سرویتی و وبر (2010) نیز نگرش دختران به ازدواج مثبت‌تر از پسران به دست آمده است. با وجود این که تغییرات نگرشی در زمینه ازدواج رخ داده است، همچنان ازدواج در بین جوانان از اهمیت برخوردار است (Servaty & Weber, 2010).

مرور پژوهش‌های انجام شده نشان داد که بین گرایش به زندگی مجردی و مؤلفه‌های مربوط به آن رابطه وجود دارد. نگاهی به بدنه دانش و پیشینه پژوهش موجود حاکی است که مطالعات موجود به لحاظ شناسایی و تدقیق در مکانیسم‌های اثرگذاری و اثرپذیری دو پدیده مصرف رسانه‌ای و گرایش به زندگی مجردی کافی به نظر نمی‌رسند؛ بدین معنی که این مطالعات پژوهشی همچنان پاسخ صریح و قانع‌کننده‌ای به این سؤالات کلیدی که: «رابطه مصرف رسانه‌ای و یا مؤلفه‌های کلیدی آن با گرایش به زندگی مجردی چیست؟» و این که «نحوه اثرگذاری مصرف رسانه‌ای بر گرایش به زندگی مجردی، حفاظت و اثرپذیری در سطوح متفاوت فردی، خانوادگی، گروهی، سازمانی، ملی و فراملی چگونه است؟»، پاسخ نداده‌اند. همچنین در پیشینه پژوهشی مرور شده چندان روشن نیست که کدام یک از نحله‌ها و پارادایم‌های فکری در این مطالعات حاکم بوده است. علاوه بر این، در بین این پژوهش‌ها به استثنای یک مطالعه که رویکرد و روش‌شناختی کیفی داشت، مابقی مطالعات پژوهشی رویکردی کمی و عینی‌نگرانه نسبت به دو مفهوم مصرف رسانه‌ای و گرایش به زندگی مجردی اتخاذ کرده‌اند. بنابراین ماهیت ذهنی، تعریف-محور و برساخت‌گرایانه این مفاهیم و مناسبات آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد با استفاده از روش فراترکیب به طراحی الگوی مناسب عوامل موثر بر ازدواج-گزینی جوانان پردازد.

### حساسیت نظری

در تبیین چرایی ازدواج‌گزینی نظریات گوناگونی مطرح شده‌اند که هر کدام با تأکید بر متغیرها و مفاهیم مورد استفاده، این پدیده را توضیح می‌دهند. اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. در واقع نظریه دگرگونی

## 50.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

ارزشی اینگلهارت، جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی را به طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند، الزاماً این فرایند در آن روی می‌دهد. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است. اینگلهارت با اعتقاد به این استدلال که تفاوت میان اجتماعی شدن تکوینی جوانان اروپایی با بزرگسالان موجب شده تا جوان ترها اولویت نسبتاً بالایی برای آزادی و ابراز عقیده قائل شوند، بیان داشت که با جایگزینی نسل جدید در آینده، نوعی جابجایی به سوی اولویت‌های ارزشی فرامادی روی خواهد داد. در نظریه اینگلهارت آن دسته از ارزش‌ها که حول نیازهای زیست‌شناختی و امنیتی است ارزش‌های مادی و آن دسته از ارزش‌ها که پیرامون نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی است ارزش‌های فرامادی نامیده می‌شود (اینگلهارت، ۱۹۹۷). این تغییرات باعث شده که گرایش جوانان به ازدواج و درک و تجربه زیسته آن‌ها از نهاد خانواده و همسرگزینی به شدت دچار تحول شود.

بر اساس نظریه مرتن، ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آن‌ها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. بر اساس این رهیافت، هرگاه وسایل و اهداف در ساختار جامعه هماهنگ باشند، آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود ولی چنانچه اهداف ارزشی و یا عاطفی باشند ولی وسیله وصول به آن‌ها عقلانی باشد دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبه‌رو نخواهیم بود (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶). در حالی که در شرایط کنونی جامعه ما که ازدواج به عنوان یک هدف ارزشی، عاطفی و یا حتی سنتی مطرح می‌شود، ولی راه‌ها و امکانات رسیدن به آن کاملاً عقلانی است، این امر منجر به آشفتگی و بی‌سامانی در جامعه کنونی شده و مسأله افزایش سن ازدواج جوانان و گرایش به زندگی مجردی نیز حاصل این عدم هماهنگی است. برخی بر مدرنیزاسیون و پیامدهای ناشی از آن، از جمله گسترش فرصت‌های آموزشی،

تغییر در ساختار نیروی کار، افزایش اشتغال زنان، شیوه‌های متفاوت زندگی شهری و روستایی و کنترل اجتماعی ضعیف‌تر در شهرها نسبت به روستاها، تأکید می‌کنند (مین، 1997:2). مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می‌گیرد. در میان مهمترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. در واقع به عقیده گیدنز، کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، انتخاب آزادانه‌تر همسر، به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان و خانواده، کاهش ازدواج‌های خانوادگی، آزادی جنسی و توجه به حقوق کودکان، از جمله تغییرات عمده‌ای است که در خانواده اتفاق افتاده است.

از نظر گیدنز، مدرنیت همانند شمشیر دولبه‌ای است. تحول نهادهای اجتماعی مدرن و گسترش جهانی آن‌ها، در مقایسه با نظام پیش مدرن، امکانات بسیار بیشتری را برای برخورداری از یک زندگی ایمن و خوشایند برای انسان آفریده است. اما روی تلخی نیز دارد که در قرن کنونی بسیار آشکار شده است (گیدنز، 1384، ص 10). گسترش بی اعتمادی در روابط اجتماعی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار تزلزل کرده است. بنابراین وقتی افراد جامعه به یکدیگر اعتماد ندارند با احتیاط بیشتری ازدواج می‌کنند و حتی گاهی ممکن است از این کار انصراف دهند. نوگرایی سبب می‌شود افراد هرچه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت به طور معمول در اختیار آنان قرار می‌دهد، رها شوند و بدین ترتیب فرد را رودروی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آن که دارای کیفیت غیرشالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل آورد یاری دهد.



## 52.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

در نظریه‌هایی که با رویکرد اقتصادی به مقوله دیرهنگامی ازدواج پرداخته‌اند، دیرهنگامی ازدواج و حتی مجرد قطعی رویه‌ای عقلانی است که افراد بر مبنای هزینه و فایده آن ارزیابی و عمل می‌کنند. مک-الروی (1997) تحلیلی را درباره «بازار ازدواج» انجام داد که مشخص می‌کرد چه کسی با چه کسی ازدواج می‌کند و محصول ازدواج چگونه توزیع می‌شود. اما چهارچوب تحلیلی او نمی‌تواند تصویر روشنی از تخصیص بهینه منابع در درون خانوار ارائه کند؛ به نحوی که مبنایی برای قضاوت در مورد بهینه بودن ازدواج باشد و در ارائه شواهد و شناسایی عواملی که ازدواج را به سوی بهینگی نزدیک یا از آن دور می‌کنند، نقشی تبیین‌کننده ایفا کند. یکر (1973) بر این باور است که افراد زمانی را برای جست‌وجوی همسر مورد علاقه شان صرف می‌کنند تا شخصی را پیدا کنند که بیشترین مطلوبیت را برای آن‌ها فراهم کنند و این کار مانند تلاش بنگاه‌ها برای یافتن بهترین نیروهای ممکن است. جست‌وجوهای طولانی‌تر منجر به اطلاعات بهتری درباره مطلوب‌ترین همسر فراهم می‌آورد. همانند بنگاهی که در پی حداکثر ساختن سود خود است، خانواده نیز برای حداکثرسازی مطلوبیت خود از طریق تخصیص شدن کارها عمل می‌کند و شوهران معمولاً در تولید بازاری و زنان در تولید خانوار تخصص پیدا می‌کنند (بیکر، ۱۳۷۶: ۸۱۴). پرورش بچه‌ها هزینه‌هایی در بر دارد و والدین باید برای غذا، پوشاک، مسکن، تفریحات و آموزش آن‌ها هزینه کنند. از همه مهم‌تر، زمانی است که والدین برای بچه‌ها صرف کنند و این وقت می‌تواند صرف کسب درآمد و مصرف کالاها و خدمات گردد. والدین باید در ازای این هزینه‌ها از مطلوبیت و لذت بیشتری از داشتن فرزند برخوردار گردند، تا بچه‌دار شوند. این جریان هزینه می‌تواند از لذت داشتن و پرورش فرزند، میل برای داشتن نسل یا تمایل به داشتن نوادگانی برای دوران پیری سرچشمه گیرد (پرسمن، 2006: 281). هرچه امکان کسب درآمد زنان بیشتر و تحصیلات آنان بالاتر باشد، تمایل آن‌ها به ازدواج کمتر است، چرا که ازدواج ممکن است نفعی برایشان نداشته باشد.

این در حالی است که برای مردان وضع دیگرگونه است و هرچه ظرفیت کسب درآمد آن‌ها بیشتر باشد، احتمال ازدواج آن‌ها بیشتر است (هامپلوا، 2003:6). از نظر تئوری گزینش معقولانه؛ افراد زمانی اقدام به ازدواج خواهند کرد که سودی در آن نهفته باشد یعنی، بتوانند از طریق ازدواج پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ کنند یا ترقی دهند و زمانی که چنین موقعیتی پیش نیاید، پدیده‌های به نام تأخیر در سن ازدواج در جامعه پدیدار می‌شود.

### روش تحقیق

فرا ترکیب روشی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. فرا ترکیب با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش، دانش فعلی را ارتقاء می‌دهد. نمونه مورد نظر برای فرا ترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آن‌ها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. فرا ترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر نیست. فرا ترکیب، بر مطالعه‌های کیفی که لزوماً مبانی نظری وسیعی را شامل نمی‌شوند، تمرکز دارد و به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، ترکیب تفسیری از یافته‌ها تولید می‌کند. فرا ترکیب مستلزم این است که پژوهشگر با نگرشی دقیق و عمیقی انجام دهد و یافته‌های پژوهش‌های کیفی مرتبط را ترکیب کند. از طریق بررسی یافته‌های مقاله‌های اصلی پژوهش، پژوهشگران واژه‌هایی را آشکار و ایجاد می‌کنند که شناخت جامع‌تری از پدیده مورد بررسی را نشان می‌دهد. فرا ترکیب مانند نگرش نظام‌مند، نتیجه‌ای را حاصل می‌کند که از مجموع بخش‌های بزرگ‌تر است (زیمر، 2006: 312).

54... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان



شکل 1 مراحل فراترکیب (اهرنفلدت و همکاران<sup>4</sup>، 2013)

روش های متعددی برای انجام فراترکیب پیشنهاد شده است که الگوی هفت مرحله ای سندلوسکی و باروسو بیشترین کاربرد را دارد:

<sup>4</sup> Uhrenfeldt

**گام نخست-تنظیم سؤال‌های پژوهش:** نخستین سؤال برای شروع فراترکیب چه چیزی است. همچنین می‌توان سؤالاتی را با مضمون چه؟ چه وقت؟ و چگونه مطرح کرد: شاخص‌های اصلی مقوله مورد مطالعه کدامند؟ شاخص‌های مقوله مورد مطالعه شامل چه مواردی است؟ شاخص‌های مقوله مورد مطالعه چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

**گام دو-بررسی نظام‌مند متون:** در این مرحله پژوهشگر به جستجوی سیستماتیک مقالات منتشر شده در مقاله‌های معتبر خارجی و داخلی با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط در بازه زمانی مناسب می‌پردازد. ابتدا کلمات کلیدی مرتبط گزینش می‌شود. این واژگان در جدولی لیست می‌شود.

**گام سه- جستجو و بررسی مقاله‌های مرتبط:** پس از شناسایی واژگان کلیدی تحقیق، مجموعه مقاله‌های حاوی واژگان کلیدی شناسایی می‌شود. این مقالات براساس مواردی چون عنوان، چکیده، محتوا و روش تحقیق مانند نمودار زیر غربال می‌شوند و مقاله‌های نهایی استخراج می‌شوند.

**گام چهار- استخراج اطلاعات مقالات:** در این مرحله محتوای مقالات به دقت مطالعه شده و شاخص‌های اساسی استخراج می‌شود.

**گام پنج- تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی:** مهمترین بخش یک تحقیق کیفی به روش فراترکیب است که در آن مقوله‌های فرعی و کلی و مرکزی استخراج می‌شوند.

**گام شش- پایایی و اعتبار مدل (کنترل کیفیت):** در پژوهش کیفی منظور از اعتبار، مفاهیمی شامل دفاع‌پذیری، باورپذیری، تصدیق‌پذیری و حتی بازتاب‌پذیری نتایج تحقق است. یکی از شاخص‌های پایایی تحقیق کیفی، ارزیابی دو یا چند سند از حیث ارجاع به شاخصی خاص است. با استفاده از محاسبه شاخص کاپا می‌توان پایایی را ارزیابی کرد.

## 56.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

**گام هفت- استخراج اطلاعات مقالات:** در این مرحله از فراترکیب یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه می‌شود.

پس از جستجو در پایگاه‌های مختلف تعداد ۱۲۳ مقاله مرتبط شناسایی شد. برای انتخاب پژوهش‌های مناسب و قابل استفاده در روش فراترکیب مقالات براساس پارامترهای مختلفی مانند عنوان، چکیده، دسترسی، محتوا و کیفیت روش‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت دوازده مقاله برای انجام روش فراترکیب انتخاب شد. شکل (۱) نشان دهنده فرآیند جست و جو و انتخاب مقالات است. از ۶۹ مقاله دانلود شده در سایت‌ها و منابع علمی با استفاده از جدول نمره دهی، به مقالات نمره دادیم و مقالاتی که نمره آن‌ها زیر ۴۰ بود، حذف شد و مقالاتی که نمره ۴۰ و بالاتر گرفته‌اند را در جدول بالا قرار دادیم. در نهایت به ۳۱ مقاله رسیدیم:

جدول شماره ۱: روند بررسی و انتخاب مقالات

تعداد منابع یافت شده: ۱۲۳

منابع رد شده با عنوان: ۲۰

تعداد مقالات برای بررسی چکیده: ۱۰۳

منابع رد شده با چکیده (هدف- پژوهش): ۳۴

تعداد مقالات برای بررسی کامل محتوا: ۶۹

مقالات رد شده با محتوا: ۳۸

کل مقالات نهایی: ۳۱

در نهایت یافته‌های حاصل از فراترکیب تحقیقات ارائه می‌شود. براساس تجزیه و تحلیل و ترکیب مطالعات، ۲۲ مقوله شناسایی شدند که در پنج مقوله کلی طبقه بندی شدند. در جدول (۳) مقولات و مفاهیم حاصل از فراترکیب مطالعات حوزه تجرد آمده‌است.

جدول شماره ۲: ابزار CASP ارزیابی کیفیت مطالعات اولیه تحقیق کیفی

| عالی<br>۵ | خیلی خوب<br>۴ | خوب<br>۳ | متوسط<br>۲ | ضعیف<br>۱ | CASP               |
|-----------|---------------|----------|------------|-----------|--------------------|
|           |               |          |            |           | اهداف پژوهش        |
|           |               |          |            |           | منطق روش           |
|           |               |          |            |           | طرح پژوهش          |
|           |               |          |            |           | نمونه‌برداری       |
|           |               |          |            |           | جمع‌آوری داده‌ها   |
|           |               |          |            |           | انعکاس‌پذیری       |
|           |               |          |            |           | ملاحظات اخلاقی     |
|           |               |          |            |           | دقت تجزیه و تحلیل  |
|           |               |          |            |           | بیان روشن یافته‌ها |
|           |               |          |            |           | ارزش پژوهش         |

58.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

جدول شماره ۳: نمره دهی به مقالات

|        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |        |                   |
|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|-------------------|
| 3<br>1 | 2<br>3 | 2<br>1 | 2<br>0 | 1<br>9 | 1<br>8 | 1<br>7 | 1<br>6 | 1<br>2 | 1<br>1 | 1<br>0 | 7      | 6      | 5      | 2      | 1      | مقاله             |
| 4<br>5 | 4<br>0 | 4<br>2 | 4<br>3 | 4<br>4 | 4<br>5 | 4<br>6 | 4<br>5 | 4<br>2 | 4<br>5 | 4<br>6 | 4<br>6 | 4<br>2 | 4<br>0 | 4<br>4 | 4<br>5 | نمره<br>نهای<br>ی |
| 6<br>0 | 5<br>9 | 5<br>6 | 5<br>5 | 5<br>2 | 5<br>0 | 4<br>8 | 4<br>7 | 4<br>6 | 4<br>5 | 4<br>4 | 4<br>3 | 4<br>2 | 4<br>1 | 4<br>0 | 3<br>2 | مقاله             |
| 4<br>4 | 4<br>5 | 4<br>5 | 4<br>2 | 4<br>5 | 4<br>2 | 3<br>0 | 4<br>1 | 4<br>2 | 4<br>0 | 4<br>3 | 4<br>4 | 4<br>3 | 4<br>6 | 4<br>4 | 4<br>4 | نمره<br>نهای<br>ی |
|        |        |        |        |        |        |        |        |        |        | 6<br>8 | 6<br>7 | 6<br>5 | 6<br>4 | 6<br>3 | 6<br>0 | مقاله             |
|        |        |        |        |        |        |        |        |        |        | 4<br>5 | 4<br>7 | 4<br>3 | 4<br>5 | 4<br>2 | 4<br>3 | نمره<br>نهای<br>ی |

از ۱۲۳ مقاله دانلود شده در سایت ها و منابع علمی با استفاده از جدول نمره دهی به مقالات نمره دادیم و مقالاتی که نمره آن‌ها زیر ۴۰ بود را حذف کرده و مقالاتی که نمره ۴۰ و بالاتر را گرفته‌اند را در جدول بالا قرار دادیم که در نهایت به ۳۱ مقاله رسیدیم.

جدول شماره ۴: طبقه‌بندی یافته‌های پژوهش براساس نام پژوهشگران

| کد | نام محقق          | مؤلفه‌ها (یافته‌های پژوهش‌های کیفی)   |
|----|-------------------|---|
| 1  | محبی (1395)       | تنگنای ازدواج، ریسک ازدواج، زاویه‌گیری خانواده، آنومی در ازدواج، تغییر فضا و ترجیحات نوین همسرگزینی، محاسبه هزینه فایده ازدواج، سپهر روانی مجرد، بی اخلاقی‌های اجتماعی، بازاندیشی در هویت زنانه، فرصت‌سازی در تأخیر ازدواج، تحصیلات دانشگاهی، استقلال مالی  |
| 2  | باقری (1398)      | آنومی در ازدواج، بی اخلاقی‌های اجتماعی، بازاندیشی در هویت زنانه، تحصیلات دانشگاهی، استقلال مالی، وضعیت شغلی مردان، پیش زمینه‌های خانوادگی قبل از ازدواج، سبک زندگی مدرن   |
| 3  | شوازی (1396)      | سپهر روانی مجرد، استقلال مالی، کاهش دینداری، اجبار در ازدواج از سوی خانواده، انتظارات غیر متعارف از ازدواج، فرار از ازدواج سنتی   |
| 4  | کاوه فیروز (1394) | تحصیلات دانشگاهی، شهری یا روستایی بودن، اختلاف با والدین بر سر ازدواج، توقعات اجتماعی، توقعات اقتصادی، میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، موافقت با تسهیل روابط دختر و پسر، شیوه‌های انتخاب همسر، پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین، مصرف فرهنگی، ارتباطات اجتماعی، مدگرایی، مدیریت بدن، پایگاه اقتصادی اجتماعی |
| 5  | حسینی (1397)      | استقلال مالی، افزایش معاشرت با جنس مخالف، وضعیت شغلی مردان، شرایط ازدواج، سبک زندگی مدرن  |
| 6  | طالبی (1394)      | استقلال طلبی، محیط نامساعد خانوادگی، استقلال اقتصادی  |
| 7  | نصرتی نژاد (1395) | کاهش دینداری، انتظارات غیر متعارف از ازدواج، نگرش به ازدواج، کنترل هنجاری، دایره همسرگزینی، هزینه‌های ازدواج، وضعیت شغلی مردان  |



## 60.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

|    |                      |  |
|----|----------------------|--|
| 8  | خجسته مهر (1395)     | انتظارات غیر متعارف از ازدواج، طبقه اجتماعی، نگرش به ازدواج، هزینه‌های ازدواج، پیش زمینه‌های خانوادگی قبل از ازدواج،   |
| 9  | ضرابی (1390)         | شهری یا روستایی بودن، قومیت، طبقه اجتماعی  |
| 10 | قادر زاده (1396)     | طبقه اجتماعی، جنسیتی شدن فضای عمومی، تقدیرگرایی  |
| 11 | معمار (1390)         | افزایش سطح تحصیلات، رشد مطالبات مدنی، استقلال اقتصادی زنان، تغییر نگرش سنتی، پذیرش نگاه مدرن، تجربه آسان روابط جنسی  |
| 12 | دلیل‌گو (1395)       | پیش زمینه‌های خانوادگی قبل از ازدواج، شرایط ازدواج،  |
| 13 | حبیب‌پور (1390)      | تحصیلات بالاتر، نگرش فرامادی به ازدواج، هزینه فرصت ازدواج  |
| 14 | رازقی (1396)         | استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتقاد دینی، وابستگی به خانواده، پایگاه اقتصادی اجتماعی، ارتباط با دوستان و همسالان، میزان استفاده از اینترنت، تغییرات و دگرگونی‌های ارزشی  |
| 15 | شفایی<br>مقدم (1394) | تربیت خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده، تضعیف باورهای دینی   |
| 16 | زارعان (1397)        | ایده آل‌گرایی، خود رایی، سخت‌پسندی، وسواس، بی‌ارادگی، بدبینی به اجتماع، ادامه تحصیل، ترس از رابطه جنسی، عدم تمایل به ازدواج، ترس از آینده، تجربه تلخ، عدم بلوغ فکری، عدم بلوغ عاطفی، نرسیدن به تفاهم، معاشرت‌های ناموفق، روابط محدود به جنس مخالف، بیماری، ظاهر، نبود خواستگار و موقعیت مناسب، اختلاف سلیقه، هزینه‌های اقتصادی، سخت‌گیری خانواده، مشکلات فرهنگی، مسپولیت داشتن خانواده، تاخیر انداختن ازدواج، جایگاه اجتماعی خانواده، اعتیاد، زندان، فضای باز برای برآورده شدن نیاز جنسی |

|    |                        |   |
|----|------------------------|---|
| 17 | شکوری (1397)           | تمکن مالی ناکافی، دشوارسازی ازدواج، نگرانی از داشتن ازدواج ناموفق، هزینه فرصت هزینه بالای ازدواج، لذت از مجردی، معاشرت با جنس با مخالف، داشتن انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج، نوع نگرش به ازدواج  |
| 18 | حسینی (1395)           | عدم استطاعت مالی، استقلال ذهنی، هویت تکامل نیافته، هویت جنسیتی تحقق نیافته، فقدان سرمایه جنسی، نبود شریک جنسی دائم، دوگانگی احساسات، ترس از تنهایی از آینده، مشکلات اقتصادی، احساس محرومیت نسبی ناشی از مجرد  |
| 19 | فخرایی (1394)          | تمایل به ادامه تحصیل، میزان مشکل پسندی جوانان، میزان تمایل به اشتغال دختران، میزان مشکل اشتغال مردان، میزان تمایل به زندگی مجردی  |
| 20 | خیری (1395)            | انحرافات اخلاقی پسران و بی‌اعتمادی به پسران، اشتغال مردان، توجه به مادیات، بالابودن توقعات  |
| 21 | مدرسی<br>یزدی (1396)   | برداشت از خود، انزوای اجتماعی، باورهای سنتی خانواده و خویشان  |
| 22 | پرهوده (1398)          | بی‌اعتمادی به غیرهمجنس، فردگرایی، آینده مبهم شغلی   |
| 23 | قانع<br>عزآبادی (1394) | مصرف رسانه‌ای، تحصیلات، معاشرت با دختران بالای 30 سال، سرمایه فرهنگی  |
| 24 | مجدی (1390)            | نگرش دوستان به ازدواج، روابط والدین با یکدیگر، رضایت از زندگی، نگرش به زندگی، نگرش والدین به ازدواج   |
| 25 | سفیری (1397)           | مصرف فرهنگی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، استفاده از رسانه‌های جمعی، استفاده از فناوری‌های جدید، تجربه جهانی شدن، تمایل به ازدواج از قید سنت و ازدواج، لذت بردن از دوره مجردی، ترجیح تجرد ماندن تا آخر عمر، ترجیح اشتغال نسبت به ازدواج، ترجیح ادامه تحصیل نسبت به ازدواج، رواج ازدواج از طریق دوست‌یابی اینترنتی) چت و گفتگو در اینترنت و افزایش طلاق از طریق ازدواج‌های |

62.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

|   |                      |    |
|---|----------------------|----|
| مبتنی بر دوستی و عدم آشنایی خانواده‌ها، آزادانه تر شدن ارتباط دخترها و پسرها، فردگرایی  |                      |    |
| عدم تعهد، تکثرگرایی، فردگرایی، آزادی جنسی، لذت گرایی، آزادی در تعاملات  | سهراب<br>زاده (1395) | 26 |
| الزامی نکردن امر ازدواج، پیدانکردن همسر همکفو، ترس از تشکیل خانواده، اولویت‌های خانواده برای پیشرفت دختران، نیاز عاطفی - مالی خانواده، کاهش حساسیت خانواده‌ها به مجرد ماندن دختران، تغییر ملاک‌ها جامعه‌ی موفقیت و شایستگی در پذیرش اجتماعی مجرد دختران، شرایط اجتماعی کاهش دهنده ثبات و جاذبه زناشویی زندگی  | چابکی (1395)         | 27 |
| امکان دوستی با جنس مخالف، باورهای مذهبی و فرهنگی فرد، میزان اقتدار والدین، میزان استقلال مالی فرد از خانواده، تحولات اجتماعی و فرهنگی در گذار نسل‌ها، پویایی ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی، تحصیلات والدین، باورداشت‌های فرهنگی مذهبی رایج در خانواده، تجربه تحصیل در دانشگاه (محیط آموزشی مختلط)  | کرمانی (1397)        | 28 |
| آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی، کاهش کنترل والدین، کم رنگ شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده، پررنگ شدن نقش شبکه گروه‌های دوستی، رهایی از ارزش‌ها و نفوذ والدین، ترس از تنهایی و نداشتن حامی، نگرانی از پیامدهای طلاق، تردید و دودلی در زمینه ارزش ازدواج، تأمین نیاز مالی یک شریک توسط دیگری، ارضای نیازهای جنسی، ترس از محدود شدن آزادی و مسئولیت پذیری، وابستگی عاطفی و نداشتن عزت نفس | کریمیان (1394)       | 29 |
| نداشتن امنیت اجتماعی، نداشتن استقلال مالی، مسائل اقتصادی، ترس از طلاق، بالارفتن توقعات دختران به دلیل بالارفتن تحصیلات، وجود روابط خارج از چارچوب   | کجباف (1387)         | 30 |

|   |               |    |
|---|---------------|----|
| ارتباطات و شبکه‌های در همتنیده اجتماعی، دسترسی آسان به سکس، مهاجرت مردان بالای 30 سال به خارج از کشور، تغییر نگرش نسبت به ازدواج، ترس مردان از تعهدات طولانی مدت و مهریه، بدبینی دختران نسبت به کلاهبرداری عاطفی، مشاهده آمار طلاق، دوگانگی جامعه سنتی و مدرن، بی‌اعتمادی پسران به دختران، چشم و هم‌چشمی، عدم همراهی مردان با زنان، وضعیت اقتصادی نامناسب مردان، عدم نیاز زن به مرد به دلیل استقلال مالی، نداشتن جهیزیه، عدم اهمیت خانواده‌ها به ازدواج دختران، دخالت‌ها و اظهارنظرهای خانواده‌ها، سخت‌گیری والدین، عدم اعتماد به نفس در برقراری رابطه، تنوع طلبی، تعصبات مذهبی، عدم جذابیت ظاهری، تحصیلات بالای دختران، تجربه خیانت‌های قبلی | رمضانی (1395) | 31 |
|---|---------------|----|

### تجزیه و تحلیل نهایی

همان‌طور که جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به زندگی مجردی در ۵ مفهوم اصلی تقسیم بندی می‌شوند و هر کدام نیز از مقوله‌هایی تشکیل می‌شوند. ۱. مسائل اقتصادی شامل مقوله‌های هزینه‌های ازدواج و زندگی، وضعیت اشتغال نامناسب مردان، استقلال مالی زنان، محاسبه هزینه - فایده ازدواج و پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد می‌باشد. ۲. مفهوم دیگر افزایش جامعه ریسکی و مخاطرها می‌باشد که در درون سه مقوله افزایش ریسک ازدواج، آنومی در جامعه و هراس اجتماعی می‌باشد. ۳. تحولات ارزشی شامل سبک زندگی مدرن، کاهش دینداری، توقعات غیرمتعارف، تحولات فرهنگی و تغییر نگرش به ازدواج تقسیم بندی شده‌اند. ۴. رواج فردگرایی شامل هدوئیسیم، مدیریت بدن، خصوصیات روان‌شناسی و سپهر روانی مجرد است. ۵. تحولات اجتماعی شامل انفجار اطلاعات و

#### 64.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

ارتباطات اجتماعی، تسهیل ارتباط جنسی - عاطفی با جنس مخالف، مسائل اجتماعی، نگرش خانواده به ازدواج و افزایش میزان تحصیلات است.

| ردی ف | مفهوم             | مقوله                            | گویه  | فراوانی |
|-------|-------------------|----------------------------------|---|---------|
| 1     | تنگناهای اقتصادی  | افزایش هزینه‌های ازدواج و زندگی  | تنگنای ازدواج (1) شرایط ازدواج (5)(12) دایره همسرگزینی (7) هزینه‌های ازدواج (7) نداشتن جهیزیه (31) سنگینی مخارج ازدواج (15) هزینه‌های اقتصادی (16) تمکن مالی ناکافی (17)(18) دشوارسازی ازدواج (16) مشکلات اقتصادی (18) توجه به مادیات (20)  | 13      |
|       |                   | وضعیت نامناسب اشتغال مردان       | وضعیت شغلی مردان (2)(5)(11) وضعیت اقتصادی نامناسب مردان (31) مشکل اشتغال مردان (20) آینده مبهم شغلی (22)  | 6       |
|       |                   | استقلال مالی                     | استقلال مالی (1)(2)(3)(5)(6)(9)(28)(30)(31) استقلال طلبی (6) تأمین نیاز مالی توسط یک نفر دیگر (29)  | 11      |
|       |                   | محاسبه هزینه-فایده ازدواج        | محاسبه هزینه-فایده ازدواج (1)(13)(17) فرصت‌سازی در تأخیر ازدواج (1) به تاخیر انداختن ازدواج (16) ترجیح اشتغال به ازدواج (25)  | 6       |
|       |                   | اختلاف طبقاتی                    | پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین (4)(16) پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد (4)(7)(9)(10)(14)(15) بیکاری (15) مسائل اقتصادی (30)   | 10      |
| 2     | جامعه مخاطره آمیز | افزایش ریسک ازدواج               | ریسک ازدواج (1) ترس مردان از تعهدات طولانی مدت (30) ترس از مهریه (31) مشاهده آمار طلاق (31) ترس از آینده (15)(16) ترس از تعهد مسئولیت خانواده (16) نگرانی از داشتن ازدواج بد (16) ترس از تنهایی در آینده (18) ترس از تشکیل خانواده (27) نگرانی از پیامدهای طلاق (29)(30) ترس از محدود شدن آزادی و مسئولیت پذیری (29)                  | 13      |
|       |                   | آنومی و بی اخلاقی موجود در جامعه | تجربه تلخ (16) معاشرت‌های ناموفق (16) تجربه خیانت‌های قبلی (31) بی اخلاقی‌های اجتماعی (1)(2)(15) بدبینی دختران نسبت به کلاهبرداری عاطفی (30) بی اعتمادی پسران به دختران (31) چشم و همچشمی (31) عدم همراهی مردان با زنان (30) انحرافات اخلاقی و بی اعتمادی به پسران (20) (22) عدم تهدد (26) آنومی در ازدواج (1)(2)                     | 15      |
|       |                   | افزایش هراس اجتماعی              | ترس از رابطه جنسی (16) ترس از تنهایی و نبودن حامی (29) ترس از نرسیدن به تفاهم (16) ترس از اختلاف سلیقه (16)   | 4       |
|       |                   |                                  | سبک زندگی مدرن (2)(5)(11) فرار از ازدواج سنتی (3) شهری یا روستایی بودن (4) نگرش فرامادی به ازدواج (13) مدگرایی (4) تغییر نگرش سنتی (11) تغییر در باورهای سنتی خانواده و خویشاوندان (21) تجربه جهانی شدن (25) تمایل به ازدواج مدرن (25) تغییر فضا و ترجیحات نوین همسرگزینی (1) شیوه‌های انتخاب همسر (4) بازاندیشی در هویت زنانه (1)(2) | 15      |

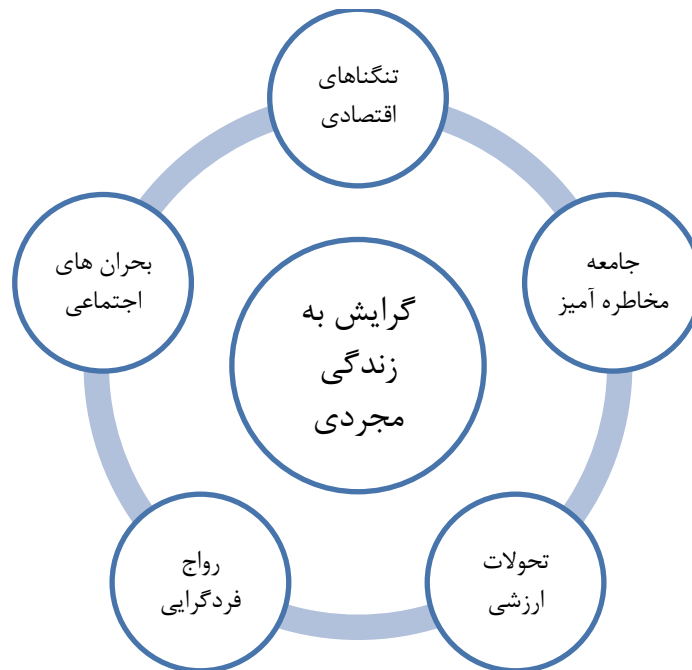
66.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

|    |  |                     |                     |   |
|----|--|---------------------|---------------------|---|
| 9  | کاهش دینداری (3)(7)(14)(15) تغییرات و دگرگونی‌های ارزشی (14) دوگانگی ارزشی جامعه سنتی به مدرن (31) باورهای مذهبی فرد (28) باورداشت‌های فرهنگی-مذهبی رایج (28) تعصبات مذهبی (31)  | کاهش دینداری        | تحولات<br>ارزشی     | 3 |
| 12 | انتظارات غیرمتمعارف از ازدواج (3)(7)(8) توقعات اجتماعی (4) توقعات اقتصادی (4)(15)(20)(30) ایده آل‌گرایی (16) داشتن انتظارات آزمون‌گرایانه (17) نبود خواستگار یا موقعیت مناسب (16) پیدا نکردن همسر مکفو (27)  | توقعات غیرمتمعارف   |                     |   |
| 8  | رشد مطالبات مدنی (11) تحولات نسلی (28) تغییر ملاک‌های جامعه (27) تکثرگرایی (26) پذیرش مجرد بودن زنان در جامعه (27) الزامی نکردن ازدواج (27) رهایی از ارزش‌ها و نفوذ والدین (29) شرایط اجتماعی کاهش دهنده جاذبه خانواده (27)  | تحولات فرهنگی       |                     |   |
| 6  | نگرش به ازدواج (7)(17) تغییر نگرش به ازدواج (31) نگرش دوستان به ازدواج (24) تمایل به ازدواج (16) تردید و دودلی در زمینه ارزش ازدواج (29)   | تغییرنگرش به ازدواج |                     |   |
| 5  | خودرایی (16) فردگرایی (22)(25) لذت‌گرایی (26) تنوع‌طلبی (31)   | هدوئیسم             | فردگرایی<br>فزاینده | 4 |
| 6  | ظاهر (16)(31) فقدان سرمایه جنسی (18) عدم جذابیت ظاهری (31) مدیریت بدن (4) بیماری (16)  | مدیریت بدن          |                     |   |
| 16 | سخت‌پسندی (16)(19) برداشتش از خود (21) تقدیرگرایی (10) وسواس (16) بدبینی به اجتماع (16) نداشتن عزت نفس (29) ترس از رابطه جنسی (16) استقلال ذهنی (18) عدم بلوغ فکری (16) بی‌ارادگی (16) عدم اعتماد به نفس در ارتباط (31) هویت تکامل نیافته (18) دوگانگی احساسات (18)<br>هویت جنسی تحقق نیافته (18) نبود شریک جنسی دائم (18) | خصوصیات روان‌شناسی  |                     |   |
| 9  | سپهر روانی مجرد (1)(3) لذت از مجردی (17) لذت بردن از زندگی مجردی (25) تمایل به زندگی مجردی (19)(25) رضایت از زندگی (24) نگرش به زندگی (24) احساس محرومیت نسبی ناشی از مجرد (18)  | سپهر روانی مجرد     |                     |   |

|    |  |                                       |                 |   |
|----|--|---------------------------------------|-----------------|---|
| 16 | میزان دسترسی و استفاده از رسانه‌های جمعی (4)(14)(23)(25)(28)(31) ارتباطات اجتماعی (4)(14) کارکرد نامناسب رسانه‌ها (15) استفاده از فناوری‌های جدید (25) رواج ازدواج اینترنتی و دوستی‌های اینترنتی (25) پویایی ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی (28) مصرف فرهنگی (4)(25) مشکلات فرهنگی (16) سرمایه فرهنگی (23)   | انفجار اطلاعات و ارتباطات اجتماعی     | تحوالات اجتماعی | 5 |
| 18 | موافقت با تسهیل روابط دختر و پسر (4) افزایش معاشرت با جنس مخالف (5) جنسیتی شدن فضای عمومی (10) تجربه آسان روابط جنسی (11)(16)(17) وجود روابط خارج از چارچوب (30) دسترسی آسان به سکس (31) معاشرت با جنس مخالف (17) مهاشرت با دختران بالای 30 سال (23) آزاد شدن ارتباط دختر و پسر (25) آزادی جنسی (26) آزادی تعاملات (26) امکان دوستی با جنس مخالف (28) تجربه تحصیل در محیط‌های مختلف دانشگاهی (28) پررنگ شدن نقش شبکه‌های دوستی (29) ارضای نیاز جنسی (29) انزوای اجتماعی (21)   | تسهیل ارتباط جنسی- عاطفی با جنس مخالف |                 |   |
| 6  | اعتیاد (16) زندان (16) مهاجرت مردان به خارج از کشور (31) قومیت (9) کنترل هنجاری (7) نداشتن امنیت اجتماعی (30)  | مسائل اجتماعی                         |                 |   |
| 22 | پیش زمینه‌های خانوادگی قبل از ازدواج (2)(11) اجبار از سوی خانواده (3) اختلاف با والدین بر سر ازدواج (4) جونا مساعدا خانوادگی (6) وابستگی به خانواده (14) تربیت خانواده (15) سخت‌گیری خانوادگی (16)(31) روابط والدین باهم (24) عدم اهمیت خانواده‌ها به ازدواج دختران (31) دخالت‌ها و اظهار نظرهای خانوادگی (31) نگرش والدین به ازدواج (24) عدم آشنایی خانوادگی (25) اولویت‌های خانوادگی برای پیشرفت (27) نیاز عاطفی- مالی خانواده (27) کاهش حساسیت خانوادگی به مجرد ماندن دختران (27) کاهش کنترل والدین (29) زاویه‌گیری خانوادگی (1) میزان اقتدار والدین (28) تحصیلات والدین (28) وابستگی عاطفی به خانواده (29) | نگرش خانوادگی به ازدواج               |                 |   |
| 10 | تحصیلات دانشگاهی (1)(2)(4)(11)(13)(16)(19)(23)(25)(31)   | افزایش تحصیلات                        |                 |   |



### نتیجه گیری



شکل شماره ۱: طراحی مدل مفهومی گرایش به زندگی مجردی

ورود جامعه ایرانی به جهان مدرن منجر به ایجاد تحولات بنیادین در زیست روزمره و جهان اندیشگی انسان ایرانی شد. مدرنیته به تعبیر مارشال برمن هر آنچه سفت و سخت بود را دود کرد و به هوا برد. در ایران قرن بیستم، تغییر نگرش به ازدواج و نهاد خانواده متأثر از این امواج جهانی مدرنیته تغییرات بنیادینی را در آمار ازدواج و جمعیت کشور بوجود آورده است. در فرایند مدرنیزاسیون، نهادها، عینیتی مستقل از کنشگران پیدا می کنند. این پیچیدگی فرایند مدیریت جامعه را دچار مسائلی می کند که توجه به آینده و

پیش‌بینی روندها و فرایندها را می‌طلبد. شواهد تجربی متعددی در زمینه تأثیر ازدواج یا مجرد در رضایت از زندگی و احساس خوشبختی وجود دارد که آمار متفاوتی را در این زمینه شاهد هستیم. کمپ داش و داماتو زینا زاده (1394) پینکورت (2003) سونز و لیفیرو (2008) از تأثیر مثبت تاهل و ازدواج بر سلامت روحی و روانی افراد تأکید می‌کنند در حالیکه پژوهشگران نزدیک به گرایش فمینیستی مخالف این نظر بوده و بر این باورند که خانواده نهادی است که نظم مردسالارانه موجود در جامعه را بازتولید کرده و زنان با قبول ازدواج همه چیز را از دست می‌دهند و نابرابری‌های اجتماعی بازتولید می‌شود. در این پژوهش با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه گرایش به زندگی مجردی در جوانان، مدل نظری تدوین شد که بر مهمترین عوامل اثرگذار بر موضوع تأکید می‌کند که عبارتند از:

الف. تنگناهای اقتصادی: در جامعه‌ی امروز، یکی از مهم‌ترین مسائلی که قبل از ازدواج مطرح می‌شود، مسائل مالی و اقتصادی بین طرفین است. داشتن کار و منزلت اجتماعی، مسکن و اتومبیل، مقدار مهریه و جهیزیه، مخارج مراسم عروسی و انجام آداب و رسوم‌های قبل و بعد از آن؛ مسائلی هستند که ازدواج جوانان را با مشکل رو به رو می‌کنند و موجب به تأخیر افتادن و یا حتی عدم ازدواج جوانان می‌شوند. شرایط برای ازدواج‌های بیشتر وقتی فراهم می‌شود که تأخیر در ازدواج مردان ناشی از فشارهای مالی و اقتصادی نباشد. ثبات اقتصادی و درآمدی در میان مردان مجرد جوان عامل بسیار مهمی در افزایش فراوانی ازدواج خواهد بود (کوششی، ۱۳۸۳). صادقی و همکاران (۱۳۸۶) نشان می‌دهند که ۹۰ درصد جوانان دختر و پسر مجرد معتقدند تا زمانی که پسران شغل دائم نداشته و امکانات مالی مناسب ندارند نباید ازدواج کنند. نرخ بالای بیکاری در میان جوانان نیز به تأخیر در ازدواج منجر خواهد شد. ایگل و صالحی اصفهانی (۲۰۱۰) نشان دادند که ۸۵ درصد از مردان ۲۹-۱۵ ساله در هنگام ازدواج دارای شغل بوده‌اند و تنها 15 درصد از مردان هستند که در زمان ازدواج در حال تحصیل بوده و یا پس از متأهل

## 70.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

شدن شاغل شده‌اند. با فرهنگ سازی و پایین آوردن توقع خانواده‌ها و همچنین کمک دولت مردان و خیرین، می توان شاهد برطرف شدن بسیاری از این مشکلات بلکه تمام آن‌ها؛ و جامعه‌ای جوان و با نشاط و خانواده‌هایی استوار و مفید باشیم. نتایج تحقیق با یافته‌های اسکالر (۲۰۱۳) گونزالس و مارسن (۲۰۱۵) و هاشیموتو و کوندو (۲۰۱۲) در زمینه تأثیر اقتصاد بر گرایش به زندگی مجردی مطابقت دارد.

ب..جامعه مخاطره‌آمیز: جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، جامعه‌ای است که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی (قحطی و زلزله) به سمت مخاطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی که اغلب شکل جهانی و عالمگیر دارند، متوجه شده‌است. به تعبیر بک، اگر قوه‌ی محرکه‌ی جامعه‌ی طبقاتی و صنعتی در این شعار خلاصه می‌شد که «گرسنه‌ام»، شعار جامعه‌ی جدید این است: «می‌ترسم یا نگرانم». به‌طور خلاصه، در جامعه‌ی طبقاتی سابق، مسئله داشتن سهمی از درآمدها و مزایای اجتماع و برابری یا نابرابری آن بود، اما ایده‌ی محوری و مرکزی کنونی، ایمنی است و هرکسی می‌کوشد از مخاطرات و ریسک‌ها ایمن بماند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۴). جامعه‌ی مخاطره‌آمیز فقط به بیم و خطرهای محیط زیستی و سلامت و بهداشت محدود نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ی کاملی از تغییرات مرتبط به هم در زندگی اجتماعی معاصر است. تغییر در الگوهای اشتغال، افزایش ناامنی شغلی، کاهش نفوذ سنت و رسوم بر هویت شخصی، اضمحلال الگوهای خانواده سنتی و دموکراتیک شدن روابط شخصی. بک جامعه‌ی مخاطره‌آمیز را طی فرایند ظهور مدرنیته‌ی اول و سپس مدرنیته‌ی دوم مورد توجه قرار می‌دهد و دهه‌ی ۱۹۷۰ را دوره‌ی ظهور مدرنیته‌ی دوم می‌داند. وی جامعه‌ی مخاطره‌آمیز را با سه ویژگی شرح می‌دهد:

۱. توزیع مجدد ثروت: در جامعه‌ی مخاطره‌آمیز دعوا نه بر سر تقسیم ثروت بلکه مسئله توزیع امور منفی و مخاطره است.

۲. فردیت‌یابی: از نظر بک، فردگرایی به ساختار مدرنیته‌ی دوم تبدیل شده است. از قرن ۱۷ به بعد نهادها و ساختارهای جامعه برای آزادی و استقلال فرد زیر سوال رفته است و افراد بران شدند تا زندگی نامه‌های خود را بسازند. این آزادی از بند ساختارها، رهایی به سوی عدم قطعیت‌های یک جامعه در مخاطره است.

۳. استاندارد زدایی از کار: در سراسر جهان، کار ناپایدار افزایش یافته و افراد تحت عدم قطعیت کار خواهند بود. با توجه به آنچه گفته شد، جامعه‌ی مخاطره آمیز شامل تغییرات مرتبط به هم در زندگی اجتماعی معاصر می‌شود. مفهوم بک از مخاطره بر این ایده استوار است که مدرن شدن تعداد کثیری از مشکلات را ایجاد خواهد کرد که در نتیجه‌ی آن نهادهای اجتماعی بازتابی می‌شوند و به فرایند خودارزیابی وادار می‌شوند. گیدنز (۱۳۸۳) بر این باور است که در دوران مدرن، روابط خویشاوندی به-خصوص در قالب خانواده هسته‌ای، هنوز نزد اکثر مردم مهم است؛ اما این روابط دیگر حامل پیوندهای اجتماعی کاملاً سازمان یافته در طول زمان و مکان نیست. نتایج تحقیق در قالب گزاره‌هایی نظیر افزایش ریسک ازدواج، آنومی و بی‌اخلاقی موجود در جامعه و افزایش هراس اجتماعی و بی‌اعتمادی اجتماعی به جنس مخالف تبیین گر، نقش مقوله جامعه مخاطره آمیز در گرایش به زندگی مجردی است.

ج. تحولات ارزشی: اینگلهارت (۱۹۷۷) تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه معاصر را تحت عنوان انقلاب خاموش تبیین کرده و بر این باور است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، در ارزش‌های مادی این جوامع تحولی عظیم رخ داده‌است. به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. از دید او وجه تمایز مردم جوامع مختلف، نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان است. به بیان دیگر فرهنگ آن‌ها با هم تفاوت دارد. اینگلهارت فرهنگ را نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی می‌داند که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است (اینگلهارت، ۲۰۰۰: ۲۲۱). در این جوامع خواسته‌های انسان‌ها در زندگی،

## 72.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

دستخوش تحول گردیده‌است و گرایش به ارزش‌های مادی در نسل گذشته، به علت ارضای این نیازها (مانند غذا، پوشاک، مسکن و غیره) در نسل جدید، جای خود را به گرایش به ارزش‌های فرامادی داده‌است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۷۹). هرچند که عناصر فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شوند، اما ارزش‌های بنیادین مردم، نه تنها منعکس‌کننده آنچه آموخته‌اند است؛ بلکه همچنین منعکس‌کننده تجارب مستقیم آنها نیز است. در طول نیم قرن گذشته، توسعه اقتصادی و اجتماعی شرایط زندگی مردم را به‌طور کلی دگرگون کرده‌است. رشد اقتصادی، افزایش سطح تحصیلات و اطلاعات و متنوع شدن تعاملات انسانی، منابع اجتماعی، شناختی و مادی مردم را افزایش داده و آنها را به‌طور مادی، هوشی و اجتماعی مستقل‌تر شده‌اند. افزایش سطح امنیت وجودی و خودمختاری، تجارب زندگی مستقیم مردم را بطور بنیادین تغییر داده و آنها را به تأکید بر اهدافی که قبلاً دارای ارجحیت پایین بوده، سوق داده‌است. تأکیدات فرهنگی از اصول جمعی به آزادی فردی، از هم‌نوابی گروهی به تنوع‌خواهی و از اقتدار دولتی به خودمختاری فردی تغییر پیدا کرده که این امر به نشانگانی منجر شده‌است که، ارزش‌های خود اظهاری نامیده می‌شود. افزایش ارزش‌های خود اظهاری مدرنیزاسیون را به یک روند توسعه انسانی تغییر داده و جامعه‌ای ایجاد کرده‌است که به‌طور فزاینده‌ای فردمحور است (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش این روند را در قالب مفاهیمی نظیر سبک زندگی مدرن، کاهش دینداری، توقعات غیرمتعارف، تحولات فرهنگی و تغییر نگرش به ازدواج مورد تأیید قرار داد.

د. فردگرایی فزاینده: نتایج تحقیق در قالب مفاهیمی نظیر هدوئیسم، مدیریت بدن، خصوصیات روان‌شناسی و سپهر روانی تجرد به قوام ایده فردگرایی در گرایش جوانان به زندگی مجردی استناد کرده‌است. به عقیده‌ی دورکیم با افزایش حجم و تراکم جامعه، وجدان عمومی عام‌تر شده و به موازات آن افراد

گرایش‌های متنوع‌تری پیدا خواهند کرد. همچنین این تغییرات تحولاتی را در عنصر الهی، ماورایی و دین به‌عنوان سیستمی یکپارچه از اعتقادات به‌وجود می‌آورد. بنابراین با ورود عقل و منطق و کنجکامی و مداخله‌ی آنان در قواعد دینی، آنان قدرت و نیروی اولیه خود را از دست می‌دهند (توکلی و اسدزاده اعظم، ۱۳۹۴). گیدنز (۱۳۷۸) هویت شخصی را چیزی در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد، که به او تفویض شده باشد، نمی‌داند بلکه آن‌را چیزی می‌داند که به‌طور مداوم و روزمره ایجاد می‌شود و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار می‌گیرد. به همراه مدرنیته فردگرایی نیز به عرصه‌ی اجتماعی افراد و گروه‌های اجتماعی وارد شده‌است. از نظر بک، فردگرایی تبدیل به ساختار اجتماعی مدرنیته دوم شده‌است. زندگی افراد در مدرنیته‌ی دوم با انتخاب مشخص می‌شود که در نسل‌های پیشین خبری از چنین انتخابی نبود. بک انتخاب را به‌عنوان شرایطی مثبت در نظر نمی‌گیرد. فردگرایی یک وضعیت اجتماعی است، که از انتخاب آزادانه افراد ناشی نمی‌شود، و آن‌ها وادارند تا زندگی‌نامه‌های خود را بسازند، در حالی که در زمان‌های گذشته زندگی یک روند طبیعی و استاندارد را دنبال می‌کرد. خودسازی اجباری باید مطابق با اولویت‌ها و مراحل مختلف زندگی اتفاق افتد و باید مطابق با دستورالعمل و قوانین بازار کار، دولت رفاه و نظام آموزشی تنظیم شود. به دلیل این وابستگی به ساختارهای نهادی بک مفهوم «فردگرایی نهادینه‌شده»ی پارسونز را مورد استفاده قرار می‌دهد. بنابراین دولت رفاه و بازار کار نقش مهمی را در چگونگی ساخت زندگی‌نامه‌ها توسط افراد بازی می‌کنند و دولت رفاه تا اندازه‌ای کم و بیش می‌تواند خلق زندگی‌نامه‌های خودگردان توسط افراد را تسهیل کند (وهرنر و آبراهامسون، ۲۰۰۴: ۴). فردگرایی زاده‌ی دنیای مدرن است و به همراه خود مفاهیم و الگوهایی را وارد عرصه‌ی اجتماعی زندگی افراد می‌کند. ذهنیت ناشی از فردگرایی معانی عقلانیت، انتخاب آزاد، عدم قطعیت را به همراه دارد. به نظر گیدنز (۲۷:۱۳۸۴) در جوامع مدرن، "هویت شخصی" اهمیت فزونی‌تری می‌یابد. همه انسان‌ها

## 74.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

باید در جوامع مدرن، به سؤالات مهمی در مورد هویت پاسخ دهند و ناگزیر در طول زندگی به انتخاب-های مهمی دست زنند. در جوامع سنتی کم و بیش نقش‌های ثابتی برای افراد تعریف می‌شد اما در جوامع مدرن، انسان باید خود نقش‌هایش را بسازد. یکی از عوامل مهم که مورد تأکید گیدنز است، رسانه‌های جمعی می‌باشند که گزینه‌های انتخاب ما را مشخص می‌کنند و سبک‌های زندگی را به ما معرفی می‌کنند. در جهان مدرن هویت شخصی پروژه‌ای بازاندیشانه می‌شود و دائماً ما هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنیم و این که که هستیم؟ چرا این شدیم؟ را دائماً مرور می‌کنیم. هویت ما برخلاف گذشته که عادات و سنت‌ها آن را شکل می‌داد، در جامعه مدرن باید دائماً طراحی شود و این زمینه را برای شک و احساس پوچی فراهم می‌کند ولی در عین حال امکان انتخاب سبک زندگی را هم برای ما بیشتر فراهم می‌کند. ه. تحولات اجتماعی: مدرنیته از نظر گیدنز، به فرآیندی منجر می‌شود که آن را "دوری گزینی" می‌نامند؛ بدین معنا که روابط اجتماعی دیگر به محل‌های خاص وابسته نیست. روابط با کسانی که حضور فیزیکی ندارند، بیش از پیش بصورت ویژگی جهان مدرن در می‌آید. مدرنیته همچنین شامل فرآیند وابسته‌ای معروف به "نهفتگی زدایی" است. این فرآیند متضمن خارج ساختن روابط اجتماعی از زمینه‌های محلی کنش متقابل و نوسازی آن‌ها در پهنه‌های نامحدود زمانی-مکانی است (کیویستو، ۱۳۷۸: ۲۰۲). توسعه اقتصادی با تغییرات منسجم و تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی در زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منطبق شده‌اند. توسعه اقتصادی جوامع را به یک جهت تقریباً غیرقابل پیش‌بینی سوق می‌دهد؛ صنعتی شدن به تخصصی شدن مشاغل، افزایش سطح تحصیلات، افزایش سطوح درآمد و همچنین تغییرات پیش‌بینی نشده مانند تغییرات در نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها نسبت به اقتدار و هنجارهای جنسی، کاهش میزان باروری و گسترش مشارکت سیاسی منجر می‌شوند (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۲۱). ویلیام گود با مطرح کردن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، به گستره تأثیرات نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج

اشاره می‌کند و معتقد است که فرایند نوسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، نهاد خانواده و ابعاد آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۷۴). بر اساس این تئوری، فرایند مدرنیزاسیون، تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات را موجب می‌شود. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، ساختار سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته، تغییر کرده و خانواده‌های جدید با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی توسعه می‌یابد. در جریان نوسازی، نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی، تغییر یافته است. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند و در نتیجه خانواده به واحد هسته‌ای که بر فردگرایی استوار است تبدیل می‌شود. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانوادگی با شرایط زندگی مدرن است (فروتن، ۱۳۹۲: ۱۲). انفجار اطلاعات و ارتباطات اجتماعی، تسهیل ارتباط جنسی عاطفی با جنس مخالف، مسائل اجتماعی، تغییر نگرش خانواده به ازدواج و افزایش تحصیلات از مقوله‌های تشکیل دهنده این مفهوم بودند.

### منابع و مآخذ

- افضلی، معصومه (۱۳۹۴). نقش مددکاری در کار با زنان آسیب دیده اجتماعی، دوره آموزشی مددکاران اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، ۱۴-۱.
- انتظاری، اردشیر؛ غیاثوند، احمد؛ عباسی، فاطمه (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران. برنامه - ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۹(۳۴)، صص ۲۰۱-۲۶۹.



## 76.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

- آستین افشان، پروانه (۱۳۸۰). بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- آشته، کزال؛ کرمی، جهانگیر (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی در دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه. *رویش روان‌شناسی*، ۷(۱۱)، صص ۳۵۵-۳۷۴.
- آقاسی، محمد؛ فلاح‌مین‌باشی، فاطمه (۱۳۹۴). نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده، پژوهش‌نامه زنان، ۶(ویژه‌نامه)، صص ۱-۲۱.
- باقری، شهلا؛ مداحی، جواد؛ لطفی خاچکی، طاهره (۱۳۹۸). بر ساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی دانشجویان دختر شهر مشهد). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۷(۱)، صص ۴۳-۶۹.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴). *عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- بروجردی علوی، مهدخت، شمسی، آزاده (۱۳۹۴). نقش ماهواره در تغییر تصور ذهنی جوانان تهرانی از ازدواج، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، ۶(۱۶)، ۲۹۰-۲۶۳.
- بک اولریش (۱۳۸۸). *جامعه در مخاطره‌ی جهانی*، ترجمه‌ی محمدرضا مهدیزاده، تهران، انتشارات کویر.
- تاجبخش، غلامرضا، محمدی، حانیه (۱۳۹۹). واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و رویگردانی از ازدواج، *فصلنامه جمعیت*، ۳(۱۱)، ۱۳۳-۱۱۳.
- التجائی، ابراهیم؛ عزیززاده، مینا (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان‌استانی، *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، س ۷، صص ۲۳-۱.
- جلیل ایران، محبوب؛ مریم مختاری (۱۳۸۶). رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان در ایران، *نشریه جمعیت*، ۱۴(۵۷)، صص ۹۶-۸۱.
- جمشیدپها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ لولا آور، منصوره (۱۳۹۲). نگرش «جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران». *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، ۵(۲)، صص ۶۵-۴۱.
- حبیب‌پور گنابی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۳۲، صص ۳۴-۷.
- حسینی، حاتم؛ گراوند، مریم (۱۳۹۲). سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوه‌دشت. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۱(۱)، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- حسینی، سید حسن؛ ایزدی، زینب (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران، *فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۱)، صص ۴۱-۷۲.

- حسینی، ناهید؛ سید میرزایی، سید محمد؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۷). واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان (مطالعه موردی: جوانان مجرد ساکن شهر تهران سال ۱۳۹۶). *زن در توسعه و سیاست*, ۱۶(۲)، صص ۲۴۳-۲۷۰.
- خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده؛ کاظمی‌پور، شهلا؛ رحیمی، علی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *خانواده پژوهی*, ۱۹(۱)، صص ۷-۲۸.
- رازقی نصرآباد، حبیبه بی بی؛ فلاح نژاد، لیلا (۱۳۹۶). تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج: مورد مطالعه شهر هشتگرد. *مطالعات راهبردی زنان*, ۱۹(۷۵)، صص ۶۳-۸۴.
- رزاقی، نادر، علیزاده، مهدی، و محمدی سنگ‌چشمه، سمیه (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به ازدواج در فضای مجازی، *جامعه‌شناسی کاربردی*, ۲۸(۶۵)، ۸۶-۶۷.
- ریاحی، مهشید؛ خیاطان، فلور (۱۳۹۷). رابطه بین نگرش به والدین، اعتماد در روابط بین فردی و نگرش به ارتباط قبل از ازدواج با رغبت به ازدواج در جوانان مجرد شهر اصفهان. *مطالعات زن و خانواده*, ۶(۱)، صص ۴۶۹-۹۲.
- زارع، بیژن، سراج‌زاده، سید حسین، حبیب‌پور گنابی، کرم، و مداحی، جواد (۱۳۹۹). زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی-فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سنت). *نشریه مسائل اجتماعی ایران*, ۱۱(۲)، ۹۷-۱۲۳.
- زارعان، منصوره (۱۳۹۷). بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران، *نشریه مطالعات زنان و خانواده*، سال ۶(۲۹)، ۱۱۰-۸۹.
- سرایی، حسن؛ اجاقلو، سجاد (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*, ۵(۴) (مسلسل ۲۰)، صص ۱۹-۴۱.
- سفیری، خدیجه، کوهی، کمال، و عبدی، رباب (۱۳۹۷). تأثیر مصرف کالاهای فرهنگی بر تغییر ارزش ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*, ۸(۱)، ۱۰۱-۱۲۳.
- سهراب‌زاده، مهران؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۵). سنخ‌بندی گرایش به ازدواج در بین دختران. مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۹، ش اول، صص ۱۱۴-۸۳.
- شفانی مقدم، الهام؛ نیازی، محسن؛ شاطریان، محسن (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان). *جامعه پژوهی فرهنگی*, ۶(۲)، صص ۶۷-۹۱.
- شکوری، اعظم؛ نقدی، اسدالله؛ امامعلی‌زاده، حسین؛ رحیمی، زهرا (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*, ۱۷(۴۱)، صص ۴۹-۷۲.

## 78.... بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج گریزی جوانان

- شهبانواز، سارا، اعظم آزاد، منصوره (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر مجرد در ایران، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۲)، ۱۹۱-۱۵۷.
- صادقی، رسول؛ شکفته گوهری، محمد (۱۳۹۶). مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران. *برنامه-ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۳۰)، صص ۱۴۲-۱۷۵.
- صادقی، رسول؛ قدسی، علی محمد؛ افشارکهن، جواد (۱۳۸۶). واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۱)، ۶۹-۴۱.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ رشوند، مرجان (۱۳۹۶). سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۳۴-۲۰ ساله شهر تهران. *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۱۲(۲۴)، صص ۱۳۵-۱۶۹.
- فتیحی، سروش (۱۳۸۶). بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۶(۲)، ۱۱۸-۱۰۲.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۷). رویکرد اجتماعی به الگوهای ازدواج، *نامه انجمن جمعیت شناختی ایران*، سال سیزدهم، ش ۹۷، صص ۹-۳۶.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۸). جامعه‌ی ریسک و اهمیت آن برای جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازده، شماره ۶، صص ۶۳-۵۰.
- کاظمی پور، شهلا (۱۴۰۰). تغییرات فرهنگی و تحول خانواده معاصر با تأکید بر ازدواج و فرزندآوری. *مطالعات راهبردی ارتباطات*، ۱۱(۱)، صص ۷-۲۲.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. *زن در توسعه و سیاست*، ۲(۳)، صص ۲۵-۴۳.
- کاوه فیروز، زینب؛ صارم، اعظم (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد نسبت به ازدواج (مطالعه شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز)، *مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۱)، ۹۳-۷۳.
- کاوه فیروز، زینب؛ کاظمی پور، شهلا؛ رنجبر، مرتضی (۱۳۹۳). تعیین کننده‌های اجتماعی - جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲(۳)، ۴۴۹-۴۶۸.
- کلاته ساداتی، احمد؛ حجازی، حمید؛ مرادی نژاد، الهام (۱۳۹۸). رابطه بین دین‌داری و رفتار پرخطر در زندگی مجردی؛ مطالعه پیمایشی زنان شهر یزد ۱۳۹۷. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۷(۱)، ۲۷-۴۲.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیان‌های نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
- کوشی، مجید (۲۰۰۴). مناقشاتی در مورد تأخیر ازدواج در جوانان، *نشریه فرهنگ و پژوهش*، ۳(۲)، ۴۵-۳۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

- لیزاستیل، وارن کید (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده، ترجمه فریبا سیدان و افسانه کمالی، تهران: دانشگاه الزهراء.
- محبی، سید فاطمه محبی؛ سیاح، مونس؛ حسینی، شیما سادات (۱۳۹۵) دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجوی، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ۱۹، ۲۷۴-۲۵۱.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۸۴-۷۰.
- نصرتی نژاد، فرهاد؛ شریفیان ثانی، مریم؛ محمدی نوبری، علی (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی دیر هنگامی ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم، مسائل اجتماعی ایران، ۷ (۲)، ۱۵۸-۱۴۱.
- نعمتی، محمد، و خطیبی مهر، میترا (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر زندگی مجردی و تفردگرایی در بین جوانان ۲۵-۴۵ ساله تهران، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز.
- نوری کوچی، مهسا؛ احمدی، علی یار (۱۳۹۶). تبیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی ایده‌آل‌های ازدواج جوانان ۳۰-۱۸ ساله شهر شیراز، نشریه مطالعات جمعیتی، ۳ (۲)، ۳۷-۶۱.
- Dixon, R. (1971) "Explaining Cross-cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marrying", *Population Studies*, 25: 215-233.
- González-Val, R., and M. Marcén. (2015). "Regional unemployment, marriage, and divorce", Working paper, (No. 2015/38). *Institut d'Economia de Barcelona* (IEB).
- Hamplova, Dana (2003). "Marriage and Educational Attainment: a Dynamic Approach to First Union Formation", *Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický Časopis/Czech Sociological Review*, 39 (6): 841-863.
- Hashimoto, Y., and A.Kondo (2012). "Long-term effects of labor market conditions on family formation for Japanese youth", *Journal of the Japanese and International Economies* 26(1): 1-22
- Himawan, K. K. Underwood, M. Bambling, M. & Edirippulige, S. (2021). Being single when marriage is the norm: Internet use and the well-being of never-married adults in Indonesia. *Current Psychology*, 1-12.
- Inglehart Ronald and Wayne E. Baker, (2000) Modernization, Cultural Change, And The Persistence Of Traditional Values, *American Sociological Review*, Vol. 65 (February:19- 51)
- Inglehart Ronald, Christian Welzel (2007). *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*, Cambridge University Press.
- Laroche, E. L'Espérance, S. & Mosconi, E. (2020). Use of social media platforms for promoting healthy employee lifestyles and occupational health and safety prevention: A systematic review. *Safety science*, 131, 104931.

- McDonald, P. (2006). "Low fertility and the state: The efficacy of policy" *Population and development* review, 32(3), PP 485-510
- Minh, Nguyen Huu (1997) "Age at First Marriage in Viet Nam: Patterns and Determinants", *Asia-Pacific Population Journal*, 12 (2): 25-49
- Murayama,S.(2001)"RegionalStandardization in the Age at Marriage:Acomparative Study of Pre Industrial Germany and Japan", *The History of the Family*, 6 (2): 303-324.
- Pinquart, M. (2003). Loneliness in married, widowed, divorced, and never-married older adults.*Journal of Social and Personal Relationships*, 20, 31–53.
- Pressman, Steven (2006). *Fifty Major Economists*, New York &London:Routledge.
- Rosenfeld, Michael J (2016). *Marriage, Choice, and Couple hood in the Age of the Internet*. Research Project Department of Sociology, Stanford University.
- Schaller, J. (2013). "For richer, if not for poorer? Marriage and divorce over the business cycle", *Journal of Population Economics*, 26(3): 1007-1033
- Servaty, Lisa and Kirsten Weber. (2010). The Relationship between Gender and Attitudes towards Marriage, *Journal of Student Research*, 1-17.
- Soons, J. P. M., Liefbroer, A. C. (2008). Together is better? Effects of relationship status and resources on young adults' well-being. *Journal of Social and Personal Relationships* 25,604–625.
- Tong, Q. Chu, C. Y. Zhou, D. & Feng, Y. (2021). Does Internet connectedness disconnect marriage? A micro empirical analysis. *Social Indicators Research*, 158(1), 143-176.
- Wehner C. & Peter Abrahamson (2004). "Individualisation of family life and family discourses", *Department of Sociology*, University of Copenhagen, ESPAnet conference.
- Zeinalzadeh ,A. , Esmailopour,KH. , Alipoorgourand,B. , Baydarrodi,E.(2015). Mental Health Profile in Single and Married Women 30 to 45 Years Old in Tabriz University of Medical Sciences. Women and *Society Quarterly Journal*, 23, 13- 24(Text in Persian).

DOI: [10.71854/soc.2024-1127414](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1127414)

**The tendency of women to turn to body management: cultural approaches, causes and challenges: "Study case: women of districts 1 and 17of Tehran**

**Maryam Vahab**

PhD Candidate of Sociology. Science and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

[0009-0009-7320-1296](https://orcid.org/0009-0009-7320-1296) 

**Mehrdad Navabakhsh<sup>1</sup>**

Department of Sociology. Science and Researches Branch. Islamic Azad University, Tehran, Iran

[0000-0002-3028-7458](https://orcid.org/0000-0002-3028-7458) 

**Soroush Fathi**

Department of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

[0000-0002-4673-9594](https://orcid.org/0000-0002-4673-9594) 

**Abstract**

This study investigates cultural factors affecting women's approach to body management. It also examines the existing techniques and challenges. The target group of this case study was the women of districts 1 and 17 of Tehran. The research method is a survey. The data was collected using a questionnaire on a sample of 400 respondents selected from the population of regions 1 and 17 with a multi-stage cluster sampling method. The findings showed that the cultural variables of religious beliefs, media consumption, and commercial advertisements ( $Pvalue \leq 0.001$ ) are effective in women's approach to body management. Among the pre-intercultural variables, media consumption, commercial advertisements, and religious beliefs are the most influential cultural variables on women's tendency toward body management. It seems that the influential variables also have an increasing effect on our cultural changes in an interaction. They effectively affect various aspects of our lives, including women's attitudes toward body management.

**Keywords: body management, religious beliefs, media consumption, commercial advertising**

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [navabakhsh@srbiau.ac.ir](mailto:navabakhsh@srbiau.ac.ir)

82.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
« مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران

## تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران

مریم وهاب

1- دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهرداد نوابخش<sup>2</sup>

استاد گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سروش فتیحی

دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۵/۶ ۱۴۰۳/۶/۵

### چکیده

این مطالعه به بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر روی آوری زنان به مدیریت بدن می‌پردازد. همچنین رویکردها و چالش‌های موجود را بررسی می‌نماید. هدف اصلی تحقیق نیز تبیین جامعه‌شناختی علل و عوامل فرهنگی مؤثر بر روی آوری زنان به مدیریت بدن در چند دهه اخیر در ایران است. گروه هدف این مطالعه موردی، زنان مناطق 1 و 17 شهر تهران بوده است. روش تحقیق پیمایشی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه بر روی نمونه‌ای 400 نفره از پاسخگويانی که از میان جمعیت دو منطقه 1 و 17 با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند جمع‌آوری گردید. یافته‌های بدست آمده نشان دادند متغیرهای فرهنگی اعتقادات مذهبی، مصرف رسانه‌ای و تبلیغات تجاری ( $Pvalue \leq 0.001$ ) بر روی آوری زنان بر مدیریت بدن مؤثر است. تأثیرگذارترین متغیرهای فرهنگی بر گرایش زنان به مدیریت بدن از بین متغیرهای پیش‌بین فرهنگی مربوط به متغیر مصرف رسانه‌ای، تبلیغات تجاری و اعتقادات مذهبی است. به نظر می‌رسد متغیرهای مؤثر نیز در یک برهمکنش اثر فزاینده‌گی بر تغییرات فرهنگی امروز ما دارند و بصورت بسیار مؤثری بر جنبه‌های مختلف زیست ما و از جمله بر نگرش زنان بر مدیریت بدن تأثیر دارند.

کلیدواژه‌گان: مدیریت بدن، اعتقادات مذهبی، مصرف رسانه‌ای، تبلیغات تجاری

<sup>2</sup>. نویسنده مسئول: navabakhsh@srbiau.ac.ir

### مقدمه و طرح مسأله

مفهوم و معنای بدن را می‌توان در گذر تاریخ، و آن‌هم از طریق تغییر ذائقه جامعه بشری مورد شناخت قرار داد. در حالی که برخی از محققان معتقدند بدن به عنوان نوعی تابوی اجتماعی، کمتر مورد توجه است. وقتی از رویکرد به بدن بحث می‌شود، اشاره به تجاری‌سازی است که رابطه مستقیمی با نگرش دارد، لذا می‌توان با تأمل بر بدن و نگرش‌های حاکم بر مدیریت آن، ایده‌های اساسی‌ای را که درباره ابعاد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی آن وجود دارد، آشکار ساخت. بدن را باید محوری دانست که امکان درک نسبت به جهان را به وسیله انسان ممکن می‌کند. از خلال بدن است که فرد جوهر هستی خود را بنا بر شرایط اجتماعی و فرهنگی، سن، جنسیت و شخصیت خود، در اختیار می‌گیرد و آن را به دیگران منتقل می‌کند. (لوپروتون، ۱۳۹۲)

در کشور ما با وجود آن‌که ورود به دنیای مدرن را تجربه کرده‌ایم، هنوز هم مبحث بدن، وضعیت سنتی خود را از دست نداده‌است. از سوی دیگر توجه به این رویکرد، یعنی خروج بدن از چارچوب نگاه طبیعت‌گرایانه و قرار گرفتن آن در چارچوب فناوری، همچنین وجود ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن سبب شده‌است که بدن ایرانی در دنیای جدید با تبدیل شدن به امری خودآگاه، با مسائل گوناگون درگیر شود. (فاضلی، ۱۳۹۳: ۳۹۱)

گو این که در روزگار ما، افراد آزادی عمل بیشتری در مدیریت بدن خویش دارند، هرچند نمی‌توان فشار دنیای سرمایه‌داری، تبلیغات، تأثیر گروه‌های فشار، آگهی‌های تجاری، امکانات اجتماعی و اقتصادی و انگاره‌های فرهنگی، که بیشتر در جهت استاندارد سازی قدم بر می‌دارند، را نادیده گرفت. در این بین نظام سرمایه‌داری با سازوکارهای خود، به ابزارهایی متوسل شده که قوی‌ترین این ابزارها، وسایل ارتباط جمعی است. (قادرزاده، هیرش و حسن پناه: ۱۳۹۱)



84.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
« مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران

مطالعات نشان می دهند، به طور تاریخی، زنان در مقایسه با مردان نسبت به وضعیت زیبایی و ظاهر خود و آنچه به چشم می آید، دقت نظر بیشتری داشته و حساسیت و توجه بیشتری نشان داده اند. در دوره های اخیر در ایران، به ویژه در برخی از مناطق شهری مانند تهران و سایر شهرهای بزرگ، توجه به بدن از نظر زیبایی، سلامتی و خود توجهی بیشتر شده است. تا آنجا که به نظر می رسد گاهی این توجه به رفتارها، که به منظور مطابقت دادن ویژگی های بدن با الگوهای فرهنگی، زیبایی چهره و اندام صورت می گیرد، افراطی است و بعضاً تبعات سوئی به بار می آوردند. از این رو امروزه در جامعه در حال تحول، مدیریت بدن به دنبال آن است که تأثیر جامعه بر بدن و بدن بر جامعه را مورد مطالعه قرار دهد تا بتواند این روند دامن گستر را در مسیر مطلوبی قرار دهند و از پیامدهای نامطلوب آن پیشگیری کند (سید میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲).

به نظر می رسد در دوره جدید با تحولات جهانی شدن، بیش از حد به مسأله بدن توجه می شود و پاره ای از عوامل اجتماعی و فرهنگی، بدن را تحت تاثیر خود قرار داده اند از جمله؛ سیاسی کردن بدن توسط فمینیست ها، عوامل جمعیت شناختی، رشد فرهنگ مصرفی، پیدایش تکنولوژی جدید و حرکت به سوی مدرنیته (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲).

از منظر فرهنگی بدن دارای اهمیت ویژه ای است چرا که تحولات ایجاد شده در حوزه های گوناگون، جامعه ما را با تغییرات جدی و گذار از جامعه سنتی به سمت جامعه مدرن روبرو کرده است. تحولات فرهنگی از محصولات جامعه مدرن است، در این میان بدن به عنوان واضح ترین و آشکارترین حامل خود، جایگاه خاصی پیدا کرده است. توجه مجدد به بدن و رواج آن به ویژه در دو دهه اخیر، مباحث گسترده ای حول محور موضوعاتی نظیر هویت، مصرف، سبک زندگی و زیبایی در نظریه پردازی های

اجتماعی برانگیخته است و الگوهای دخیل در مدیریت بدن را همچون سایر حوزه‌های زندگی آدمی تحت سلطه قرار داده‌است به طوری که می‌توان از جامعه بدنی و یا عصر بدن سخن گفت. بدین ترتیب، فرهنگ بدن بیانگر اهمیت فزاینده‌ای است که در آن بدن، به کانونی برای تعامل و بازاندیشی فرد نسبت به خویش بدل شده‌است (سفیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵).

در دهه‌های اخیر اهمیت به تناسب اندام، به‌عنوان معیار زیبایی، مورد توجه جدی دختران و زنان قرار گرفته‌است و اقدام برای رعایت رژیم غذایی برای دستیابی به تناسب اندام، موجب دغدغه برخی از دختران و زنان ایرانی شده‌است. این امر موجب پیامدهای جدی است که سلامت روانی و جسمانی آنان را به خطر انداخته‌است. آنان از یکسو در معرض تبلیغات از سوی رسانه‌ها قرار دارند و از سوی دیگر برای کسب وزن ایده‌آل به دنبال رژیم‌های سخت غذایی هستند. قرار گرفتن در این وضعیت موجب شده‌است، بسیاری از آنان در حساس‌ترین برهه از زندگی خویش، با مشکلات جدی تغذیه‌ای روبه‌رو باشند؛ بنابراین در بحث مدیریت بدن، سوال اصلی در این تحقیق این است که: عوامل فرهنگی مؤثر بر مدیریت بدن زنان، کدامند و کدام ابعاد فرهنگی، گرایش زنان به مدیریت بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

هدف اصلی تحقیق، تبیین جامعه‌شناختی علل و عوامل فرهنگی مؤثر بر روی‌آوری زنان به مدیریت بدن در چند دهه اخیر در ایران است و شناخت تأثیر متغیرهای فرهنگی مانند اعتقادات مذهبی، تبلیغات تجاری، مصرف رسانه‌ای و قومیت بر روی‌آوری زنان به مدیریت بدن نیز از اهداف فرعی پژوهش به‌شمار می‌رود.

**مبانی و چارچوب نظری**

86.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
« مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران »

انسان‌شناسی فرهنگی به مطالعه فرهنگ و جامعه انسانی می‌پردازد. در انسان‌شناسی فرهنگی، تفاوت‌ها و شباهت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه‌های گوناگون بررسی می‌شود. انسان‌شناسی هم به بررسی جوامع بشری خاص معاصر می‌پردازد و هم الگوهای مسلط بر فرهنگ بشری را مطالعه می‌کند و جوامع خاص بشری را به منظور فهم دلایل همانندی‌ها و ناهمانندی‌های آن‌ها توصیف و تحلیل می‌کند. مردم‌نگاری و قوم‌شناسی به ترتیب این دو جنبه از کار انسان‌شناسی فرهنگی را انجام می‌دهند (فاضلی، ۱۳۹۳).

مارگارت مید بیان می‌دارد: ما به وسیله جوامع خود آموزش می‌یابیم تا بدن‌هایمان را خارج از ذهنمان نگاه داریم. مید در کتاب «الگوهای فرهنگی و تغییر فنی» (۱۹۵۵) به شرح تأثیر پیشرفت‌های فنی مدرن بر زندگی سنتی در اجتماع می‌پردازد. او بر ضرورت فهم ارزش‌ها و ساختارهای سنتی، به‌ویژه آن‌هایی که با بدن در ارتباطند، تأکید می‌کند. این کتاب شاید یکی از نخستین تلاش‌های حرفه‌ای باشد که بر این امر پافشاری می‌کند که ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر ممکن است متضاد با ارزش‌های غرب باشند و لذا باید با یکدلی در متن فرهنگ خودشان فهم شوند (فاتحی و خالصی، ۱۳۸۹).

شپرهیوج و لاک (۱۹۸۷) سه چشم انداز نسبت به بدنمندی در انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی معرفی می‌کنند:

۱. پدیدارشناسی (بدن فردی) که بر بدن زیسته به‌عنوان تجربه خویشتن تمرکز می‌کند. مارسل موس اولین کسی بود که از این دیدگاه با مفهوم فنون بدن، که بستری برای تجربه فرهنگی برمی‌ساخت، بهره برد. همچنین خاستگاه این نگرش نسبت به بدن را می‌توان در مطالعات مرلوپونتی یافت.

۲. ساختارگرایی و نمادگرایی (بدن اجتماعی) که در کارهای ترنر و داگلاس قابل شناسایی است. تحقیقات آن‌ها بر بدن انسان به‌عنوان خاستگاه نمادگرایی تمرکز دارد، بدین طریق به بررسی طبیعت، فرهنگ و جامعه می‌پردازند

۳. پس‌اساختارگرایی که بدن را به‌عنوان مکانی برای کنش‌های تنظیم‌کننده اجتماعی در نظر می‌گیرد. در اینجا به تنظیم، نظارت و کنترل بدن‌ها (شخصی و جمعی) در تولیدمثل و تمایلات جنسی، در کار و فراغت، در بیماری و شکل‌های دیگر تفاوت‌های انسانی می‌پردازد. کارها و مطالعات فوکو را می‌توان در این قسمت مورد ملاحظه قرار داد.

درحالی که داگلاس از خاستگاه بدنی بازنمایی و فوکو از بدن به‌عنوان محصول بازنمایی صحبت می‌کنند، پدیدارشناسی از یک فرایند به‌جای بدن به‌عنوان یک ابژه صحبت می‌کند.

نگرش‌های پدیدارشناختی به بدن در انسان‌شناسی نه تنها آن را موضوعی برای تحقیق و تحلیل در نظر می‌گیرد بلکه، در جستجوی توسعه یک چارچوب تحقیق پویاتر هم هستند که سعی می‌کند به دیدگاهی نسبت به بدن و جهان، در همه بی‌واسطگی‌ها و واسطه‌گرایی‌هایش، دست یابد.

رویکردهای فمینیستی جامعه‌شناختی به‌رغم تنوع، از وجه مشترک اساسی برخوردارند. به‌طوری که زمینه‌ها، تصویر و ارزیابی زنان از اندام خود در متن مشکلات آن‌ها در جامعه و فرهنگ، نظام معنایی و یا موقعیت زبانی دیده می‌شود. از این منظر نظام اجتماعی سرمایه‌داری غربی که به شکلی افراطی مصرفی است، ترویج دهنده نارضایتی در بین زنان از بدن خویش و هزینه‌کرد برای خرید کالاها و خدماتی است که این نقیصه را جبران کند. هرچند این فشار از طریق رسانه و تبلیغات بر مردان و زنان جامعه است اما، فشار بر زنان بیشتر است و این همان عامل جنسیتی است که زنان در این بین بیشتر تحمل می‌کنند. در این

88.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
« مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران »

نگاه زنان با مصرف بیشتر، نه تنها به خالی کردن جیبشان می‌پردازند بلکه از استعدادهای بالقوه خود هم دور می‌شوند. رویکردهای فمینیستی نیز بر مبنای رویکردهای متأخر و بر مبنای مکاتب فرهنگی تبیین می‌شود. (توسلی، ۱۳۸۵: ۹۲).

رابرت کی مرتن در طرح نظریه گروه مرجع، بر این موضوع تأکید می‌کند که انسان‌ها در رفتارها و ارزیابی‌های خود، جهت‌گیری‌هایشان را متناسب با گروه‌هایی که به‌عنوان چارچوب مرجع بر می‌گزینند، تنظیم می‌کنند. وی انواع کارکردهای گروه‌های مرجع را تحت عنوان گروه‌های «مرجع هنجاری و تطبیقی» معرفی می‌کند و تأمین استانداردهای ارزش‌های پذیرفته شده و چارچوب مقایسه زمینه ارزیابی موقعیت لازم برای افراد را، کارکردهای اصلی آن‌ها تلقی می‌کند. وی سپس مفهوم گروه را تعریف می‌کند و ملاک‌های عضویت و عدم عضویت در یک گروه را مشخص می‌سازد: «مفهوم جامعه‌شناختی گروه به معنی تعدادی از افراد است که بر اساس الگوهای مشخص با یکدیگر تعامل دارند». بنابراین ملاک عضویت در یک گروه، عبارت است از کنش متقابل الگودار، احساس عضویت در گروه و پذیرش عضویت توسط سایرین. البته با توجه به پویایی ساختارها و تغییر شرایط عینی و ذهنی در جامعه، یک فرد ممکن است در شرایط مختلف و نیز از جهات مختلف، عضو گروه‌های متفاوت تلقی شود. از طرف دیگر کسانی که عضو یک گروه نیستند، وضعیت و شرایط متفاوتی دارند. عدم عضویت در گروه حالات گوناگونی دارد. کسی که عضو گروه نیست، ممکن است شرایط و قابلیت عضویت در گروه را داشته یا نداشته باشد. همچنین با فرض بهره‌مندی از شرایط عضویت ممکن است نسبت به گروه، موضع مثبت، منفی یا خنثی داشته‌باشد. این حالات و نسبت‌ها، روابط گوناگونی بین فرد و گروه برقرار می‌کند که رویکرد فرد را برای انتخاب گروه به عنوان چارچوب مرجع تحت تأثیر قرار می‌دهد. همین‌طور ویژگی گروه از حیث بسته یا باز و انعطاف پذیر بودن نسبت به پذیرش اعضای جدید، قابلیت آن را برای

تبدیل شدن به گروه مرجع، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در صورتی که فرد تمایل به عضویت در یک گروه داشته باشد و گروه نیز نسبت به پذیرش اعضاء جدید انعطاف پذیر باشد، بیشترین احتمال برای جامعه پذیری و تأثیر پذیری فرد از هنجارها و ویژگی‌های گروه مزبور و احیاناً تحریک اجتماعی وی به وجود می‌آید» (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۶۷-۱۴۹).

گافمن معتقد است: از آنجایی که در زندگی روزمره و رویارویی‌ها، تأثیرگذاری‌های اولیه مهم هستند، ظاهر که برای خود شخص و برای دیگران قابل رؤیت و نمایش است، می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای برای تفسیر کنش به کار گرفته شود و در نتیجه " بدن فقط نه تنها موجودیتی ساده، بلکه وسیله‌ای عملی برای کنار آمدن با اوضاع و احوال بیرونی است و حالات چهره و حرکات بدن، محتوای اساسی نشانه‌هایی است که ارتباطات روزمره ما مشروط به آن‌ها است و برای آن‌ها که بتوانیم با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی و هویت شخصی خود شریک شویم، باید بتوانیم نظارتی مداوم و موفق بر چهره و بدن خود اعمال کنیم " (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۱).

فدرستون با تشریح تأثیرات مدرنیته یا پسامدرنیسم، علاقه بیشتر مردم را نسبت به کامل جلوه کردن، خلاق و فریبنده بودن، کنترل داشتن بر بدن، خلاقیت افراد نسبت به سبک زندگی خویش و مصرف سبک‌های متغیر را از ویژگی‌های تکامل اجتماعی و اقتصادی جوامع می‌داند. او فرهنگ مصرفی حفاظت و نگهداری از بدن را به خود فرد می‌سپارد و او را تشویق می‌کند تا از راهبردهای ابزاری برای مبارزه با افول و فساد بدن خویش استفاده کند و این ایدئولوژی را ترویج می‌کند که، بدن انتقال دهنده لذت و نوعی ابزار است (Featherston 1991: 170).

روش تحقیق

90.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
« مورد مطالعه : زنان مناطق 1 و 17 تهران »

این تحقیق از نوع پیمایشی است و برای جمع آوری داده‌ها، از پرسشنامه خودساخته استفاده شده است. سوالات پرسشنامه به شکل مشخص، واضح و گویا، شامل طیف های مختلف، سوالات بسته و چندگزینه‌ای است. به منظور استاندارد سازی این پرسشنامه، پس از تهیه و بررسی پایایی آن، به تعداد ۳۰ عدد تکثیر شد و آزمون مقدماتی تهیه گردید. برای بررسی میزان روایی نیز از اعتبار صوری استفاده شد و از نظر متخصصین در حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی در این زمینه کمک حاصل گردید. پس از اصلاحات، پرسشنامه نهایی آماده شد و به وسیله آن جمع آوری داده‌ها انجام شد. روش نمونه‌گیری منتخب برای دست یابی به نمونه پژوهشی، معرف به تعداد ۳۸۴ نفر، نمونه گیری خوشه ای چند مرحله‌ای است که از بین مناطق مختلف ۱ و ۱۷ حجم نمونه انتخاب شد. در این مطالعه نیز حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران به دست آمده است. در این فرمول با جمعیت ۱۱۸۸۸۱۱ نفر، دقت احتمالی حدود ۵٪ و با فرض بیشترین پراکندگی صفات مورد مطالعه، حجم نمونه برابر ۳۸۴ نفر برآورد شده است. با پیش‌بینی خطای برآورد و ریزش احتمالی نمونه ۱۶ نفر به اندازه نمونه افزوده شده و نهایت ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه اصلی تحقیق تعیین شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات، پس از گردآوری پرسشنامه و کدگذاری و استخراج آن‌ها توسط کامپیوتر با نرم افزار SPSS و ورژن 25 انجام گردید و بر اساس فرضیات، تحلیل مورد نظر صورت گرفت و در ادامه، یافته‌های تحقیق به دو شکل توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. در سطح توصیفی، از جداول فراوانی و درصدها و محاسبه میانگین و نما و در سطح استنباطی از آزمون‌های مختلف و با توجه به سطح سنجش متغیرها استفاده شد.

یافته‌ها

جدول شماره ۱: بررسی آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق

| متغیرها        | تعداد | میانگین | انحراف معیار | کمترین | بیشترین |
|----------------|-------|---------|--------------|--------|---------|
| مصرف رسانه ای  | 400   | 59/21   | 10/08        | 39     | 78      |
| تبلیغات تجاری  | 400   | 9/84    | 3/17         | 3      | 16      |
| اعتقادات مذهبی | 400   | 25/70   | 5/97         | 11     | 42      |
| مدیریت بدن     | 400   | 33/07   | 6/4          | 15     | 48      |

جدول شماره ۲: نتایج ضرایب رگرسیون خطی ساده مصرف رسانه ای با روی آوری زنان به مدیریت بدن

| متغیر پیش بین | R     | R2    | R2 ad | F      | سطح معنی داری | B     | $\beta$ | T      | سطح معنی داری<br>آزمون |
|---------------|-------|-------|-------|--------|---------------|-------|---------|--------|------------------------|
| مصرف رسانه ای | 0/661 | 0/438 | 0/436 | 309/56 | 0/001         | 0/420 | 0/661   | 17/594 | 0/001                  |

برای سنجش فرضیه، از تحلیل رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. در این پژوهش روی آوری زنان به مدیریت بدن به عنوان متغیر ملاک و مصرف رسانه ای، به عنوان متغیر پیش بین ایفای نقش می کند. بر اساس اطلاعات این جدول، شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی برابر با 0/661 می باشد. مجذور R تعدیل شده برابر 0/436 است، که نشان می دهد حدود 44 درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی روی آوری زنان به مدیریت بدن، می تواند توسط متغیر مصرف رسانه ای تبیین شود. چنانچه در این جدول ملاحظه می گردد، سطح معنی داری آزمون رگرسیون برابر 0/001 می باشد. می توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق در سطح اطمینان 0/99 معنی دار می باشد. این نتیجه که حاصل تحلیل رگرسیون از راه تحلیل واریانس (ANOVA) است نشان دهنده آن است که فرضیه تحقیق



92... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
 « مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران »

تأیید می‌شود (sig.=0/001 و F=309/56). این بدین معنی است که مدل انتخاب شده در قالب متغیر پیش بین مصرف رسانه‌ای معنادار است.

یافته‌های تحلیل رگرسیون در خصوص فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که متغیر مصرف رسانه‌ای به گونه‌ای معنادار می‌تواند گرایش زنان به مدیریت بدن ( $p\text{-value} \leq 0/05$ ) را پیش‌بینی نمایند به طوری که این اثرگذاری، مثبت و معنی دار برآورد شده است.

جدول شماره ۳: نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه مؤلفه‌های تبلیغات تجاری با روی آوری زنان به مدیریت بدن

| متغیرهای پیش بین | R     | R2    | R2 ad | دوربین<br>واتسون | F      | سطح معنی<br>داری | B      | B      | t      | سطح معنی داری<br>آزمون |
|------------------|-------|-------|-------|------------------|--------|------------------|--------|--------|--------|------------------------|
| تبلیغات رسانه‌ای |       |       |       |                  |        |                  | 1/61   | 0/291  | 6/004  | 0/001                  |
| تبلیغات خارجی    |       |       |       |                  |        |                  | 1/387  | 0/258  | 5/079  | 0/001                  |
| تبلیغات داخلی    | 0/571 | 0/326 | 0/319 | 1/543            | 47/744 | 0/001            | 0/888  | 0/165  | 3/279  | 0/001                  |
| تبلیغات محیطی    |       |       |       |                  |        |                  | -0/232 | -0/035 | -0/827 | 0/409                  |

برای سنجش این فرضیه از تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش همزمان استفاده شده است. در این پژوهش روی آوری زنان به مدیریت بدن به عنوان متغیر ملاک و تبلیغات تجاری شامل تبلیغات رسانه‌ای، تبلیغات خارجی، تبلیغات داخلی و تبلیغات محیطی به عنوان مؤلفه‌های پیش‌بین ایفای نقش می‌کند.

بر اساس اطلاعات جدول شماره 3، شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با 0/571 می‌باشد. مجذور R تعدیل شده برابر 0/319 می‌باشد، که نشان می‌دهد حدود 32 درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی روی آوری زنان به مدیریت بدن، می‌تواند توسط مؤلفه‌های تبلیغات تجاری (تبلیغات رسانه‌ای، تبلیغات خارجی، تبلیغات داخلی و تبلیغات محیطی) تبیین شود. همچنین آمار دوربین واتسون بین اعداد 1/5 تا 2/5 محاسبه شده است، لذا احتمال خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها رد می‌شود و

باقیمانده‌ها مستقل از یکدیگر بوده و میزان باقیمانده یک مورد، در میزان باقیمانده مورد بعد از آن تأثیری ندارد.

چنانچه در جدول شماره 3 ملاحظه می‌گردد، سطح معنی داری آزمون رگرسیون برابر 0/001 می‌باشد، می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق در سطح اطمینان 0/99 معنادار می‌باشد. این نتیجه که حاصل تحلیل رگرسیون از راه تحلیل واریانس (ANOVA) است، نشان دهنده آن است که فرضیه تحقیق تأیید می‌شود (sig.=0/001 و  $F=47/74$ ). این بدین معنی است که مدل انتخاب شده در قالب متغیرهای پیش بین تبلیغات تجاری معنادار است.

یافته‌های تحلیل رگرسیون درخصوص فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تبلیغات تجاری به‌گونه‌ای معنادار می‌توانند گرایش زنان به مدیریت بدن ( $p\text{-value} \leq 0/05$ ) را پیش‌بینی نمایند به‌طوری‌که، این اثرگذاری برای سه مؤلفه تبلیغات رسانه‌ای، تبلیغات خارجی و تبلیغات داخلی، مثبت و معنادار برآورد شده است ولی برای مؤلفه تبلیغات محیطی، معنادار نشده است ( $P\text{-Value} > 0/05$ ). نتیجه‌ی نهایی آنالیز رگرسیون انجام‌شده، به همراه ضرایب استاندارد مؤلفه‌های مؤثر در مدل به‌صورت زیر خواهد بود:

(تبلیغات داخلی  $\times 0/165$ ) + (تبلیغات خارجی  $\times 0/258$ ) + (تبلیغات رسانه ای  $\times 0/291$ ) = مدیریت بدن

بنابراین، به عنوان مثال اگر مؤلفه تبلیغات رسانه‌ای به اندازه یک انحراف استاندارد افزایش یابد، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که گرایش زنان به مدیریت بدن به اندازه 0/291 انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

94.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
 « مورد مطالعه : زنان مناطق 1 و 17 تهران

در کل بر اساس یافته‌های مشاهده شده می‌توان چنین گفت که تأثیرگذارترین مؤلفه تبلیغات تجاری بر گرایش زنان به مدیریت بدن، مربوط به تبلیغات رسانه‌ای می‌باشد و بعد از آن مؤلفه‌های تبلیغات خارجی و تبلیغات داخلی در رتبه دوم و سوم تأثیر قرار دارند.

جدول شماره ۴: نتایج ضرایب رگرسیون خطی ساده اعتقادات مذهبی با روی آوری زنان به مدیریت بدن

| متغیر پیش بین  | R     | R2    | R2 ad | F      | سطح معنی داری | B      | $\beta$ | t      | سطح معنی داری آزمون |
|----------------|-------|-------|-------|--------|---------------|--------|---------|--------|---------------------|
| اعتقادات مذهبی | 0/403 | 0/162 | 0/160 | 77/047 | 0/001         | -0/432 | -0/403  | -8/778 | 0/001               |

برای سنجش این فرضیه از تحلیل رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. در این پژوهش روی آوری زنان به مدیریت بدن به عنوان متغیر ملاک و اعتقادات مذهبی به عنوان متغیر پیش‌بین ایفای نقش می‌کند. بر اساس اطلاعات جدول 4 شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی برابر با 0/403 می‌باشد. مجذور R تعدیل شده برابر 0/160 می‌باشد، که نشان می‌دهد حدود 16 درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی روی آوری زنان به مدیریت بدن، می‌تواند توسط متغیر اعتقادات مذهبی تبیین شود.

چنانچه در جدول ملاحظه می‌گردد، سطح معنی داری آزمون رگرسیون برابر 0/001 می‌باشد. می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق در سطح اطمینان 0/99 معنادار می‌باشد. این نتیجه که حاصل تحلیل رگرسیون از راه تحلیل واریانس (ANOVA) است نشان دهنده آن است که فرضیه فرعی تحقیق تأیید می‌شود (sig.=0/001 و F=77/047). این بدین معنی است که مدل انتخاب شده در قالب متغیر پیش بین اعتقادات مذهبی معنی دار است.

یافته‌های تحلیل رگرسیون در خصوص فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که متغیر اعتقادات مذهبی به گونه‌ای معنادار می‌تواند گرایش زنان به مدیریت بدن ( $p\text{-value} \leq 0/05$ ) را پیش‌بینی نماید به طوری که این اثرگذاری منفی و معنی دار برآورد شده است.

بنابراین، اگر مؤلفه اعتقادات مذهبی به اندازه یک انحراف استاندارد افزایش یابد، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که گرایش زنان به مدیریت بدن، به اندازه ی 0/403 انحراف استاندارد کاهش خواهد یافت.

### بحث و نتیجه‌گیری

در یکی دو دهه اخیر، در تمام دنیا بدن به عنوان امر مهم در نظر گرفته شده‌است. گویی مهمترین وظیفه آن ایجاد نوعی تشخیص و یا منزلت اجتماعی است. در واقع توجه به بدن، نه یک انتخاب بلکه یک الزام اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که باید به صورت یک عادت‌واره درآید تا فرد بتواند در خود احساس هم‌نوایی و در نهایت احساس امنیت را پدید آورد. اگر در گذشته اهمیت بدن با توانایی‌ها و قابلیت‌های کاربردی آن مرتبط بود، امروزه این بدن است که در خدمت فرد قرار می‌گیرد و باید به عنوان منبعی برای تولید لذت و هیجان و به عنوان یک پایگاه یا پرچم و نماد برای بیان ارزش‌های فرد باشد. مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده‌است و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن‌سازی، رژیم غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف برای مراقبت از بدن پدید آمده‌است.

در مورد یافته‌های جدول ۲ می‌توان گفت مطابق با آراء و نظرات نثومان نمی‌توان نقش ارتباطات جمعی در شکل‌گیری افکار عمومی را نادیده گرفت. اثرات رسانه‌ها بر افکار عمومی بسیار قوی و قدرتمند است، چراکه سه ویژگی ارتباط جمعی یعنی تراکم، همه‌جایی بودن و هم‌صدایی، در ایجاد اثرهای قوی بر افکار عمومی با هم ترکیب می‌شوند و به موازات انتشار و توزیع افکار و عقاید توسط رسانه‌های جمعی به عنوان عقاید غالب و مسلط دارد که حمایت میان فردی از عقیده اقلیت به مرور ضعیف می‌شود و لذا تعداد افرادی که آشکارا عقیده اقلیت را بیان نمی‌کنند و یا به عقیده اکثریت گرایش پیدا می‌کنند، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. به اصطلاح «مارپیچ سکوت» شکل می‌گیرد و یک عقیده به عنوان عقیده فراگیر تثبیت می‌شود. به عبارت دیگر قدرت و ضریب مضاعف تکرار آگهی‌های تبلیغاتی،

96.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
« مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران »

به خصوص از نوع سیاسی آن قدر قوی است که اگر تبلیغات رسانه‌های حجم سنگین و بمباران تبلیغاتی بخواهد عقیده خاصی را تبلیغ کند، مقاومت در برابر آن برای مخاطب کار بسیار دشواری خواهد بود. نظریه پردازان متأخر هم تأکید می‌کنند رسانه‌های جمعی به‌عنوان عامل اثرگذار در مدیریت بدن مهم هستند. با رشد و پیشرفت فناوری‌ها در امر تغذیه، سلامت و ورزش، در کنار اهمیت یافتن عاملیت، استقلال عمل و مصرف‌گرایی شدید؛ علاقه به بدن‌های جوان و زیبا، که خود از فرهنگ عامه‌پسند رسانه‌های نو تأثیر می‌پذیرد، افزایش یافته‌است. این رسانه‌های جمعی هستند که در این امر پیشگام‌اند و مدام به مزایای آرایش بدن تأکید می‌کنند. آنان از تصاویر بدن‌های زیبای ستارگان و افراد مشهور استفاده می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی که مهد تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف بشری به حساب می‌آیند. اینستاگرام به‌عنوان یک بستر ارتباطی جدید از ترکیب فناوری‌های دیجیتال، تلفن‌های هوشمند و اینترنت شکل گرفته‌است و فرصت تولید و اشتراک گذاری عکس را در اختیار کاربران قرار داده و سهم مهمی در روند تحولات گونه‌های مختلف عکاسی به‌ویژه عکاسی شخصی و به‌اشتراک‌گذاران عکس‌ها را برای کاربران فراهم کرده‌است. (گیدنز: ۱۳۸۶)

در جدول ۳ و یافته‌های حاصل از آن، بدون شک تبلیغات تجاری بر گرایش زنان به مدیریت بدن مؤثر است. مطابق با آراء ژان بودریار، مصرف همیشه نشانه‌ای نمادین است. در سرمایه‌داری مدرن، حوزه نمادین بر حوزه‌های دیگر تفوق یافته و تملک یا مصرف برخی کالاها خاص، علاوه بر ارزش مصرفی آن‌ها، یک عنصر نیرومند تعریف‌کننده منزلت، پیدا کرده‌است. افراد حس چه کسی بودن را از طریق آنچه که مصرف می‌کنند، تولید می‌نمایند. عنصر اساسی در این چرخش، از نظر بودریار میل است. فرد از طریق مصرف اقلام معینی از کالاها می‌کوشد کسی و چیزی باشد که میل دارد. مهم‌ترین عامل در این فرآیند، رسانه‌های جمعی هستند. رسانه‌ها با تبلیغ کردن برنامه‌های از پیش تعیین شده به فرآیند دامن

می‌زنند که بودریار آن‌را درون‌پاشی فرهنگی می‌نامد. فرآیندی که طی آن مرزهای میان حوزه‌های متفاوت ناپدید شده و در نتیجه نشانه‌ها از تبلیغات، به سرگرمی و اخبار و مانند آن و از آنجا به فضا‌های زندگی روزمره، شناور شده و منجر به تشدید نمادین شدن و پایان ناپذیری مصرف می‌شوند. آنچه که برای مصرف‌کنندگانی که تحت تاثیر تبلیغات قرار گرفته‌اند، مصرف کالاهایی است که تبلیغ شده‌اند و در آن‌ها میل به استفاده به‌وجود آورده‌است و الزاماً در میل به مصرف کالاها و یا خدمات و یا ایجاد انگیزه برای مدیریت کردن بدن خود، تفکری حاکم نبوده‌است. (گیدنز: ۱۳۸۶)

فوکو نیز به تصویری که رسانه‌ها از زن ارائه می‌دهند، زنی جوان و زیبا با اندامی متناسب، اشاره می‌کند. زنی که یا خواننده است و یا ستاره سینما یا مانکنی است که در شوی لباس یا تبلیغات کالاهای تجاری نشان داده می‌شود. این تبلیغات اغلب پیام روشنی دارند: زن موفق و شاد، زنی جذاب، جوان و با الگوی اندامی خاص است. زنان نه تنها باید لاغر باشند، بلکه باید اندامی عالی داشته باشند با اندازه‌های بدنی خاص. درحالی که جذابیت و زیبایی با معیارهای خاصی ارائه می‌شود که غالب افراد فاقد آن هستند. کالاهای بازار سرمایه‌داری برای دست یافتن افراد به زیبایی و جوانی، به کمک ایشان می‌آیند. در این رویکرد، جوانی و زیبایی اموری ذاتی و ارثی نیستند بلکه ویژگی‌هایی ساختنی هستند که در صورتی که فرد قادر به خرید آن باشد، می‌تواند به آن دست یابد. وسایل آرایشی گوناگون، جراحی‌های زیبایی، کلاس‌های ورزشی و زیبایی اندام، همگی خدماتی هستند که در اختیار کسانی قرار می‌گیرند که بخواهند به این الگوها نزدیک شوند. (فوکو: ۱۳۸۲)

در مورد یافته‌های جدول 4 می‌توان گفت: مطابق با آراء و نظرات گلارک و استارک منظور از اعتقاد مذهبی اشاره به باورهایی است که، افراد به آن اعتقاد داشته باشند و در مناسک، عواطف و دانش

98.... تمایل به روی آوری زنان بر مدیریت بدن: رویکردهای فرهنگی، علل و چالش  
« مورد مطالعه: زنان مناطق 1 و 17 تهران »

و فکر دینی، خود را در زندگی روزمره آنان نشان دهد. به عبارت دیگر با بالا رفتن اعتقادات مذهبی افراد، گرایش زنان به مدیریت بدن کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیق نیز مؤید این نظریات است. ( گیدنز و بوریمر: ۱۳۸۱ )

در آخر می‌توان گفت، تأثیرگذارترین متغیرهای فرهنگی بر گرایش زنان به مدیریت بدن از بین متغیرهای پیش‌بین فرهنگی، مربوط به متغیر مصرف رسانه‌ای، تبلیغات تجاری و اعتقادات مذهبی است. به نظر می‌رسد متغیرهای مؤثر نیز در یک بر هم کنش، اثر فزاینده‌ای بر تغییرات فرهنگی امروز ما دارند و به صورت بسیار مؤثری بر جنبه‌های مختلف زیست ما، از جمله بر نگرش زنان به مدیریت بدن، تأثیر می‌گذارند.

منابع و مآخذ

- آزاد ارمکی، تقی، چاوشیان تبریزی، حسن (1381)، بدن به مثابه رسانه هویت، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره 4.
- توسلی، غلامعباس؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، 1385، چاپ هشتم، ص 92.
- رضایی، (1389)، مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، سال دوازدهم، شماره 47.
- سفیری، خدیجه، سید میرزایی، س، م، آزادی، ح (1393). بررسی جامعه‌شناختی مقایسه مدیریت بدن بین زنان و مردان، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره 3.
- صدیق سروستانی، رحمت الله، هاشمی، سید ضیاء (1381)، گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر، نامه علوم اجتماعی، شماره 20.
- فاضلی، نعمت الله (1393)، تاریخ فرهنگی ایران مدرن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فوکو، میشل (1382)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- قادرزاده امید، قادرزاده هیرش و حسن پناه حسین (1391)، «تأثیر مصرف رسانه‌های جمعی بر مدیریت بدن زنان»، زن و جامعه، سال 3، ش 3.

- گیدنز، جان آر و بوریمر(1381)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه: منصور انصاری، تهران: نشر گام نو
- لوبروتون، داوید (1392)، جامعه‌شناسی بدن، ترجمه: ناصر فکوهی، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- Featherstone,M. “Consumer Culture and Postmodernism”, London Journal of Sociology, vol 85, No 9 (1991).




DOI: [10.71854/soc.2024-1130329](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1130329)

## Exploring the factors that influence the credibility of fake news within social media users


**Saeed Darvishi**

Communication, Journalism and Media Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

[0009-0003-9950-4523](https://orcid.org/0009-0003-9950-4523) 

**Ebtesam Razavi Dinani<sup>1</sup>**

Communication Sciences Department, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

[0009-0004-6222-4621](https://orcid.org/0009-0004-6222-4621) 

**Hourieh Dehghan shad**

Culture and Media, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

[0000-0002-5966-0762](https://orcid.org/0000-0002-5966-0762) 

### Abstract

This study examines the factors that impact the credibility of fake news among users of social networks. Fake news refers to news intentionally created to mislead or deceive people. The participants in this study included experts in media and social communication sciences, and information was gathered through semi-structured interviews. Thirteen interviews were conducted until no new information was obtained. The study also involved active social media users, website owners, and blog admins. A survey was used to collect data from this group, with 393 out of 425 distributed surveys being analyzed. The research identified contextual factors that influence the believability of fake news, such as cultural, social, political, and economic aspects of society, distrust in mainstream media, and the prevalence of information on social networks. Strategies to combat fake news include enhancing media literacy, transparency, and accuracy, promoting professionalism in the media, educating mainstream media, enforcing laws to monitor platform performance and access, and utilizing fact-checking systems for the target audience.

**Keywords:** Fake news, Instagram, Media literacy, Social media

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [razavidinani@yahoo.com](mailto:razavidinani@yahoo.com)

## شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

سعید درویشی

گروه ارتباطات، روزنامه‌نگاری و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ابتسام رضوی دینانی<sup>2</sup>

گروه علوم ارتباطات، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

حوریه دهقان شاد

گروه فرهنگ و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۶

### چکیده

این پژوهش به بررسی شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد. اخبار جعلی به بیان ساده اخباری است که برای گمراه کردن یا فریب دادن مخاطب به عمد ساخته می‌شود. پژوهش حاضر به روش ترکیبی (کیفی-کمی) و از نوع اکتشافی انجام شده است. جامعه هدف در این پژوهش شامل صاحب‌نظران حوزه رسانه و علوم ارتباطات اجتماعی است و از مصاحبه نیمه‌ساخت‌دار با این صاحب‌نظران برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. در بخش کیفی، ۱۳ مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل کاربران فعالان شبکه‌های اجتماعی، صاحبان و مدیران سایت‌ها و وبلاگ‌ها بود. از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات از این جامعه استفاده شده است. از ۴۲۵ پرسشنامه توزیع شده، ۳۹۳ پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در این پژوهش عوامل زمینه‌ای شناسایی شده که در باورپذیری اخبار جعلی تأثیر دارند شامل زمینه و بافت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه، عدم اعتماد به رسانه‌های جریان اصلی و انتشار بیشتر اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی هستند. نتایج پژوهش نشان داد که، راهبردهای مقابله با اخبار جعلی شامل افزایش سواد رسانه‌ای، شفافیت و اطلاع‌رسانی درست، حرکت رسانه‌ها به سمت حرفه‌ای‌گرایی، اطلاع‌رسانی رسانه‌های جریان اصلی، اعمال قوانین برای نظارت بر عملکرد پلتفرم‌ها و دسترسی مخاطبان هدف به سامانه‌های صحت‌سنجی (Fact-checking) هستند.

کلمات کلیدی: اخبار جعلی، اینستاگرام، سواد رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی.

### مقدمه و بیان مسئله

فناوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید، جنبش جدید و تازه‌ای را در جهان و همچنین در حوزه ارتباطات و انتقال دانش به وجود آورده‌است. در عصر حاضر افراد می‌توانند از طریق دسترسی به اینترنت در سریع‌ترین زمان ممکن، اطلاعات مورد نیاز خود را از منابع اطلاعاتی مختلف به دست آورند. از سوی دیگر همین امکانات و فناوری‌های نوین این امکان را به وجود آورده که هر فردی بتواند به راحتی در شبکه جهانی وب و دنیای اینترنت مطالبی را منتشر نماید (مقدس زاده و صفاهیه، 1396). در واقع امروزه حجم عظیمی از اطلاعات در محیط‌های دیجیتالی و تحت عنوان منابع دیجیتالی از جمله وب لاگ‌ها، ویکی‌ها، مجلات الکترونیکی و غیره در حال تولید شدن هستند. استفاده از این فناوری‌ها نیاز به مهارت‌ها و توانایی‌های خاصی دارد که از آن به عنوان سواد وب یاد می‌کنند. از سوی دیگر با گسترش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ارتباطی مختلف، نوع استفاده افراد از این رسانه‌ها و اعتماد به آن‌ها، به عنوان بخشی از منابع دیجیتالی و الکترونیکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (اسچیموچ<sup>۳</sup> و همکاران، 2022). مهارت‌های لازم برای شناسایی، استفاده و ارزیابی رسانه‌های الکترونیکی و منابع دیجیتالی و یا به طور کلی رسانه‌ها را سواد رسانه‌ای می‌نامند (یونسکو، 2013: نقل از اشرفی ریزی و همکاران، 1393). در واقع سواد رسانه‌ای برخورد هدفمند با رسانه‌ها است که موجب بالا رفتن سطح آگاهی افراد جامعه به عنوان مخاطبین رسانه‌ها می‌شود و منجر به ارتباطی دو سویه و مشارکت جویانه با رسانه‌ها از یک سو و از سوی دیگر تقویت ساختار دموکراتیک جامعه در راستای مباحث مشارکت فعال در حوزه رسانه می‌گردد (زارع کهن، 1393). در میان رسانه‌های اجتماعی مختلف خارجی، یکی از جدیدترین‌ها، شبکه اجتماعی تلگرام و واتس آپ و اینستاگرام است که از نظر جذب کاربر و حجم عظیم اطلاعات در صدر سایر رسانه‌های اجتماعی خارجی قرار دارد، با وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اجتماعی مختلف، بیشتر اطلاعات در این شبکه دست به دست می‌شود (رضایی، 1395). اما این حجم اطلاعاتی که در این

---

<sup>3</sup>- Schmuck

#### 104.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌های اجتماعی خارجی هر روزه منتشر می‌شوند، کاربران خود را مورد هجوم و بمباران اطلاعاتی قرار می‌دهد. این بمباران اطلاعات طبقه‌بندی نشده و آمیخته با موارد غیرسودمند و مخرب، قرار گرفتن پیام‌های ایدئولوژیک در بطن متون رسانه‌ای جهت اشاعه افکار و ارزش‌های خاص، درستکاری اذهان مردم با تفاسیر کذب و مغرضانه، تأثیر مخرب بر عقاید و آداب و رسوم، هنجارها و ارزش‌های مذهبی و فرهنگی جامعه دارند (او بی اوزو اکزه<sup>4</sup>، 2023). بنابراین باوجود اهمیت این رسانه‌های اجتماعی بین کاربران و این همه اطلاعاتی که در رسانه اجتماعی خارجی مبادله می‌شود و همچنین هر فرد می‌تواند به‌عنوان تولیدکننده اطلاعات عمل کند و اطلاعات خود را در این رسانه اجتماعی قرار دهد. پس کاربران باید در جستجوی روشی کارا در جهت غربال کردن اطلاعات از طریق مهارت سواد رسانه‌ای باشند. داشتن سواد رسانه‌ای شرایطی را فراهم می‌کند تا انسان به‌صورت انتقادی پیام‌ها را تحلیل کند و بتواند هدف و دیدگاه پیام فرستنده را بشناسد (نعمتی فر و همکاران، 1397).

محقق در بررسی‌های خود، به مقالات و مطالب فارسی با عناوینی نظیر «دلایل باورپذیری اخبار و اطلاعات» برخورد کرده است. با وجود این پژوهش‌ها، این پرسش مطرح می‌شود می‌رسد که کدام عوامل با تأثیر مهم و مستقیم خود موجب باورپذیری و قبول اخبار جعلی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌شوند؟

#### سؤالات تحقیق

سؤال اصلی تحقیق این است که عوامل تأثیرگذار بر باورپذیری اخبار جعلی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی کدامند؟

سؤالات فرعی نیز بدین شرح است:

---

<sup>4</sup>- Obiozor-Ekeze

عوامل زمینه‌ای مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی کدامند؟

عوامل مداخله‌گر مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی کدامند؟

عوامل علی مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی کدامند؟

پیامدهای باورپذیری اخبار جعلی کدامند؟

راهبردهای مقابله با باورپذیری اخبار جعلی کدامند؟

### پیشینه تحقیق

کریم شعبانی و همکاران (1401) پژوهشی کیفی با عنوان «عوامل تشخیص اخبار جعلی در رسانه‌های نوین به خصوص شبکه‌های اجتماعی» انجام دادند. تفسیر و تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که تشخیص اخبار جعلی در رسانه و شبکه‌های اجتماعی در ایران بیش از هر چیز نیاز به تشکیل پایگاه داده‌ای جهت مقایسه و الگوبرداری شیوه‌های نگارش خبر جعلی و تشخیص آن داشته است و باید پژوهش‌های بیشتری در زمینه تحلیل محتوا به زبان فارسی انجام شود تا درک بهتری از الگوهای نوشتاری خبر جعلی به زبان فارسی به دست آید.

محمد حسین ساعی و همکاران (1400) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای مقابله با اخبار جعلی در سازمان‌های خبری و رسانه‌های ایران» علاوه بر مطالعه کتابخانه‌ای گسترده، از مصاحبه عمیق با کارشناسان نیز به‌عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها استفاده کردند. از جمله نتایج این پژوهش این بود که بیشتر مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند برای مقابله با خبر جعلی باید آستانه‌ای را در نظر گرفت؛ چون واکنش زود هنگام و دیر هنگام به یک خبر جعلی می‌تواند پیامدهای مخربی به همراه داشته باشد؛ برای مثال، واکنش زود هنگام به یک خبر جعلی منجر به تقویت و شیوع آن و واکنش دیر هنگام به آن، منجر به مصرف هر چه بیشتر آن در سطح جامعه می‌شود.

زهرآ خدابنده و همکاران (1399) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر باورپذیری اطلاعات منتشره در رسانه» نتیجه گرفتند که علاوه بر سطح آگاهی، عمق دانش و قدرت تحلیل، ذهنیت و میزان اعتماد

## 106.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

مخاطبان به ساختارها و رسانه‌ها، فرهنگ مطالعه، پرسشگری و نقادی مخاطب در مواجهه با اطلاعات، عوامل دیگری نیز در میزان باورپذیری مؤثرند؛ از آن جمله میزان شفافیت و جریان اطلاعات در جامعه و تبیین حقایق، دسترس‌پذیری مراجع پاسخگو، بصیرت‌افزایی و میزان تطابق ساختارها و اطلاعات با ارزش‌های دینی و ملی مخاطبان.

قادر باستانی و همکاران (1398) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتبار منبع در کانال‌های خبری تلگرام از دیدگاه تولیدکنندگان محتوا و متخصصان علوم ارتباطات» انجام دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اعتبار منبع در رسانه‌های اجتماعی تحت تأثیر دو نوع عوامل برون‌زا و درون‌زا است. عوامل برون‌زا که در بیرون بستر رسانه، اثر می‌گذارد، شامل سه مقوله تحول در مفهوم اعتبار اطلاعات، کالایی شدن مخاطب و استیلای تبلیغات تجاری و نیز افول مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای‌گری می‌باشد. عوامل درون‌زا که ناشی از خود رسانه، بر اعتبار منبع تأثیر دارد، شامل سه مقوله رهیافت نو در تولید سبک و محتوای خبر، دگرگونی در ارزش‌های خبری و تغییرات در مفهوم سنتی دروازه‌بانی خبر است.

بهمن محمدی و حبیب ایزدخواه (1398) پژوهشی با عنوان «کشف اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از خوشه‌بندی کاربران تقلبی» انجام دادند. در این پژوهش، به منظور کشف اخبار جعلی، کاربران متقلب که منبع انتشار اخبار جعلی هستند، خوشه‌بندی شدند. کاربران متقلب کاربرانی هستند که شناسه آن‌ها در مجموعه شبکه اخبار جعلی<sup>5</sup> به عنوان کاربری که اخبار جعلی در شبکه انتشار داده‌است، مشخص شده‌است. پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که تشخیص اخبار تقلبی اخیراً علاقه بیشتر عموم و محققان را به عنوان تقاضای دریافت اطلاعات آنلاین به‌ویژه در رسانه‌ها از جمله رسانه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و روزنامه‌های آنلاین افزایش داده‌است.

---

<sup>5</sup> FakeNewsNet

کریل بریانوف و همکاران (2021) در دانشکده عالی اقتصاد دانشگاه تحقیقات ملی، سن پترزبورگ، روسیه در پژوهشی با عنوان «عوامل تعیین‌کننده باور افراد به اخبار جعلی: بررسی محدوده تعیین‌کننده باور اخبار جعلی» نتیجه گرفتند که این مطالعه سه گروه وسیع از عوامل را شناسایی می‌کند که در باور افراد به اخبار جعلی نقش دارند. اولاً، ویژگی‌های پیام، نظیر ثبات عقیده و ارائه نشانه‌ها، می‌تواند باعث باور افراد به اطلاعات نادرست شود. ثانیاً، حساسیت به اخبار جعلی را می‌توان با عوامل فردی از جمله سبک‌های شناختی افراد، استعدادها و تفاوت‌ها در سواد خبری و اطلاعاتی تعیین کرد. در نهایت، مداخلات ارتقاء دهنده دقت مانند هشدارها یا اصرار به افراد به این که راجع صحت اطلاعات فکر کنند، می‌تواند بر روی قضاوت در خصوص صحت اخبار تاثیر بگذارد.

### مفاهیم

پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر، اشتراک‌گذاری اطلاعات را در میان کاربران خود امکان‌پذیر می‌کنند و بسیاری از این پلتفرم‌ها "اخبار" یا "تبلیغات" را به گونه‌ای ارائه می‌کنند که تشخیص منابع خبری واقعی از سایت‌های جعلی را دشوار می‌کند. بیشتر فضای تبلیغاتی پلتفرم‌های اجتماعی از طریق کارگزاران فروخته می‌شود، به این معنی که پلتفرم اغلب نمی‌داند چه چیزی در سایت آن‌ها تبلیغ می‌شود. این ویژگی‌ها، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را به مکانی ایده‌آل برای شکوفایی اخبار جعلی تبدیل می‌کند. مسئله بعدی در خصوص اخبار جعلی این است که اکنون اخبار جعلی محدود به اخبار متنی یا تصاویر فتوشاپ نیستند بلکه با بهره‌گیری از فن‌آوری، گونه جعل عمیق نیز پدید آمده‌است.

وقتی جردن پیل به کمک جعل عمیق که یک تکنیک برای ترکیب تصویر انسان مبتنی بر هوش مصنوعی است، ویدئویی جعلی از سخنرانی اوباما ساخت، بار دیگر جهانیان را به این موضوع متوجه کرد که فناوری دو رو دارد و زوال حقیقت به واسطه یک روی آن به تصویر کشیده می‌شود (خبرگزاری ایرنا، 1399).

اخبار جعلی برای جوامع، چالش‌برانگیز و دردسرساز هستند. طبقات مختلف جامعه می‌توانند از اخبار جعلی تأثیرات منفی بپذیرند و هفته‌ها با تنش‌های روانی یک خبر جعلی درگیر باشند. خبر جعلی مانند یک ویروس تمامی گروه‌های جامعه، از سیاستمداران و نامداران هنری و ورزشی تا کارگران و کارمندان را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. یک خبر جعلی گاهی اوقات برای بدنام کردن یک فرد مشهور منتشر می‌شود و گاهی برای ایجاد جنگ روانی در بین مردم. بنابراین مراقبت در مقابل اخبار جعلی ضروری است و یکی از راه‌های مراقبت افراد در برابر اخبار جعلی، به اشتراک نگذاشتن اخبار جعلی است. باید از این فرض پرهیز کرد که اصطلاح "خبر جعلی" مفهومی ساده و یا به طور کلی معنی رایج و قابل فهمی برای عموم دارد، به این دلیل که واژه "خبر" به معنای اطلاعاتی است که از قابلیت اطمینان بالایی در نظر عموم برخوردار است و اطلاعاتی که دارای این معیارها نباشند "خبر" نیستند. در این صورت، اصطلاح "خبر جعلی" تناقضی بین "اخبار" و "جعلی" را نشان می‌دهد که از سویی به تضعیف اعتبار اطلاعات می‌پردازد و از سوی دیگر مانند "اخبار واقعی" دارای درجه‌ای از اطمینان و علاقه مخاطب است (ایرتون و پوزتی، 1400).

### خبر جعلی

خبر جعلی، پدیده‌ای منحصر به فضای رسانه‌های اجتماعی و مولود دوران جدید شکل گرفته مبتنی بر آن، یعنی پساحقیقت است که با مفاهیمی که پیش از این در حوزه رسانه با آن مواجه بودیم، نظیر شایعه یا پروپاگاندا، به طور کلی متفاوت است. در واقع این پدیده مولود جامعه شبکه‌ای شکل گرفته به وسیله همین رسانه‌های اجتماعی است (آزادی و همکاران، 1398: 11). به عبارتی جوامع انسانی در هر دوره‌ای از تاریخ، مبتنی بر ابزارهای ارتباطی غالب، شاهد بروز و تجلی نوع خاصی از دروغ‌های اجتماعی در قالب‌های متناسب هستند؛ مثلاً در دوره‌ای که ارتباطات انسانی در جوامع، بیشتر شفاهی و در دوره‌ای در قالب گفت‌وگوهای رو در رو انجام می‌شد، دروغ‌های اجتماعی در قالب مفهومی به نام شایعه بروز می‌یافت. در دوره حاضر، که از آن به‌عنوان عصر ارتباطات یاد می‌شود و افراد به واسطه رسانه‌های نوین با یکدیگر ارتباط دیجیتال و برخط برقرار می‌کنند، دروغ با تعریف مرسوم «اظهار امری خالف واقع با



علم به آن» (تیموری فریدونی، 1398: 28) در قالب خبر جعلی مطرح می‌شود (آزادی و همکاران، 1398).

### رسانه‌های اجتماعی

رسانه‌های اجتماعی، گونه‌ای از رسانه‌ها هستند که بعد از رسانه‌های جمعی ظهور یافته و بر بستر وب جهانی و اینترنت امکان تعامل میان تولیدکننده پیام و دریافت‌کننده آن را فراهم می‌آورند (کیهان و همکاران، 1397: 355). بدین معنا که در این رسانه‌ها، مخاطب و یا گیرنده پیام، منفعل نبوده و ضمن تبدیل شدن به «کاربر» به تعامل پویا و فعالانه با پیام، فرستنده، فرآیند ارسال و دریافت و بستر ارائه پیام می‌پردازد و امکان ایجاد تغییرات در پیام ارسالی و بازنشر آن را دارد که به افراد دیگر پیامی ترکیب‌شده با اندیشه‌ها و آموزه‌های فکری خود را بازنشر دهد. وجه مشترک گونه‌های متعدد رسانه‌های اجتماعی، کاربر محور بودن آن‌ها و تولید محتوا توسط افراد استفاده‌کننده است (اسکندری‌پور و همکاران، 1392). رسانه‌های اجتماعی به ابزار مهمی در به اشتراک‌گذاری اطلاعات وسیع و گسترش ارتباطات در همه حرفه‌ها، از جمله بازاریابی، روزنامه‌نگاری، روابط عمومی و موارد دیگر، تبدیل شده‌است. در واقع آن‌ها ساختارهای اجتماعی جهت ایجاد، گسترش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی هستند (خانیک‌ی و خجیر، 1398: 56).

### سازوکار رایج شدن محتوا در رسانه‌های اجتماعی

از آنجا که شرط لازم و اصلی وقوع پدیده خبر جعلی، پربازدید شدن یک پیام و محتوا بر بستر رسانه‌های اجتماعی است، باید نظر روشنی برای فهم سازوکار انتشار گسترده پیام بر این بستر داشته باشیم. در همه انواع رسانه‌های اجتماعی و از جمله انواع پیام‌رسان‌ها، ما موقعیت‌هایی را داریم که یک محتوا در زمانی بسیار کوتاه به صورت نمایی، منتشر، بازنشر، مصرف، دریافت و به کارگیری می‌شود. این شرایطی است که تعداد قابل توجهی از کاربران، به هر دلیلی، به یک موضوع، مسئله، دستور کار، محتوا و غیره توجه

## 110.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

ویژه می‌کنند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. رسانه‌های اجتماعی از ابتدا تلاش کردند، برای این وضعیت سازوکارها و فرایندهای فعالیتی را آماده کنند و در اختیار کاربران خود قرار دهند (ناطق، 1397: 20).

### سواد رسانه‌ای

در هر تعریف برخی جنبه‌های این مفهوم برجسته شده‌است. برای مثال، برخورد انتقادی با رسانه‌ها در تعریف کمیسیون اتحادیه اروپا (2007) بیشتر برجسته شده‌است. کمیسیون اتحادیه اروپا، سواد رسانه‌ای را توانایی دسترسی به رسانه‌ها، درک و ارزیابی انتقادی ابعاد متفاوت رسانه‌ها و محتوای آنها و تولید ارتباطات در بسترهای متنوع می‌داند (سیلور، 2008). مرکز سواد رسانه‌ای<sup>6</sup> (2003) نیز چهار سطح برای این مفهوم شناسایی کرده‌است، این سطوح عبارتند از: دسترسی، تحلیل، ارزیابی و تولید. همانطور که در این تعاریف نیز مشخص است، یکی از ادعاهای اصلی مفهوم سواد رسانه‌ای، این است که بین آنچه در رسانه‌ها بازنمایی می‌شود با آنچه که در واقعیت رخ می‌دهد، شکافی وجود دارد (آشلی و همکاران<sup>7</sup>، 2013). انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی (تجاری) و عقیدتی عمدتاً باعث شکل‌گیری و تداوم این شکاف می‌شوند (کلنر و شره<sup>8</sup>، 2005) و در واقع، محتوای رسانه‌ها بر اساس این انگیزه‌ها تولید می‌شود. پژوهشگران این حوزه تلاش می‌کنند که فردی با سواد رسانه‌ای بتواند شکاف موجود بین تولیدات رسانه‌ای و واقعیت را شناسایی و عوامل مؤثر بر آن را تحلیل کند. چنین فردی می‌تواند در برابر فریب‌کاری رسانه‌ها مقاومت کند، مسئله‌ای که امری حیاتی برای توسعه جامعه و دموکراسی است (میهایلیدیس و تونین<sup>9</sup>، 2013).

---

<sup>6</sup> - Literacy Media for Center

<sup>7</sup> - Ashley et al

<sup>8</sup> - Kellner & Share

<sup>9</sup> - Mihailidis & Thevenin

### روش تحقیق

برای تکمیل و گردآوری داده‌های این پژوهش از روش ترکیبی (ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی) و از نوع اکتشافی استفاده شده است. جامعه هدف بخش کیفی در این پژوهش صاحب‌نظران حوزه رسانه و علوم ارتباطات اجتماعی اعم از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها، صداوسیما، مدیران رسانه در سطوح دولتی، متخصصان رسانه با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا و روزنامه‌نگاران مجرب هستند. بخش کیفی با استفاده از روش گراند تئوری<sup>۱۰</sup> به انجام رسیده و از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های «نیمه‌ساختاریافته» با خبرگان و صاحب‌نظران علوم ارتباطات اجتماعی، از گدبندی سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین استفاده شد. در اینجا منظور از گدگذاری، عبارت از عملیاتی است که طی آن داده‌ها، تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. این همان فرایند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود (Strauss and Corbin, 1998:3). در بخش کمی با بهره بردن از مقوله‌های استخراج شده در بخش کیفی، سؤالات پرسشنامه طراحی شد و پرسشنامه به‌عنوان ابزار تحقیق و به منظور جمع‌آوری اطلاعات کاربران بین جمعیت نمونه توزیع شد. جمعیت نمونه در بخش کمی، آن دسته از کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی خارجی (تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و ...) و شبکه‌های اجتماعی ایرانی (ایتا، بله، سروش و ...) بودند که حداقل در یکی از این شبکه‌ها عضویت فعال دارند. در بخش کمی تحقیق، محقق از روش نمونه‌گیری «در دسترس» استفاده کرد. با استفاده از فرمول کوکران و با فرض سطح اطمینان ۹۵ درصد و با در نظر گرفتن ۵ درصد خطای ناشی از نمونه‌گیری، حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شده است. در این پژوهش، حدوداً ۱۰ درصد بیشتر از حجم نمونه و به عبارتی ۴۲۵ پرسشنامه، از طریق حضوری و اینترنتی در بین جمعیت نمونه توزیع شد. این امر بدین دلیل رعایت شد که فرض بر این بود که ممکن است بازگشت‌پذیری پرسشنامه پایین باشد. با رعایت این امر، از بین ۴۲۵ پرسشنامه توزیع شده، ۳۹۳

<sup>10</sup> Grounded Theory

## 112.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

پرسشنامه بازگشت و مبنای تحلیل قرار گرفت. همچنین برای ترسیم پارادایم نظری و الگوی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در خصوص «عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی» ۶۰ مفهوم در کدگذاری باز به دست آمد که در مرحله کدگذاری محوری، با کشف مشابهت‌ها و تمایزات و ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز، 25 مفهوم حاصل شد که در عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدها و راه‌های مقابله دسته‌بندی شدند. در جدول زیر مشخصات جمعیت‌شناختی صاحب‌نظران و خبرگان حوزه علوم ارتباطات اجتماعی مشخص شده است.

جدول ۳. مشخصات جامعه هدف مورد مطالعه در بخش کیفی

| ردیف | جنس | تحصیلات       | رشته تحصیلی   | شغل   |
|------|-----|---------------|---------------|---|
| 1    | مرد | دکتر          | مدیریت رسانه  | مدرس دانشگاه  |
| 2    | مرد | دکتر          | علوم ارتباطات | استادیار دانشگاه  |
| 3    | زن  | دکتر          | علوم ارتباطات | مدرس دانشگاه  |
| 4    | مرد | دکتر          | علوم ارتباطات | استادیار دانشگاه  |
| 5    | مرد | دکتر          | علوم ارتباطات | تهیه‌کننده محتوای چندرسانه‌ای                                     |
| 6    | مرد | دکتر          | مدیریت رسانه  | مدیر گروه آینده‌پژوهی رسانه در مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما |
| 7    | زن  | دکتر          | علوم ارتباطات | مدرس دانشگاه  |
| 8    | مرد | کارشناسی      | روزنامه‌نگاری | سرمدیر نشریه  |
| 9    | مرد | دکتر          | علوم ارتباطات | مدیرکل سابق اخبار داخلی خبرگزاری ایرنا                            |
| 10   | مرد | کارشناسی ارشد | علوم ارتباطات | مدرس موسسه آموزش عالی   |
| 11   | مرد | دکتر          | علوم ارتباطات | پژوهشگر حوزه سواد رسانه‌ای و سواد خبری                            |
| 12   | زن  | کارشناسی ارشد | علوم ارتباطات | خبرنگار ارشد وبسایت تخصصی رسانه                                   |
| 13   | مرد | کارشناسی ارشد | علوم ارتباطات | دبیر تحریریه سابق خبر ساعت ۲۱ سیما                                |

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استفاده از نظریه داده بنیاد (گراند تئوری) با استفاده از سه سطح کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تحلیل شدند.

ابتدا تمامی مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات اجتماعی پیرامون موضوع «بررسی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی» بررسی شد و از طریق «کدگذاری باز»، تحلیل اولیه مصاحبه‌ها به دست آمد.

در «کدگذاری محوری» مصاحبه‌ها، مفاهیم شکل گرفته در کدگذاری باز، به طور کلی مرور کلی شدند و مفاهیم مشترک شناسایی شد که در قالب مفاهیم شصت‌گانه ارائه شدند و در مرحله کدگذاری گزینشی (انتخابی) در قالب «عوامل علی»، «عوامل زمینه‌ای»، «عوامل مداخله‌گر»، «راه‌های مقابله با اخبار جعلی» و «پیامدهای اخبار جعلی» شدند و در نهایت یک الگوی نظری در زمینه «عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی» به شرح زیر به دست آمد:

جدول شماره 1. نمونه‌ای از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و کدگذاری باز آن‌ها

| شماره مصاحبه: 1                        |  | جنسیت: مرد   |
|--|--|--|
| شغل: دکتری مدیریت رسانه، استاد دانشگاه |  |  |
| ردیف                                   | نکته کلیدی   | کدگذاری باز  |
| PA1                                    | خب وقتی که منبع خبر به نظر میرسه که سکوت کرده یا اخبار صحیح رو بهش دسترسی ندارند، طبعاً میرن سراغ اخبار جعلی و فیک نیوز ها، بازارشون گرم میشه و این خب می تونه دلیل اصلیش باشه.  | ارتباط بین سکوت منبع خبر و باورپذیری اخبار جعلی                                      |
| PA2                                    | خب حالا دیدگاه های روانشناختی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فرد که مثلاً حالا با به دیدگاه مخالفه، با به حکومتی مخالفه، با به مشی فرهنگی اجتماعی سیاسی مخالفه؛ و میره اخبار جعلی که علیه اون داره تولید میشه رو می پذیره و یا فوروارده می کنه و امثال این ها.             | تولید اخبار جعلی علیه دیدگاه های مخالف با فرد  |
| PA3                                    | کانتکست و بافت فرهنگی اجتماعی سیاسی جامعه و اقتصادی جامعه می تونه این اخبار جعلی رو باورپذیر کنه و ترویج کنه در فضای عمومی جامعه. وضعیت معیشتی، وضعیت فرهنگی، وضعیت سیاسی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی هر جامعه می تونه دامن بزنه و رواج بده این پدیده رو و باورپذیر کنه | نقش زمینه و بافت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه در باورپذیر کردن اخبار جعلی |
| PA4                                    | اخبار جعلی رو و به نظرم سکوت رسانه های رسمی و عدم وجود منابع و اخبار شفاف در حوزه ی مدنظر هم می تونه مؤثر باشه.  | نقش سکوت رسانه های رسمی و عدم وجود منابع و اخبار شفاف در گرایش به اخبار جعلی         |

## 114.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

|   |  |     |
|---|--|-----|
| نقش اطلاع رسانی رسانه های جریان اصلی در مقابله با اخبار جعلی              | به نظرم هرچقدر که رسانه های جریان اصلی، اخبار مدنظر در حوزه های مختلف رو سعی کنند پوشش بدن، با شایعات برخورد کنند، اطلاع رسانی دقیق خبری بشه و موضوع رو از ابهام در بیان، طبعاً به نظر میرسه که مهمترین راهبرد همین میتونه باشه.   | PA5 |
| نقش بالا بردن سواد رسانه ای و سواد آنلاین کاربران در مقابله با اخبار جعلی | منابع خبری، بالا بردن سواد رسانه ای و سواد آنلاین کاربران و مخاطبان یکی دیگه از راهبردها میتونه باشه   | PA6 |
| نقش پرهیز از فیلترینگ در مقابله با اخبار جعلی                             | نیستن درگاه های اطلاعاتی، شبکه های اجتماعی، پرهیز از فیلترینگ، مسدودسازی و امثال اینها میتونه خیلی مؤثر باشه، هرچقدر این رسانه های شبکه های اجتماعی و پیام رسان ها رو ببندند و فضاش رو محدود تر کنند، با تهدید و ارباب برخورد بکنند، طبعاً اخبار جعلی رونق بیشتری می گیره. | PA7 |

### یافته‌ها

در این پژوهش، «عوامل علی» شناسایی شده که در باورپذیری اخبار جعلی مؤثر هستند، شامل «سکوت منبع خبر»، «مؤلفه‌های روانشناسی»، «بصری شدن اخبار»، «تکرارپذیری اخبار جعلی» و «پایین بودن سواد رسانه‌ای» است. عوامل علی مجموعه عواملی هستند که بر مقوله محوری (باورپذیری اخبار جعلی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی) تأثیر می‌گذارند. «منبع خبر»، اصلی‌ترین شاخص برای یک کاربر در تمیز دادن خبر جعلی از خبر اصیل است. اینکه سایت یا منبع منتشرکننده خبر بین مردم محبوب است، به معنای دقیق بودن محتوای آن نیست و ضروری است که کاربران، دیدگاه سایت یا منبع منتشر کننده خبر را بررسی کنند. همچنین سکوت منابع خبری می‌تواند منجر به پوشش خبری ناقص و فراهم کردن زمینه برای انتشار اخبار جعلی در خصوص یک رویداد شود. «سواد رسانه‌ای» به عنوان یکی دیگر از مقوله‌های مهم در عوامل علی، از جمله چالش‌های هر جامعه‌ای است؛ زیرا نبودن سواد رسانه در کاربران، توانایی تشخیص اخبار جعلی را در آنان کاهش می‌دهد. «بصری شدن» اخبار به عنوان یک مقوله دیگر در عوامل علی، اشاره به تولید اخبار جعلی در قالب‌های عکس و فیلم دارد که با بهره بردن از فناوری جعل عمیق، موجب باورپذیرتر کردن اخبار جعلی شده است.

بر طبق یافته‌های بخش کمی پژوهش، میانگین متغیر عوامل علی مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی حدود 49.2 بوده است. بدین معنی که موافقت بالایی با عوامل علی مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین پاسخگویان وجود دارد. بیشترین موافقت پاسخگویان به گزاره «پایین بودن سواد رسانه‌ای کاربران

شبکه‌های اجتماعی بر باورپذیری اخبار جعلی تأثیرگذار است» با میانگین رتبه‌ای 4.38 اختصاص داشته است. کمترین موافقت نیز به «به‌کارگیری رویکردهای هشدارآمیز در انتشار اخبار می‌تواند بر باورپذیری آن اثرگذار باشد» با میانگین 3.28 اختصاص داشته است.

در این پژوهش، «عوامل زمینه‌ای» شناسایی شده که در باورپذیری اخبار جعلی تأثیر دارند شامل «زمینه و بافت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه»، «عدم اعتماد به رسانه‌های جریان اصلی» و «انتشار بیشتر اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی» است. عوامل زمینه‌ای، عواملی است که راهبردها و اقدامات تحت آن، به اداره پدیده محوری می‌پردازند. «عدم اعتماد به رسانه‌های جریان اصلی» مقوله مهمی در عوامل زمینه‌ای است که با سلیقه حاکمیت برای پوشش اخبار در رسانه ملی ارتباط دارد. همخوان نبودن سلیقه مخاطب عام با سلیقه سیاستگذاران رسانه ملی در پوشش اخبار و میل مخاطب برای آگاهی بیشتر از زوایای خبری یک رویداد در مقابل دلایل رسانه ملی برای اعمال دروازه بانی بیشتر در خبر، زمینه را برای گرایش مخاطب به اخبار رسانه‌های غیررسمی و پذیرش اخبار جعلی همواره می‌کند. «انتشار بیشتر اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی» یک مقوله دیگر در عوامل زمینه‌ای است. تولید انبوه و ویرال شدن اخبار در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، سرعت دسترسی به اخبار را در شبکه‌های اجتماعی افزایش داده است که این موضوع فرصت تشخیص اخبار اصیل از اخبار جعلی را به کمترین میزان می‌رساند.

بر اساس نتایج قسمت کمی، میانگین متغیر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی حدود ۵۳.۳ بوده است. بدین معنی که موافقت خیلی بالایی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین پاسخگویان وجود دارد. از نظر اینکه کدام یک از عوامل زمینه‌ای مذکور نقش بیشتری بر باورپذیری اخباری جعلی دارند بین آنها تفاوت وجود دارد. همچنین نتایج بخش کمی بیانگر این هستند که در بین عوامل مذکور «اعتماد پایین به نهادهای رسمی و حکومتی، مخاطب را به سمت پذیرش اخبار جعلی سوق می‌دهد» با میانگین رتبه‌ای ۴.۴۶ بیشترین موافقت پاسخگویان را داشته است. اما گزاره «پلتفرم‌های اجتماعی، فضایی برای توزیع بیشتر محتواهای نادرست و غلط است که بر باورپذیری اخبار جعلی تأثیرگذار است» با میانگین ۳.۲۷ کمترین موافقت پاسخگویان را داشته است.

## 116.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

در این پژوهش، «عوامل مداخله‌گر» شناسایی شده که در باورپذیری اخبار جعلی تأثیر دارند شامل «پیشرفت تکنیک‌های ساخت اخبار جعلی»، «ناسالم بودن فضای سیاسی» و «اعتبار منبع» است. عوامل مداخله‌گر، دربرگیرنده عوامل متعددی نظیر فرهنگ و فضا است که به عنوان محدودکننده یا تسهیل‌گر راهبرد عمل می‌کند. در نظریه پیام، اعتبار منبع به درک گیرنده پیام از اعتبار منبع اشاره شده است (هسیه و لی، ۲۰۲۰). هنگام ارزیابی اعتبار یک منبع در رسانه‌های اجتماعی باید عوامل مختلفی را در نظر گرفت. در مرحله اول، ارزیابی اعتبار و تخصص فرد یا سازمانی که اطلاعات را به اشتراک می‌گذارد، مهم است. در مرحله دوم، به موقع بودن اطلاعات به اشتراک گذاشته شده را در نظر بگیرید. آیا منبع با رویدادها و روندهای جاری به روز است؟ در مرحله سوم، لحن و زبان مورد استفاده منبع را بررسی کنید. منابع معتبر معمولاً اطلاعات را به شیوه‌ای واضح، عینی و حرفه‌ای ارائه می‌کنند (متزگر و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۳۹-۴۱۳). پیشرفت تکنیک‌های ساخت اخبار جعلی نیز عامل مؤثری در باورپذیری اخبار جعلی به‌ویژه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. با پیشرفت فناوری که امکان استفاده از تکنیک‌های پیچیده‌تری برای انتشار اطلاعات نادرست و فریب مردم را فراهم می‌کند، اخبار جعلی به یک موضوع گسترده در عصر دیجیتال امروزی تبدیل شده است. گسترش پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی زمینه مناسبی را برای انتشار اخبار جعلی فراهم کرده است و تشخیص واقعیت از تخیل را برای کاربران به چالش می‌کشد. یکی از رایج‌ترین روش‌هایی که برای انتشار اخبار جعلی استفاده می‌شود، دستکاری تصاویر و ویدئوها است و ظهور نرم‌افزارهای ویرایش عکس و فناوری جعل عمیق، تغییر تصاویر برای ایجاد محتوای گمراه‌کننده را آسان‌تر کرده است.

بر اساس نتایج بخش کمی میانگین متغیر عوامل مداخله‌گر مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی حدود ۲۴.۱ از ۳۰ نمره مورد انتظار بوده است. بدین معنی که موافقت خیلی بالایی با عوامل مداخله‌گر مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین پاسخگویان وجود دارد. همچنین بر طبق یافته‌های بخش کمی پژوهش گزاره «ناسالم بودن فضای سیاسی در جامعه بر باورپذیری اخبار جعلی تأثیرگذار است» با میانگین رتبه‌ای



۴.۳۴ بیشترین موافقت را در بر داشته است. اما گزاره «وجود المان‌هایی که بتوان از طریق آن برای تشخیص اخبار جعلی شبکه‌های اجتماعی اقدام کرد، خیلی کم است» با میانگین ۳.۲۷ کمترین موافقت را داشته است. بر حسب انحراف معیار می‌توان گفت که پاسخگویان علوم ارتباطات اجتماعی و رسانه در این پژوهش بیشترین اجماع نظر را پیرامون گزاره‌های «فراگیر شدن یک خبر جعلی تأثیر مثبت و مستقیمی بر باورپذیری آن دارد»، «انتخاب تیتراهای هیجانی در اخبار جعلی باعث استقبال از آن می‌شود» و «شباهت خبرهای جعلی به خبرهای رسمی بر باورپذیری آن تأثیرگذار است»، داشته‌اند.

در این پژوهش، «پیامدهای اخبار جعلی» شامل «ایجاد تضاد و درگیری در جامعه»، «تضعیف نهاد دموکراسی»، «کاهش مشارکت مردم»، «دوقطبی شدن جامعه» و «گمراه کردن مخاطبان» شناسایی شد. قطبی شدن جامعه که ناشی از انتشار اخبار جعلی است، مایه نگرانی است، زیرا می‌تواند منجر به اختلال در ارتباطات و تفاهم بین گروه‌های مختلف شود. پیامدهای اخبار جعلی و قطبی شدن جامعه بسیار گسترده است و نه تنها بر سیاست، بلکه بر انسجام اجتماعی و گفتمان عمومی نیز تأثیر می‌گذارد. در خصوص مقوله گمراه کردن مخاطبان باید گفت که یکی از نگران‌کننده‌ترین جنبه‌های اخبار جعلی توانایی آن در تأثیرگذاری بر افکار عمومی و شکل دادن به گفتمان سیاسی است. بازیگران سیاسی اغلب از اخبار جعلی برای دستکاری روایت و منحرف کردن افکار عمومی به نفع خود استفاده می‌کنند. این بازیگران با انتشار اطلاعات نادرست در مورد مخالفان خود یا تبلیغ دستور کار خود از طریق گزارش‌های گمراه‌کننده، می‌توانند واقعیتهای تحریف‌شده ایجاد کنند که بر تصمیمات افراد تأثیر می‌گذارد.

بر اساس اطلاعات بخش کمی پژوهش، میانگین متغیر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی حدود ۶۷.۶ از ۸۵ نمره مورد انتظار بوده است. بدین معنی که موافقت خیلی بالایی با پیامدهای مطرح شده در خصوص انتشار اخبار جعلی در جامعه بین پاسخگویان وجود دارد. در زمینه پیامدهای اخبار جعلی، بیشترین موافقت پاسخگویان مربوط به پیامد «انتشار اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی باعث افزایش بی‌اعتمادی بین مردم و مسئولان خواهد شد»، با میانگین رتبه‌ای ۴.۲۰ بوده است. کمترین موافقت

## 118.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

پاسخگویان مربوط به پیامد «انتشار اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی باعث لطمه زدن به آزادی بیان در جامعه خواهد شد»، با میانگین ۳.۷۲ بوده است.

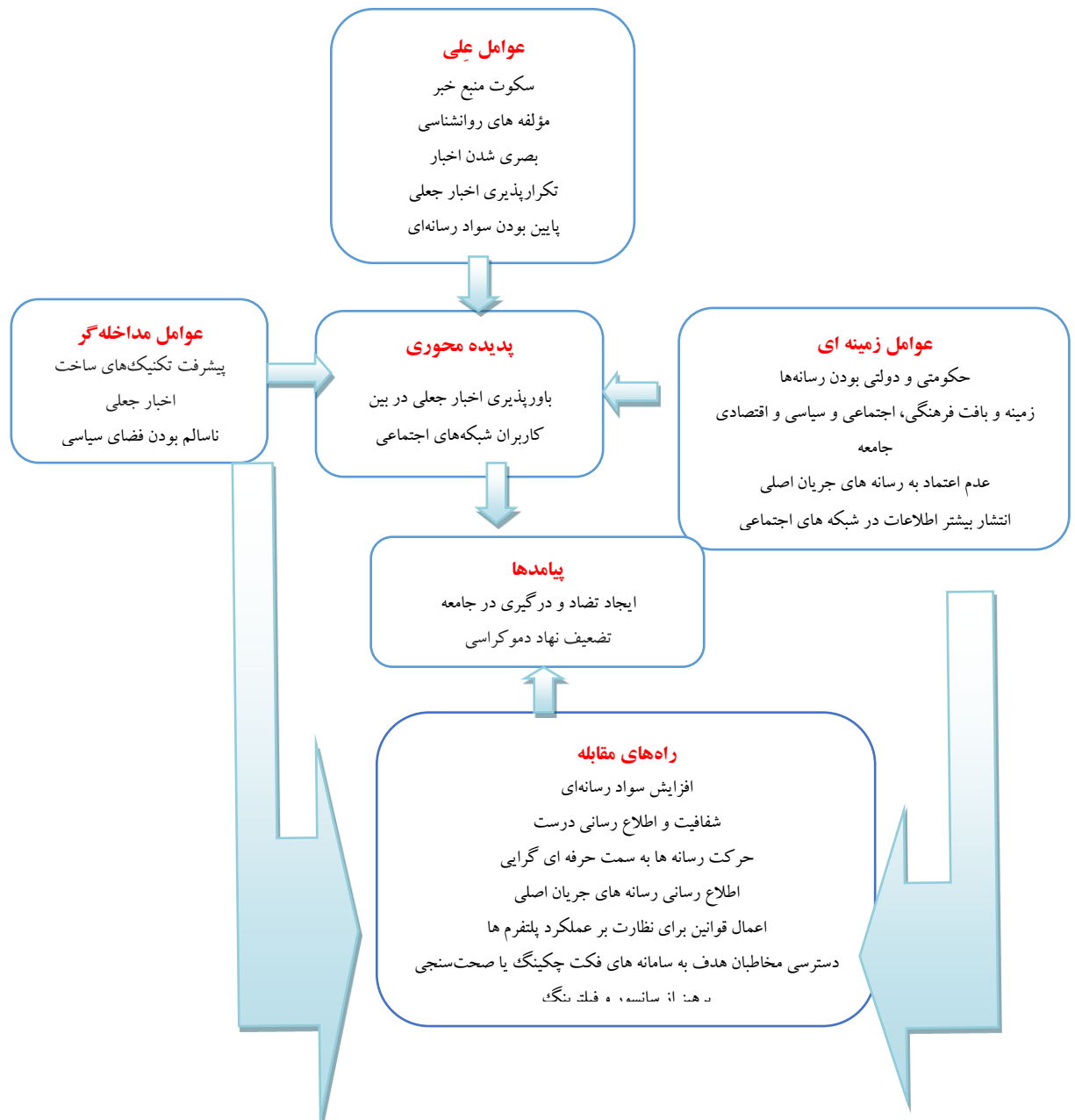
در این پژوهش، «راهبردهای مقابله با اخبار جعلی» شامل «افزایش سواد رسانه‌ای»، «شفافیت و اطلاع‌رسانی درست»، «حرکت رسانه‌ها به سمت حرفه‌ای‌گرایی»، «اطلاع‌رسانی رسانه‌های جریان اصلی»، «اعمال قوانین برای نظارت بر عملکرد پلتفرم‌ها» و «دسترسی مخاطبان هدف به سامانه‌های صحت‌سنجی» است. یکی از مؤثرترین راه‌ها برای مقابله با اخبار جعلی، ارتقای سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای به توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی و ایجاد رسانه در اشکال مختلف اشاره دارد. با توسعه مهارت‌های سواد رسانه‌ای، افراد می‌توانند به مصرف‌کنندگان باهوش‌تر اطلاعات تبدیل شوند و برای شناسایی اخبار جعلی مجهزتر شوند. این شامل بررسی واقعیت اطلاعات از منابع متعدد، زیر سوال بردن اعتبار منبع و در نظر گرفتن انگیزه‌های پشت اطلاعات ارائه شده است (واردل و درخشان، ۲۰۱۷: ۱۶). برای مبارزه با انتشار اخبار جعلی، بسیاری از پلتفرم‌ها قوانین و دستورالعمل‌هایی را برای نظارت بر عملکرد پلتفرم‌های خود پیاده‌سازی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و اکس (تویتر سابق) اقداماتی را برای شناسایی و حذف محتوای اخبار جعلی از پلتفرم‌های خود انجام داده‌اند. این پلتفرم‌ها همچنین با سازمان‌های حقیقت‌سنج همکاری کرده‌اند تا صحت اطلاعات به اشتراک گذاشته شده در پلتفرم‌های خود را تأیید کنند. نقش رسانه‌های اصلی مانند رادیو و تلویزیون در راهبردهای مقابله با اخبار جعلی اهمیت دارد. رسانه‌های جریان اصلی می‌توانند به مخاطبان خود در مورد اهمیت تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای آموزش دهند. با ارتقای مهارت‌های سواد رسانه‌ای مانند بررسی حقایق، تأیید منبع و تشخیص سوگیری، مردم می‌توانند بهتر منابع خبری معتبر را از اخبار جعلی تشخیص دهند.

بر اساس یافته‌های بخش کمی پژوهش، میانگین متغیر عوامل مقابله‌ای مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی حدود ۵۲.۷ از ۶۵ نمره مورد انتظار بوده است. بدین معنی که موافقت خیلی بالایی با راه‌های مقابله با اخبار جعلی در بین پاسخگویان وجود دارد. بیشترین موافقت پاسخگویان در زمینه راه‌های مقابله با

اخبار جعلی، «شفافیت و اطلاع‌رسانی درست توسط رسانه‌های اصلی باعث مقابله با نشر اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی می‌شود» با میانگین رتبه‌ای ۴.۳۹ است. کمترین موافقت پاسخگویان در زمینه راه‌های مقابله با اخبار جعلی به «عملکرد روابط عمومی نهادهای رسمی کشور نقش مهمی در مقابله با نشر اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی دارد» و «اعمال قوانین برای نظارت بر عملکرد شبکه‌های اجتماعی باعث مقابله با اخبار جعلی در این شبکه‌ها می‌شود»، هر کدام با میانگین ۳.۰۸ اختصاص دارد.

## 120.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

شکل شماره ۱. پارادایم نظری و الگوی حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته پیرامون «عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین کاربران شبکه‌های اجتماعی»



## نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه نقش بافت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه به عنوان یک عامل زمینه‌ای بر باورپذیری اخبار جعلی مؤید نتایج پژوهش‌های حصارای و همکاران (۱۳۹۹)، اودراگو (۲۰۲۰)، کانوزیا و دیگران (۲۰۲۱) هستند. یافته‌های پژوهش حاضر مؤید یافته‌های پژوهش مختاری حصارای و همکاران (۱۳۹۹) هستند که به این نتیجه رسیده‌اند که در شرایط بحرانی اخبار جعلی از گسترش بیشتری برخوردار هستند. بر اساس نتایج قسمت کمی پژوهش میانگین متغیر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی حدود ۵۳.۳ بوده است. بدین معنی که موافقت خیلی بالایی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین پاسخگویان وجود دارد. از نظر اینکه کدام یک از عوامل زمینه‌ای مذکور نقش بیشتری بر باورپذیری اخبار جعلی دارند بین آن‌ها تفاوت وجود دارد. یافته‌های این پژوهش در زمینه تکرار پذیری به عنوان یکی از عوامل مؤثر در باورپذیری اخبار جعلی با نتایج پژوهش‌های سلطانی‌فر و دیگران (۱۳۹۶)، احمدی (۱۳۹۸) و ساعی و دیگران (۱۴۰۰) هم راستاست. احمدی (۱۳۹۸) با طرح مفهوم اثر حقیقت خیالی بر اثرگذاری تکرارپذیری در باور کردن اخبار جعلی تأکید کرده‌اند؛ یعنی هنگامی که گزاره‌ای را پیشتر دیده‌ایم و با آن آشنا هستیم، آسان‌تر باور می‌کنیم زیرا سیالی پردازش آن گزاره افزایش یافته است. ساعی و دیگران (۱۴۰۰) بالا رفتن سرعت انتشار خبر جعلی در رسانه‌ها، نزدیک شدن خبر جعلی به نقطه ترند در فضای مجازی و آستانه دوم شامل عبور خبر جعلی از آستانه نخست، ترند و برجسته شدن خبر جعلی (به تعبیر دیگر، توجه به یک خبر جعلی در سطح جامعه)، فراگیر شدن خبر جعلی.

در زمینه نقش مؤلفه‌های روانشناسی در باورپذیری اخبار جعلی نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش سعیدی اسبوکالی و دیگران (۱۳۹۸)، اسمعیلی و دیگران (۱۳۹۷)، بریانوف و دیگران (۲۰۲۱) و سلطانی‌فر و دیگران (۱۳۹۶) هم راستا هستند. بر طبق یافته‌های پژوهش و سلطانی‌فر و دیگران (۱۳۹۶) چهار مؤلفه روانشناسی عامل سادگی شناخت، ناهماهنگی در شناخت، اثر پس زدن و وحدت

## 122.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

گروهی/اجتماعی بیش از همه در باورپذیری اخبار جعلی نقش دارند. همچنین یافته‌های اسمعیلی و دیگران (۱۳۹۷) بیانگر این هستند که متغیرهای شخصیتی سطح تحصیلات و سن با متغیر توانایی تشخیص اخبار جعلی ارتباط دارند. همچنین، بر طبق یافته‌های پژوهش بریانوف و دیگران (۲۰۲۱) حساسیت به اخبار جعلی را می‌توان با عوامل فردی از جمله سبک‌های شناختی افراد، استعدادها و تفاوت‌ها در سواد خبری و اطلاعاتی تعیین کرد. یکی دیگر از عوامل علی که بر باورپذیری اخبار جعلی نقش دارد پایین بودن سواد رسانه است که با یافته‌های پژوهش عثمان و دیگران (۲۰۲۲) هم راستا است. بر اساس یافته‌های پژوهش مذکور نشان داد که سواد رسانه‌های اجتماعی تأثیر اخبار جعلی را بر درک افراد از همه‌گیری کووید-۱۹ تعدیل می‌کند و بر اهمیت سواد در هدایت مصرف‌ایمن اخبار تأکید می‌کند. این یافته‌ها در مجموع نشان می‌دهند که سواد رسانه‌ای پایین با افزایش مصرف و نفوذ اخبار جعلی، به ویژه در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مرتبط است. بر طبق یافته‌های بخش کمی پژوهش میانگین متغیر عوامل علی مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی حدود ۴۹.۲ بوده است. بدین معنی که موافقت بالایی با عوامل علی مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در بین پاسخگویان وجود دارد. بیشترین موافقت پاسخگویان به گزاره «پایین بودن سواد رسانه‌ای کاربران شبکه‌های اجتماعی بر باورپذیری اخبار جعلی تأثیرگذار است» با میانگین رتبه‌ای ۴.۳۸ اختصاص داشته است. کمترین موافقت نیز به «بکارگیری رویکردهای هشدارآمیز در انتشار اخبار می‌تواند بر باورپذیری آن اثرگذار باشد» با میانگین ۳.۲۸ اختصاص داشته است. برحسب انحراف معیار می‌توان گفت که پاسخگویان علوم ارتباطات اجتماعی و رسانه در این پژوهش بیشترین اجماع نظر را پیرامون گزاره‌های «به نظرم محتواهای صوتی و بصری در اخبار شبکه‌های اجتماعی تأثیر بیشتری بر باور مخاطب دارد»، «اخباری که ارزش دربرگیری بالایی دارند بیشتر بر باورپذیری مخاطبان شبکه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند»، «تکرار یک خبر (در حد تحمل جامعه) در کانال‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی بر باورپذیری آن تأثیرگذار است»، «سکوت منبع اصلی مربوط به خبر در شبکه‌های اجتماعی، بر باورپذیری اخبار جعلی تأثیرگذار است» و «احساسی بودن محتوای اخبار می‌تواند بر باورپذیری آن تأثیرگذار باشد» داشته‌اند. بیشترین اختلاف نظر پاسخگویان نیز در موافقت با گزاره‌های

«عدم وجود منابع معتبر در محتوای اخبار شبکه‌های اجتماعی بر باورپذیری آن تأثیرگذار است» و «به کارگیری رویکردهای هشدارآمیز در انتشار اخبار می‌تواند بر باورپذیری آن اثرگذار باشد» صورت گرفته است.

### پیشنهادات

- تحقیق در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی، فعالیت پیچیده و چالش‌برانگیز است. با وجود این حال، تعدادی پیشنهاد به شرح زیر ارائه می‌شود:
- برای ارزیابی راهبردهای اتخاذ شده به منظور مقابله با اخبار جعلی می‌توان از نظرسنجی‌های طولی که شرکت کنندگان یکسان را در طول زمان ارزیابی می‌کنند، استفاده کرد. نظرسنجی‌های طولی به معنای انجام نظرسنجی از یک گروه شرکت کننده در چندین زمان مختلف است. برای مثال نظرسنجی از یک گروه در ابتدا و سپس مجدداً بعد از چند ماه یا سال. این روش امکان مقایسه وضعیت یک فرد یا گروه در زمان‌های مختلف را فراهم می‌کند. در این پژوهش می‌تواند بررسی کند که آیا برنامه‌های آموزش سواد رسانه‌ای یا تغییرات سیاست‌های پلتفرم‌ها تأثیری بر رفتارهای کاربران در قبال اخبار جعلی داشته است یا خیر. مثلاً کاهش یافته است یا نه، که نشان‌دهنده موفقیت یا عدم موفقیت آن برنامه‌هاست.
  - در این پژوهش، نتایج به دست آمده از شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در ایران می‌تواند با تحقیقات مشابهی که در سایر کشورها انجام شده است مقایسه شود. بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های نتایج این پژوهش با تحقیقات خارجی، می‌تواند روشن‌تر سازد که کدام عوامل بیشتر جهانی هستند و کدام‌ها تحت تأثیر شرایط فرهنگی و ملی هر کشور هستند. همچنین می‌توان برای طراحی راهکارهای مقابله کارآمدتر، از تجربیات موفق دیگر کشورها نیز استفاده کرد.
  - در این پژوهش راهکارهای مقابله با اخبار جعلی ارائه شده‌اند. برای اجرای عملی این پیشنهادات و بررسی اثربخشی آن‌ها در جهت کاهش باورپذیری اخبار جعلی، همکاری با سازمان‌های مرتبط نظیر مانند سازمان‌های خبری و رسانه‌ای، سازمان‌های سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی و سازمان‌های غیردولتی

## 124.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

فعال در زمینه سواد رسانه‌ای ضروری است. این همکاری می‌تواند شامل پیاده‌سازی آزمایشی پیشنهادات و ارزیابی نتایج آن باشد. بنابراین همکاری با سازمان‌های مرتبط کلید اجرایی شدن پیشنهادات است.

### منابع

- اسکندری‌پور، ابراهیم و علی‌اکبر اکبری‌تبار (۱۳۹۲)، روش مطالعه علمی در باب صفحه‌های مرتبط با شبکه‌های رادیو و تلویزیونی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (با رویکرد ترکیبی کمی و کیفی) پژوهش‌های ارتباطی، ۲(۷۶)، ۱۴۱-۱۱۳.
- اشرفی ریزی، حسن؛ حسن‌زاده، دلارام و کاظم‌پور، زهرا، (۱۳۹۳)، میزان سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان براساس شاخص‌های سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی یونسکو. مدیریت اطلاعات سلامت، ۱۱(۴)، ۴۳۴-۴۲۴.
- آذر اسدی کرم، آذر، محیا برکت، محیا، (۱۳۹۶)، نقش شبکه‌های اجتماعی در ارتقای سواد رسانه‌ای، جامعه فرهنگ رسانه، دوره ۶، شماره ۲۲ - شماره پیاپی ۲۲، صفحه ۱۱-۲۸.
- آزادی، محمدحسین، (۱۳۹۸)، راهکارهای مقابله با خبر جعلی برای معاونت سیاسی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- آزادی، محمدحسین؛ محمدحسین ساعی، هادی البرزی دعوتی، (۱۳۹۸)، تفاوت‌های «خبر جعلی» و «شایعه» از منظر اسناد علمی، کارشناسان و نظریه پردازان ژورنالیسم، خبر و علوم ارتباطات". فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه. ۱۱(۱)، ۳۹-۱۱.
- برات زاده، زهره، ناجی، زهرا، (۱۳۹۷)، اثربخشی دوره آموزش سواد رسانه‌ای بر اعتیاد به پیام‌رسان‌های موبایلی، پنجمین همایش ملی روان‌شناسی مدرسه
- پاتر، دبلیو.جیمز، (۱۳۹۲)، نظریه‌های سواد رسانه‌ای، رهیافت شناختی، تهران، سیما شرق.
- پاک‌طینت مهدی‌آبادی، داوود، تقی‌پور، فائزه، درزبان رستمی، حسن، (۱۳۹۹)، ارائه مدل سواد رسانه‌ای به منظور افزایش مصونیت کاربران شبکه‌های اجتماعی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
- تیموری فریدنی، علی‌اکبر، (۱۳۹۸)، مقایسه تعریف دروغ از منظر غربی و اسلامی". فصلنامه پژوهشنامه اخلاق، ۱۲(۴۳)، ۱۹-۳۰.
- جهانگیری، اعظم، ابراهیم‌پور کومله، سمیرا، (۱۴۰۱)، بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های یادگیری در ارتباط بین سواد رسانه‌ای با رضایت تحصیلی دانشجویان، فصلنامه فناوری آموزش و یادگیری، دوره: ۵، شماره: ۱۶



- حسینی پاکدهی، علیرضا، شبیری، حسنیہ السادات، (۱۳۹۶)، آموزش سواد رسانه ای در فضای مجازی (مقایسه وب سایت مدیااسمارتس کانادا و وب سایت سواد رسانه ای ایران)، مطالعات رسانه های نوین، دوره ۳، شماره ۹ - شماره پیاپی ۹، صفحه ۷۶-۳۱.
- خانیکی، هادی و یوسف خجیر (۱۳۹۸)، گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی (تحلیل سیستماتیک پژوهش‌های مرتبط) فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۵ (۵۴)، ۵۳-۷۷.
- رضایی، روح الله، صفا لایلا، ادیبی، منصوره، (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر قصد استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام در فعالیت های آموزشی در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، دوره ۲۳، شماره ۳.
- زارع کهن، نفیسه، (۱۳۹۳)، ارتقای سواد رسانه ای لازمه تحقق جامعه مدنی، رسانه، ۲۵ (۴)، ۱۰۹-۱۱۹.
- زندوان، احمد، زین العابدی، زهره، (۱۳۹۵)، رابطه سواد رایانه‌ای و تجربه شبکه‌های اجتماعی مجازی در دانشجویان دختر دانشگاه یزد. نامه آموزش عالی، ۹ (۳۳)، ۶۳-۸۱.
- زنده بودی، خیری و زنده بودی، فاطمه، (۱۳۹۲)، مطالعه نقش سواد رسانه‌ای دانشجویان در میزان تأثیرپذیری آنها از تبلیغات تجاری، مطالعات رسانه‌ای، ۸ (۲۰)، ۱۶۹-۱۸۰.
- سادات صفوی، حنا، فلاح مین باشی، فاطمه، آقاسی، محمد، (۱۳۹۴)، بررسی سواد رسانه ای در تعامل با شبکه های اجتماعی مجازی؛ مطالعه دانشجویان دانشگاه های تهران، بررسی سواد رسانه ای در تعامل با شبکه های اجتماعی مجازی، جامعه شناسی رسانه.
- سالمی، آزاده، خانیکی، هادی، صبوری، حبیب، شاهی، خسرو، هاشمی، شهناز، (۱۴۰۰)، استفاده کاربران از رسانه‌های اجتماعی و رابطه آن با سواد رسانه‌ای (در حوزه سلامت شهر تهران)، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای ارتباطات و رسانه، دوره ۴، شماره ۱۲ - شماره پیاپی ۱۲، صفحه ۵-۳۶.
- سلماسی، مرحمت، نصیری، بهاره، (۱۳۹۳)، بررسی نقش و جایگاه سطح سواد رسانه‌ای مخاطبین در مقابله با سبک زندگی ارائه شده توسط شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان (مطالعه موردی: شبکه‌های "من و تو" و "جم تی وی")، فصلنامه علمی رسانه، دوره ۲۵، شماره ۴ - شماره پیاپی ۹۷، صفحه ۹۵-۱۰۸.
- شعبانی، کریم، گرانمایه پور، علی، هاشمی، شهناز، (۱۴۰۱)، عوامل تشخیص اخبار جعلی در رسانه های نوین به خصوص شبکه های اجتماعی، مطالعات رسانه های نوین سال هشتم تابستان ۱۴۰۱ شماره ۳۰.
- عباسی قادی، مجتبی و میرعلی سیدخوندی، زینب، (۱۳۹۱)، سواد رسانه‌ای مخاطبان رسانه‌های نوشتاری در شهر تهران. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۳ (۲۰)، ۱۱۷-۱۴۱.

## 126.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

- عزیزی، زهره، & مرادی، محمود. (۱۴۰۱). بررسی نقش سواد رسانه‌ای در توانایی تشخیص اخبار جعلی کتابداران کتابخانه‌های عمومی. علوم و فنون مدیریت اطلاعات.
- کیهان، امیر، فرقانی، مهدی و افسانه مظفری، (۱۳۹۷)، نقش رسانه‌های اجتماعی موبایلی در شکل‌گیری هویت قومی دانشجویان. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴ (۵۳)، ۲۸۴-۲۴۹.
- مقدس زاده، حسن، صفاهیه، هاجر، (۱۳۹۶)، سواد رسانه‌ای و آگاهی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی، مطالعات رسانه ای، سال ۱۲.
- مقدس زاده، حسن، و صفاهیه، هاجر. (۱۳۹۶). سواد رسانه ای و آگاهی از آسیب های شبکه های اجتماعی. مطالعات رسانه ای، ۱۲ (۳۹)، ۲۵-۳۵.
- منتظر قائم، مهدی، عرفانی حسین پور، رضوانه، (۱۳۹۴)، استفاده نوجوانان از تلفن همراه. نشریه رسانه و فرهنگ، پژوهش های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵ (۲)، ۸۳-۵۵.
- موسوی بیوکی، زهرا، نقش سواد رسانه ای در پذیرش شایعات شبکه های اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی)، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات اجتماعی واحد دماوند.
- میری، انیس، بنی هاشم، زهرا، (۱۳۹۸)، تأثیر ابعاد سواد رسانه‌ای بر میزان و نوع استفاده از پیام‌رسان‌های فضای مجازی، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، دوره ۱۱، شماره ۴۲-۴۳ - شماره پیاپی ۴۲، صفحه ۲۸-۴۲.
- ناطقی، امیرحسین، (۱۳۹۷)، دگردیسی نظریه‌های ارتباطی از رسانه‌های سنتی به رسانه‌های نوین: مطالعه تطبیقی برجسته‌سازی تلویزیونی و ترند توییتری در رخداد‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی. تهران: دانشگاه صداوسیما.
- نعمتی فر، نصرت‌اله، خجسته باقرزاده، حسن، و کاظمی، هاجر. (۱۳۹۷). مطالعه سطح سواد رسانه ای در کاربران رسانه های اجتماعی (مطالعه موردی شبکه اجتماعی تلگرام). مطالعات رسانه های نوین، ۴ (۱۶)، ۱۴۳-۱۷۵.
- Aarsand, P., & Melander, H. (2016). Appropriation Through Guide Participation: Media Literacy In Children'S Everyday Lives. *Discourse, Context & Media*, 12: 20-31.
- Ashley, S., Maksl, A., & Craft, S. (2013), " Developing a News Media Literacy Scale". *Journalism & Mass Communication Educator*, 68(1).
- Djumanova, S. (2022). Media Consumption And Media Literacy Level Of Uzbek Youth. *Медиаобразование*, (2), 157-168.

- Euajarusphan, A. (2021). Online Social Media Usage Behavior, Attitude, Satisfaction, And Online Social Media Literacy Of Generation X, Generation Y, And Generation Z. PSAKU International Journal Of Interdisciplinary Research, 10(2).
- Festl, R. (2021). Social Media Literacy & Adolescent Social Online Behavior In Germany. Journal Of Children And Media, 15(2), 249-271.
- Flanagin, A. J., & Metzger, M. J. (2007). The role of site features, user attributes, and information verification behaviors on the perceived credibility of web-based information. New Media & Society, 9(2), 319-342.
- Jang, S. M., & Kim, J. K. (2018). Media Literacy Interventions. Computers In Human Behavior, 80: 295-302.
- Jordan, A. Et Al. (2007) "Measuring The Time Teens Spend With Media: Challenges And Opportunities", Media Psychology, Vol. 9.
- Kaplan, A. M. & Haenlein, M. (2010). "Users Of The World, Unite. The Challenges And Opportunities Of Social Media". Business Horizons. 53(1), Pp: 59-68.
- Kellner, D., & Share, J. (2005), "Toward Critical Media Literacy: Core concepts, debates, organizations, and policy", Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education, 26(3).
- Metzger, M. J., Flanagin, A. J., & Medders, R. B. (2010). Social and heuristic approaches to credibility evaluation online. Journal of Communication, 60(3), 413-439.
- Mihailidis, P., & Thevenin, B. (2013), "Media Literacy as a Core Competency for Engaged Citizenship in Participatory Democracy", American Behavioral Scientist, 57(11).
- Obiozor-Ekeze, R. N. (2023). RELATIONSHIP BETWEEN LIBRARY PROFESSIONALS'SOCIAL MEDIA LITERACY AND THEIR USE OF SOCIAL MEDIA FOR SERVICE DELIVERY IN PUBLIC UNIVERSITY IN ANAMBRA STATE. SOUTH EASTERN JOURNAL OF RESEARCH AND SUSTAINABLE DEVELOPMENT (SEJRSD), 11(1), 20-33.
- Schmuck, D., Fawzi, N., Reinemann, C., & Riesmeyer, C. (2022). Social Media Use And Political Cynicism Among German Youth: The Role Of Information-Oriented, Exposure To Extremist Content, And Online Media Literacy. Journal Of Children And Media, 16(3), 313-331.
- Seder P, Oishi S. (2010). Ethnic/Racial Homogeneity In College Students' Facebook Friendship Networks And Subjective Well-Being. J Res Pers.;43(3):438.
- Silver, A. (2009), "A European Approach to Media Literacy: Moving toward an Inclusive Knowledge Society", Revista Comunicar.
- Strauss, A.L. and Corbin, J. (1990/1998) Basics of Qualitatives Research (2<sup>nd</sup> edn 1998). London: SAGE.
- Sundar, S. S. (2008). The MAIN model: A heuristic approach to understanding technology effects on credibility. Digital media, youth, and credibility, 73-100.

128.... شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی

- Talib, S. (2018). Social Media Pedagogy: Applying An Interdisciplinary Approach To Teach Multimodal Critical Digital Literacy. *E-Learning And Digital Media*, 15(2), 55-66.
- Tully, M., Vraga, E. K., & Bode, L. (2020). Designing And Testing News Literacy Messages For Social Media. *Mass Communication And Society*, 23(1), 22-46.
- Wardle, C., & Derakhshan, H. (2017). Fake news. It's complicated. *First Draft*, 16, 1-20.
- Zhang, L., Iyendo, T. O., Apuke, O. D., & Gever, C. V. (2022). Experimenting The Effect Of Using Visual Multimedia Intervention To Inculcate Social Media Literacy Skills To Tackle Fake News. *Journal Of Information Science*, 01655515221131797.
-

DOI: [10.71854/soc.2024-1128938](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1128938)

## Investigating Lived Experiences of Emergency Department Staff about Job Satisfaction and Influential Sociological Factors: A Study on 115 Emergency Medical Service Staff in Hormozgan Province

Alireza Sanatkah<sup>1</sup>

Assistant professor, Department of sociology, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran,

[0000-0002-6663-7317](https://orcid.org/0000-0002-6663-7317) 

### Abstract

Health is among the important aspects of life, which is directly associated with the medical staff working at healthcare centers. Accordingly, the present study mainly aims to investigate the semantic perception and interpretation of 115 emergency medical services (EMS) staff about job satisfaction and influential factors. The present research is applied in terms of objective, descriptive in terms of methodology and grounded theory-based qualitative in terms of nature. The statistical population includes all 115 EMS staff in Hormozgan Province in 2021. In total, 21 participants are selected using purposive convenience sampling method. A semi-structured interview is used as a data collection tool. Also, three methods of control or validation by members, analytical comparison and audit technique are employed to obtain validity. The data are collected by the contextual theory and analyzed in three stages of open, axial and selective coding. Factors like work difficulty, unbalanced employee benefits, job facilities and equipment and job alienation are identified as causal factors. Epidemics management, job insecurity, responsibility and authority delegation and organizational promotion conditions are introduced as underlying conditions. Job support, relaxing work environment and providing tools and facilities are identified as strategies. Factors, including lack of motivation, apathy, working insufficiently and failure to take care of patients properly are known as consequences, and violence, insecurity and unrealistic expectations are introduced as intervening factors.

**Keywords:** Emergency department; Job satisfaction; Crisis management; Healthcare.

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [asanatkah@yahoo.com](mailto:asanatkah@yahoo.com)

130.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

## بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن، مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

علیرضا صنعت خواه<sup>۲</sup>

استادیار جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۳۰

### چکیده

سلامت یکی از حوزه‌های مهم زندگی است که مستقیماً با کادر درمان و پرسنل مراکز بهداشتی و درمانی در ارتباط است. با توجه به این موضوع هدف اصلی تحقیق، مطالعه درک معنایی و تفسیر کارکنان اورژانس ۱۱۵ از رضایت شغلی و عوامل مؤثر بر آن است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی مبتنی پارادایم برساخت‌گرایی و استراتژی داده بنیاد است. جامعه هدف شامل کلیه پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان در سال ۱۴۰۰ می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس می‌باشد. مشارکت کنندگان در پژوهش را ۲۱ نفر از این پرسنل تشکیل داده‌اند. از مصاحبه نیمه ساختار یافته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شده است. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از سه روش: کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضا، مقایسه‌های تحلیلی و استفاده از تکنیک ممیزی بهره گرفته شده است. براساس یافته‌های به دست آمده عواملی از جمله: سختی کار، مزایای شغلی نامتوازن، امکانات و تجهیزات شغلی، از خودبیگانگی شغلی به عنوان عوامل علی، مدیریت بیماری‌های اپیدمی، ناامنی شغلی، مسئولیت و تفویض اختیار و موقعیت‌های ترقی سازمانی به عنوان شرایط زمینه‌ای، حمایت شغلی، محیط غیرمتشنج شغلی، تجهیز وسایل و امکانات به عنوان استراتژی‌ها و عواملی از جمله: بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی، کم کاری و تخریب، عدم رسیدگی مطلوب به عنوان پیامدها و خشونت و ناامنی، انتظارات غیرواقعی به عنوان عوامل مداخله‌گر معرفی شده است.

**واژگان کلیدی: اورژانس، رضایت شغلی، مدیریت بحران، بهداشت و درمان**

### مقدمه و بیان مسئله

رضایت شغلی به عنوان یکی از مسائلی است که مطالعات گسترده‌ای را در بین جامعه‌شناسان و پژوهشگران در حوزه‌های جامعه‌شناسی سازمانی، مدیریت، روان‌شناسی، اقتصاد و غیره را به خود

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: asanatkah@yahoo.com

اختصاص داده‌است. رضایت شغلی نشان‌دهنده حدی است که افراد از شغلشان راضی هستند و آن را دوست می‌دارند. برخی از افراد از شغل خود لذت می‌برند و آن را به‌عنوان محور اصلی زندگی خود تلقی می‌کنند و برخی از کار خود متنفرند و فقط به‌خاطر این که مجبورند، آن را انجام می‌دهند (مرادی و جلیلیان، ۱۳۹۶: ۸۲). رضایت شغلی شامل واکنش‌های عاطفی، شناختی و سنجش فرد نسبت به شغلشان می‌باشد (محمدیان ساروی و وهابزاده، ۱۳۹۷: ۸۲). از طرف دیگر رضایت شغلی را می‌توان به معنای عاطفه مثبت از تجارب کاری و ارزیابی مفید از عملکرد شغلی قلمداد کرد. به میزانی که فرد مایل به انجام کار است و این که چه میزانی از نیازهای عاطفی و روانی اجتماعی خود را از طریق آن برطرف می‌کند (حسینی، شریفی، بخششی و میرشجاع، ۱۴۰۰: ۲۱۶). رضایت شغلی نتیجه تأثیر و تأثر عوامل زیادی نظیر نیازها، علایق، انگیزه‌ها و شخصیت افراد از یک طرف و مختصات شغلی نظیر، اقلیم سازمانی، محیط کاری و مدیریت از طرف دیگر است (مرادی و جلیلیان، ۱۳۹۶: ۸۲). تحقیقات نشان می‌دهند: سازمان‌هایی که افراد آن رضایت شغلی دارند، در مقابل مسئولیت‌های شغلی احساس تعهد داشته و از لحاظ بهره‌وری و کارایی در سطح بالایی قرار دارند (محمدیان ساروی و وهابزاده، ۱۳۹۷: ۸۲). از طرف دیگر رضایت شغلی می‌تواند مسئولیت سازمانی را پیش‌بینی کند (لاهورن، ۲۰۰۹: ۴). سازمان‌های بهداشتی و درمانی به علت اهمیت وظیفه‌ای که در زمینه پیشگیری، مراقبت و درمان برعهده دارند از جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردارند و نارضایتی شغلی کارکنان مراکز درمانی، موجب پایین آمدن کیفیت خدمات ارائه شده و در نهایت نارضایتی بیماران خواهد شد (کمیلی، ادهمی مقدم و صاحب الزمانی، ۱۳۹۶: ۵۲). از این رو رضایت شغلی همواره یک عامل کلیدی در مدیریت منابع انسانی و یک تصمیم مهم برای کادر درمانی در مورد ترک شغل و یا ماندن است. اصولاً افراد در شغلی که در باطن از آن ناراضی هستند، برای مدت طولانی باقی نمی‌مانند و یا در صورت باقیماندن در آن شغل، بازده و کیفیت مناسبی را ارائه نمی‌دهند. مطمئناً کارکنان راضی، کارشان را بهتر انجام می‌دهند، غیبت کمتری دارند و دارای انگیزه بیشتر و تعهد

132.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

سازمانی بالاتری هستند (بام و کیگان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵: ۲۰۱۳). با توجه به این که کادر درمان و پرسنل اورژانس مستقیماً با مقوله سلامت در جامعه مرتبط هستند و نارضایتی شغلی این افراد می‌تواند با کیفیت خدمات و بهبودی بیماران در ارتباط باشد و با توجه به تحقیقات صورت گرفته در زمینه رضایت شغلی، که اکثریت با روش کمی و پیمایشی صورت پذیرفته است.

می‌توان گفت یکی از مهمترین موضوعات مرتبط با پدیده رضایت شغلی کادر درمانی و اورژانس ۱۱۵ در ایران که مستلزم مطالعه و واکاوی است و در پژوهش‌های پیشین چندان مورد توجه قرار نگرفته است، کشف درک معنایی و تفسیر پرسنل اورژانس از پدیده رضایت شغلی و عوامل مؤثر بر آن و همچنین چگونگی معنابخشی آن‌ها به این پدیده در استان هرمزگان به منظور ارائه توصیفی دقیق و عمیق از این درک و تفسیر است. در همین راستا پژوهش حاضر با مدنظر قرار دادن پرسنل اورژانس ۱۱۵ این استان به عنوان کنشگران اصلی عرصه این پدیده و تمرکز بر مسایل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به عنوان واقعیتی که توسط آن‌ها ساخت و ساز می‌شود به دنبال این بوده است که با استفاده از رویکرد تفسیری و واکاوی نظام معنایی این کارکنان را از طریق کنکاش در تجربه درونی آن‌ها، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده رضایت شغلی را کشف نماید. و از این طریق تحلیل و تفسیر جامعی از آن در بستر مورد مطالعه ارائه دهد.

هدف اصلی این مطالعه کیفی کشف نظام معنایی پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان در خصوص پدیده رضایت شغلی و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. دیگر اهداف تحقیق بدین قرار است:

۱. بررسی درک و تفسیری پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان از پدیده رضایت شغلی و کنکاش در نظام معنایی آن‌ها.

۲. بررسی شرایط یا عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدی شکل دهنده به نظام معنایی پرسنل اورژانس ۱۱۵.

---

<sup>3</sup> Baum&kagan



۳. بررسی راهبردها یا عمل-تعامل پرسنل اورژانس 115 هرمزگان در رابطه با پدیده رضایت شغلی.

### پیشینه تحقیق

موسوی (۱۴۰۱: ۳۸) در بررسی رابطه استرس شغلی و رضایت زناشویی در پرستاران متأهل: نقش میانجی خودتنظیمی در رابطه، به این نتیجه می‌رسد که ارتباط منفی معناداری بین استرس شغلی با رضایت زناشویی و رابطه‌ای مثبت بین خودتنظیمی رابطه با رضایت زناشویی وجود دارد. همچنین تأیید شد که خودتنظیمی رابطه، نقش واسطه‌ای در رابطه بین استرس شغلی و رضایت زناشویی دارد. مطالعه حاضر نشان داد که چگونه فرآیند انطباق ممکن است به افزایش رضایت زناشویی در یک محیط استرس‌زا در میان پرستاران متأهل کمک کند. پاشایی و همکاران (۱۴۰۱: ۳۷۵) در واکاوی نقش ارزش‌های سازمانی و رضایت از ارتباطات بر مالکیت روانشناختی پرستاران به این نتیجه می‌رسد که ارزش‌های سازمانی و رضایت از ارتباطات بر مالکیت روانشناختی، تأثیر مثبت و معنادار دارد و ارزش‌های سازمانی و رضایت از ارتباطات با میانجیگری مالکیت، بر عملکرد شغلی پرستاران تأثیر مثبت و معنادار دارند. کاویان پور و همکاران (۱۳۹۹: ۱۸۱) در بررسی زمان بندی شیفت‌های پرستاران با در نظر گرفتن رضایت شغلی بر این موضوع تأکید دارند که زمان بندی مناسب شیفت‌های کاری پرستاران بیمارستان، یک مساله حیاتی در مدیریت بیمارستان است. میرزاییگی (۱۳۸۸: ۴۹) در بررسی رضایت شغلی پرستاران ایران به این نتیجه می‌رسد که «امنیت شغلی در حرفه پرستاری» و «میزان رضایت پرستاران از محیط کار و امکانات رفاهی بالاترین امتیاز رضایت و از سوی دیگر «شرح وظایف حرفه پرستاری»، «وجهه اجتماعی حرفه پرستاری در جامعه» و «روش‌ها و نحوه ارتباط با مدیران پرستاری» به ترتیب بیشترین امتیاز نارضایتی پرستاران را به خود اختصاص دادند.

صادقی و همکاران (۱۳۹۵: ۲۳۵) در بررسی رابطه بین رضایت شغلی و فرسودگی شغلی پرستاران به این نتیجه می‌رسد که رضایت شغلی پرستاران در سطح متوسط و فرسودگی شغلی آن‌ها در سطح پایینی بود. هاشم مطوری (۱۳۹۹: ۱۴۶) در بررسی رابطه معنای شغلی و بهزیستی ذهنی با میانجیگری رضایت

134.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

شغلی به این نتیجه می‌رسد که معنای شغلی و امرارمعاش بر بهزیستی ذهنی اثر مستقیم و منفی معنادار و معنای شغلی و مسیر پیشرفت، بر بهزیستی ذهنی اثر مستقیم و مثبت معنادار داشت. تقریبی و همکاران (۱۴۰۰: ۱۲۶۵) در بررسی میزان رضایت شغلی پرستاران بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کاشان به این نتیجه می‌رسند که متغیرهای تحصیلات، بومی بودن، بخش محل کار، علاقه به حرفه پرستاری، رضایت از حقوق دریافتی، رضایت از برخورد و عملکرد سرپرستار و مسئولان دفتر پرستاری از عوامل پیش‌گویی‌کننده رضایت شغلی بودند. عسکری (۱۴۰۰: ۲۱) در بررسی تطبیقی شخصیت و رضایت شغلی به این نتیجه می‌رسد که برای نیل به رضایت شغلی و تناسب بیشتر شخصیت افراد با سازمان، باید نقش عوامل اجتماعی و روانشناختی را در کنار عوامل اقتصادی در نظر گرفت و مفاهیم مهمی همچون لنگرگاه‌های شغلی را مورد دقت و توجه قرار داد. غلامعلی (۱۳۸۷: ۶۱) در بررسی میزان و رابطه معنویت، استرس شغلی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی در پرستاران شهر تهران به این نتیجه می‌رسد که پرستاران رضایت شغلی کم و در عین حال تعهد سازمانی متوسط و بالاتر از متوسط و همچنین احساس معنوی و مراقبت معنوی بالا و استرس شغلی بالاتر از متوسط داشتند. اصغری (۱۳۸۹: ۱-۷) در شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت به این نتیجه می‌رسد که میانگین رضایت شغلی در حد متوسط است. طبق یافته‌های این مطالعه چنانچه پرستاران شاغل در بیمارستان‌های آموزشی شهر رشت با توجه به سن و جنس خود در بخش مناسب و مورد علاقه خود کار کنند و مسئولیت‌های مدیریتی را عهده‌دار شوند (مانند تفویض اختیار)، احتمالاً رضایت شغلی بیشتری خواهند داشت.

کابوک و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۴) در بررسی رابطه بین رضایت شغلی و سطوح انگیزش پرستاران شاغل در بخش سوختگی به این نتیجه می‌رسد که بین رضایت شغلی و انگیزه شغلی پرستاران شاغل در واحدهای سوختگی رابطه مثبت وجود دارد و احساسات مثبت پرستاران نسبت به شغل، اهمیت درک شده در شغل و محیط کاری دلپذیر، انگیزه شغلی آنها را افزایش می‌دهد. وونگ<sup>۵</sup> (۲۰۲۴) در بررسی رضایت شغلی

<sup>۴</sup> Kabuk

<sup>۵</sup> Florence Mei Fung Wong

در پرستاری: بررسی کیفی دیدگاه پرستاران مبتدی و باتجربه به این نتیجه می‌رسد که رضایت شغلی بر اساس سن پرستاران متفاوت است. کیم و همکاران<sup>۶</sup> (2024) در بررسی فرسودگی شغلی، رضایت شغلی، و قصد ترک شغل در میان پرستاران مراقبت‌های اولیه به این نتیجه می‌رسد که ساعات کاری بیشتر منجر به افزایش فرسودگی شغلی می‌شود.

گالگ<sup>۷</sup> (2024) در بررسی نقش ادراک وجدان بر رضایت شغلی و رفتارهای مراقبتی در پرستاران به این نتیجه می‌رسد که ادراک پرستاران از وجدان بر رفتارهای مراقبتی آنها تأثیر مثبت می‌گذارد. ادراک وجدان باعث افزایش رضایت شغلی پرستاران می‌شود. لی و همکاران<sup>۸</sup> (2024) در بررسی رابطه سلامت روان، رضایت شغلی و کیفیت زندگی در میان پرستاران روانپزشکی در اپیدمی کرونا در چین به این نتیجه می‌رسد که تجربه کار در خط مقدم و نگرش منفی نسبت به کووید-۱۹ با علائم سلامت روان رابطه مثبت و با رضایت شغلی و کیفیت زندگی ارتباط منفی دارد. وی<sup>۹</sup> (2024) در ارتباط بین درگیری شغلی پرستار، رضایت شغلی، کیفیت مراقبت و قصد ترک: یک نظرسنجی ملی در ایالات متحده به این نتیجه می‌رسد که پرستارانی که مسن‌تر، سفیدپوست و دارای مدرک دکترا بودند، سطوح بالاتری از مشارکت کاری را در مقایسه با هم‌تایان خود دارا هستند.

### مروری بر مبانی نظری

عوامل مختلفی می‌تواند بر رضایت شغلی افراد تأثیرگذار باشد. این عوامل را می‌توان به دودسته عوامل درونی (از جمله وضعیت روانی و شخصیتی فرد) و عوامل بیرونی تقسیم‌بندی کرد. عوامل بیرونی می‌تواند مربوط به محیط شغلی و همچنین مربوط به جامعه و جزء عوامل اجتماعی باشند.

---

<sup>6</sup> Kim, D. K

<sup>7</sup> Haci Yusuf Gulec

<sup>8</sup> li

<sup>9</sup> Holly Wei

136.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

"رضایت شغلی" واکنش عاطفی (هیجانی) فرد نسبت به شغلش تعریف شده که ناشی از پیامدهای واقعی با تمایلات، انتظارات و خواسته‌های کارمند است. در تعریفی دیگر رضایت شغلی، یک حالت هیجانی مثبت یا خوشایند تعریف شده که ناشی از ارزیابی شاغل از شغل یا تجربیات شغلی خود است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۵) در نظریه هاپاک<sup>۱۰</sup> رضایت شغلی، مفهومی پیچیده و چندبعدی تعریف می‌شود که با عوامل روانی، جسمانی و اجتماعی ارتباط دارد. از نظر ایشان تنها یک عامل موجب رضایت شغلی نمی‌شود، بلکه ترکیب معینی از مجموعه عوامل گوناگون سبب می‌شوند که فرد در لحظه معینی از زمان از شغلش احساس رضایت کند و به خود بگوید که از شغلش راضی است و از آن لذت می‌برد. فرد با تأکیدی که بر عوامل مختلف از جمله درآمد، ارزش اجتماعی شغل، شرایط کار و فرآورده‌های اشتغال در زمان‌های متفاوت دارد، به طرق گوناگون احساس رضایت از شغلش می‌کند (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۹: ۱۶۴). رضایت شغلی حالتی احساسی است که وابسته به تعامل کارکنان، ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌ها، و انتظارات آن‌ها با محیط کار و سازمان توصیف می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۸) در یک تعریف منسجم از رضایت شغلی که توسط کینز برگ<sup>۱۱</sup> و همکاران ارائه شده است، رضایت شغلی را به دو نوع تقسیم می‌نمایند: اول، رضایت بیرونی که از دو منبع حاصل می‌شود؛ یکی احساس لذتی که انسان صرفاً از اشتغال به کار و فعالیت به دست می‌آورد و نیز لذتی که بر اثر مشاهده یا انجام برخی مسئولیت‌های اجتماعی، به ظهور رساندن توانایی‌ها و رغبت‌های فردی به دست می‌آید. دیگر، رضایت بیرونی که با شرایط اشتغال و محیط کار ارتباط دارد و هر آن در حال تغییر است. از جمله این عوامل می‌توان شرایط محیط کار، میزان دستمزد و پاداش و نوع کار و روابط موجود میان کارگر و کارفرما را ذکر کرد. در ضمن، رضایت درونی پایدارتر از رضایت بیرونی است (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۹: ۱۶۴). ماکس وبر<sup>۱۲</sup> جامعه شناس آلمانی، انسان‌ها را مخلوقات اخلاقی می‌داند؛ بدین معنا که

<sup>10</sup> Hoppock

<sup>11</sup> kinesberg

<sup>12</sup> weber

برای اعمال خود ملاحظاتی در نظر می‌گیرند. افراد برای کار خود معنایی قایل هستند. کار برای طبقات مختلف و جنسیت‌های گوناگون بر اساس سیستم‌های ارزشی آنها، معانی مختلفی دارد. (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۷) مازلو<sup>۱۳</sup> در نظریه خود معتقد است که سلسله نیازهایی در زندگی وجود دارد که هر مرتبه آن راهی است برای حفظ بقای انسان‌ها و اگر آنها به ترتیب ارضاء شوند می‌توانند رضایت را به دنبال داشته باشند. این نیازها به ترتیب شامل: نیازهای جسمانی (غذا، خوراک و پوشاک، نیاز به ایمنی، نیاز به عشق و محبت، نیاز به احترام و آخرین مرتبه، نیاز به خودشکوفایی است. این سطح، اوج تمام نیازهای سطوح پایینی، میانی و بالایی است (سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۵۰). آلدرفر<sup>۱۴</sup> نیازهای مورد نظر مازلو را در سه سطح خلاصه می‌کند. او معتقد است اگر این نیازها برآورده شوند، رضایت شغلی را به همراه دارند. وی اولین سطح را نیازهای وجودی می‌نامد که به بقای انسان مربوط است (دو سطح اولیه مازلو)، نیازهای سطح ارتباط که به تعامل با دیگران اشاره دارد و نیازهای سطح رشد که بالاترین سطح در نظریه او است (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۹). نظریه نیازهای مک کله لند<sup>۱۵</sup> به چگونگی ترکیب نیازهای فرد با عوامل محیطی می‌پردازد که، حاصل آن سه انگیزه اساسی انسان است: الف. نیاز به کسب موفقیت و پیشرفت، یعنی اشتیاق به انجام دادن کاری به گونه‌ای بهتر با بازدهی بیشتر حل مشکل یا تبحر در انجام دادن کارهای پیچیده. ب. نیاز به پیوند و وابستگی، یعنی علاقه‌مندی به ایجاد و حفظ مناسبات دوستانه و صمیمی با دیگران. ج. نیاز به قدرت، یعنی عشق به کنترل دیگران، تأثیر گذاشتن بر رفتار افراد یا مسئول دیگران بودن.

از نظر مک کله لند، این سه گروه از نیازها به مرور زمان و در نتیجه تجربه‌های زندگی ایجاد می‌شود و انسان با آن مورد انگیزش قرار می‌گیرد و هر یک می‌تواند با ترجیحات کاری فرد مرتبط باشد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۰).

---

<sup>13</sup> Maslow

<sup>14</sup> Alderfer

<sup>15</sup> McClelland

138.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

### روش تحقیق

از آنجاکه رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر براساس پارادایم برساخت‌گرایی و استراتژی نظریه‌زمینه‌ای<sup>۱۶</sup> است، نمونه‌گیری به صورت هدفمند در دسترس است. مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان تا زمانی که اشباع نظری به دست آید، دنبال می‌شود. منظور از اشباع نظری، نقطه‌ای در جریان شکل‌گیری مقوله است که تحلیل، منجر به یافتن ویژگی جدید و ابعاد تازه یا روابط جدید نمی‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۱۵۰). در این تحقیق تلاش شده است، از طریق عمل نظام‌مند پژوهش، معانی موجود در داده‌ها، کشف و طی مراحل کدگذاری معانی کشف شده، در طرف‌های مقوله‌ای تا حدی از قبل مشخص ریخته و مدل پارادایمی و در سطوح بالاتر نظریه محدود به واقعیت خاص ارائه شود.

برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. معمولاً محقق مصاحبه‌هایی در حدود ۱ الی ۲ ساعت در میدان تحقیق انجام داده، راهنمای سؤالات مصاحبه به فراخور شرایط و فرایند مصاحبه، گاهی کم یا زیاد شدند و در صورت نیاز از مشارکت‌کننده سؤالات بیشتری پرسیده می‌شد. همکاری مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، آزادانه و با کسب رضایتشان انجام شد و در ابتدای مصاحبه، تمامی حقوق به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و راجع به اهداف پژوهش، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آن‌ها توضیحات لازم ارائه شد. جریان پژوهش به‌نحوی پیش‌رفت که در مصاحبه نفر هجدهم به اشباع نظری دسترسی پیدا شد اما برای اطمینان هرچه بیشتر از پدید نیامدن مقوله جدید مصاحبه‌ها تا مصاحبه نفر بیست و یکم پیش رفت. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۲۱ نفر از کارکنان اورژانس ۱۱۵ هرمزگان هستند. اطلاعات و داده‌های لازم در نهایت با استفاده از مقایسه

---

<sup>16</sup> Grounded theory

های ثابت<sup>۱۷</sup> و کدگذاری نظری<sup>۱۸</sup> (کدگذاری باز<sup>۱۹</sup>، محوری<sup>۲۰</sup>، گزینشی<sup>۲۱</sup>) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در خصوص اعتبار تحقیق، از سه تکنیک بهره گرفته شده است که بدین قرار است:

۱. کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش از مشارکت کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و در مورد صحت آن نظر دهند. محقق برای صحت و سقم اطلاعات به دست آمده بعد از انجام تحلیل‌ها و ارائه یک نتیجه‌گیری کلی، بار دیگر به میدان تحقیق رفت تا دیگر اطلاعات به دست آمده را با افراد مورد مطالعه در میان بگذارد. بعد از ارائه نتیجه‌گیری پژوهش، بیشتر افراد با نتایج تحقیق موافق بودند.

۲. مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه، با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد.

۳. استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه، چند متخصص (سه نفر دکتری جامعه‌شناسی و دو نفر دکترای مدیریت) بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند. همچنین در تحقیق پیش رو، به منظور سنجش روایی از تکنیک مقایسه‌های تحلیلی بهره گرفته شده است. مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

| شماره | جنسیت | سن | میزان تحصیلات | تأهل  | سابقه کاری (سال) | سمت سازمانی             |
|-------|-------|----|---------------|-------|------------------|-------------------------|
| 1     | مرد   | 28 | کارشناسی      | متأهل | 5                | کارشناس فوریت‌های پزشکی |

<sup>17</sup> fixed Comparison

<sup>18</sup> Theoretical coding

<sup>19</sup> Open coding

<sup>20</sup> Axial coding

<sup>21</sup> Selective coding

140.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

|                               |    |       |          |    |     |    |
|-------------------------------|----|-------|----------|----|-----|----|
| تکنسین<br>فوریت‌های<br>پزشکی  | 2  | مجرد  | کاردانی  | 25 | مرد | 2  |
| تکنسین<br>فوریت‌های<br>پزشکی  | 23 | متاهل | کاردانی  | 46 | مرد | 3  |
| کاردان<br>فوریت‌های<br>پزشکی  | 7  | مجرد  | کاردانی  | 29 | مرد | 4  |
| کارشناس<br>فوریت‌های<br>پزشکی | 12 | متاهل | کارشناسی | 38 | مرد | 5  |
| تکنسین<br>فوریت‌های<br>پزشکی  | 6  | مجرد  | کاردانی  | 29 | مرد | 6  |
| کارشناس<br>فوریت‌های<br>پزشکی | 21 | متاهل | کارشناسی | 45 | مرد | 7  |
| کارشناس<br>فوریت‌های<br>پزشکی | 4  | مجرد  | کارشناسی | 25 | مرد | 8  |
| تکنسین<br>فوریت‌های<br>پزشکی  | 8  | مجرد  | کاردانی  | 30 | مرد | 9  |
| تکنسین<br>فوریت‌های<br>پزشکی  | 3  | مجرد  | کاردانی  | 25 | مرد | 10 |



|                              |    |       |               |    |     |    |
|------------------------------|----|-------|---------------|----|-----|----|
| کارشناس<br>فوریتهای<br>پزشکی | 18 | متاهل | کاردانی       | 41 | مرد | 11 |
| کارشناس<br>فوریتهای<br>پزشکی | 5  | مجرد  | کارشناسی      | 28 | مرد | 12 |
| تکنسین<br>فوریتهای<br>پزشکی  | 4  | متاهل | کاردانی       | 27 | مرد | 13 |
| اداری                        | 20 | متاهل | کارشناسی      | 48 | مرد | 14 |
| کارشناس<br>فوریتهای<br>پزشکی | 13 | متاهل | کارشناسی      | 35 | مرد | 15 |
| کارشناس<br>فوریتهای<br>پزشکی | 10 | مجرد  | کارشناسی      | 36 | مرد | 16 |
| کارشناس<br>فوریتهای<br>پزشکی | 15 | متاهل | کاردانی       | 39 | مرد | 17 |
| کارشناس<br>فوریتهای<br>پزشکی | 10 | متاهل | کارشناسی ارشد | 33 | مرد | 18 |
| تکنسین<br>فوریتهای<br>پزشکی  | 20 | متاهل | کاردانی       | 42 | مرد | 19 |
| کارشناس<br>فوریتهای<br>پزشکی | 15 | متاهل | کارشناسی      | 38 | مرد | 20 |

142.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

|                              |   |      |         |    |     |    |
|------------------------------|---|------|---------|----|-----|----|
| تکنسین<br>فوریت‌های<br>پزشکی | 4 | مجرد | کاردانی | 25 | مرد | 21 |
|------------------------------|---|------|---------|----|-----|----|

### یافته‌های تحقیق

باتوجه به ماهیت روش کیفی تحقیق و در نظر گرفتن این نکته که کدگذاری مهم‌ترین روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای است. فرایند کدگذاری، با استفاده از روش کدگذاری باز در وهله اول آغاز می‌شود. این مرحله که اولین قدم از تجزیه و تحلیل نظری به سمت اکتشاف مقولات و ویژگی‌های آن است، با استفاده از در نظر گرفتن واحد کدگذاری جمله به جمله به انجام رسیده است که طی آن به توصیفی از داده‌ها دسترسی پیدا شده است. با ظاهر شدن مفاهیم حاصل از کدگذاری خط به خط داده‌های پژوهش، نوبت به کدگذاری محوری می‌رسد که با استفاده از آن مفاهیم به دست آمده در جریان کدگذاری باز، به زیر مقوله‌های مربوط به داده‌ها پیوند داده شدند و در ادامه زیر مقولات به مقولات عمده مرتبط شدند. در ادامه فرایند کدگذاری محوری، مقولات کلی به دست آمده در جریان کدگذاری باز در قالب چارچوب مدل پارادایمی تنظیم شدند که این مدل به شرایط، زمینه‌ها، استراتژی‌ها و پیامدهای رضایت شغلی در میان کارکنان اورژانس ۱۱۵ هرمزگان می‌پردازد. در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله هسته انتخاب شده با استفاده از تکنیک داستان پردازی به طور منظم با سایر مقوله‌ها پیوند داده شد (شرح خط داستان در جمع بندی و نتیجه گیری) در این قسمت تمامی مقولات پیرامون یک مقوله هسته یکپارچه شدند و مقولاتی که نیاز به تشریح بیشتری داشتند، با در نظر گرفتن نقش آن مقوله در خط داستان با جزئیات بیشتری شرح داده شدند. با انجام کدگذاری باز در حین جمع آوری داده‌ها ۱۴ مقوله عمده به دست آمدند. با انجام کدگذاری محوری زیر مقوله‌ها به یکدیگر و همچنین به مقوله‌های عمده ربط یافتند و نوع مقوله‌ها از حیث علی، فرایندی و پیامدی مشخص شدند. مقولات و زیر مقولات عمده به دست آمده از جریان پژوهش به شرح زیر است:

۱. شرایط سبب‌ساز:

شرایط سبب‌ساز معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایعی هستند که، بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند (استراوس و کوربین، 1393: 152 به نقل از اکبری و صفری، 1397: 117). در پژوهش حاضر شرایط سبب‌ساز، عواملی هستند که منجر به ایجاد رضایت شغلی در کارکنان اورژانس 115 هرمزگان می‌شوند. سختی کار به‌عنوان مقوله اصلی، که با زیر مقولاتی از جمله: ساعات کاری و بروز مشکلات نامترقبه در محیط کار مشخص می‌شود، یکی از عوامل سبب‌ساز از نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق است. همچنین مزایای شغلی نامتوازن که با زیر مقولاتی از جمله: کمبود حقوق و دستمزد و عدم توازن سختی کار با مزایای دریافتی مشخص می‌شود، از دیگر شرایط سبب‌ساز است. دیگر عوامل سبب‌ساز در جدول زیر مشخص شده‌است.

جدول ۲: نمونه‌ای از کدگذاری اولیه

| کد اولیه   | مفاهیم  |
|--|---|
| سختی کار<br>مزایای شغلی نامتوازن<br>عدم توازن سختی کار<br>با مزایای دریافتی<br>امکانات رفاهی | یکی از مسائلی که به‌نظرم بر روی رضایت کاری تأثیر دارد، زیاد بودن ساعات اضافه‌کار است. (م 1) متأسفانه با توجه به فشردگی ساعات کاری و حقوق کم پرسنل اورژانس گاهی کار کردن ما توان‌فرسا است. (م ۷) - متأسفانه حقوق دریافتی در مقابل خرج‌های زندگی، کفاف نمی‌دهد (م 6). از طرف دیگر استخدام‌ها بر اساس وجود قراردادهای متنوع و عدم عدالت در نظام پرداخت‌ها است (م ۲). یکی از مشکلاتی که با آن مواجه هستیم عدم حمایت کافی سازمان در لحظه بروز مشکلات غیرقابل‌پیش‌بینی است. (م 9) عدم توازن سختی کار و مزایای دریافتی باعث دل‌نگرانی و نارضایتی است (م ۱۱) - تبعیض بین پرسنل زیاد وجود دارد و این ما را ناراحت می‌کند (م ۴) از طرف دیگر پایین بودن حقوق و مزایا با توجه به خطرات موجود در این شغل داریم (م ۱۲) نبودن انگیزه در پرسنل اورژانس ۱۱۵ باعث نارضایتی در بین کارکنان می‌شود و وضعیت استخدامی و تفاوت گذاشتن بین نیروها نبودن امکانات تفریحی و ورزشی (م ۱۳) عدم رفع نیازهای رفاهی در محل خدمت و همچنین عدم پرداخت به‌موقع مطالبات در کار ما دلسردی می‌آورد. |

144.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

|  |   |
|--|---|
| <p>ناآگاهی اجتماعی -<br/>فرهنگی نسبت به<br/>وظایف تیم اورژانس<br/>انتظارات غیر واقعی</p> | <p>قطعاً وجود بستر فرهنگی جامعه، نقش بسزایی در وضعیت شغلی دارد و شناخت جامعه از شغل اورژانس موجب حل بسیاری از مشکلات که علت بسیاری از آن‌ها به دلیل عدم شناخت صحیح است. (م ۱۲) موقعی که بسترهای فرهنگی به درستی و کامل در جامعه تدوین شده باشد باعث ایجاد نارضایتی برای کارکنان می‌شود (م ۹) نبود بستر فرهنگی در جامعه نسبت به وظیفه فوریت‌های پزشکی باعث نارضایتی در جامعه و در نتیجه آن باعث بروز نارضایتی نسبت به اورژانس می‌شود. (م ۱۷)</p> |
|--|---|

جدول 3: شرایط سبب ساز- مفاهیم، مقوله های فرعی و اصلی

| مقوله اصلی           | مقوله فرعی                           | مفاهیم  |
|----------------------|--------------------------------------|---|
| سختی کار             | ساعات کاری                           | زیاد بودن ساعات اضافه کار/ شیفت‌های زیاد و فشرده/ دور بودن از خانواده به مدت طولانی/ فشرده‌گی شیفت و ساعات کاری   |
|                      | مشکلات<br>بروز<br>نامترقبه           | عدم حمایت کافی در لحظه بروز مشکلات غیرقابل پیش‌بینی/ مشکلات نامترقبه/ حوادث نامترقبه کاری در بروز حوادث / حوادث نامترقبه پزشکی و سلامت  |
| مزایای شغلی نامتوازن | کمبود حقوق و دستمزد                  | کمبود حقوق و مزایا/ عدم کفاف حقوق دریافتی در مقابل خرج‌های زندگی/ وجود قراردادهای متنوع و عدم عدالت در نظام پرداخت‌ها، عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایا/ پرداختی‌های ضعیف و مشکلات مالی پرسنل/ بی‌توجهی به مشکلات نیروهای عملیاتی/ عدم پرداخت به موقع مطالبات پرسنل/ عدم پرداخت کارانه و حقوق و مزایای مناسب و به موقع - |
|                      | عدم توازن سختی کار با مزایای دریافتی | نبودن انگیزه در پرسنل/ تبعیض بین پرسنل/ عدم توازن سختی کار و مزایای دریافتی/ عدم داشتن مرخصی ساعتی/ تعداد زیاد شیفت‌ها و خستگی مفرط، شامل نشدن سختی کار/ وجود سیستم تنبیهی و عدم وجود تشویق نیروهای...  |

|                           |  |  |
|---------------------------|--|--|
| امکانات و تجهیزات<br>شغلی | امکانات رفاهی<br>محل خدمت                    | نبود امکانات رفاهی کامل / نداشتن تسهیلات / نبودن امکانات تفریحی و ورزشی  |
|                           | تجهیزات شغلی                                 | وضعیت نامناسب لاستیک‌های آمبولانس / خرابی آمبولانس و تجهیزات / نواقص و عدم رفع آنها در آمبولانس‌ها   |
| از خودبیگانگی شغلی        | حمایت‌های<br>سازمانی ضعیف                    | عدم ارتباط مسئولین با کارکنان، عدم تحقق وعده‌های مسئولین، بی‌توجهی مسئولین نسبت به خواسته‌های کارکنان / عدم حمایت از طرف مسئولین / عدم حمایت سازمانی از نیروها در مقابل تهدیدها و شکایات از پرسنل / عدم برخورد با افرادی که به پرسنل توهین می‌کنند |
|                           | استرس و مشکلات<br>روحي در مواجهه با<br>حوادث | استرس‌های موجود در این شغل / مواجهه مداوم با صحنه‌های دلخراش / اهمیت‌ندادن به مشکلات روحی و روانی پرسنل عملیاتی / عدم حمایت روحی و روانی مناسب در مناسبت‌ها  |
|                           | توانایی<br>خلاقیت و ابتکار<br>پروز           | شرایط شغلی به گونه‌ای است که فرد را مجبور به خلاقیت می‌کند / جهت نوع وظیفه کاری نیاز به خلاقیت و ابتکار در مواجهه با حوادث و بحران / عدم امکانات کافی مجبور به خلاقیت هستند.   |

مشارکت‌کننده شماره ۶ می‌گوید: «عدم رفع نیازهای رفاهی، عدم پرداخت به موقع مطالبات، بی‌کفایتی». مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: «کمبود امکانات رفاهی، عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایا، خرابی آمبولانس و تجهیزات، مهمترین عاملی است که رضایت شغلی ما را تحت تأثیر قرار داده‌است. از نظر مشارکت‌کننده شماره ۸، عدم ارتباط مسئولین با کارکنان، عدم تحقق وعده‌های مسئولین، بی‌توجهی مسئولین نسبت به خواسته‌های کارکنان، بر رضای شغلی مؤثر است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «وقتی تسهیلات و حقوق و اضافه کار مناسبی برای یک تکنسین داده نمی‌شود مشخصاً نارضایتی پیش می‌آید». مشارکت‌کننده شماره ۳: «حقوق و مزایای کافی باعث دلگرمی و افزایش کارایی اورژانس می‌گردد» و " مشارکت‌کننده شماره ۸: «پرسنل ۱۵۵ هم مثل همه

146.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

مردم کشور، به علت مشکلات اقتصادی دچار عدم تمرکز و عدم انگیزه و کاملاً بی‌حوصله و عصبی هستند».

از نظر مشارکت‌کننده شماره ۵، رکن اساسی و مهم در بین کارمندان EMS اقتصاد می‌باشد. اگر پرسنل از نظر اقتصادی در رفاه نباشند، ذهن و فکر کارکنان درگیر مسائل اقتصادی می‌شود و تمرکز کافی و کامل ندارند. باید پرسنل EMS از نظر اقتصادی با سایر ارگان‌ها در یک سطح باشند. نباید تفاوت اقتصادی چشمگیر بین پرسنل اورژانس و دیگر دستگاه‌های دولتی باشد.

۲. شرایط زمینه‌ای:

شرایط زمینه‌ای، مجموعه‌ای خاص از شرایطی هستند که، در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۵۲ به نقل از اکبری و صفری، ۱۳۹۷: ۱۱۷) مجموعه‌ای از عوامل در قالب شرایط زمینه‌ای بر نظام معنایی کارکنان اورژانس ۱۱۵ هرمزگان در مورد رضایت شغلی مطالعه تأثیر دارند که، مهمترین آن‌ها مدیریت بیماری‌های اپیدمی‌ک، ناامنی شغلی، مسئولیت و تفویض اختیار است. ضعف در مدیریت یک سیستم باعث بروز مشکلات مختلف می‌شود و به دنبال آن ابعاد گوناگونی از جنبه‌های یک شغل را مورد آسیب قرار می‌دهد.

مشارکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید: «موقعی که مدیریت در یک مجموعه باشد، باعث هرج و مرج می‌شود و هر کسی کار خود را به درستی انجام نمی‌دهد» و مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: «عدم مدیریت درست، باعث هرج و مرج و نیز نارضایتی می‌گردد.» از نظر مشارکت‌کننده شماره ۴، متأسفانه برخی از مدیران، شناخت لازم و کارایی لازم را ندارند. مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «مدیریت باعث ایجاد نشاط و انگیزه در بین پرسنل می‌شود. مدیریت باعث وحدت و همدلی و تحصیل و سایر امکانات می‌شود. اگر مدیریت در سطح کلان باعث همدلی و خشنودی در بین EMS می‌شود ولی اگر مدیریت تدبیر و

شایستگی لازم را نداشته باشد، پرسنل دچار افسردگی، خستگی، بی‌انگیزگی و باعث می‌شود که شیفت‌های پر از استرس داشته باشند».

دیگر عوامل زمینه ساز رضایت شغلی در جدول زیر تلخیص شده‌است:

جدول ۴: شرایط زمینه ای - مفاهیم، مقوله های فرعی و اصلی

| مفاهیم                          | مقوله فرعی   | مقوله اصلی   |
|---------------------------------|--|--|
| مدیریت<br>بیماری‌های<br>اپیدمیک | محیط نایمن   | وضعیت نامناسب رفاهی در دوران کرونا در پایگاه‌ها / محیط نایمن در دوران کرونا/ کمبود امکانات ضد عفونی و محافظتی / پرسنل فقط از لباس و تجهیزات پزشکی بهره‌مند بودند و از سایر مزایا برخوردار نبودند/ هیچ‌گونه محیط مناسبی فراهم نشد. شیفت‌ها سخت‌تر و سنگین‌تر شدند   |
|                                 | مشکلات مالی سازمان   | سوءمدیریت در اختصاص بودجه برای امکانات ایمنی پرسنل در مواجهه با کرونا/ عدم تخصیص بودجه کافی و مستقل نبودن مجموعه فوریت‌های پزشکی / سرویس ایاب‌وذهاب/ عدم چابکی سازمانی به علت کمبودهای مالی سازمان   |
|                                 | ارتباط شغلی  | هماهنگی و تقسیم کارها به طور عادلانه/ ارتباط بین همکاران و سایر افراد گروه پزشکی در دوران کرونا دوستانه و مطلوب  |
|                                 | تصمیم‌گیری دشوار   | تصمیم‌گیری دشوار به علت ناشناخته بودن ویروس/ مدیریت ضعیف و رسیدگی‌های نامطلوب/تغییر مداوم دستورالعمل‌ها/ عدم تناسب بین امکانات پیشگیری درمان و بازتوانی در کشور/ناعادلانه بودن قیمت ماسک و مواد ضد عفونی/قوانین مناسب اما اجرا با شکست/ مسئله تولید واکسن داخلی عدم واردات و گرفته شدن جان هزاران هم وطن |
| پرسنل/                          | بی‌انگیزگی جهت ادامه تحصیل (باتوجه به نوع وظیفه بسیار مشکل) /عدم اختصاص زمان کافی فراغت از شغل/عدم حمایت کافی در ادامه تحصیل | ناامنی شغلی  |
|                                 | بی‌انگیزگی در ادامه تحصیل  |  |

148.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

|                              |  |  |
|------------------------------|--|--|
|                              | وضعیت نامناسب ارتقا                              | نیاز به داشتن پارتی و معرف/ پیشرفت شغلی سخت و دور از انتظار/<br>سلیقه‌ای عمل کردن مسئولین/ محدودیت اجازه رشد و تعالی به زیر دستان<br>توسط برخی مسئولین             |
|                              | امنیت شغلی                                       | وجود امنیت شغلی مطلوب تنها برای نیروهای رسمی/امنیت شغلی پایین<br>برای نیروهای شرکتی، قراردادی و حتی پیمانی/بستگی به نوع<br>استخدام/شرایط قرارداد/کمبود پرسنل متخصص |
| مسئولیت و<br>تفویض<br>اختیار | عدم تفویض مطلوب<br>مسئولیت‌ها بر اساس<br>شایستگی | اختیار مربوط به دستورالعمل‌های پزشک/در حد قوانین مصوب/عدم<br>تفویض مطلوب مسئولیت‌ها بر اساس شایستگی/مسئولیت مدیریت صحنه<br>و اقدامات درمانی                        |
|                              | عدم آگاهی مسئولین از<br>توانایی شغلی پرسنل       | شانه خالی کردن مسئولین از مسئولیت، عدم آگاهی از توانایی‌های پرسنل و<br>نبود سازوکار مناسب در سیستم فوریت‌های پزشکی   |

شرایط مداخله‌گر:

اشاره دارد به شرایطی که تعاملات را تسهیل یا محدود می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند شرایط سبب‌ساز را تخفیف یا تغییر دهد. (حیدری و همکاران، 1:1398-35) یکی از مهمترین شرایط مداخله‌گر در پژوهش حاضر شامل خشونت‌ورزی است که با زیر مقولات افزایش خشونت، درگیری مردم با کادر درمان و تهدید سلامت روانی خانواده‌ها مشخص می‌شود. انتظارات غیرواقعی که با زیر مقولاتی از جمله: ناآگاهی اجتماعی نسبت به وظایف تیم اورژانس، انتظارات غیرواقعی و ضعف در تهیه تولیدات آموزشی رسانه‌ای مشخص شده‌است.

جدول ۵: شرایط مداخله‌گر - مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی

| مفاهیم  | مقوله فرعی   | مقوله اصلی |
|---|--------------|------------|
| افزایش ضرب و شتم و خشونت در جامعه/ برهم خوردن تعادل روانی<br>مردم/حجم بالای حوادث ناشی از خشونت و ضرب و جرح/جامعه<br>به شدت پرخاشگر | افزایش خشونت | خشونت‌ورزی |



|                    |   |  |
|--------------------|---|--|
|                    | درگیری مردم با<br>کادر درمان                    | تأثیر اجتماعی مثبت و زیاد در روند کاری و خلق و خوی/خلق و خوی<br>خشن خانواده‌های مصدومین/درگیری برخی از خانواده‌ها با عوامل<br>اورژانس/       |
|                    | تهدید سلامت روانی<br>خانواده‌ها                 | تهدید سلامت روحی و جسمی خانواده‌ها در جامعه/جامعه<br>پرخاش جو/جامعه پرخاشگر  |
| انتظارات غیر واقعی | ناآگاهی اجتماعی<br>نسبت به وظایف تیم<br>اورژانس | نبود بستر فرهنگی در جامعه نسبت به وظیفه فوریت‌های پزشکی/<br>عدم شناخت مردم از این ارگان/ عدم شناخت مردم از وظایف و<br>حیطه عملکردی آنها      |
|                    | انتظارات غیر واقعی                              | انتظارات غیر واقعی از پرسنل اورژانس ۱۱۵/ عدم شناخت شرح<br>وظایف اورژانس از طرف گیرندگان خدمت   |
|                    | ضعف در تهیه<br>تولیدات آموزشی<br>رسانه‌ای       | نپرداختن به موضوع چگونگی مواجهه با حوادث اورژانسی در<br>رسانه‌هایی مثل تلویزیون/ ضعف در تهیه تولیدات آموزشی/تولیدات<br>رسانه‌ای/تولیدات علمی |

از نظر مشارکت کنندگان شماره ۹-۷-۶ به ترتیب: «بی توجهی به مشکلات نیروهای عملیاتی، پرداختی‌های ضعیف و مشکلات مالی پرسنل، استفاده از موقعیت شغلی پرسنل‌هایی که در ستاد و اداره حضور دارند، زمینه ساز تقویت یا تضعیف رضایت شغلی است». از نظر مشارکت کننده شماره ۴، پرسنل ستادی خود را از پرسنل عملیاتی جدا می‌گیرند و پرسنل امنیتی واقعاً مظلوم واقع می‌شوند. مشارکت کننده شماره ۱۱، بستر فرهنگی را یکی از زمینه‌های رضایت شغلی می‌داند و می‌گوید: «قطعاً وجود بستر فرهنگی جامعه نقش بسزایی در وضعیت شغلی دارد و شناخت جامعه از شغل اورژانس، موجب حل بسیاری از مشکلاتی است که علت بسیاری از آنها، عدم شناخت صحیح می‌باشد.» مشارکت کننده شماره ۲: «موقعی که بسترهای فرهنگی به درستی و کامل در جامعه تدوین شده‌باشد، باعث ایجاد نارضایتی برای کارکنان می‌شود» و از نظر مشارکت کننده شماره ۳، نبود بستر فرهنگی در جامعه نسبت به وظیفه فوریت‌های

150.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

پزشکی، باعث نارضایتی در جامعه و در نتیجه آن باعث بروز نارضایتی نسبت به اورژانس می‌گردد. مشارکت کنندگان شماره ۷-۶-۳ و ۳، به نقش آموزش توجه دارند و می‌گویند: «وقتی در یک اجتماع درست همه چیز آموزش نداده شده باشد مشکلات اجتماعی پیش می‌آید. عدم آموزش در جامعه و اجتماع، باعث نارضایتی اجتماع و به طبع آن اورژانس می‌گردد. متأسفانه جامعه ما به شدت پرخاشگر و در زمینه اقدامات اورژانسی بی‌سواد هستند. حتی کسانی که تحصیلات عالی دارند در این زمینه به شدت بی‌سواد هستند.

۴. راهبردها (عمل - تعامل ها)

راهبردها یا عمل - تعامل‌ها، کنش‌های با منظور عمدی‌اند که برای حل یک مسئله صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آن‌ها، پدیده شکل می‌گیرد. شایان ذکر است که راهبردها به آنچه فرد در درون خود می‌گوید و می‌کند، نیز اطلاق می‌شود. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱-۳۵) یکی از مهم‌ترین راهبردها یا عمل - تعامل‌ها، در جهت افزایش رضایت شغلی از نظر مشارکت کنندگان در تحقیق حمایت شغلی که با زیرمقولاتی از جمله: همسان‌سازی حقوق، کاهش ساعت کاری، کمک هزینه‌ها و اختصاص وام‌های کم بهره مشخص می‌شود، یکی از راهبردهای مهمی می‌تواند باشد که باید در جهت تقویت رضایت شغلی به کار بست.

جدول ۶: راهبرد ها(عمل-تعامل‌ها)- مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی

| مفاهیم  | مقوله فرعی      | مقوله اصلی |
|---|-----------------|------------|
| کم کردن بار کاری و جلوگیری از اضافه کار اجباری، افزایش حقوق، و مزایای پرسنل / افزایش حقوق و مزایا بر اساس تورم و هزینه‌ها | همسان‌سازی حقوق | حمایت شغلی |
| کاهش ساعات کاری - کاهش سن بازنشستگی / ارتقا بر اساس شایستگی   | کاهش ساعت کاری  |            |
| اختصاص بن خرید کالا / کمک هزینه‌ها / کمک هزینه به پرسنل و خانواده‌ها  | کمک هزینه‌ها    |            |

|                       |                                 |  |
|-----------------------|---------------------------------|--|
|                       | اختصاص وام‌های کم‌بهره          | برقراری قانون بهره‌وری برای پرسنل - دادن وام به پرسنل - برقراری تهیه مسکن پرسنل/تقدیر و تشکر از پرسنل عملیاتی  |
| محیط غیر متشنج شغلی   | سلامت روانی پرسنل               | جلسات روان‌شناسی برای پرسنل/اهمیت قابل شدن برای سلامت روان پرسنل/افزایش امکانات رفاهی و سلامت پرسنل  |
|                       | ایجاد محیط کاری دوستانه و صمیمی | همکاری کارکنان با همدیگر و ایجاد محیطی دوستانه/افزایش روحیه مسئولیت‌پذیری در مدیران و کارکنان  |
| تجهیز وسایل و امکانات | امکانات و تجهیزات شغلی          | تجهیز کردن آمبولانس - تعویض آمبولانس‌های فرسوده و.../مدیریت وسایل موردنیاز/تجهیز وسایل موردنیاز اورژانس ۱۱۵/استفاده از وسایل و امکانات بروز در اورژانس |
|                       | آموزش علمی پرسنل                | آموزش و ارتقای علمی پرسنل/آموزش‌های علمی بروز و جهانی/ استفاده از علم جدید در استفاده از تجهیزات/  |

محیط غیر متشنج شغلی به‌عنوان مقوله اصلی دیگر که با زیر مقولاتی از جمله: سلامت روانی پرسنل و ایجاد محیط کاری دوستانه و صمیمی مشخص می‌شود از دیگر راهبردهایی است که باید مطرح شود. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: «استرس‌های موجود در این شغل بسیار زیاد است و باعث فشار زیادی بر پرسنل است و گاهی ما را نسبت به شغل دل‌سرد می‌کند». مشارکت‌کننده شماره ۱۹ می‌گوید: «فشار زیادی شیف و ساعات کاری ما را واقعا خسته می‌کند» و مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «عدم داشتن مرخصی ساعتی و مواجهه مداوم با صحنه‌های دلخراش، ما را بسیار خسته کرده‌است».

تجهیز وسایل و امکانات که با زیر مقولاتی از جمله: امکانات و تجهیزات شغلی و آموزش علمی پرسنل مشخص شده‌است، یکی دیگر از راهبردهای رضایت شغلی است. مشارکت‌کننده شماره ۱۸ می‌گوید: «نبود امکانات کافی از لحاظ رفاهی در محیط کاری مسأله بزرگی است که خستگی فراوان به همراه دارد» و مشارکت‌کننده شماره ۱۴ می‌گوید: «تعداد زیاد شیفت‌ها و خستگی مفرط توان ما را گرفته

152.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

است». مشارکت‌کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «شامل نشدن سختی کار در حقوق و مزایا و استرس زیاد کاری باعث مشکلات عدیده برای پرسنل شده است».

۵. پیامدها :

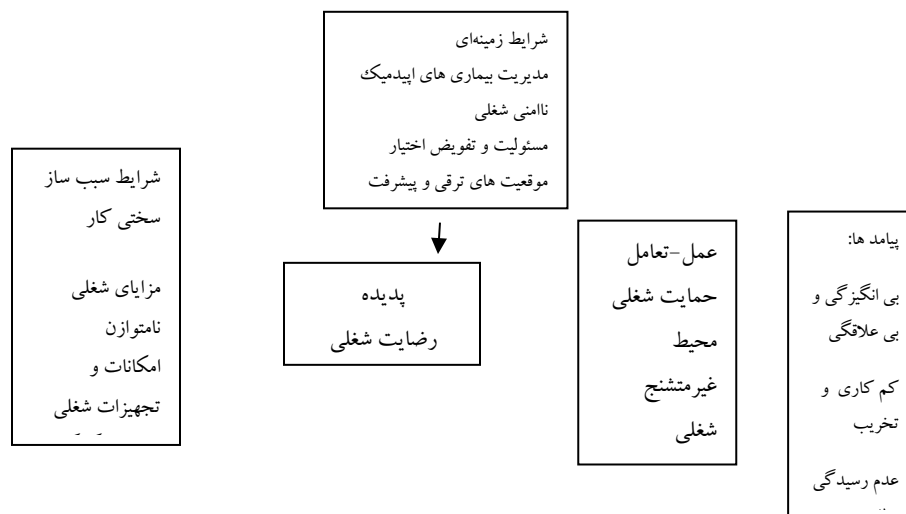
هرجا انجام یا عدم انجام عمل - تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود. پیامدها پدید می‌آید. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱-۳۵) راهبردها یا عمل-تعامل کارکنان اورژانس ۱۱۵ هرمزگان در شرایط موجود، منجر به پیامدهایی شده‌است که یکی از مهمترین آن‌ها، بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی است که با دو مؤلفه «بی‌علاقگی» و «از بین رفتن انگیزه شغلی» مشخص می‌شود .

جدول ۷: مقولات و زیرمقولات به‌دست آمده در جریان پژوهش

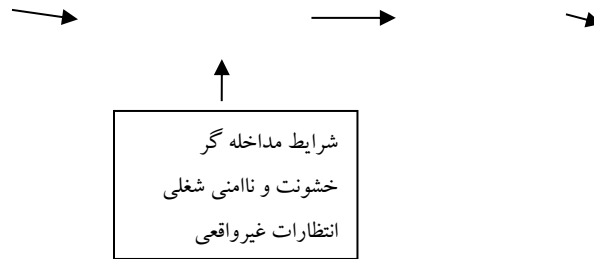
| مفاهیم  | مقوله فرعی                | مقوله اصلی                  |
|---|---------------------------|-----------------------------|
| عدم انگیزه لازم برای کار، پایین آمدن کارایی پرسنل و ایجاد مشکلات برای سیستم و بیماران/ عدم انگیزه عدم خلاقیت و گهگاه افسردگی  | بی‌علاقگی                 | بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی      |
|   | از بین رفتن انگیزه شغلی   | از بین رفتن انگیزه          |
| کاهش راندمان کاری و امداد رسانی/ تمایل به انتقال به سایر سازمان‌ها و ادارات دیگر/ کم کاری و انجام ندادن وظایف خود/ کاهش کارایی/ افراد تمایل به شیفت آمدن ندارند و موظفی خود و حتی کمتر شیفت می‌آیند | کاهش راندمان              | کم کاری                     |
|   | کیفیت نامطلوب امداد رسانی | کیفیت نامطلوب امداد رسانی   |
| بی‌علاقگی به کار در پرسنل/ تخریب و عدم دلسوزی نسبت به تجهیزات و آمبولانس - عدم رسیدگی به بیماران - عدم دقت در   | بی‌دقتی در کار امداد      | عدم رسیدگی مطلوب به بیماران |

|  |               |   |
|--|---------------|---|
|  |               | انجام امور محوله / به صورت بی میلی نسبت به کارم روی آوردن به شغل آزاد   |
|  | مسئولیت‌گریزی | از دست رفتن خلاقیت شغلی / بی‌انگیزگی به حمایت از بیمار / بی‌انگیزگی در مواجهه با حوادث / بی‌تفاوتی شغلی / بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی در مسئولیت / عدم مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی |

مشارکت‌کننده شماره 5 می‌گوید: «نبودن انگیزه در پرسنل اورژانس ۱۱۵ باعث نارضایتی در بین کارکنان می‌شود و وضعیت استخدامی و تفاوت گذاشتن بین نیروها نبودن، امکانات تفریحی و ورزشی در کار دیده می‌شود». مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: «تخریب و عدم دلسوزی نسبت به تجهیزات و آمبولانس، عدم رسیدگی به بیماران، عدم دقت در انجام امور محوله می‌توان به‌عنوان نبود رضایت شغلی تلقی شود». مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: «تمایل به جابه‌جایی به مراکز دیگر در بین پرسنل زیاد است». مقوله مرکزی: مقوله هسته یا مرکزی را می‌توان به‌عنوان مضمون اصلی در پژوهش معرفی کرد. در تحقیق پیش رو بر مبنای فرایند تحقیق و داده‌های حاصله و همچنین مقولات اکتشافی در مرحله موسوم به کدگذاری گزینشی، "حمایت اجتماعی-اقتصادی پرسنل" به‌عنوان مقوله هسته که توان تحلیل فرایند درک، تفسیر کارکنان اورژانس ۱۱۵ هر مزگان از رضایت شغلی را در بستر مورد مطالعه دارند در نظر گرفته شده‌است.



154.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان



شکل ۱: الگوی پارادایمی داده بنیاد زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر رضایت شغلی در کارکنان اورژانس 115

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کادر درمان و پرسنل اورژانس ۱۱۵ یکی از مهمترین عواملی هستند که نتایج و کارکرد شغلی ایشان، مستقیماً با سلامت مردم در جامعه در ارتباط است. آن‌ها مسئول نجات جان بیماران هستند و اگر در فرایند شغلی خویش با مشکلاتی از جمله نارضایتی شغلی مواجه باشند، این عامل مستقیماً با نظام سلامت در جامعه در ارتباط خواهد بود. به همین علت در پژوهش پیش‌رو تلاش شده‌است تا با استفاده از روش کیفی رضایت شغلی را در پرسنل اورژانس ۱۱۵ مورد واکاوی انجام داده و براساس تجربه زیسته این افراد ابعاد جدیدی از مقوله رضایت شغلی (که مستقیماً با جامعه‌شناسی سازمانی در ارتباط است) مورد بررسی قرار دهد. هدف اصلی تحقیق بررسی درک و تفسیر پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان از پدیده رضایت شغلی دارند و کنکاش در نظام معنایی آن‌ها می‌باشد.

شرایط سبب‌ساز، معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند. در پژوهش حاضر شرایط سبب‌ساز، عواملی هستند که منجر به ایجاد رضایت شغلی در کارکنان اورژانس ۱۱۵ هرمزگان می‌شوند. سختی کار به‌عنوان مقوله اصلی که، با زیرمقولاتی از جمله: ساعات کاری و بروز مشکلات نامترقبه در محیط کار مشخص می‌شود، یکی از عوامل سبب‌ساز از نظر مشارکت کنندگان در تحقیق است. همچنین مزایای شغلی نامتوازن که با زیرمقولاتی از جمله: کمبود حقوق و دستمزد و عدم

توازن سختی کار با مزایای دریافتی مشخص می‌شود، از دیگر شرایط سبب ساز می‌باشد. این نتایج با نتایج تحقیقات موسوی (۱۴۰۱: ۳۸) و پاشایی و همکاران (۱۴۰۱: ۳۷۵) هماهنگ است. از خودبیگانگی شغلی به‌عنوان مقوله اصلی که با زیر مقولاتی از جمله: حمایت‌های سازمانی ضعیف، استرس و مشکلات روحی در مواجهه با حوادث و توانایی بروز خلاقیت و ابتکار یکی از مهم‌ترین عوامل سبب‌ساز رضایت یا نارضایتی شغلی است. در نظریه هاپاک<sup>۲۲</sup> رضایت شغلی، با عوامل روانی، جسمانی و اجتماعی ارتباط دارد. از نظر ایشان تنها یک عامل موجب رضایت شغلی نمی‌شود، بلکه ترکیب معینی از مجموعه عوامل گوناگون سبب می‌شوند که، فرد در لحظه معینی از زمان از شغلش احساس رضایت کند و به خود بگوید که از شغلش راضی است و از آن لذت می‌برد. فرد با تأکیدی که بر عوامل مختلف از جمله درآمد، ارزش اجتماعی شغل، شرایط کار و فرآورده‌های اشتغال در زمان‌های متفاوت دارد، به طرق گوناگون، از شغلش احساس رضایت می‌کند (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۹: ۱۶۴). از خود بیگانگی باعث می‌شود که فرد از فرایند شغل خود جدا باشد و احساس مسئولیت‌پذیری را در شغل از دست بدهد. شغل را بی‌ارزش بداند و احساس کند براساس تلاشی که می‌کند، مزایای مناسب را دریافت نمی‌کند. از نظر مشارکت‌کنندگان، «عدم ارتباط مسئولین با کارکنان»، «عدم تحقق وعده‌های مسئولین» و «بی‌توجهی نسبت به خواسته‌های کارکنان»، باعث دل‌سردی از شغل می‌شود که، این موضوع مستقیماً با رضایت شغلی در ارتباط است. این نتایج با تحقیقات میرزاییگی (۱۳۸۸: ۴۹) و صادقی و همکاران (۱۳۹۵: ۲۳۵)، موسوی (۱۴۰۱: ۳۸) هماهنگ است.

شرایط زمینه‌ای، مجموعه‌ای خاص از شرایطی هستند که، در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. مجموعه‌ای از عوامل در قالب شرایط زمینه‌ای، بر نظام معنایی کارکنان اورژانس ۱۱۵ هرمزگان در مورد رضایت شغلی مطالعه تأثیر دارند؛ که مهمترین آن‌ها مدیریت بیماری‌های اپیدمی، ناامنی شغلی،

<sup>22</sup> hapack

156.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

مسئولیت و تفویض اختیار است. ضعف در مدیریت یک سیستم باعث بروز مشکلات مختلف می‌شود و به دنبال آن ابعاد گوناگونی از جنبه‌های یک شغل را مورد آسیب قرار می‌دهد. این نتایج با تحقیقات تقریبی و همکاران (۱۴۰۰: ۱۲۶۵) و غلامعلی (۱۳۸۷: ۶۱) هماهنگ است.

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای را می‌توان ناامنی شغلی قلمداد کرد که، با زیر مقولاتی از جمله: بی‌انگیزگی در ادامه تحصیل، وضعیت نامناسب ارتقا و امنیت شغلی مشخص می‌شود. از نظر مشارکت کنندگان، بی‌انگیزگی برای ادامه تحصیل (باتوجه به نوع وظیفه بسیار مشکل)، عدم اختصاص زمان کافی فراغت از شغل، عدم حمایت کافی در ادامه تحصیل پرسنل، از مسائل مهم در این زمینه است. شرایط مداخله اشاره دارد به شرایطی که تعاملات را تسهیل یا محدود می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند شرایط سبب‌ساز را تخفیف یا تغییر دهد. یکی از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر در پژوهش حاضر، شامل خشونت و ناامنی شغلی است که با زیر مقولات افزایش خشونت، درگیری مردم با کادر درمان و تهدید سلامت روانی خانواده‌ها مشخص می‌شود.

انتظارات غیرواقعی که با زیر مقولاتی از جمله: ناآگاهی اجتماعی نسبت به وظایف تیم اورژانس، انتظارات غیرواقعی و ضعف در تهیه تولیدات آموزشی رسانه‌ای، مشخص شده‌است. از نظر مشارکت کنندگان، «بی‌توجهی به مشکلات نیروهای عملیاتی»، «پرداختی‌های ضعیف و مشکلات مالی پرسنل»، «استفاده از موقعیت شغلی پرسنل‌هایی که در ستاد و اداره حضور دارند»، زمینه‌ساز تقویت یا تضعیف رضایت شغلی است. این نتایج با تحقیق هاشم مطوری (۱۳۹۹: ۱۴۶)، عسکری (۱۴۰۰: ۲۱) و کابوک و همکاران (۲۰۲۴) هماهنگ است.

راهبردها یا عمل - تعامل‌ها، کنش‌های با منظور عمدی‌اند که برای حل یک مسئله صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آن‌ها پدیده شکل می‌گیرد. شایان ذکر است که راهبردها به آنچه فرد در درون خود می‌گوید و می‌کند نیز اطلاق می‌شود. یکی از مهم‌ترین راهبردها یا عمل - تعامل‌ها در جهت افزایش رضایت شغلی از نظر مشارکت کنندگان در تحقیق حمایت شغلی که با زیر مقولاتی از جمله: همسان‌سازی



حقوق، کاهش ساعت کاری، کمک‌هزینه‌ها و اختصاص وام‌های کم‌بهره مشخص می‌شود، می‌تواند یکی از راهبردهای مهمی باشد که، باید در جهت تقویت رضایت شغلی به کار گرفته شود. محیط غیر متشنج شغلی به‌عنوان مقوله اصلی دیگر که با زیر مقولاتی از جمله: سلامت روانی پرسنل و ایجاد محیط کاری دوستانه و صمیمی مشخص می‌شود، از دیگر راهبردهایی است که باید مطرح شود. در یک تعریف منسجم از رضایت شغلی که توسط کینز برگ و همکاران ارائه شده است، رضایت شغلی به دو نوع تقسیم شده است. اول: رضایت بیرونی که از دو منبع حاصل می‌شود، یکی احساس لذت انسان صرفاً از اشتغال به کار و فعالیت و دیگر، لذتی که بر اثر مشاهده یا انجام برخی مسئولیت‌های اجتماعی، و به ظهور رساندن توانایی‌ها و رغبت‌های فردی، به دست می‌آید. دوم: رضایت بیرونی که با شرایط اشتغال و محیط کار ارتباط دارد (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۹: ۱۶۴).

از نظر مشارکت کنندگان، در محیط شغلی آن‌ها، «استرس‌های موجود در این شغل بسیار زیاد است و باعث فشار زیادی بر پرسنل می‌شود»، به گونه‌ای که گاهی آن‌ها را نسبت به شغل دل‌سرد می‌کند. فشردگی شیفت و ساعات کاری آن‌ها را واقعاً خسته می‌کند. و «عدم داشتن مرخصی ساعتی و مواجهه مداوم با صحنه‌های دلخراش ایشان را بسیار خسته کرده است»، پس احساس لذتی که در شغل باید باشد جای خودش را به استرس و مشاهده صحنه‌های دلخراش داده است. از سوی دیگر در حالت از خود بیگانگی شغلی، احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به ظهور رساندن توانایی‌ها و رغبت‌های فردی از دست می‌رود که، این امر کاهش رضایت شغلی را به همراه دارد. این موضوع خود را در عمل و تعاملات شغلی پرسنل آشکار می‌سازد. هر جا انجام یا عدم انجام عمل - تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید. راهبردها یا عمل - تعامل کارکنان اورژانس ۱۱۵ هرگزگان در شرایط موجود منجر به پیامدهایی شده است که یکی از مهمترین آن‌ها "بی انگیزگی و بی علاقه‌گی" که با دو مؤلفه «بی علاقه‌گی» و «از بین رفتن انگیزه شغلی» مشخص می‌شود. در واقع از خود بیگانگی می‌تواند با اضمحلال معنای زندگی هم همراه باشد.

158.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

این اضمحلال از یک سو بر اثر ساختارهای فرهنگی می‌تواند رخ دهد و از سوی دیگر در محیط شغلی می‌تواند به وقوع بپیوندد.

این نتایج با نتایج تحقیق گالگک (۲۰۲۴)، لی و همکاران (۲۰۲۴) هماهنگ است. به نظر بر انسان‌ها مخلوقاتی اخلاقی هستند؛ بدین معنا که برای اعمال خود ملاحظاتی در نظر می‌گیرند. افراد برای کار خود معنایی قایل هستند. کار برای طبقات مختلف و جنسیت‌های گوناگون بر اساس سیستم‌های ارزشی آن‌ها، معانی مختلفی دارد. (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۷)

از نظر مشارکت کنندگان، « نبودن انگیزه در پرسنل اورژانس ۱۱۵ باعث نارضایتی در بین کارکنان می‌شود و وضعیت استخدامی و تفاوت گذاشتن بین نیروها نبودن، امکانات تفریحی و ورزشی» در کار دیده می‌شود. مشارکت کننده شماره ۳ می‌گوید: «از تخریب و عدم دلسوزی نسبت به تجهیزات و آمبولانس، عدم رسیدگی به بیماران، عدم دقت در انجام امور محوله می‌توان به‌عنوان نبود رضایت شغلی تلقی شود» و «تمایل به جابه‌جایی به مراکز دیگر در بین پرسنل زیاد می‌شود». مقوله هسته محوری در پژوهش پیش‌رو «حمایت اجتماعی - اقتصادی پرسنل» است. دلیل انتخاب این مقوله هسته نهایی این است که، بر اساس یافته‌های پژوهش اکثر پرسنل اورژانس کاستی‌ها در حقوق و مزایا، تبعیض در شغل، سختی کار شیفت‌های کاری فشرده و عدم حمایت‌های سازمانی گلایه‌مند هستند. طبق نظریه نیازهای مک‌کله لند چگونگی ترکیب نیازهای فرد با عوامل محیطی در رضایت شغلی اهمیت دارد که شامل سه بعد است: الف. نیاز به کسب موفقیت و پیشرفت: اشتیاق به انجام دادن کاری به گونه‌ای بهتر با بازدهی بیشتر حل مشکل یا تبحر در انجام دادن کارهای پیچیده. ب. نیاز به پیوند و وابستگی: علاقه‌مندی به ایجاد و حفظ مناسبات دوستانه و صمیمی با دیگران. ج. نیاز به قدرت: عشق به کنترل دیگران، تأثیر گذاشتن بر رفتار افراد یا مسئول دیگران بودن. از نظر مک‌کله لند. این سه گروه از نیازها به‌مرور زمان و در نتیجه تجربه‌های زندگی ایجاد می‌شود و انسان با آن مورد انگیزش قرار می‌گیرد و هر یک می‌تواند با ترجیحات کاری

فرد مرتبط باشد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۰). روابط کادر درمان و پرسنل اورژانس، فضای اخلاقی حاکم بر کار امداد و تعاملات پرسنل و سرپرستان در این زمینه حائز اهمیت است.

#### پیشنهادها

باتوجه به مقولات اکتشافی، مزایای شغلی نامتوازن، امکانات و تجهیزات شغلی و از خودبیگانگی شغلی در پژوهش پیشنهاد می‌شود که:

- ۱.. اختصاص حقوق و مزایای متناسب با سختی کار و شرایط اقتصادی جامعه
- ۲.. حمایت اجتماعی-اقتصادی از کادر درمان و پرسنل اورژانس
- ۳.. تشویق پرسنل و حمایت از ادامه تحصیل آنها در مقاطع بالاتر
- ۴.. ایجاد محیط شغلی به دور از تنشج و درگیری (محیط اخلاق مند) در اورژانس و بیمارستان‌ها
- ۵.. شایسته‌سالاری و ایجاد فضای روحانی-اعتقادی عدالت محور در محیط بیمارستانی و اورژانس

#### منابع و مآخذ

- ابراهیم نژاد، ناصر. (1399). تأثیر رضایت شغلی و تعهد سازمانی در تخلفات شغلی پلیس. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، 4(13) (پیاپی 52)، 157-182
- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (1395). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اصغری، الناز، خالق دوست محمدی، طاهره، عسگری، فریبا، و کاظم نژاد، احسان. (1389). بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی پرستاران. پرستاری و مامایی جامع نگر، 20(64)، 1-7.
- پاشایی یوسف کندی، عزیزه، حسنی، محمد. (1401). عملکرد شغلی: واکاوی نقش ارزش‌های سازمانی و رضایت از ارتباطات بر مالکیت روانشناختی پرستاران. مجله علمی "مدیریت فرهنگ سازمانی" 20(2)، 375-399
- تقریبی، زهرا، شریفی، خدیجه، خسروجردی، زهرا، و سوکی، زهرا. (1400). رضایت شغلی پرستاران و عوامل مرتبط. فیض، 25(5)، 1265-1274.

160.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

حسینی، زهرا، و بخششی، مرآت.، و میرشجاع، مینا سادات. (1400). ارتباط بین رضایت، فرسودگی شغلی کاردرمانگران و فیزیوتراپیست‌های شاغل در بخش کووید-19 مراکز درمانی. فرهنگ و ارتقای سلامت، 5(2)، 215-220.  
حیدری، محمد؛ قاسمی، وحید؛ رنانی، محسن و ایمان، محمد تقی. (1398). ارائه الگوی پارادایمی فرهنگ مالیاتی نزد مؤدیان مالیاتی شهر اصفهان (پژوهشی کیفی در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی). دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، 8(15)، 35-1

رضایی مهدی، میرباغ سیده فاطمه، کردباقری محمدرضا، ورعی شکوه (1400). عوامل مؤثر بر رضایت شغلی پرستاران شاغل در بخش اورژانس. تحقیقات نظام سلامت حکیم، 24(1)، 75-65.  
رفعتی اصل، سید عزیز؛ کاظمی پور، شهلا و شفیع، سمیه سادات. (1399). طراحی مدل حمایتی فرزندان خانواده‌های فرو پاشیده شده در اثر طلاق (مورد مطالعه شهر تهران 98-99)، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، 8(2)، 573-546.

سلطانی، محمدرضا، ازگلی، محمد، احمدنیا آلاشتی، سیامک. (1395). درآمدی بر نقد نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو. مطالعات رفتار سازمانی، 5(1) (پیاپی 17)، 177-148.  
صادقی، امیر، شادی، مجید، و مقیم بیگی، عباس. (1395). رابطه بین رضایت شغلی و فرسودگی شغلی پرستاران. مجله مراقبت پرستاری و مامایی ابن سینا (مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان)، 24(4)، 246-238.  
صادقی، امیر، شادی، مجید، و مقیم بیگی، عباس. (1395). رابطه بین رضایت شغلی و فرسودگی شغلی پرستاران. مجله مراقبت پرستاری و مامایی ابن سینا (مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان)، 24(4)، 246-238.  
عسکری، آزاده، نظرپور، محمدمهدی، توکلی، سعید، و خداکریمی، فروغ. (1400). بررسی تطبیقی شخصیت و رضایت شغلی بر اساس لنگرگاه‌های شغلی. مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی (مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت)، 13(49) 45-21.

غلامعلی لواسانی، مسعود، کیوان زاده، محمد، و ارجمند، ندا. (1387). معنویت، استرس شغلی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی در پرستاران شهر تهران. روانشناسی معاصر، 3(2) (پیاپی 6)، 73-61.  
غلامی، سعید، نیازی، محسن، یابایی فرد، اسداله (1403) فراترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، 64(18)، 138-127.

. کاویان پور، سمیه، و رضائیان، جواد. (1399). زمان بندی شیفت‌های پرستاران با در نظر گرفتن رضایت شغلی: مطالعه موردی در بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان نور. مطالعات مدیریت صنعتی، 18(59)، 218-181.

. کمیلی، راضیه، ادھمی مقدم، فرهاد، صاحب الزمانی، محمد. (1396). بررسی مقایسه‌ای تمایل به ترک خدمت، فرسودگی و رضایت شغلی در پرستاران شاغل در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران قبل و بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت سال 1395. مدیریت بهداشت و درمان، 8(شماره 4)، 51-59.

. محمدیان ساروی، محسن، وهابزاده، شادان. (1397). نقش تعارض در کار و زندگی شخصی افراد با شیفت کاری در گردش مورد مطالعه بیمارستان‌های خاتم الانبیاء شاهرود و حضرت فاطمه میاندوآب. مدیریت بهداشت و درمان، 9(1)، 83-94.

. مرادی، علی، جلیلیان، حمیدرضا. (1396). بررسی رابطه بین یادگیری سازمانی و رضایت شغلی کارکنان با استفاده از مدل معادلات ساختاری (مورد مطالعه کرمانشاه). علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، 14(1)، 81-112.

. موسوی، سیده فاطمه. (1401). استرس شغلی و رضایت زناشویی در پرستاران متأهل: نقش میانجی خودتنظیمی در رابطه. مطالعات زن و خانواده، 10(4)، 38-55.

. میرزاییگی، غضنفر، سالمی، صدیقه، سنجر، مهناز، شیرازی، فاطمه، حیدری، شیوا، و ملکی، صدیقه. (1388). رضایت شغلی پرستاران ایران. حیات، 15(1)، 49-59.

. هاشم مطوری، حمید، عابدی، محمدرضا، و نیلفروشان، پریسا. (1399). معنای شغلی و بهزیستی ذهنی: نقش میانجیگری رضایت شغلی. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، 19(73)، 146-170.

Baum A, Kagan I. Job satisfaction and intent to leave among psychiatric nurses: closed versus open wards. *Arch Psychiatr Nurs*. 2015 Aug;29(4):213-6. doi: 10.1016/j.apnu.2015.03.004. Epub 2015 Apr 7. PMID: 26165975.

Güleç, H. Y., & Aslan, H. (2024). The effect of conscience perception on job satisfaction and care behaviours in nurses. *Archives of Psychiatric Nursing*. <https://doi.org/10.1016/j.apnu.2024.03.008>

Kabuk, A., & Ongün, P. (2024). The Relationship between Job Satisfaction and Motivation Levels of Nurses Working in the Burn Units. *Burns*. <https://doi.org/10.1016/j.burns.2024.07.015>

Kim, D. K., Scott, P., Poghosyan, L., & Martsof, G. R. (2024). Burnout, job satisfaction, and turnover intention among primary care nurse practitioners with their own patient panels. *Nursing Outlook*, 72(4), 102190. <https://doi.org/10.1016/j.outlook.2024.102190>

Li, M., Yang, Y., Zhang, L., Xia, L., Zhang, S., Kaslow, N. J., Liu, T., Liu, Y., Jiang, F., Tang, Y., & Liu, H. (2024). Mental health, job satisfaction and quality of life among psychiatric nurses in China during the COVID-19 pandemic: A cross-sectional study. *Clinical Epidemiology and Global Health*, 101540. <https://doi.org/10.1016/j.cegh.2024.101540>

162.... بررسی تجربه زیسته پرسنل اورژانس از رضایت شغلی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن،  
مورد مطالعه: پرسنل اورژانس ۱۱۵ هرمزگان

Lowhorn, G. L. (2009). The effect of supportive organizational leadership, organizational socialization, and satisfaction with supervision on turnover as mediated by organizational commitment and job satisfaction in faculty (Unpublished doctoral dissertation). Regent University, Virginia, VA.

Wei, H., Horsley, L., Cao, Y., Haddad, L. M., Hall, K. C., Robinson, R., Powers, M., & Anderson, D. G. (2023). The associations among nurse work engagement, job satisfaction, quality of care, and intent to leave: A national survey in the United States. *International Journal of Nursing Sciences*, *10*(4), 476–484. <https://doi.org/10.1016/j.ijnss.2023.09.010>

Wong, F. M. F. (2024). Job satisfaction in nursing: A qualitative inquiry into novice and experienced nurses' perspectives. *Nurse Education in Practice*, *78*, 104018. <https://doi.org/10.1016/j.nepr.2024.104018>

DOI: [10.71854/soc.2024-1128416](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1128416)

## Motherhood and Redefining Women Without a Spouse's Gender Identity: a Study in Abbasabad And Afsaria District

Mozhgan Boolouri<sup>1</sup>

Ph.D. and High School Teacher in Sociology, Tehran, Iran

[0009-0000-6386-1826](https://orcid.org/0009-0000-6386-1826) 

### Abstract:

In this research, we try to realize how women without spouses redefine their gender identity; we would like to know how motherhood plays a role in the new gender identity. In modern Iran, there is a group of mothers without a spouse. I conducted research in the two neighborhoods of Afsaria and Abbasabad in Tehran. The research method is a grounded theory approach. Semi-structured interviews gathered data and also observation. Findings show that women who lost their spouses go through a period of grief and mourning. I categorized them into three groups: happy widows, sad widows, and wonders widows. Happy widows categorize dependent women, persistent women, and independent women. Women without spouses redefine their identity in a new position. How they redefine their maternal identity is influenced by the socioeconomic and cultural resources at their disposal. Based on this, women without a husband could be understood into five paradigms: perished woman, dependent woman, Wandering woman, persistent woman, and independent woman. The process of redefining the gender identity of women without a spouse suggests that maternal identity is not an individual and physical matter, but it is a kind of social construct and is influenced by the situation in which the individual lives.

**Key Words: Motherhood, Divorcees, Widows, Redefine gender Identity.**

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [MozhganBoolouri@gmail.com](mailto:MozhganBoolouri@gmail.com)

162.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد

و افسریه تهران

مژگان بلوری<sup>۲</sup>

دکتری بررسی مسایل اجتماعی و دبیر جامعه‌شناسی شهر تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۸

#### چکیده

در این پژوهش در پی آن هستیم که دریابیم مادر بودن چگونه بر باز تعریف هویت زنان فاقد همسر تاثیر می‌گذارد. با افزایش تعداد زنان فاقد همسر در دهه اخیر با گروهی از زنان در جامعه مواجه هستیم که مادران فاقد همسر یا مادران مجرد هستند. در این پژوهش با بهره‌گیری از تجربیات زیسته زنان فاقد همسر به روند باز تعریف هویت زنانه و نقش مادری در بین زنان فاقد همسر ساکن در دو محله افسریه و عباس‌آباد، پرداخته‌ایم. روش این پژوهش کیفی است و با استفاده از رهیافت نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساخت‌مند و مشاهده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زنان پس از قرارگرفتن در موقعیت زن فاقد همسر و گذراندن دوران سوگواری و اندوه ناشی از فقدان همسر، در موقعیت زن فاقد همسر قرار می‌گیرند. مقولات شناسایی شده در باره زنان فاقد همسر در سه گروه بیوه‌های شاد، بیوه‌های غمگین و بیوه‌های سرگردان قابل دسته‌بندی است. البته بیوه‌های شاد خود به زیرمقوله‌های زنان حمایت‌طلب، زنان مستقل و زنان مقاوم قابل دسته‌بندی است. زنان فاقد همسر با قرار گرفتن در موقعیت جدید به باز تعریف هویت مادرانه خود می‌پردازند. در خلال فرآیند باز تعریف هویت، زنان فاقد همسر در پنج پارادایم زن فنا شده، زن حمایت‌طلب، زن سرگردان، زن مقاوم و زن مستقل قرار می‌گیرند. تعمق و تدقیق در روند باز تعریف زنان فاقد همسر حاکی از این است که هویت مادرانه امری صرفاً فردی و وابسته به جسم زنان نیست بلکه نوعی برساخت اجتماعی است و تحت تاثیر موقعیتی که فرد در آن زندگی می‌کند، باز تعریف می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مادری، زن همسر از دست داده، زن بیوه، باز تعریف هویت جنسیتی

<sup>2</sup>. نویسنده مسئول: MozghanBoolouri@gmail.com



#### مقدمه

در پی بروز تغییرات در ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور، در سال‌های اخیر شاهد روند صعودی جمعیت زنان «همسر از دست داده» در جامعه هستیم. داده‌های آماری نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ جمعیت این گروه از زنان از ۷/۴٪ به ۹/۵٪ افزایش یافته‌است. براساس تعریف مرکز آمار ایران «زنان فاقد همسر» به دو گروه (۱) بی‌همسر بر اثر فوت و (۲) بی‌همسر در اثر طلاق، تقسیم می‌شوند. زنان «بی‌همسر در اثر فوت»، همسران خود را به دلایل مختلفی از قبیل کهولت سن، بیماری، حوادث و غیره از دست داده‌اند. این زنان مجدداً ازدواج نکرده‌اند. زنان «بی‌همسر در اثر طلاق» کسانی هستند که حداقل یک‌بار تجربه‌ی ازدواج و زندگی مشترک داشتند. آنان به هر دلیلی از همسر خود جدا شده‌اند و هم‌اکنون فاقد همسر هستند. زنان فاقد همسر پس از مواجهه با پدیده فقدان همسر، با چالش‌های متعددی روبرو می‌شوند؛ زیرا زن بودن معمولاً در خانواده و جامعه از طریق نقش‌های همسری و مادری تعریف می‌شود. (کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). برای زن فاقد همسر، مادری هم یکی از عناصر اصلی هویت و هم یکی از چالش‌های عمده زندگی محسوب می‌شود، زیرا مادر بودن جنبه مهمی از زندگی زنان است و زایش و پرورش فرزند، محور اصلی زندگی زن در نظر گرفته می‌شود (ابوت و والاس، ۱۳۹۸: ۱۳۱). اصطلاح «مادران فاقد همسر» یا «مادران مجرد» به زنان بسیاری اشاره دارد، از جمله مادرانی که همسرانشان فوت

164.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

کرده‌اند، مجرد هستند یا از همسرانشان طلاق گرفته‌اند. (Cheng Sim, 2003: 95-96). البته لازم به ذکر است که ما در ایران، آمار صحیحی از مادرانی که اصطلاحاً مجرد خوانده می‌شوند و فرزندشان که حاصل ازدواج رسمی نیست، نداریم در نتیجه در این پژوهش این گروه از زنان جامعه هدف ما نیستند. اگرچه «مادری» عنصر مرکزی در تعریف هویت بخش بزرگی از زنان است اما زنان فاقد همسر در عین برعهده داشتن نقش مادری، با موقعیت «زن فاقد همسر» نیز مواجه هستند. انتظار می‌رود که قرار گرفتن در این موقعیت، آنان را در معرض تجربیات تازه‌ای در باره «مادری» و نقش‌های مرتبط با آن قرار دهد.

کاستلز معتقد است که برای هر فرد، چه بسا چندین هویت وجود داشته باشد، این کثرت برای بازنمایی خود و کنش اجتماعی، سرچشمه تناقض است. باید «خود» را از آنچه نقش و مجموعه‌ی نقش‌ها نامیده‌اند، متمایز ساخت. او معتقد است که هویت منبع معنا برای «خود» کنشگر است و به دست خود آن‌ها، از رهگذر فردیت بخشیدن ساخته می‌شود. اگرچه ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما این در صورتی است که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند. گاهی تعاریف «خود» با نقش‌های اجتماعی مطابقت دارد؛ مثل وقتی که مادر بودن از نظر کنشگر مهم‌ترین «خودتعریف» باشد. اما هویت در مقایسه با نقش، منبع معنایی نیرومندتری است. زیرا در برگیرنده‌ی فرآیندهای ساختن خویش و فردیت یافتن است. به بیان ساده، هویت سازمان‌دهنده‌ی معنا است ولی نقش، سازمان‌دهنده کارکردها است (کاستلز، ۱۴۰۳: ۲۳).

در مقایسه با گذشته، در دوران کنونی انسان‌ها به دلیل مواجهه با بحران‌های متعدد زندگی شخصی، امکان بیشتری برای بازیابی و بازتعریف خود دارند (گیدنز، ۱۴۰۰: ۵۷). از نظر گیدنز هویت شخصی، نوعی خصیصه متمایز یا مجموعه‌ای از «خود»‌های متمایز نیست که در اختیار فرد باشد. هویت شخصی

در حقیقت همان «خود» است که، شخص آن را مورد تأمل قرار می‌دهد و به منزله‌ی بازتابی از زندگی - نامه‌اش می‌پذیرد. هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است. هویت شخصی عبارت است از همین تداوم، اما به صورت بازتاب تفسیری که شخص از آن به عمل آورده است (گیدنز، ۱۴۰۰: ۸۲-۸۱). به تعبیر گیدنز نحوه‌ی زندگی افراد و تغییراتی که در جریان زندگی خود تجربه می‌کنند، باعث شکل‌گیری تفسیرهای جدید از «خود» برای انسان می‌شود. انتظار می‌رود که زنان فاقد همسر در جریان مواجهه با پدیده فقدان همسر، با احساسات و تجربیات جدیدی در ارتباط با هویت مادری خود مواجه شوند و این امر بر چگونگی بازتعریف هویت جنسیتی آنان تأثیرگذار باشد. براین اساس مهم است که بدانیم وجه مادری زنان فاقد همسر (بر اثر فوت یا طلاق) چگونه بر بازتعریف هویت جنسیتی آنان تأثیر می‌گذارد.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که تاکنون درباره مادری زنان فاقد همسر انجام شده است، عموماً با رویکرد رفاه اقتصادی و چگونگی حمایت دولت‌ها از زنان فاقد همسر دارای فرزند، انجام شده است. در این پژوهش‌ها کمتر به بحث هویت و نحوه شکل‌بندی هویت مادران فاقد همسر پرداخته شده است. نیدهی کوتوال<sup>۳</sup> و بارتی پراب هاکر<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) مشکلات اقتصادی را مهم‌ترین فشار روانی و عامل کاهش توان مدیریت مسئولیت و برنامه‌ریزی برای زندگی آینده فرزندان مادران فاقد همسر می‌نامند. مارتین ایوانز<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) به موضوع حمایت اجتماعی از مادران مجرد پرداخته است. او مشکلاتی را که مادران مجرد با آن مواجه هستند،

<sup>3</sup> -Nhdhi Kotwal

<sup>4</sup> -Bharti Prabhaker

<sup>5</sup> -Martin Evans

166.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

بدین شرح طبقه‌بندی می‌کند: ۱) سرپرستی فرزندان، ۲) درآمد پایین، ۳) مشکلات تحصیلی فرزندان. یوما چاکراواریتی<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) به مشکلات زنان فاقد همسر در عرصه اشتغال پرداخته و نتیجه گرفته‌است که هنجارهای اجتماعی تأییدکننده رفتار زنان فاقد همسر، تحت تأثیر اعتقادات و مادر بودن آنان است. این هنجارهای اجتماعی از نظام فرهنگی پدر سالارانه حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد. دومنیک ون دوال (۲۰۱۱)<sup>۷</sup>، به تأثیرات رفاه اقتصادی بر زنانی که شوک بیوه شدن را متحمل شده‌اند و بر فرزندان آنان در کشور مالی پرداخته‌است. دوال معتقد است که «زنان بیوه دارای فرزند» از منظر اقتصادی و حمایت‌های اجتماعی چندان مورد توجه نیستند. رضا همتی و معصومه کریمی (۱۳۹۷) عمده‌ترین مشکلات زنان مطلقه را سرپرستی فرزندان بدون بهره‌مندی از حمایت همسر می‌دانند. احمد غیاثوند و سمیه عرب خراسانی (۱۳۹۷) معتقدند که وجود فرزندان در درک زنان از جدایی و کنش عملی در این مسیر تأثیرگذار است. شهلا خسروان و همکاران (۱۳۹۲) تصمیم زنان فاقد همسر برای سرپرستی از فرزندان را نوعی تصمیم‌گیری برای داشتن هویت «از خود گذشتگی» یا «اجتماع‌گرا» نامیدند.

### مروری بر مفاهیم و نظریات

این پژوهش با روش کیفی و براساس نظریه داده‌بنیاد انجام شده‌است، در نتیجه در این پژوهش حساسیت نظری مطرح است و در ادامه مروری بر نظریات مرتبط با بحث، انجام خواهد شد.

### الف) مادری

---

<sup>6</sup> -Uma Chakravarti

<sup>7</sup> -Dominique Van De Walls

در باره مادری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد: (۱) گروه اول مادری را امری ذاتی می‌دانند و آن را تحت‌تاثیر فیزیولوژی جسمی زنان تعریف می‌کنند. به نظر می‌رسد عمدتاً اندیشمندان کلاسیک از افلاطون تا ریو این رویکرد را به نمایش می‌گذارند. آنان معتقدند که نقش‌های اجتماعی و همچنین خانوادگی اموری هستند که از طبیعت زندگی بشری سرچشمه می‌گیرند و خدشه‌ناپذیر هستند. براین اساس از منظر این اندیشمندان حضور مرد در عرصه‌های اجتماعی و فرزندآوری و نقش و احساسات مادرانه، امری ذاتی و طبیعی است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۷۶). (۲) گروه دوم احساسات مادری را تنها محدود به فیزیولوژی زن نمی‌دانند و آن را نوعی برساخت اجتماعی تلقی می‌کنند. این گروه از اندیشمندان از ابعاد متفاوتی به مادری می‌نگرند. برخی از مهم‌ترین این رویکردها عبارتند از:

- مادری به مثابه حصارتن: گروهی از اندیشمندان، «مادری» را نوعی محدودیت جسمی برای زن تلقی می‌کنند و مادر شدن را اسارت ناشی از فیزیولوژی می‌دانند. دوبوار معتقد است که «غریزه مادری» وجود ندارد. رفتار مادر از طریق مجموعه شرایط و نحوه پذیرش این شرایط توجیه می‌شود. این شرایط بسیار متغیر است (دوبوار، ۱۴۰۰: ۳۸۳). دوبوار در مورد رفتار مادران با فرزندان می‌گوید رفتار نسبتاً رایجی که مادران در قبال فرزندان از خود بروز می‌دهند، از خودگذشتگی مازوخیستی است. برخی از مادران برای جبران خلاء قلبی و مجازات خود بابت مخاصمتی که نمی‌خواهند به زبان بیاورند، برده فرزندان‌شان می‌شوند. آنان قادر به تحمل دوری فرزند نیستند. از هرگونه لذت، از هرگونه زندگی شخصی، چشم می‌پوشند. این امر به آنان

اجازه می‌دهد که سیمای قربانی به خود بگیرند و از این فداکاری‌ها، این حق را کسب می‌کنند که به انکار استقلال فرزند پیردازند (دوبوار، ۱۴۰۰: ۳۹۰).

- مادری به مثابه رسیدن به کمال: در این رویکرد، مادری به عنوان یکی از راه‌های رسیدن زن به کمال تلقی می‌شود. دویچ از مادری تعبیری متفاوت از دوبوار ارائه می‌کند. او به تمایل زن به مادر شدن اهمیت زیادی داده‌است. دویچ اعتقاد دارد که زن از طریق مادری به بهترین نحو کمال می‌پذیرد، اما مشروط به آن که این وظیفه را آزادانه به عهده گرفته باشند (همان: ۳۹۹). مادر بودن مشغله‌ای تمام وقت برای زنان به شمار می‌آید و تصور می‌شود که زنان به طور طبیعی از عهده آن برمی‌آیند و از انجامش لذت وافر می‌برند و زنان را مسئول تربیت و نظارت بر فرزندان می‌دانند (ابوت، ۱۳۹۸: ۱۳۱).

- مادری به مثابه مانعی برای حضور زن در عرصه‌های اجتماعی: نگاه فریدان به مادری و روابط مادر با فرزندان تحت تأثیر نگاه او به اشتغال زنان و حضور آنان در عرصه‌های عمومی جامعه است. او از حضور دائمی زنان در خانه تعبیر «مشکل بی‌نام» دارد و این حضور در کنار فرزندان را «هم‌زیستی» می‌نامد. او این هم‌زیستی را مخرب تلقی می‌کند که به جزیی از «رازوری زنانه» بدل شده و فرآیندی تدریجی است. رازوری زنانه به دختران اجازه می‌دهد از برخورد با واقعیت و تعهدهای جدی در مدرسه و جهان بگریزند و نیز به آن‌ها مژده می‌دهد که از طریق ازدواج می‌توانند به کامروایی جادویی دست یابند. بدین ترتیب زنان فاقد هویت شخصی بوده و درک ضعیفی از خود دارند (فریدان، ۱۳۹۴: ۲۷۷-۲۷۸). براین اساس مادری و همسری هویت زنانه را می‌سازد و احتمالاً «زن همسر از دست داده» با چالش هویتی جدی مواجه است.

• مادری به مثابه بازتولید روابط خانوادگی در جامعه: چودروف هویت مادری زنان را ناشی از نوعی بازتولید می‌داند که در خانواده شکل می‌گیرد. به اعتقاد چودروف زنان در مقام مادران، دخترانی بار می‌آورند که دارای توانایی‌های مادری و میل به مادر شدن هستند. این توانایی‌ها و نیازها در نفس رابطهٔ مادر- دختری ساخته می‌شود و رشد می‌کند. در مقابل، زنان در مقام مادران (و مردان در مقام غیرمادر) پسرانی بار می‌آورند که توانایی‌ها و نیازهای آنان به تغذیه و تربیت و بزرگ کردن کودکان به‌طور منظم محدود می‌شود. تقسیم کار خانوادگی و جنسی که در آن زنان مادرند و بیش از مردان درگیر روابط بین شخصی و عاطفی هستند، در پسران و دختران باعث ایجاد تقسیم توانایی‌های روانشناختی می‌شود که آنان را به سمت بازتولید این تقسیم کار جنسی و خانوادگی هدایت می‌کند. زنان کم و بیش خواهان مادری هستند و با مادر بودن ارضا می‌شوند؛ و با همهٔ تضادها و تعارض‌ها در مادر بودن موفق بوده‌اند (کاستلز، ۱۴۰۳: ۲۷۶).

بدین ترتیب مادری هویت و موقعیتی زنانه است که در خانواده رخ می‌دهد. همسر به‌طور مستقیم با آن در ارتباط نیست اما ازدواج و حضور مرد برای محقق شدن آن ضروری است. بدین ترتیب زنان بدون همسر، در عین مواجهه با پیامدهای موقعیت مادری، عملاً از حضور مرد بی‌بهره هستند. شاید برخی از «زنان همسر از دست داده» در این شرایط خود را دارای توانایی‌های لازم برای ایفای این نقش ندانند. همچنین شاید برخی از زنان براین باور باشند که برای ایفای نقش مادری به حضور همسر نیاز ضروری ندارند.

170.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

### ب) هویت جنسیتی

هویت جنسیتی احساس فرد نسبت به خود به عنوان مرد یا زن (در مواردی محدودی هردو) است. هویت جنسیتی مفهومی فراتر از جنبه آناتومیک فرد را در می‌گیرد و شامل آگاهی درونی و تعابیر بیرونی فرد از جنس خود است. دیدگاه‌های جدیدتر معتقدند که هویت جنسیتی در ارتباط با واکنش‌های اجتماعی در برابر فرد، ساختار اجتماعی و انتظارات فرهنگی از ایفای نقش فرد در جامعه شکل می‌گیرد (Martin, 2001:602). هویت جنسیتی به معنای درک شخصی فرد از مرد یا زن بودن، است. این جنبه از هویت به شدت در ارتباط با نقش‌های جنسیتی است که به عنوان هنجارهای مشخص در جامعه برای فرد تعریف می‌شود (Ghosh, 2015:1).

دیدگاه‌های متفاوتی در باره نحوه شکل‌گیری هویت جنسیتی وجود دارد که برخی از مهمترین این دیدگاه‌ها در ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد. از نظر جنکینز جنسیت یکی از پایدارترین و فراگیرترین مضمون‌های تعیین هویت در تاریخ انسان است. جنسیت هم فردی و هم جمعی است و از این بابت می‌تواند متمایز باشد. اگرچه تمامی هویت‌های انسان، اعم از فردی یا جمعی، قطعاً تعاملی‌اند. هر جنسیت عبارت است از محل برخورد یک نسبت پایه از تفاوت و یک نسبت پایه از شباهت. در ساخت نهادی جهان انسان و پاداش‌ها و جزای‌های آن، جنسیت افراد به دلیل عضویت آن‌ها در یک مقوله جمعی از لحاظ تعاملی تا حد زیادی واقعی می‌شود. از طرف دیگر، جنسیت (که ریشه در تفاوت‌های جنسی دارد)، در مرکز دیدگاه جسمانی از خویش‌شن و وجه درونی دیالکتیک تعیین هویت فردی قرار دارد. از نظر جمعی اشتراک در تجربیات یکسان زندگی، که ممکن است قویاً جسمانی باشند، نیز این امکان را برای جنسیت فراهم می‌آورد که اصلی از شکل‌گیری گروهی باشد. این وجه درونی تعیین هویت جمعی است (جنکینز،



۱۳۹۶:۹۸). تعیین هویت‌های اولیه خویشتن و جنسیت از دیگر هویت‌ها خیلی مقاوم‌ترند. اگر چه نمی‌توان انسان بودن را به جنسیت تقلیل داد و این دو هویت از هم متمایزند اما هویت جنسیتی بسیار زود کسب می‌شود؛ بسیار مهم و در حد زیادی جسمانی است که با خویشتن انسانی فرد در پیوندی متقابل قرار می‌گیرد (جنکینز، ۱۰۲:۱۳۹۸). سیمون دوبوار نگاه نسبتاً متفاوتی به شناخت زن از خود دارد. او می‌گوید: «همانقدر که کافی نیست که گفته شود زن ماده است، او را با شناختی هم که خودش از زنانگی‌اش دارد، نمی‌توان تعریف کرد. زن در بطن اجتماعی که خود عضو آن است بر زنانگی خود شناخت پیدا می‌کند. فرد از طریق گزینش خود در دنیا خود را تعریف می‌کند.» (دوبوار، ۱۴۰۰:۹۴) گیلیگان معتقد است که زنان در شیوه نگرش، وضعیت سنتی‌تری نسبت به مردان دارند که، این امر او را بیشتر پای‌بند به روابط مراقبت‌کنندگی می‌کند. بینش‌های زنان درباره خودشان بر پایه برآوردن موفقیت‌آمیز نیازهای دیگران است و نه بالیدن به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های فردی (گیدنز، ۱۴۰۰:۱۸۷).

### ج) بازتعریف هویت

جنکینز تعبیر وان‌گنپ<sup>۸</sup> را در زمینه بازتعریف هویت می‌پذیرد. براساس ایده‌های وان‌گنپ (۱۹۶۵) امروز یک اجماع نسبتاً جاافتاده وجود دارد که انسان‌ها زندگی را به صورت گذار از یک هویت به هویت‌های دیگر سپری می‌کنند. این گذارها کمابیش تشریفاتی هستند و یک صورت تقریباً سه بخشی دارند (لیچ، ۱۹۷۶: ۷۷-۷۹؛ موریس ۱۹۸۷: ۲۴۶-۲۶۳ به نقل از جنکینز، ۱۳۹۶). آن صورت سه بخشی یک پدیده

---

8-Van Genp

172.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

عمومی ساختاری نیست، بلکه صرفاً از لحاظ منطقی و موقعیتی بامعنا است. این صورت سه بخشی را بدین شرح می‌توان توضیح داد:

1. نخست جدایی از حالت یا هویت کنونی؛
2. گذار (یا حالتی از برزخ که می‌تواند مبتنی بر یک مجموعه نمادین مربوط به مرگ باشد)؛
3. در نهایت ادغام در اجتماع با حالت یا هویت جدید (جنکینز، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

اما گیدنز بازتعریف هویت را به گونه متفاوتی ارائه می‌کند. به زعم او بازتابندگی «خود» مداوم و همه‌گیر است و در هر لحظه، یا دست کم در فواصل زمانی منظم، فرد باید برحسب اتفاقاتی که رخ داده است، به نوعی بازپرسی از خود، مبادرت ورزد. با شکل‌گیری یک رشته پرسش‌های آگاهانه، فرد عادت می‌کند که از خود بپرسد چگونه می‌توانم از لحظه‌ی کنونی برای دگرگونی خویشتن استفاده کنم؟ تحقق یافتن خویشتن را به تعادل بین فرصت جویی و خطرکردن تعبیر می‌کنند. رها کردن گذشته و به یاری تکنیک‌های گوناگون از قید عادات عاطفی آزار دهنده خلاص شدن، فرصت‌های متنوعی برای توسعه‌ی شخصیت پدید می‌آورد (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۲).

به تعبیر گیدنز، جریان زندگی متشکل از یک رشته «گذرگاه»ها است. فرد قاعداً باید این گذرگاه‌ها را پشت سر بگذارد ولی این عبور لزوماً همراه با آئین‌های رسمی نهادینه شده نیست. این گونه نقل و انتقال‌ها باخت‌هایی را در بردارد (و همچنین بعضی بردهای بالقوه) و اینگونه باخت‌ها را - مثلاً در مورد طلاق- باید سوگوارانه پذیرفت. به‌خصوص اگر قرار باشد که تحقق یافتن خویشتن را در طول زندگی همچنان ادامه دهیم. گذرگاه‌های زندگی، برجستگی و ضرورت بیشتری به کنش‌های متقابل بین خطرهای احتمالی و فرصت‌های جدید می‌بخشند. خاصه هنگامی که این تغییر و تبدیل‌ها به دست همان شخصی

صورت گرفته باشد که باید پیامدهای آن را تحمل کند. اقدام به نوعی نقل و انتقال یا تغییر مهم در زندگی، ترک خانه، انتخاب یک شغل جدید، مواجهه با بیکاری، ایجاد نوعی ارتباط یا خویشاوندی جدید، همه و همه به معنای پذیرفتن آگاهانه‌ی خطرهای احتمالی به قصد دستیابی به فرصت‌های تازه‌ای است که بحران‌های شخصی در برابر انسان قرار می‌دهند (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

به نظر می‌رسد که زنان در جریان قرار گرفتن در موقعیت «زن همسر از دست داده» براساس شرایطی که در آن قرار دارند، با چالش‌ها و تجربیات جدیدی مواجه می‌شوند که موجب بازتعریف هویت زنانه و مادرانه آنان می‌شود. با مرور مبانی نظری و تعمق در یافته‌های پژوهش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های آغازین سوالات زیر مطرح شد: نحوه مواجهه زنان فاقد همسر با فقدان همسر چگونه بر هویت مادری زن فاقد همسر تأثیر می‌گذارد؟ منابع در دسترس زنان فاقد همسر چگونه بر بازتعریف هویت مادری آنان تأثیر می‌گذارد؟

### روش پژوهش

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های آغازین در این پژوهش، از رهیافت نظریه داده بنیاد استفاده شده است. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساخت‌مند و مشاهده بود. مشارکت کنندگان در این پژوهش، بیست و یک نفر از زنان فاقد همسر ساکن در دو محله افسریه (منطقه ۱۵ شهر تهران) و عباس آباد (منطقه ۶ شهر تهران) هستند. پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند آغاز شده و به تدریج با مشخص شدن مقولات و شکل‌گیری پارادایم‌ها، به نمونه‌گیری تنوع‌گرا تبدیل شد. مشارکت کنندگان شامل زنان همسر از دست داده در گروه‌های مختلف سنی، شغلی، تحصیلی است. زنان بیوه و مطلقه مشارکت‌کننده، از نظر تعداد به‌طور مساوی در دو محله عباس‌آباد و افسریه حضور دارند.

174.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان تحقیق به ترتیب مصاحبه

| ردیف | نام    | سن | تحصیلات          | شغل                           | تعداد فرزند | محل سکونت | علت فقدان همسر |
|------|--------|----|------------------|-------------------------------|-------------|-----------|----------------|
| ۱    | معصومه | ۳۹ | سیکل             | پرستار سالمند                 | ۱ فرزند     | عباس آباد | طلاق           |
| ۲    | بتول   | ۶۱ | ششم ابتدایی      | خدمتگزار مدرسه                | ۳ فرزند     | افسریه    | فوت            |
| ۳    | مرجان  | ۴۶ | کارشناسی         | مالک آموزشگاه آرایشگری        | ۲ فرزند     | عباس آباد | طلاق           |
| ۴    | منیژه  | ۴۸ | دیپلم            | آرایشگر                       | ۲ فرزند     | عباس آباد | طلاق           |
| ۵    | فاطمه  | ۴۵ | ابتدایی          | خانه‌دار                      | ۳ فرزند     | افسریه    | فوت            |
| ۶    | مریم   | ۳۹ | دیپلم            | طراح طلا و جواهر              | ۱ فرزند     | افسریه    | طلاق           |
| ۷    | فرشته  | ۳۵ | سیکل             | خانه‌دار                      | ۲ فرزند     | افسریه    | فوت            |
| ۸    | رقیه   | ۵۹ | ششم ابتدایی      | خانه‌دار                      | ۵ فرزند     | افسریه    | فوت            |
| ۹    | لیلا   | ۴۰ | دانشجوی کارشناسی | خانه‌دار                      | ۱ فرزند     | عباس آباد | طلاق           |
| ۱۰   | سارا   | ۳۷ | کارشناسی ارشد    | خانه‌دار                      | فاقد فرزند  | عباس آباد | طلاق           |
| ۱۱   | اکرم   | ۷۰ | بیسواد           | خانه‌دار                      | ۴ فرزند     | افسریه    | فوت            |
| ۱۲   | رویا   | ۳۹ | کارشناسی         | مالک آتلیه عکاسی و فیلمبرداری | ۲ فرزند     | عباس آباد | طلاق           |
| ۱۳   | الهام  | ۳۷ | کارشناسی         | کارمند                        | ۱ فرزند     | عباس آباد | طلاق           |
| ۱۴   | زهرا   | ۲۹ | دیپلم            | کارمند                        | فاقد فرزند  | افسریه    | طلاق           |
| ۱۵   | اشرف   | ۵۳ | کارشناسی         | بازنشسته                      | ۲ فرزند     | افسریه    | طلاق           |
| ۱۶   | پروین  | ۶۰ | کارشناسی         | بازنشسته                      | ۱ فرزند     | عباس آباد | فوت            |
| ۱۷   | صدیقه  | ۴۴ | کارشناسی         | خانه‌دار                      | فاقد فرزند  | افسریه    | طلاق           |
| ۱۸   | ناهید  | ۴۲ | سیکل             | خانه‌دار                      | ۲ فرزند     | افسریه    | فوت            |
| ۱۹   | آزاده  | ۴۰ | دانشجوی دکتری    | کارمند                        | ۱ فرزند     | عباس آباد | طلاق           |
| ۲۰   | نسرین  | ۳۵ | زیر دیپلم        | خانه‌دار                      | ۱ فرزند     | افسریه    | فوت            |
| ۲۱   | شمیم   | ۴۰ | دانشجوی کتری     | کارمند                        | فاقد فرزند  | عباس آباد | طلاق           |

بنیان شکل‌گیری مفاهیم، مقولات، پارادایم‌ها و در نهایت، گزاره‌های تئوریک به‌دست آمده در این پژوهش حاصل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. نمونه‌ای از کدگذاری در جدول زیر آمده‌است.

جدول ۲: نمونه کدگذاری باز و محوری

| مفهوم   | زیر مقوله                         | مقوله                        | نوع مقوله       |
|---|-----------------------------------|------------------------------|-----------------|
| معرفی خود در جامعه با هویت زن مطلقه                 | پذیرش هویت در موقعیت زن فاقد همسر | عدم انکار هویت زن فاقد همسر  | استراتژی        |
| داشتن شغل مناسب                                     | تأثیر اشتغال                      | اشتغال                       | عوامل علی       |
| داشتن مدرک تحصیلی دانشگاهی                          | تحصیلات بالا                      | سرمایه فرهنگی                |                 |
| شرایط اقتصادی مناسب                                 | پایگاه اقتصادی نسبتاً فرا دست     | سرمایه                       |                 |
| داشتن حمایت خانواده نخستین                          | روابط خانوادگی                    | پر خور داری از حمایت خانواده | عوامل زمینه ای  |
| داشتن شبکه دوستانه با روابط عمیق                    | روابط دوستانه عمیق                | شبکه ارتباط دوستانه عمیق     | عوامل مداخله گر |
| عدم انکار هویت مادری و تلقی وجه مادری به مثابه قدرت | وجه مادری                         | باز تعریف هویت مادر مجرد     | پیامد           |

176.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

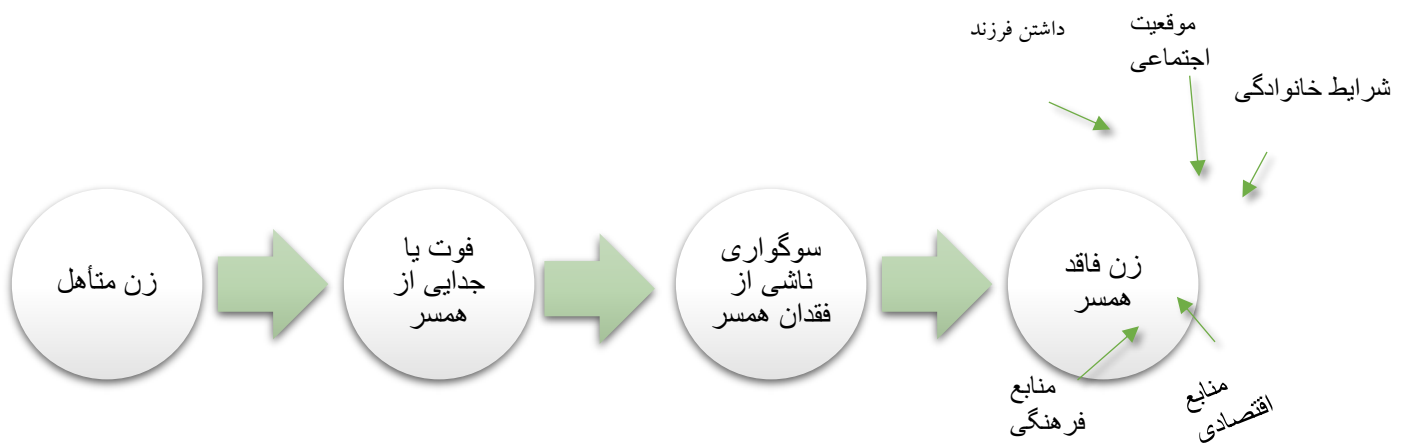
تهران

برای رسیدن به اعتمادپذیری و اطمینان، از مراجعه مکرر به مشارکت کنندگان، برای تأیید صحت داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها استفاده شد. همچنین با صاحب نظران و کارشناسان این حوزه، گفت-وگوهایی برای کسب اطمینان از یافته‌ها به‌عمل آمد. شایان ذکر است، اگرچه این پژوهش ادعایی بر تعمیم‌پذیری یافته‌ها ندارد، اما تلاش کرده‌است تا به معیارهای انتقال‌پذیری در روش کیفی نزدیک شود. از آنجا که رعایت اصول اخلاقی در پژوهش برای پژوهشگر یک وظیفه است، تلاش شده است برای رعایت اصول اخلاقی، نهایت دقت به‌عمل آید و در انجام تمام مصاحبه‌ها، میل و رغبت مشارکت‌کننده در نظر گرفته شود. رضایت آگاهانه، حوزه‌ای از رویه‌ها را در برمی‌گیرد که در هنگام مطالعه جوامع انسانی، لازم است اجرا شود. افرادی که در یک مطالعه مشارکت می‌کنند، لازم است از طبیعت پروژه پژوهشی آگاه شوند و پژوهشگر ناگزیر است رضایت آنان را پیش از مشارکت در پژوهش، به‌دست آورد (علیرضانزاد، ۱۳۹۶: ۱۵۵). همچنین در جریان تحلیل داده‌ها کوشش شده تا از هرگونه دخل و تصرف در یافته‌های پژوهش پرهیز شود.

### یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که، زنان متأهل با از دست دادن همسر مرحله اندوه و سوگواری را پشت سر می‌گذارند و گذراندن این مرحله، وجه اشتراک تمام آنان است؛ اما آنچه که زنان فاقد همسر را از هم متمایز می‌کند، مکانیسم جایگزینی آنان در موقعیت «زن همسر از دست داده» است. این امر تحت تأثیر موقعیت اجتماعی، شرایط خانوادگی، و دسترسی و کنترل منابع مادی و غیرمادی که در اختیار زن قرار دارد و نیز وجه مادری آنان است.

تصویر ۱: روند جایگزین شدن زن متأهل در موقعیت زن فاقد همسر



براین اساس می‌توان «زنان همسر از دست داده» را در گروه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

### ۱. بیوه‌های شاد (راضی)

گروهی از زنان فاقد همسر از قرار گرفتن در موقعیت «زن فاقد همسر» ناراضی نیستند و احساس رضایت از «خود» و زندگی دارند. در بین بیوه‌های شاد وجوه اشتراک و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. بیوه‌های شاد را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد.

### الف. بیوه‌های شاد حمایت طلب

این گروه از زنان عمدتاً به لحاظ اقتصادی و اجتماعی زنان مستقلی نیستند و با بهره‌گیری از حمایت‌های همه‌جانبه اطرافیان (اغلب پدر و مادر) زندگی خود را می‌گذرانند. زنان حمایت‌طلب از عدم استقلال ناراضی نیستند و امکان برخورداری از حمایت خانواده را به‌مثابه فرصت تلقی می‌کنند. شایان ذکر است که استفاده از مفهوم حمایت‌طلب تنها معطوف به حمایت اقتصادی نمی‌شود. نکته مهم این است که زنان حمایت‌طلب علاوه بر بهره بردن از حمایت اقتصادی، از حمایت‌های اجتماعی و عاطفی خانواده نیز برخوردارند. بیوه‌های شاد حمایت‌طلبی که در این پژوهش با آنان مواجه شدیم، همگی دارای فرزند بودند. به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌های این گروه از زنان، مادر بودن آنان است. در بین زنان مشارکت‌کننده که در گروه زنان حمایت‌طلب قرار می‌گرفتند، زن فاقد فرزند مشاهده نشد. به نظر می‌رسد که مادر بودن به زندگی آنان معنای خاصی داده و تداوم زندگی برای آنان با محوریت فرزند معنا می‌شود. در جریان مصاحبه‌ها، بیوه‌های حمایت‌طلب، عمدتاً اشاره می‌کردند که، داشتن فرزند و مادر بودن برای آنان به‌مثابه هدف و امید برای تداوم زندگی است. آنان به‌رغم این که عموماً فرزندان را حامی خود می‌دانستند، حضور آن‌ها را به‌مثابه توجیهی برای دریافت حمایت از خانواده نخستین عنوان می‌کردند. از این‌رو عجیب نیست که این گروه از زنان فاقد همسر را «حمایت‌طلب» نامیده‌اند؛ زیرا آنان برای برطرف کردن نیازهای فرزندان، از خانواده حمایت می‌گیرند و درعین پشتیبانی از فرزندان، از حمایت آنان نیز برخوردار می‌شوند. دریافت حمایت از فرزندان برای بیوه‌های شاد حمایت‌طلبی که در رده‌های پایین‌تر سنی قرار داشتند، غالباً به معنای حمایت عاطفی بود. اما برای زنانی که در رده‌های سنی بالاتری قرار داشتند مفهوم حمایت اقتصادی را هم در بر می‌گرفت. مریم در این زمینه می‌گوید: «فرزندم دلیلی برای ادامه زندگی است و بیشتر از این که من مراقب دخترم باشم او مراقب من است.» بیوه‌های شاد



حمایت‌طلب، در حالی که تمایل به بازگشت به دوران تجرد و عضویت در خانواده نخستین و برخورداری از امکانات خانواده دارند، ا مادر بودن خود را انکار نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که فرزند برای آنان به‌مثابه رهاوردی از دوران تأهل است. مشارکت‌کنندگانی که در این پژوهش در گروه بیوه‌های شاد حمایت-طلب طبقه‌بندی شدند، تمایل چندانی به ازدواج مجدد نداشتند و برخورداری از حمایت عاطفی و اقتصادی خانواده نخستین و فرزندان را برای ادامه زندگی خود کافی می‌دانستند. لازم به ذکر است که در این پژوهش زنان فاقد همسری که در گروه بیوه‌های شاد حمایت‌طلب طبقه‌بندی شدند، همه ساکن محله افسریه بودند. در بررسی ساختار سنی بیوه‌های حمایت‌طلب، رده‌های سنی مختلفی مشاهده شد.

#### **ب. بیوه‌های شاد استقلال‌طلب**

گروه دیگری از زنان فاقد همسر که پس از فوت همسر یا جدایی از او، به‌طور نسبی به ثبات و رضایت دست یافتند، «بیوه‌های شاد استقلال‌طلب» هستند. این گروه پس از خروج از موقعیت زن متأهل و سپری کردن دوران اندوه و سوگواری ناشی از فقدان همسر، معمولاً به دلیل در اختیار داشتن سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبتاً بالا، به موقعیت پایداری رسیده‌اند. آنان در شرایط جدید اجتماعی، توان ادامه زندگی و گذران زیست روزمره خود و فرزندان را دارند، این امر عامل نیل به استقلال در زندگی آنان شده است.

تلقی زنان استقلال‌طلب از مادری، صرف‌نظر از مسئولیت‌هایی که این نقش به همراه دارد، مانند یک افتخار است. آنان از مادربودن رضایت کامل دارند. در مطالعه تجربیات زیسته بیوه‌های استقلال‌طلب، مشاهده شد که آنان به‌طور معمول در زندگی، تجربه انکار مادری را نداشتند. آنان همواره مسئولیت

180.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

مادری را پذیرفته و از مادر بودن خود راضی هستند. بیوه‌های شاد استقلال طلب عموماً مادر بودن را برای خود به‌عنوان یک فرصت تلقی می‌کنند. آزاده که خود را با هویت مادر مجرد معرفی می‌کند، اعتقاد دارد که برای او مادر مجرد بودن یک استراتژی برای زندگی در جامعه است. او علی‌رغم این که مشکلات سرپرستی از فرزند را بدیهی می‌داند ولی هرگز به انکار مادری فکر نکرده است و مادر بودن را برای خود یک نقطه قوت می‌داند. بیوه‌های شاد استقلال طلب در عین رضایت از مادری و ایفای نقش مادرانه، برای آینده خود و فرزندان‌شان برنامه‌ریزی و چشم‌انداز مشخصی دارند. آنان توان مدیریت روابط خود با همسر سابق و یا خویشاوندان او، برای حفظ منافع فرزندان‌شان را دارند. آنان آینده خود را تنها در هویت مادری خود نمی‌بینند و روابط و موقعیت اجتماعی خود را در کنار مسئولیت مادری در نظر دارند. ذکر این نکته ضرورت دارد که مشارکت کنندگانی که در گروه بیوه‌های استقلال طلب طبقه‌بندی شدند، همگی ساکن منطقه عباس آباد بودند.

### ج. بیوه‌های شاد مقاوم

«بیوه‌های شاد مقاوم» در موقعیت زن فاقد همسر تثبیت شده‌اند و به دلیل دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از موقعیتی که در آن قرار دارند، راضی هستند. آنان عمدتاً هویت خود را با فعالیت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌کنند. بیوه‌های شاد مقاوم تمایل زیادی به کسب درآمد و دسترسی هرچه بیشتر به منابع اقتصادی دارند. بیوه‌های مقاوم عموماً به دلیل فشار ناشی از تحمل مسئولیت زندگی، در دوره‌هایی از زندگی خود، از داشتن فرزند احساس پشیمانی داشتند یا به نوعی این حس را تجربه کرده بودند. پروین معتقد است که "اگر فرزندم را به دنیا نمی‌آوردم برای خود او هم بهتر بود و درگیر مشکلات زندگی نمی‌شد. شایان ذکر است که این نوع از احساسات به معنای عدم علاقه به فرزند

یا دلزدگی از او نیست، بلکه بیشتر نشان‌گر گرانباری مسئولیت زنان مقاوم است. به نظر می‌رسد بیوه‌های مقاومی که دارای فرزند نیستند، از این بابت نگران نبوده و داشتن فرزند اولویت زندگی آنان نیست. شمیم در این زمینه می‌گوید که، «نداشتن فرزند برایم مهم نیست.» در مجموع می‌توان گفت که داشتن فرزند نقش چندانی در هویت این زنان و احساس موفقیت آنان ندارد. این زنان غالباً به دلیل احساس مسئولیت در برابر فرزند و حفظ امنیت و آرامش او تمایلی به ازدواج مجدد نداشتند. این امر در بین زنانی که فرزند دختر داشتند، بیشتر مشهود بود. این گروه از مشارکت‌کنندگان در پژوهش، همگی ساکن منطقه عباس آباد بودند.

## ۲. بیوه‌های غمگین (ناراضی)

این گروه از زنان فاقد همسر، به نوعی در نقطه مقابل بیوه‌های شاد قرار می‌گیرند و متشکل از زنانی هستند که پس از فقدان همسر در شرایط عزاداری و اندوه از دست دادن او (بر اثر طلاق یا فوت) باقی مانده‌اند. آنان از مرحله عزاداری و اندوه گذر نکرده‌اند یا گمان می‌کنند باید در این مرحله باقی بمانند. بیوه‌های غمگین هویت خود را در سوگواری و باقی ماندن در اندوه ناشی از فقدان همسر یا احساس برجاماندگی ناشی از طلاق بازتعریف می‌کنند. مشارکت‌کنندگانی که در این پژوهش، در گروه بیوه‌های غمگین طبقه‌بندی شدند، در مجموع دسترسی کمتری به منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشتند و در رده‌های سنی بالاتری قرار داشتند. عمدتاً زنانی که در این پژوهش در گروه بیوه‌های غمگین طبقه‌بندی شدند، ساکن منطقه افسریه بودند.

182.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

بیوه‌های غمگین خود را در نقش زن و مادر قربانی شده، می‌بینند. آنان عمده‌ترین تعبیری که از خود دارند را در شرح فداکاری‌ها و از جان‌گذشتگی‌های خود برای فرزندان و همسرشان ارائه می‌کنند. آنان بر این باورند که این فداکاری‌ها موجب عدم توجه و نادیده گرفتن خواسته‌های شخصی‌شان شده‌است. آنان در بیان تاریخچه زندگی خود، عموماً تعبیر «عمر از دست رفته» را ارائه می‌کنند. آنچه در بین این گروه از زنان مشهود است، احساس عدم دریافت نتیجه از فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌هایشان در زندگی نسبت به همسر و فرزندان‌شان است. بتول معتقد است: «من همه زندگیم رو گذاشتم برای بزرگ کردن بچه‌ها اما نتونستم بچه‌هام رو به جایی برسونم چون سواد کم بود. درآمد کم بود، نتونستم.» اشرف که از همسر خود طلاق گرفته، می‌گوید: «من یک حسرت و افسوس نسبت به عمری که تباه شد، دارم. من همیشه خودم رو رزمنده‌ای تصور کردم که از میدان برگشتم سر و لباسم پاره و خاکیه با غنیمت‌های شکسته». بیوه‌های غمگین به دلیل عدم برخورداری از حمایت خانواده نخستین و نیز عدم دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی، توان برنامه‌ریزی چندانی برای آینده خود و فرزندان‌شان ندارند. نگاه آنان به آینده خود و فرزندان‌شان بیشتر جبرگرایانه و تقدیرگرایانه است. بیوه‌های غمگینی که در رده‌های سنی بالاتر قرار دارند، عمدتاً از موقعیت فرزندان خود در زندگی رضایت ندارند. تلقی بیوه‌های غمگین از ازدواج مجدد بیشتر نوعی جفا و نامهربانی در حق فرزندان و همسر سابق آنان است. فاطمه در مورد ازدواج می‌گوید: «من اصلاً تو این مدت به ازدواج فکر نکردم. خدا یکی شوهر یکی. از فکر کردنش هم خوشم نیامد. دوست ندارم بچه‌هامو با ازدواجم اذیت کنم. اگر قسمتم بود شوهر داشته باشم اولی زنده می‌موند.»

۳. بیوه‌های سرگردان

این گروه از زنان فاقد همسر را زنانی تشکیل می‌دهند که بعد از خروج از موقعیت زن متأهل و سپری کردن دوران اندوه و سوگواری ناشی از فقدان همسر، در موقعیت زن فاقد همسر، به ثبات هویت دست نیافته‌اند. آنان همچنان سرگردانی و بی‌ثباتی ناشی از تغییر موقعیت را تجربه می‌کنند. شاید در این گروه بیش از هر گروه دیگری بتوان هویت زن همسر از دست داده را در مقام یک هویت موقعیتی مشاهده کرد. بیوه‌های سرگردان پس از سپری کردن دوران اندوه و سوگواری ناشی از فقدان همسر و جایگزین شدن در موقعیت زن فاقد همسر، بسته به موقعیتی که در آن قرار می‌گیرند، با ویژگی مادری به نحو متفاوتی برخورد می‌کنند. زمانی به شدت درگیر احساس مادرانه می‌شوند و زمانی آن را انکار می‌کنند. آنان به نوعی درگیر تعارض در باره «مادر بودن» هستند و غالباً در حالی که نسبت به فرزندانشان احساس مادری دارند، مادر بودن را انکار می‌کنند و فرزندشان را ترک می‌گویند. در بسیاری از موارد آنان سرپرستی فرزند را به پدر واگذار می‌کنند. آنان نسبت به فرزند، رفتارهای دوگانه‌ای از خود بروز می‌دهند. برای مدتی فرزند را تحت سرپرستی خود می‌گیرند، سپس او را به پدر بازمی‌گردانند و دوباره با احساس گناه برای پس گرفتن فرزند، با همسر سابق خود می‌جنگند. بسیاری از آنان از انکار مادری خشنود نیستند و معمولاً از احساس گناه ناشی از ترک فرزند رنج می‌کشند. در مواردی ادامه زندگی با این احساس گناه برای آنان میسر نیست و پس از مدتی مجدد سرپرستی فرزند را برعهده می‌گیرند. همچنین در بین این گروه از زنان دیده می‌شود که در همان حال که سرپرستی فرزند را برعهده دارند، گمان می‌برند که حضور او مانع ازدواج مجدد آنان است و از این بابت احساس ناخرسندی دارند. الهام در این مورد می‌گوید: «یک خلایی دارم. جلوی دخترم همیشه شرمندهام. دوست دارم درون خودم رو پر کنم چون من تنهاش گذاشتم. من نمی‌تونستم با شوهرم ادامه بدم. اگر ادامه می‌دادم خودکشی می‌کردم. احساس می‌کنم بچه‌ام زمانی که می‌رفته مدرسه زن بابا داشته. زن باباش هیچ وقت بهش صبحونه

184.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

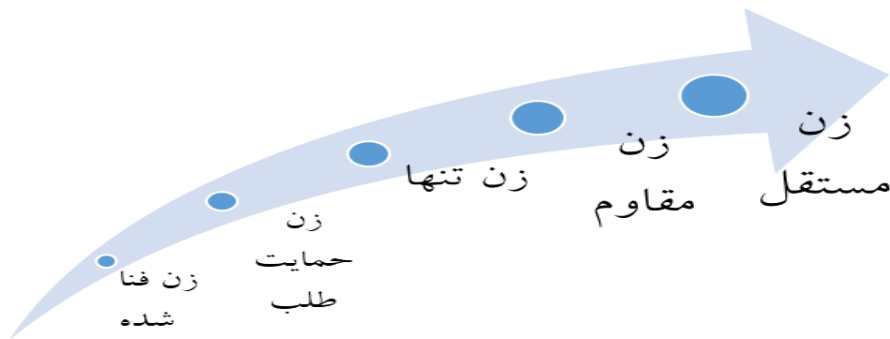
### تهران

نداده. ناهار نداده. احساس می‌کنم نبودم تو زندگیش. الان می‌خوام خیلی باشم.» بیوه‌های سرگردان تمایل زیادی به مهاجرت خود و فرزندان‌شان از کشور دارند. به نظر می‌رسد مهاجرت برای بیوه‌های سرگردان، نوعی تلاش برای دستیابی به هویت جدید است. شایان ذکر است که بیوه‌های سرگردان در هر دو منطقه عباس آباد و افسریه مشاهده شدند. در بین بیوه‌های سرگردان ساکن در محله افسریه، تمایل زیادی به تغییر محل زندگی و سکونت در محله‌های مرفه‌تر دیده شد. بیوه‌های سرگردان عموماً تمایل به ازدواج مجدد دارند. بیوه‌هایی که در این پژوهش در گروه بیوه‌های سرگردان طبقه‌بندی شدند، در رده‌های سنی پایین - تری نسبت به سایر زنان فاقد همسر مشارکت‌کننده در پژوهش قرار داشتند.

### پارادایم‌ها

در تجزیه و تحلیل تجارب زیسته‌ی زنان «همسر از دست داده» و با توجه به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ذکر شده، پنج پارادایم هویتی شناسایی شد که می‌توان آن را در شکل زیر به نمایش گذاشت. در یک سوی نمودار، پارادایم «مادر قربانی» با عدم توانایی در بازتعریف هویت مادرانه جدید براساس موقعیت زن فاقد همسر و در سوی دیگر، مادر مستقل با توان بالا برای رسیدن به ثبات هویتی و بازتعریف هویت مادرانه جدید براساس موقعیت زن فاقد همسر، جای گرفته‌است. در این طیف تغییر در عاملیت و امکان دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده است.

تصویر ۲: طیف نحوه بازتعریف هویت در زنان فاقد همسر



پارادایم‌های شناسایی شده در بازتعریف هویت زنان فاقد همسر و ویژگی‌های آنان

تصویر ۳

| مادر قربانی  | مادر حمایت طلب  | مادر سرگردان  | مادر مقاوم   | مادر مستقل   |
|--|---|---|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• عموماً در سنین بالاتری نسبت به سایر گروهها قرار دارند</li> <li>• عمدتاً از سطح تحصیلات پایین تری برخوردارند</li> <li>• اکثرآ شاغل نیستند</li> <li>• در هویت مادر سوگوار و قربانی باقی می مانند</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• در گروههای سنی مختلف قرار دارند</li> <li>• تحصیلات بالایی ندارند</li> <li>• معمولاً شاغل نیستند</li> <li>• هویت مادری را علیرغم تمایل به بازگشت به خانواده نخستین پذیرفته اند</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• عمدتاً در رده سنین پایین هستند</li> <li>• تحصیلات دانشگاهی دارند یا در پی کسب آن هستند</li> <li>• عمدتاً شاغل نیستند و تمایلی به اشتغال ندارند</li> <li>• در مواردی به انکار هویت مادری می پردازند و در مواردی به آن باز می گردند</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• عموماً در سنین میانسالی قرار دارند</li> <li>• تحصیلات دانشگاهی دارند</li> <li>• شاغل هستند و اشتغال یکی از مهم ترین جنبه های زندگی آنان است</li> <li>• هویت مادری برای آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار نیست</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• در رده های سنی میان سالی و جوانی قرار دارند</li> <li>• تحصیلات دانشگاهی دارند</li> <li>• موقعیت شغلی مناسبی دارند.</li> <li>• هویت مادری خود را پذیرفته و آن را عامل قدرت می دانند</li> </ul> |

### پاراادایم ۱ . مادر قربانی

این دسته از زنان «همسر از دست داده»، به دلیل عدم دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و در اختیار نداشتن حمایت از جانب خانواده نخستین، هویت خود را در فنا شدن برای فرزندان باز تعریف می کنند. آنان به دنبال دستیابی به پشتوانه حمایتی فرزندان در آینده بوده و در نقش قربانی باقی می مانند. تلقی مادر قربانی از هویت مادری، عمدتاً در قالب وظایف سنتی مادر است. او در شرایط فقدان همسر، توان باز تعریف هویت جدید مادر بدون همسر (مادر مجرد) را برای خود ندارد و در هویت مادری که



همچنان در اندوه از دست دادن پدر خانواده سوگواری می‌کند، باقی می‌ماند. مادر قربانی ازدواج مجدد را به دلیل احساس دلسوزی برای فرزندان و همسر فوت شده، انکار می‌کند و این امر نوعی استراتژی برای رسیدن به هویت قربانی است.

### پاراادایم ۲. مادر حمایت طلب

این دسته از زنان «همسر از دست داده» موقعیت مادر فاقد همسر را پذیرفته‌اند ولی به دلیل عدم دسترسی به منابع فرهنگی و اقتصادی، برای حمایت از فرزندان و گذران زندگی روزمره خود و فرزندانشان به دنبال کسب حمایت از خانواده نخستین خود هستند. این هویت در پی بلوغ فرزندان، در حمایت طلبی از آنان هم تداوم می‌یابد. «مادر حمایت طلب» هویت مادری خود را در کنار تمایل به عضویت مجدد در خانواده نخستین و برخورداری از مزایای این عضویت، حفظ می‌کند. این گرایش، نوعی استراتژی برای دریافت حمایت بی‌قیدوشرط از جانب خانواده نخستین است. مادران حمایت طلب عمدتاً تمایلی به ازدواج مجدد ندارند و برخورداری از حمایت خانواده و فرزندان را برای ادامه زندگی خود کافی تلقی می‌کنند. فرزندان در زندگی این زنان از چنان اهمیتی برخوردارند.

### پاراادایم ۳. مادر سرگردان

این دسته از زنان در موقعیت «زن همسر از دست داده» تثبیت نشده و براساس موقعیتی که در آن قرار می‌گیرند، هویت مادرانه خود را می‌پذیرند و یا آن را انکار می‌کنند. «مادر سرگردان» در جریان انکار و پذیرش هویت مادرانه، درگیر احساس گناه می‌شود. هویت «مادر سرگردان» در واقع هویتی موقعیتی است. این دسته از زنان در تلاش برای دستیابی به هویت تثبیت شده به اقداماتی از قبیل ادامه تحصیل، تلاش برای ازدواج مجدد و مهاجرت در داخل و یا به خارج از کشور، اقدام می‌کنند.

### پاراادایم ۴. مادر مقاوم

188.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

این گروه از زنان، موقعیت «زن همسر از دست داده» را پذیرفته و هویت مادرانه خود را انکار نمی‌کنند. اما نکته مهم آن است که مادری برای این زنان، مسئولیتی در کنار سایر مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی است و از اولویت برخوردار نیست. برای مادر مقاوم، پس از فقدان یا ترک همسر، مادر بودن الویت اول نیست بلکه دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز تثبیت شدن در موقعیت «زن موفق» در عرصه‌های اجتماعی اقتصادی از اولویت بیشتری برخوردار است. بدان دلیل که «مادر مقاوم» تمایلی به دریافت حمایت از خانواده نخستین ندارد و حتی در مواردی نقش حامی برای خانواده نخستین را هم ایفا می‌کند، در نتیجه او بیشتر از ایفای نقش‌های مادری در قالب زن مقاوم و سخت‌کوشی که ممکن است یکی از نقش‌های او مادری باشد، ظاهر می‌شود. این دسته از زنان ممکن است به ازدواج مجدد بیاورند اما این امر هم برای آنان از اولویت برخوردار نیست. اگر آن‌ها سرپرستی فرزند خود را به پدر، واگذارند به دلیل تمایل به غرق شدن هر چه بیشتر در نقش‌های اجتماعی و اقتصادی است.

### پارادایم ۵. مادر مستقل

در این پژوهش، «زنان مستقل» در کنار «زنان مقاوم» از نظر در اختیار داشتن منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بالاترین رده‌هایی که زنان می‌توانند به آن برسند، قرار دارند. «زنان مستقل» برخلاف «زنان مقاوم» کاملاً در موقعیت مادر فاقد همسر (مادر مجرد) تثبیت شده‌اند. آنان هویت خود را به‌عنوان مادر مجرد بازتعریف می‌کنند. این گروه همچنین برخلاف «زنان مقاوم» از حمایت مادی و غیرمادی خانواده نخستین خود برخوردارند. در عین حال «زنان مستقل» همانند «زنان مقاوم» شخصاً به منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی دسترسی دارند. نکته مهم آن است که برای این زنان، «مادر بودن» همانند قدرت تلقی می‌شود و می‌توان گفت که معمولاً حتی از ایفای نقش‌های اجتماعی، مهم‌تر است. حمایت خانواده نخستین به آنان اجازه می‌دهد که برای ارتقای شرایط خود و فرزند/فرزندان برنامه‌ریزی کنند. مادری برای آنان به تعبیر دوبار، حصار تن تلقی نمی‌شود. این گروه از زنان، علی‌رغم دریافت توجه از

سوی مردان، معمولاً در پی ازدواج مجدد نیستند. اگر آنان به ازدواج بیندیشند، احتمالاً به دلیل تمایل به داشتن فرزند است.

براساس کدگذاری گزینشی، می‌توان گفت که مقوله هسته «هویت پذیرفته شده مادرانه» مشارکت کنندگان در این پژوهش است. همچنین باید گفت که هیچ‌یک از این پنج پارادایم در هر دو منطقه مسلط نیست. با توجه به سن و منطقه محل زندگی زنان مشارکت‌کننده، می‌توان گفت در بین زنان ساکن محله افسریه در محدوده سنی بالای ۶۵ سال، هویت «مادر قربانی» مسلط است اما زنان جوان‌تر معمولاً در قالب هویت «مادر حمایت‌طلب» و «مادر سرگردان» به طور توأمان مشاهده می‌شوند. در محله عباس‌آباد در بین زنان مسن‌تر، هویت «مادر حمایت‌طلب» مسلط بود اما با جوان‌تر شدن زنان و افزایش تحصیلات و دسترسی آنان به جامعه، هویت‌های «مادر مقاوم» و «مادر مستقل» قابل مشاهده است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با تعمق در الگوواره‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت، هویت مادری برای «زنان فاقد همسر» به‌زعم جامعه‌شناسان کلاسیک صرفاً در برگیرنده ابعاد فیزیولوژیک و جسمانی نیست که پس از فوت همسر همچنان با رویه سابق ادامه یابد؛ بلکه یک برساخت اجتماعی است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی-اقتصادی زنان است. به تعبیر گیدنز، فرد با قرار گرفتن در شرایط مختلف و در موقعیت حوادث و اتفاقات ناگوار زندگی توان بازتعریف هویت خود را دارد. در واقع هویت فرد، بازتابی از زندگی‌نامه او است. زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، در جریان زندگی خود و تحت تأثیر منابع و امکاناتی که در اختیار داشتند و تجربیات زیسته‌ای که از سرگذرانده‌بودند، به باز تعریف هویت زنانه - مادرانه خود پرداختند. یافته‌های این پژوهش، نتایج تحقیقات نیدهی و بارتی پراب‌هاکر (۲۰۱۹) را، که نشان می‌دهد، مشکلات اقتصادی مهم‌ترین فشار روانی و عامل کاهش توان مدیریت مسئولیت و برنامه‌ریزی برای زندگی آینده فرزندان مادران فاقد همسر است، تأیید می‌کند. همه این زنان مادر نبودند اما آنان به مادری اندیشیده و

## تهران

در این باره تصمیم گرفته بودند. در واقع هویت مادرانه «زنان همسر از دست داده»، تحت تأثیر موقعیتی که در آن قرار می‌گیرند، باز تولید می‌شود. هیچیک از زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش که صاحب فرزند بودند، از مادر بودن ناراضی نبودند. آنان علی‌رغم مشکلات و مسئولیت‌هایی که مادر بودن برای آنان به همراه داشت، از داشتن فرزند خوشنود بودند. از نظر زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، بسته به موقعیتی که در آن قرار داشتند، مادری فرصت‌هایی برای دریافت حمایت عاطفی، اقتصادی و یا حتی احساس قدرت برای حضور در عرصه‌های اجتماعی به همراه داشت. تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، به نوعی دیدگاه دویچ را، که مادری نوعی امکان برای رسیدن به کمال برای زن است، (دوبوار، ۱۴۰۲: ۹۹)، تأیید می‌کند. اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کمترین توجه به مادری، در دو پارادایم «زن مقاوم» و نیز «زن سرگردان» مشاهده می‌شود. در پارادایم «زن سرگردان»، برگشت به مادری دیده می‌شود و در پارادایم «زن مقاوم»، مادری مهم‌ترین ویژگی زنانه تلقی نمی‌شود. شاید به‌طور کلی بتوان گفت که مشابه ایده جنکینز، نوعی از شکل‌گیری هویت جمعی مادری، حداقل در سه یا چهار پارادایم، مشاهده می‌شود. جنکینز معتقد است، از نظر جمعی، اشتراک در تجربیات یکسان زندگی، که ممکن است قویاً جسمانی باشند، نیز این امکان را برای جنسیت فراهم می‌آورد که اصلی از شکل‌گیری گروهی باشد (جنکینز، ۱۳۹۶: ۹۸). آنچه که در این پژوهش، «زنان همسر از دست داده» را در امکان بازتعریف هویت مادری از یکدیگر متمایز می‌سازد، میزان دسترسی آنان به منابع اقتصادی و نیز عناصر مدرن تحصیلات و اشتغال است.

## منابع

- ابوت پاملا و کلر والاس (1398) «جامعه‌شناسی زنان» منیژه نجم عراقی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- جنکینز، ریچارد (1396) «هویت اجتماعی»، مترجم: نازنین میرزاییگی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- خسروان، شهلا و همکاران (1392) «تجربه زنان بیوه سرپرست خانواده از تغییر نقش»، مجله تحقیقات کیفی در سلامت، سال دوم، شماره 1.

- دوبوار، سیمون (1402) «جنس دوم»، مترجم: قاسم صنعوی، چاپ دهم، تهران: انتشارات توس.
- ذکایی، محمدسعید و قاراخانی، معصومه (1386) «دختران جوان و تجربه زنانگی» (مطالعه موردی در میان دختران دبیرستانی شهر تهران) «مجله زن در توسعه و سیاست»، شماره 17.
- علیرضائزاد، سهیلا (1396) «اصول اخلاقی در پژوهش‌های اجتماعی» چاپ اول، گرمسار: دانشگاه آزاد اسلامی.
- غیاثوند، احمد و عرب‌خراسانی، سمیه (1396) «درک معنا و تجربه مادرانه از جدایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال 27، شماره 80.
- فریدان، بتی (1394) «رازوری زنانه»، مترجم: فاطمه صادقی و دیگران، چاپ دوم، تهران: نشر نگاه معاصر.
- کاستلز، مانوئل (1402) «عصر اطلاعات (قدرت هویت)» مترجم: احمدعلیقلیان، چاپ ششم، تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو.
- کرمانی، مهدی و همکاران (1392) «عوامل موثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره 3.
- گیدنز، آنتونی (1400) «جامعه‌شناسی»، مترجم: منوچهر صبوری، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (1394)، «تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)»، ناصر موفقیان، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- همتی، رضا و کریمی، معصومه (1397) «زنان مطلقه و تجربه سرپرستی خانوار (نمونه موردی زنان مطلقه سرپرست خانوار شهر فارس)»، پژوهش‌نامه زنان، سال نهم، شماره دوم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

192.... مادری و باز تعریف هویت «زنان همسر از دست داده»: مطالعه‌ای در منطقه عباس آباد و افسریه

تهران

-Evans,Martin(2011). Single Mothers In Malaysia,social Protection As An Exercise Of Definition In Search Of Solution: Institute Of Development Studies.

-Ghosh,shuvo(2015). Developmental and Behavioral Articles.

-Kotwal, Nidhi & Prabhaker,Bharti(2009).Problems Faced By Single Mothers,social science journal:Kamla raj.

-Martin,C.L. & Dinella,L.(2001). International Encylopedia Of The Social & Behavioral sciences.

-Van de wall,dominique(2011).Lasting Welfare Effects Of Widowhood in Mali, Washington:World Bank.

## Contents

|  |            |
|--|------------|
| <b>Investigating social factors affecting labor conflicts in the first Pahlavi period</b>  | <b>1</b>   |
| <i>Mahdi Jalali*</i>   |            |
| <b>Investigating factors affecting the marriage avoidance of youth</b>   | <b>39</b>  |
| <i>Mohsen Niazi, Shaho Rastegari*, Ali Farhadyan</i>   |            |
| <b>The tendency of women to turn to body management: cultural approaches, causes and challenges: "Study case: women of districts 1and 17of Tehran</b>  | <b>81</b>  |
| <i>Maryam Vahab, Mehrdad Navabakhsh*, Soroush Fathi</i>  |            |
| <b>Exploring the factors that influence the credibility of fake news within social media users</b>   | <b>101</b> |
| <i>Saeed Darvishi, Ebtessam Razavi Dinani*, Hourieh Dehghan shad</i>   |            |
| <b>Investigating Lived Experiences of Emergency Department Staff about Job Satisfaction and Influential Sociological Factors: A Study on 115 Emergency Medical Service Staff in Hormozgan Province</b> | <b>129</b> |
| <i>Alireza Sanatkhan*</i>  |            |
| <b>Motherhood and Redefining Women Without a Spouse's Gender Identity: a Study in Abbasabad And Afsaria District</b>   | <b>161</b> |
| <i>Mozhgan Boolouri*</i>   |            |

DOI: [10.71854/soc.2024-1126826](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126826)

## Investigating social factors affecting labor conflicts in the first Pahlavi period

Mahdi Jalali<sup>1</sup>

PhD Candidate of Sociology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

[0000-0002-2823-0890](https://orcid.org/0000-0002-2823-0890) 

### Detailed Abstract

#### Introduction

Industrial relations and labor conflicts are essential in managing societies in the contemporary period. Since labor is one of the most important actors in the industrial sector, paying attention to their relationships with other industrial actors can play a significant role in understanding macro changes in society.

The period of Reza Shah is considered an influential period in the contemporary history of Iran. These effects can be seen in different fields. One of these areas is the industry and industrial relations system. In this period, the industrial relations system was gradually being formed, and this system, which had emerged in Iran since the Qajar era, was taking a new form. Industrial relations actors (laborers, employers, and the government) have a decisive role in society. Employers drive the country's economy, and industrial production depends on their capital. Industrial production also depends on the labor force of laborers. Since laborers are one of the most critical actors in industrial relations, paying attention to their relationships with other industrial actors can play a significant role in understanding societal macro changes. Therefore, getting to know this stratum's formation and evolution process requires comprehensive research, which this research tries to do.

In Iran, only some studies have been conducted on industrial relations. Authors and researchers in this field have only limited themselves to defining industrial relations and expressing a few concepts close to industrial relations and have neglected to provide analytical relationships between variables. Although few studies have been conducted on industrial relations, especially labor conflicts in Iran, these few studies also indicate that industrial relations in Iran have been disturbed in different periods, and there are many labor conflicts.

There are various theories about industrial relations and labor conflicts. Based on the system approach, every group is composed of interdependent components that are interrelated and at the same time affect and are affected by the environment. The industrial relations system is an open system with a relationship with its environment and other systems. Finemore's industrial relations system is based on an open systems

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [Mahdi\\_jalali\\_aze@yahoo.com](mailto:Mahdi_jalali_aze@yahoo.com)



model that traces the links between the environmental factors that affect industrial relations actors and their goals and power bases, as well as the structures and procedures established to institutionalize and control conflict. The possible results of these processes are also included in the model, which feeds back to the environment and creates a continuous dynamic system.

Chalabi mentions social disorders that endanger social order. The emergence of social disorder affects other parts of the society. Social order/disorder can play an essential role in industrial relations. By combining Finemore's industrial relations model and Chalabi's model of social disorders, we can achieve a model that explains the labor conflicts in Reza Shah's period.

The research hypothesis is presented as follows: All kinds of social disorders in society seem to intensify labor conflicts.

### **Purpose**

Labor conflicts are an interdisciplinary topic that is placed in the field of industrial sociology. Labor conflicts in different periods of Iran require extensive research. This research aims to study labor conflicts in industrial relations during the first Pahlavi period. The researcher hopes to reduce the existing research deficiencies in the field by identifying the factors affecting labor conflicts in the Reza Shah period and help researchers and policymakers in the labor field to accurately understand the context and content of labor conflicts and industrial relations and discover practical and effective solutions.

### **Methodology**

We used the historical study method to understand the historical background of labor conflicts and their emergence over time. Historical research uses documents to explain the general and typical characteristics of historical phenomena and events and the reasons for their occurrence. Finally, according to the theoretical foundations of the research, an effort was made to provide a model for this course. The documentary method was used to collect information and data. Available books in this field, library archival documents, theses, and articles were among the sources used. The process was such that about 120 sources related to the research were first collected. Because some sources were first-hand sources, they were scientific and detailed documentation, and 27 books and articles were selected from other sources and used.

### **Results**

The research findings indicate that the number of industrial laborers is gradually increasing in this period. Despite wage increases in some factories, the general wages of industrial laborers remain low. The job security of the laborers could be improved. Although in some factories, the working environment conditions have relatively enhanced, and the working hours have decreased in some of them, the laborers do not have a good welfare state. Also, the labor law was not approved during this period, and there were no significant collective agreements. On the other hand, labor unions

and labor movements are severely suppressed, and this has caused a relative decrease in protests and strikes.

### **Conclusion**

The research results showed that normative, relational, symbolic, and distributive disorders affected the industrial relations of this period. Despite achieving some agreements and collective agreements, most conflict resolution processes still need to succeed. The government's centralism in all fields has caused protesting and striking workers to be arrested by the government and sentenced to prison, strikes and labor gatherings have been disrupted, and the labor exemplary system has been established. The inefficient and incomplete industrial relations system has caused employers to retrench and fire striking and protesting laborers. All these factors have caused the laborers to become alienated from their work and their work product and sometimes to engage in secret and underground activities.

**Keywords: Labor conflicts, First Pahlavi period, social disorders, employer, labor**

DOI: [10.71854/soc.2024-1130164](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1130164)

### Investigating factors affecting the marriage avoidance of young people


**Mohsen Niazi**

Professor, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan University,  
Kashan, Iran.

[0000-0001-7544-1028](https://orcid.org/0000-0001-7544-1028) 

**Shaho Rastegari<sup>1</sup>**

PhD of sociology, Kashan University, Kashan, Iran

[0009-0008-4982-9414](https://orcid.org/0009-0008-4982-9414) 

**Ali Farhadyan**

Assistant Professor, Department of Management and Economics, Faculty of Law  
and Economic Sciences, Kashan University, Kashan, Iran.

[0000-0001-7407-2662](https://orcid.org/0000-0001-7407-2662) 

#### Detailed Abstract

#### Introduction

Today, the changes in social and cultural structures have created new conditions and necessities for marriage and have led to apparent differences between the ways and structures of marriage in traditional and modern society. One of the most important developments is the Delay in the marriage age of young people. This phenomenon has been considered a social issue under the influence of society's structural and value changes on the one hand and the conditions of disorganization and disharmony of social systems on the other hand. Increasing the age of marriage and its social consequences is a phenomenon that is both the concern of the official guardians of society and the preoccupation of many families. However, the sensitivity of families to this issue has decreased slightly in recent years; without a doubt, Delay in the age of marriage in Iran has always been a subject of discussion and is considered a traumatic phenomenon from the point of view of many people in the society.

Apart from the mentioned concern, the age of marriage is usually considered as one of the essential indicators of assessing the level of health and physical and mental health of the people in the society, and this matter becomes more critical in a society that is still rooted in tradition. In developed Western cultures, employment and economic opportunities have been created by expanding partnering styles and socializing with the opposite sex. Premarital intercourse and sexual relations in Iran are also diverse, and a study by Azad Ermaki et al. (2013) introduced six types of premarital sexual relations in Iran. These types include free relationships, concubinage, girlfriend and boyfriend, cohabitation, anti-sexual relationships, and relationships based on fluid love. In recent years, The phenomenon of selective celibacy and loneliness has intensified in Iran and has become one of the essential socio-demographic issues of the country; the Delay in marriage of young people has

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: SHAHORASTEGARI@GMAIL.COM

become a social issue. Either from the point of view that the marriage of young people affects the fertility age and the demographic structure of the country or from the point of view that the decrease in the tendency to marry brings with it consequences such as permanent celibacy and other issues and social and psychological damages.

In traditional Iran, girls were married until the age of 18 and boys at the age of less than 25, but with the passage of time and the increase in the entry of women into the social, occupational, and academic fields, their acceptance of social responsibility, and the changing of the stereotypical view of this issue, we witnessed changes in the field.

### **Data & method**

Meta-synthesis is a method that examines the information and findings extracted from other qualitative studies with a related and similar topic. By providing a systematic approach for researchers through combining different qualitative research, metacombination discovers new and fundamental issues and metaphors, improving the current knowledge with this method. The target sample for meta-synthesis consists of selected qualitative studies based on their relationship with the research question. After searching in different databases, 123 related articles were identified. To choose suitable research that can be used in the meta-combination method, the articles were evaluated based on various parameters such as title, abstract, accessibility, content, and quality of research methods, and finally, twelve articles were selected to perform the meta-combination method. Figure (1) shows the search process. And atmosphere and selection of articles. From the 69 articles downloaded from scientific sites and resources, we graded the articles using the scoring table, removed the articles whose score was below 40, and placed the articles with a score of 40 and above in the above table. We finally reached 31 articles.

### **Result & Finding**

Factors affecting young people's tendency to live a single life are divided into five main concepts, each comprising categories. 1. Economic issues include the categories of marriage and living expenses, men's inappropriate employment status, women's financial independence, calculating the cost-benefit of marriage, and the economic-social base of the individual. 2. Another concept is the increase of risk in society, which is within the three categories of increasing the risk of marriage, anomie in society, and social fear. 3. Value changes, including modern lifestyle, decreased religiosity, unorthodox expectations, cultural changes, and attitudes towards marriage, are divided. 4. The prevalence of individualism includes hedonism, body management, psychological characteristics, and the psychological sphere of celibacy. 5. Social changes include the explosion of information and social communication, facilitation of sexual-emotional relationships with the opposite sex, social issues, family attitudes towards marriage, and an increase in education level.

### **Conclusion**

The entry of Iranian society into the modern world led to fundamental changes in the daily life and world of thought of Iranian people. According to Marshall Berman,

modernity smoked everything rigid and blew it up. in 20th century Iran, The change of attitude towards marriage and the institution of the family affected by these global waves of modernity has caused fundamental changes in the marriage statistics and population of the country. In the process of modernization, institutions find objectivity independent of actors. The complexity of the community management process causes problems that require attention to the future and predicting trends and processes. There is much empirical evidence in the field of the impact of marriage or celibacy on life satisfaction and happiness, and we see different statistics in this field.

Camp Dash and Damato Zeinazadeh (2014), Pincourt (2003), and Sones and Leifbro (2008) emphasize the positive impact of marriage on the mental health of people, while researchers close to the feminist trend are against this opinion and believe that The family is an institution that reproduces the patriarchal order in society, and women lose everything by accepting marriage, and social inequalities are reproduced.

Beck's concept of risk is based on the idea that modernization will create many problems, resulting in social institutions being reflective and forced into a self-evaluation process. Giddens believes that in the modern era, kinship relations, especially in the form of the nuclear family, are still crucial to most people, but these relationships no longer carry fully organized social bonds across time and space. The research results in the form of propositions such as increasing the risk of marriage, anomie, and immorality in society and increasing social fear and social distrust of the opposite sex, the role of the category of risky society. The research results in the form of concepts such as hedonism, body management, psychological characteristics, and the psychological sphere of celibacy have relied on the consistency of the idea of individualism in the tendency of young people to live a single life. According to Durkheim, with the increase in the size and density of the society, public conscience will become more common, and parallel to that, people will find more diverse tendencies. Also, these changes bring changes in the divine element, transcendence, and religion as an integrated system of beliefs. Therefore, with the introduction of reason, logic, and curiosity and their intervention in religious rules, they lose their original strength and power. According to Giddens, modernity leads to a process called "selective distance." This means that social relations are no longer dependent on specific places. Relationships with those who do not have a physical presence are more and more a feature of the modern world. Modernity also includes a related process known as "de-embeddedness." This process involves removing social relations from the local interaction fields and renewing them in unlimited time-space areas.


**Keywords: Single life, modernity, society, meta-synthesis, individualism**

DOI: [10.71854/soc.2024-1127414](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1127414)

**The tendency of women to turn to body management: cultural approaches, causes and challenges "Study case: women of districts 1and 17of Tehran 2020-2021"**

**Maryam Vahab**

Ph.D. Candidatw of Sociology. Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

[0009-0009-7320-1296](https://orcid.org/0009-0009-7320-1296) 


**Mehrdad Navabakhsh<sup>1</sup>**

Professor, Department of Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

[0000-0002-3028-7458](https://orcid.org/0000-0002-3028-7458) 

**Soroush Fathi**

Associate professor of Department of social sciences, West Tehran branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran

[0000-0002-4673-9594](https://orcid.org/0000-0002-4673-9594) 

## Detailed Abstract

### Introduction

The concept of the meaning of the body can be recognized through the passage of history and through the change of taste in human society. In our country, even though we have experienced entering the modern world, the subject of the body has retained its traditional status. Studies show that historically, compared to men, women have been more careful about their beauty and appearance and what they see and have shown more sensitivity and attention. This situation has recently increased in Iran, especially in urban areas such as Tehran and other big cities. From a cultural point of view, the body is of particular importance because the developments in various areas of our society have faced severe changes and the transition from traditional society to modern society. In recent decades, Girls and women have given the importance of physical fitness as a measure of body beauty serious attention, and the action to follow a diet to achieve physical fitness has caused concerns for some Iranian girls and women, but this has serious consequences that mental health and it has endangered their physical health. On the one hand, they are exposed to advertisements from the media, and on the other hand, they follow strict diets in pursuit of ideal weight. Being in this situation has caused many of them to face severe problems in the most sensitive period of their lives.

Therefore, the main question in this research's discussion of body management is: What are the cultural factors affecting women's body management? And what cultural dimensions affect women's tendency to body management?

The main goal of the research is to explain the sociological causes and cultural factors that have influenced women's approach to body management in recent decades in Iran. Other goals are to identify the impact of cultural factors such as religious beliefs,

---

1 Corresponding Author: [navabakhsh@srbiau.ac.ir](mailto:navabakhsh@srbiau.ac.ir)

commercial advertisements, and media consumption on women's approach to body management. It will be body management.

### **Theoretical framework**

Cultural anthropology studies human culture and society. It investigates the social and cultural differences and similarities of various societies.

Margaret Mead states that our societies train us to keep our bodies out of our minds. He emphasizes the necessity of understanding traditional values and structures, especially those related to the body. Shepherd and Locke introduce three perspectives on physicality in cultural and social anthropology. While Douglas speaks of the bodily origin of representation and Foucault of the body as a product of representation, phenomenology speaks of a process instead of the body as an object. Phenomenological approaches to the body in anthropology consider it a subject for research and analysis. Still, they also seek to develop a more dynamic research framework that tries to obtain a view of the body and the world in all its immediacy and mediation. Feminist sociological approaches, despite their diversity, have an essential commonality. So that the contexts, images, and evaluation of women about their bodies can be seen in the context of their problems in society and culture, the semantic system, or the language position that women display. Goffman believes that since primary impressions are essential in everyday life and encounters, the appearance that is visible to the person and to others can be used as signs to interpret the action, and as a result, "the body is not only It is a simple existence, but a practical means to cope with external situations, and facial expressions and body movements are the basic content of signs that our daily communication is conditioned by and so that we can interact with others in the production and reproduction of social relations and personal identity. To become a partner, we must be able to continuously and successfully monitor our face and body.

### **Research method**

This research is a survey type, and a self-made questionnaire was used to collect the data. Face validity was also used to check the validity level, and sociology and cultural studies experts helped in this field. The selected sampling method to obtain a representative research sample of 384 people was multi-stage cluster sampling, which was selected from different regions 1 and 17 sample size. In this formula, with a population of 1,188,811 people, a possible accuracy of about 5%, and assuming the highest dispersion of the studied traits, the sample size equals 384 people. By predicting the estimation error and the possible loss of the sample, 16 people were added to the sample size. Finally, 400 people were determined as the primary sample of the research. Data analysis after collecting the questionnaire, coding it, and extracting it was done by computer with SPSS software and version 25, based on the assumptions of the intended analysis. Further, the research findings were analyzed in two descriptive and inferential ways.

### **Findings**

The regression analysis findings regarding the research hypothesis show that the media consumption variable can significantly predict women's tendency to body management ( $p$ -value  $\geq 0.05$ ), so this positive and significant effect is estimated. The findings of the regression analysis regarding the research hypothesis show that the components of commercial advertisements can significantly predict women's tendency to body management ( $p$ -value  $\geq 0.05$ ), so this effect is for the three

components of media advertisements, external advertisements, and internal advertisements are estimated to be positive and significant, but not significant for the component of environmental advertisements ( $P\text{-Value} < 0.05$ ). The regression analysis findings regarding the research hypothesis show that the variable of religious beliefs can significantly predict women's tendency toward body management ( $p\text{-value} \geq 0.05$ ), so this effect is estimated to be negative and significant.

Therefore, if the component of religious beliefs increases by one standard deviation, we can predict that women's tendency to body management will decrease by 0.403 standard deviations.

#### **Discussion and conclusion**

In the end, the most influential cultural variables on women's tendency to body management are among the pre-intercultural variables related to the variables of media consumption, commercial advertising, and religious beliefs.

The influential variables also have an increasing effect on our cultural changes in interaction and efficiently affect various aspects of our lives, including women's attitudes toward body management.

**Keywords: body management, religious beliefs, media consumption, commercial advertising**




DOI: [10.71854/soc.2024-1130329](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1130329)

**Exploring the factors that influence the credibility of fake news within social media users**

**Saeed Darvishi**

Communication, Journalism and Media Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

[0009-0003-9950-4523](https://orcid.org/0009-0003-9950-4523) 

**Ebtesam Razavi Dinani<sup>1</sup>**

Communication Sciences Department, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

[0009-0004-6222-4621](https://orcid.org/0009-0004-6222-4621) 

**Hourieh Dehghan shad**

Culture and Media Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

[0000-0002-5966-0762](https://orcid.org/0000-0002-5966-0762) 

**Detailed Abstract**

**Main message of the article**

This article aims to highlight and present the key factors contributing to the credibility and acceptance of fake news in social networks and new media, ultimately enhancing users' media literacy.

**Research questions**

The study's central question is, "What factors influence the credibility of fake news among social network users?"

**The sub-questions**

1. What contextual factors influence the credibility of fake news?
2. What are the intervening factors that influence the credibility of fake news?
3. What causal factors influence the credibility of fake news?
4. What approaches can be used to deal with the credibility of fake news?
5. What are the consequences of the credibility of fake news?

**Method**

The research used a mixed exploratory approach, combining qualitative and quantitative methods to collect and analyze data. The participants in the qualitative portion of the study were experts in media and social communication sciences, such as university faculty, researchers, radio and television professionals, managers in charge of government media, individuals with master's and doctorate degrees in media studies, and seasoned journalists. The qualitative analysis was conducted using grounded theory and employed theoretical sampling techniques. Corbin and Strauss' 3-step coding method was utilized to analyze data gathered from "semi-structured" interviews conducted with experts in the field of social communication science. The quantitative section of the study focused on individuals who are Iranian active users

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [razavidinani@yahoo.com](mailto:razavidinani@yahoo.com)

of foreign social networking sites like Telegram, Instagram, Twitter, etc., as well as Iranian social networking sites such as Ita, Bale, Soroush, etc. who are active members in at least one of these networks. The researcher used the "available" sampling technique to quantify the study. A survey was used to collect user data in the quantitative part of the research. After testing the questionnaire, a total of 425 surveys were handed out. In this part, the quantitative data was gathered from 393 questionnaires that became the basis of the analysis. Based on Cochran's formula, an initial test was carried out on 10% of the sample size, which equated to 384 individuals. In this study, the data gathered from the semi-structured interviews was analyzed using the grounded theory approach, consisting of three stages: open, central, and selective. Initially, the interviews with experts in social communication sciences regarding the impact of fake news on social network users' trustworthiness were carefully examined. The initial analysis of the interviews was conducted through the method of "open coding." During the "central coding" stage of the interviews, the ideas developed during the open coding were carefully examined, and common themes were pinpointed. These themes were categorized into sixty concepts, and during the selective coding phase, they were further classified into "causal factors," "contextual factors," "intervening factors," "strategies to deal with fake news," and "consequences of fake news." Ultimately, a theoretical framework was established regarding the "factors that influence the credibility of fake news among users of social networks."

### **Findings**

This study identifies various factors contributing to the credibility of fake news, such as the lack of transparency from news sources, psychological factors, how news is presented visually, the frequency of fake news occurrences, and insufficient media literacy.

Other identified factors include the societal context, including cultural, social, political, and economic factors, a growing distrust in mainstream media, and the rapid spread of information through social media platforms. Factors that influence the credibility of fake news, such as "advancements in fake news production techniques," an "Unhealthy political atmosphere," and "source," have been identified.

The study also highlights the impacts of fake news, such as fostering societal conflict and discord, undermining democracy, decreasing civic engagement, fueling polarization, and deceiving the public.

"Methods for addressing fake news also involve promoting media literacy, transparency, and providing accurate information. Additionally, efforts can be made to enhance professionalism in the media industry, educate the public through mainstream media outlets, enforce regulations to oversee platform operations, and offer fact-checking resources to target audiences."

### **Conclusion**

Overall, studies indicate that having a low level of understanding about media is linked to a higher likelihood of falling for fake news, especially on social media sites. Findings from the numerical portion of the study showed that the average score for factors influencing how believable fake news is was around 49.2. This indicates that the respondents largely agree on the factors that affect the credibility of fake news. The statement that received the highest level of agreement from the respondents was

"Low media literacy among social network users impacts the believability of fake news," with an average rating of 4.38.

**Proposals**

- Using longitudinal surveys to assess the effectiveness of tactics employed in fighting misinformation involves studying the same individuals over a period of time.
- This study compares research findings on the factors impacting the trustworthiness of false information in Iran with similar studies in other nations. Analyzing the disparities and parallels between the outcomes of this study and foreign research can help determine the universal factors and those influenced by each country's cultural and national contexts.

This study offers solutions to combat fake news. Collaborating with news and media organizations, cyberspace policy groups, and non-governmental organizations focused on media literacy is crucial for implementing and evaluating the effectiveness of these suggestions in decreasing the credibility of fake news.

**Keywords: Fake news, Instagram, Media literacy, Social media**

DOI: [10.71854/soc.2024-1128938](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1128938)

## Investigating Lived Experiences of Emergency Department Staff about Job Satisfaction and Influential Sociological Factors: A Study on 115 Emergency Medical Service Staff in Hormozgan Province

Alireza Sanatkah<sup>1</sup>

Assistant professor, Department of sociology, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran,

[0000-0002-6663-7317](https://orcid.org/0000-0002-6663-7317) 

### Detailed Abstract

#### Objective and background

Health is among the essential aspects of life and is directly associated with the medical staff working at healthcare centers. Given that medical and emergency department staff are directly associated with health in society, their job dissatisfaction could affect service quality and patient recovery. Considering the studies conducted on job satisfaction, most of which have used a quantitative and survey method, it could be stated that identifying semantic perception and interpretation of emergency department staff about job satisfaction as well as finding influential factors and the way they give meaning to this phenomenon is among the primary points related to 115 EMS staff's job satisfaction in Iran. However, this point has not received significant attention in previous studies and requires further study and analysis. The present research considers 115 EMS staff in Hormozgan Province as the main actors and focuses on socioeconomic and cultural aspects as a reality. This research seeks to identify the socioeconomic and cultural factors affecting job satisfaction using an interpretive approach and analyzing employees' semantic system by delving into their inner experience and then providing a comprehensive analysis and interpretation. This study mainly aims to discover the semantic perception of 115 EMS staff regarding job satisfaction and influential factors in Hormozgan Province.

#### Methods

Given that the present research was conducted using a qualitative approach and grounded theory method, a purposive convenience sampling method was employed. The interviews continued until theoretical saturation was achieved. Attempts were made to discover the existing meanings in the data through systematic research. The identified meanings were placed into predetermined categories during the coding process. Finally, a paradigm model and then a theory limited to a specific reality were presented at higher levels.

The data collection process was thorough and meticulous. In-depth and semi-structured interviews, lasting approximately 1-2 hours, were conducted in the research field. The interview guide was flexible, allowing for additional questions based on the interview conditions and process. The participants volunteered for the interviews, providing their consent. This rigorous data collection process ensured that a comprehensive understanding of the 115 EMS staff's job satisfaction was achieved.

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [asanatkah@yahoo.com](mailto:asanatkah@yahoo.com)

All rights were explained to the participants at the beginning of the interview. Also, necessary explanations were provided regarding the research objectives, reason for recording the interview, and confidentiality of information and identity. The research progressed to reach theoretical saturation after interviewing the 18th participant. However, interviews continued until the 21st participant to ensure a new category remained the same. The participants included 21 individuals from 115 EMS staff in Hormozgan Province. The required data were collected using open and in-depth interview techniques, which were analyzed using fixed comparisons and theoretical coding (open, axial, and selective coding). Three methods of control or validation by members, analytical comparison, and audit technique were employed to evaluate research validity.

### **Results**

Causal conditions usually refer to those events and incidents that affect the phenomenon (Strauss and Corbin, 2014: 152, quoted by Akbari and Safari, 2018: 117). The present study's causal conditions lead to job satisfaction among 115 Hormozgan EMS employees. The main category of work difficulty, characterized by sub-categories of working hours and the occurrence of unexpected problems in the workplace, is considered among the causal factors by the participants. Moreover, unbalanced employee benefits, characterized by sub-categories of low salary and lack of balance between work difficulty and received benefits, is another causal condition. Job alienation, with sub-categories of poor organizational support, some stressful situations, mental problems in the face of accidents, and inability to show creativity and initiative in the emergency department, is considered among the most critical factors leading to job satisfaction. Intervening conditions facilitate or limit interactions and could mitigate or change causal conditions (Heidari et al., 2019:1-35). Violence and insecurity, characterized by sub-categories of increased violence, conflict between people and medical staff, and threats to families' mental health, were among the most essential intervening conditions. Unrealistic expectations are other intervening factors, defined by sub-categories of social ignorance towards emergency team's duties, unrealistic expectations, and failure in producing educational media. Strategies or actions- interactions are actions that deliberately take place to solve a problem and form a phenomenon. It is worth noting that strategies refer to what one does and says inside themselves (Heidari et al., 2019: 35-1). According to the participants, job support, characterized by sub-categories of salary equalization, reducing working hours, financial aid, and allocating low-interest loans, was among the most essential strategies or actions-interactions for raising job satisfaction. The other strategies introduced were providing a relaxing work environment and tools and facilities. Finally, the main categories of lack of motivation and apathy, working insufficiently, and failure to care for patients correctly were identified as consequences of job dissatisfaction.

**Keywords: Emergency department; Job satisfaction; Crisis management; Healthcare.**

**DOI:** [10.71854/soc.2024-1128416](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1128416)

## **Motherhood and Redefining of Women Without a Spouse's Gender Identity: a Study in Abbasabad And Afsaria District**

Mozhgan Boolouri<sup>1</sup>

Ph.D. and High School Teacher in Sociology, Tehran, Iran

[0009-0000-6386-1826](https://orcid.org/0009-0000-6386-1826) 

### **Introduction**

For women, motherhood is one of the main elements of identity formation and one of the main challenges of life. Being in the position of a woman who has lost her husband faces her with new experiences about "motherhood" and roles related to it. During the process of facing the phenomenon of missing a spouse, women without a spouse face new feelings and experiences related to their maternal identity. Therefore, it is essential to know how the maternal aspect of women without a spouse (due to death or divorce) affects the redefinition of their gender identity.

### **Review of the literature**

Martin Evans (2016) has addressed the issue of social support for single mothers. He classifies the problems faced by single mothers as follows: 1) guardianship of children, 2) low income, and 3) children's educational problems. Yuma Chakravarty (2013) has addressed the problems of women without a spouse in the field of employment and has concluded that the social norms confirming the behavior of women without a spouse are influenced by their beliefs and motherhood. Reza Hemmati and Masoumeh Karimi (2017) consider the main problem of divorced women to be guardianship of children without the support of their husbands.

### **Methodology**

In this research, I implemented the grounded theory approach. The participants in this research include twenty-one unmarried women who lived in the Afsarieh and Abbas Abad neighborhoods. The research tool was a semi-structured interview and observation. The participants in this research include twenty-one women without spouses who lived in the Afsarieh and Abbas Abad neighborhoods. Initially, the sampling method was purposeful, and gradually, by identifying categories and forming paradigms, it turned into theoretical sampling.

---

<sup>1</sup> Corresponding Author: [MozhganBoolouri@gmail.com](mailto:MozhganBoolouri@gmail.com)

## **Research findings**

The results of the research showed that after the grief period, what distinguishes women without a spouse is the mechanism of their replacement in the position of "woman who has lost her husband." social status, family conditions, and access and control of material and non-material resources available to women and their motherhood affect their position.

Therefore, "women who have lost their husbands" can be classified into the following groups:

### **1-Happy widows:**

A group of women without a spouse is not unhappy with being a "woman without a spouse" and is satisfied with "themselves" and life. There are similarities and differences among happy widows. Happy widows can be classified as follows:

#### **- Dependent happy widows**

This group of women is economically and socially dependent, and they live their lives by benefiting from the comprehensive support of those around them (mostly parents). dependent women are not unhappy with the lack of independence and consider the possibility of family support as an opportunity. The critical point is that the dependent women, in addition to benefiting from economic support, also have social and emotional support from the family. The dependent widows that we encountered in this research all had children. One of the characteristics of this group of women is their motherhood.

#### **- Happy, independent widows**

This group of women has reached a stable position, usually due to having relatively high economic, social, and cultural resources. In the new social conditions, they continue their lives and spend their daily lives with their children; this has become a factor in achieving independence. Independent women regard motherhood as an honor, regardless of this role's responsibilities. They are delighted with motherhood. They always accept the responsibility of motherhood and are satisfied with it.

#### **-Happy warrior widows**

"Warrior widows" have established themselves as women without spouses and are satisfied with their position due to access to economic, social, and cultural resources. They mainly define their identity by working in economic and social fields. Generally, having children does not play a significant role in these women's identity and sense of success.

### **2- Sad widows (dissatisfied)**

This group of women wanted more than being in the position of a woman without a spouse. They generally had less access to economic, social, and cultural resources. Sad widows are not able to plan much for the future of themselves and their children. Their view of their future and their children is more deterministic and fatalistic.

### **3-Wandering widows**

Wandering widows have not achieved identity stability as women without a spouse. They still experience wandering and instability caused by the change of position. Perhaps in this group, more than in any other group, the identity of the woman who has lost her spouse can be seen as a situational identity.

### **Paradigms**

We found Five paradigms in the analysis of the lived experiences of "lost spouse" women according to the categories and subcategories mentioned above.

#### **- Victim mother**

This category of "lost spouse" women redefine their identity by perishing for their children due to lack of access to economic, social, and cultural resources and lack of support from the first family. They are looking for support for their children in the future and remain in the role of victims.

#### **- Dependent mother**

This category of "lost wife" women has accepted the position of a mother without a husband, but due to their lack of access to cultural and economic resources, they seek support from their first family to support their children and live their daily lives. This identity continues after the children mature, in seeking support from them.

#### **- Wandering mother**

This category of women is not fixed in the position of "lost spouse," and based on their situation, they accept or deny their maternal identity. The "Wandering mother" is involved in guilt during the process of rejecting and accepting maternal identity. The identity of the "wandering mother" is situational.

#### **- warrior mother**

This group of women accepts the position of "lost spouse" and does not deny their maternal identity. However, motherhood is a responsibility for these women, along with other social and economic responsibilities, and it is not a priority. For warrior mothers, achieving economic and social progress and establishing themselves as "successful women" in social and economic fields are more important.

#### **- Independent mother**



"Independent mothers" are among the highest categories that women can reach regarding economic, social, and cultural resources. "Independent women" are completely established in the position of a mother without a spouse (single mother). They redefine their identity as single mothers. The important thing is that "being a mother" is considered power for these women.

### **Summary and conclusion**

By considering the patterns of this research, the conclusion is that the identity of a mother for "lost spouse women" does not only include physiological and physical dimensions that continue with the previous procedure after the loss of the spouse; Rather, it is a social construct that is influenced by the socio-economic conditions of women. The women participating in this research, in their life cycle and based on the resources and facilities they had and their lived experiences, redefined their female-maternal identity. The maternal identity of "women who have lost their spouses" is reproduced under their social situation. In this research, what differentiates "women who have lost their spouses" from each other in the possibility of redefining their maternal identity is their access to economic resources as well as modern elements of education and employment.

**Key Words: Motherhood, Divorcees, Widows, Redefine gender Identity.**

# *Journal of Sociological Researches*

*2024 (Autumn), Vol. 18, No.3*

*License: Islamic Azad University, Garmsar Branch*

*Director: Dr. Soheila Alirezanejad*

*Chief Editor: Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi*

*Executive Director: Dr. Soroush Fathi*

*Editorial Board:*

*Dr. Bagher Saroukhani, Professor, Tehran University, Tehran, Iran*

*Dr. Ali Akbar Farhangi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran*

*Dr. Mehrdad Navabakhsh, Professor, Islamic Azad University science & Research Branch, Tehran, Iran*

*Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi, Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran*

*Dr. Khadijeh Safiri, Professor, Alzahra University, Tehran, Iran*

*Dr. Mansour Vosoughi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran*

*Dr. Ali Reza Mohseni Tabrizi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran*

*Dr. Tahereh Mirsardoo, Associate Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran*

*Dr. Soheila Alirezanejad, Associate Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran*

*Dr. Soroush Fathi, Associate Professor, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran*

**ISSN: 1735-5516**

*This Magazine will be published in according to the 16th examination and approval commission of scientific magazines of Islamic Azad University, with the authority No 87/162342 dated 2004*

*Published by: Islamic Azad University, Garmsar Branch*  
*Address: P.O. Box 35818/144 Garmsar, Semnan, Iran, Tel: 0098232-*  
*4225009-12*

***Journal of Sociological  
Researches***

*Islamic Azad University, Garmsar Branch*

*2024 (Autumn), Vol. 18, No.3*